



عملیات بیت المقدس

«آزاد سازی خرمشهر»

به همراه لوح فشرده اسناد و مدارک عملیات در ۴۶۹ صفحه
فهرست اسناد در پایان کتاب

کتاب برگزیده در هفتمین جشنواره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس، سال ۱۳۸۳

سرتیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

ویراست دوم

۱۳۸۷

بختیاری، مسعود .
عملیات بیت‌المقدس و آزاد سازی خرمشهر / مسعود بختیاری، تهران: ایران سبز
۱۳۸۰.
شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۱۴-۶-۳-۳.
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- عملیات بیت‌المقدس.
۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- خرمشهر.
۳. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- نبردها.
الف. ایران. ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی.
ب. عنوان.
DSR ۱۶۰۶ / ب ۹
۰۸۴۳ / ۹۵۵
کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:
۵۱۱۵-۸۰م

نویسنده: مسعود بختیاری

ویراست دوم: ۱۳۸۷

چاپ اول: ۱۳۸۰

شمارگان: ۳۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۶۷۶۵

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۱۱۴-۶-۳-۳

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۵۱۳۴۴ نامبر: ۲۲۴۴۰۹۲۶ صندوق پستی ۱۷۱-۱۹۵۶۵

قیمت: ۶۰۰۰ تومان جلد سخت، ۵۰۰۰ تومان جلو شومیز

حق چاپ برای هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک تاریخ است.
آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن
هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

همکاران هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

برای کتاب «عملیات بیت المقدس»

سرپرست هیأت و شورای سیاست گذاری، بررسی اولیه و نهایی کتاب	سر تیپ ستاد ناصر آراسته
جانشین، عضو شورای سیاست گذاری، بررسی اولیه و نهایی کتاب	سر تیپ ستاد سیدحسام هاشمی
عضو شورای سیاست گذاری	سر تیپ ستاد اسدالله حیدری
عضو شورای سیاست گذاری	سر تیپ ستاد رضا خرم طوسی
امور فنی، آماده سازی، نشر نظارت بر چاپ	سر تیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا سر هنگ شعبانعلی ذوالفقاری
طرح جلد حروف نگاری و صفحه آرایی	حمید رضا خزاعی گروه بانیکم حامد خدمتی
نویسنده	سر تیپ ۲ ستاد مسعود بختیاری

فهرست

۸	معارف جنگ
۹	معرفی نویسنده
۱۰	پیشگفتار ویراست دوم
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: طرح ریزی عملیات
۱۹	بخش یکم: چگونگی و روند طراحی
۱۹	گام‌های نخستین
۲۱	ویژگی‌های زمین منطقه عملیات
۲۵	چگونگی گسترش کلی نیروهای عمده طرفین در منطقه قبل از آغاز عملیات
۲۷	انتخاب بهترین راه کار عملیاتی
۳۲	مأموریت قرارگاه کربلا
۳۳	منظورهای اساسی از عملیات بیت‌المقدس
۳۴	چگونگی انتخاب منطقه سر پل در غرب کارون
۳۸	تدبیر عملیات (مانور) طرح کربلا ۳
۴۲	مانور پیشنهادی ستاد مشترک ارتش
۴۷	بخش دوم: نیروهای شرکت کننده خودی در عملیات
۴۷	ارتش جمهوری اسلامی ایران
۴۷	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۴۷	ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی
۴۸	ملاحظات اساسی در بررسی نیروهای خودی
۴۹	برشماری یگانهای عمده ارتش
۵۰	برشماری یگانهای عمده سپاه
۵۱	سازمان رزمی قرارگاه‌های مشترک سه‌گانه
۵۱	بر شماری یگان‌های عمده پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی و عملکرد آنها:
۵۱	الف: پشتیبانی رزمی
۵۱	۱- توپخانه صحرائی
۵۳	۲- هوایروز
۵۳	۳- نیروی هوایی و پدافند هوایی
۵۵	۴- مهندسی رزمی
۵۷	۵- مخابرات
۵۸	ب: پشتیبانی خدمات رزمی

۵۸	۱- آماد
۵۸	۲- کمک‌های مردمی
۵۹	۳- مهمات
۶۰	۴- ترابری
۶۰	۵- خدمات بهداری
۶۲	بخش سوم: روش فرماندهی
۶۵	فصل دوم: نیروهای متجاوز
۶۷	بخش اول: استعداد و گسترش
۷۱	بخش دوم: شایستگی رزمی
۷۴	بخش سوم: فعالیت‌های عمده
۷۵	بخش چهارم: برآوردهای متجاوز
۷۹	فصل سوم: تهیه و آمادگی برای اجرای عملیات
۸۱	بخش اول: کلیات
۸۱	تغییر مکان یگان‌ها
۸۱	تعویض یگان‌ها
۸۲	توسعه وضعیت
۸۲	آماده سازی وسایل عبور از رودخانه
۸۳	آموزش عبور از رودخانه
۸۳	طرح پوشش فریب تاکتیکی (طرح عملیاتی امیرالمومنین (ع) در منطقه عمومی فکه)
۸۴	طرح عملیاتی یگان‌ها
۸۵	بخش دوم: آمادگی
۸۷	فصل چهارم: اجرا و هدایت عملیات
۸۹	بخش اول: مرحله اول عملیات
۹۵	اولین روز نبرد (۶۱/۲/۱۰)
۱۰۲	دومین روز نبرد (۶۱/۲/۱۱)
۱۰۳	بخش دوم: طرح پوشش و فریب تاکتیکی در عملیات
۱۰۴	سومین روز نبرد (۶۱/۲/۱۲)
۱۰۵	چهارمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۳)
۱۰۸	پنجمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۴)
۱۰۹	ششمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۵)
۱۱۰	هفتمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۶)

۱۱۱	بخش سوم: مرحله دوم عملیات
۱۱۱	هشتمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۷)
۱۱۵	نهمین و دهمین روز نبرد (۶۱/۲/۱۹ و ۱۸)
۱۲۱	بخش چهارم: بسوی خرمشهر
۱۲۱	یازدهمین روز نبرد (۶۱/۲/۲۰)
۱۲۴	بخش پنجم: ادامه تلاش‌ها برای رسیدن به خرمشهر
۱۲۴	دوازدهمین روز نبرد (۶۱/۲/۲۱)
۱۲۹	بخش ششم: در تکاپوی فتح خرمشهر
۱۲۹	طرح ریزی مجدد
۱۳۱	سیزدهم تا پانزدهمین روزهای نبرد (۶۱/۲/۲۴ تا ۲۲)
۱۳۶	شانزدهم تا بیست و یکمین روزهای نبرد (۶۱/۲/۳۰ تا ۲۵)
۱۴۰	بیست و یکم و بیست و دومین روز نبرد (۶۱/۲/۳۱ و ۳۰)
۱۴۸	بخش هفتم: خرمشهر ما می‌آییم
۱۴۸	نبرد در روزهای بیست و سوم تا بیست و ششم (۶۱/۳/۱-۴)
۱۵۵	وضعیت دشمن در آخرین لحظات در خرمشهر
۱۵۷	فصل پنجم: وضعیت جنگ پس از آزاد سازی خرمشهر
۱۵۹	بخش یکم: رخدادهای سیاسی-نظامی
۱۵۹	کلیات
۱۶۶	بخش دوم: پیام تاریخی امام(ره) به مناسبت فتح خرمشهر
۱۶۸	گفته‌های صدام حسین پس از شکست در عملیات بیت المقدس
۱۷۲	بخش سوم: خرمشهر در اسناد ارتش عراق
۱۷۲	مقدمه
۱۷۳	اسناد اقدامات دشمن در تجاوز و تخریب خرمشهر
۱۹۳	فصل ششم: تجزیه و تحلیل عملیات از دیدگاه اصول جنگ
۱۹۵	بخش اول: عملیات و اصول نُه گانه جنگ
۲۰۳	بخش دوم: دستاوردهای آموزشی
۲۰۵	نقشه‌ها و تصاویر
۲۴۱	فهرست اسناد در لوح فشرده همراه این کتاب
	منابع
۲۵۱	نمایه

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از باز یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاریها، ایثارگریها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیأت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشته‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده‌اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر سه دانشگاه افسری زمینی، هوایی و دریایی به اجرا در آمده و تا زمان چاپ این کتاب ادامه دارد و به یاری پروردگار ادامه خواهد داشت.

هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»



معرفی نویسنده سرتیپ ۲ مسعود بختیاری

متولد سال ۱۳۲۰ در تهران، در سال ۱۳۳۸ وارد دانشکده افسری، در سال ۱۳۴۱ با رسته توپخانه فارغ التحصیل و در سال ۱۳۷۹ پس از ۴۱ سال خدمت به افتخار بازنشستگی نائل آمد.

مشاغل پس از بازنشستگی

مدرس دانشگاه‌های افسری آجا، مدرس دانشکده فرماندهی ستاد و مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی، عضو هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

امتیازات

اخذ نشان درجه ۳ فتح

چهره برگزیده ماندگار اندیشه و قلم در ارتش جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۸۳
برنده بهترین کتاب‌های دفاع مقدس در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲
چهره برگزیده ملی در هشتمین جشنواره شهید رجایی ۱۳۸۳
چهره ماندگار رسته توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در همایش سال ۱۳۸۷

تألیفات

کتاب هنر جنگ ویژه آموزش دانشکده افسری، تعدادی آیین نامه نظامی در مورد مسائل ستادی و عملیاتی، کتاب عملیات طریق القدس، کتاب عملیات بیت المقدس، جزوات آموزشی برای هیأت معارف جنگ و ارائه دهها مقاله در همایشها و نشریات و رسانه‌های ارتباط جمعی در ارتباط با علوم نظامی و دفاع مقدس.

دوره های آموزشی

دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه عالی دفاع ملی و دوره‌های متعدد آموزش دیگر تخصصی در داخل و خارج از کشور

پیشگفتار ویراست دوم

گردآوری، تدوین و انتشار تجارب و خاطرات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر فرهنگی، حماسی، تخصصی و تاریخی و انتقال به ویژه ایثارگریهای ملت رشید و قهرمان پرور ایران اسلامی و رزمندگان سلحشور و با غیرت این سرزمین به نسلهای بعدی یکی از آرزوها و اهداف اعتقادی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی بود.

هیأت معارف جنگ با بررسی اسناد و مدارک موجود، تحقیقات میدانی و ثبت و ضبط خاطرات رزمندگان شرکت کننده در عملیات مختلف، مجموعه با ارزش و قابل اطمینانی را برای تدوین تاریخ عملیات عمده فراهم آورد و این امر خطیر از آغاز بنیان گذاری هیأت معارف جنگ در سال ۱۳۷۳ تا روز شهادت آن سرباز پاک نهاد ادامه یافت.

پس از شهادت وی، یاران هم‌رزم او با هدف تکمیل اقدامات نیمه تمام و تحقق اهداف و آرزوهای آن امیر خستگی ناپذیر به ادامه راه و تکمیل کار با همان شیوه ای که او دنبال می کرد پرداختند و حاصل بخشی از این اقدامات، کتابهایی است که از طریق هیأت معارف جنگ تهیه و منتشر می شود.

در راستای اقدامات مذکور کتاب حاضر، تاریخ نظامی عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر از چگونگی طرح ریزی تا هدایت و اجرای این نبرد می باشد که در اثر زحمات فوق العاده زیاد استاد ارجمند امیر سرتیپ ۲ مسعود بختیاری که از یاران دانشمند و مورد اعتماد شهید صیاد شیرازی به عنوان افسر عملیات قرارگاه مرکزی کربلا بوده به رشته تحریر درآمده است. ضمن قدردانی از این اثر گران قدر، آرزو داریم در عرصه تاریخ نظامی این کشور کهن، این کتاب برای ایشان باقیات صالحاتی وزین، تا قیامت، در پیشگاه الهی محسوب گردد.

پس از چاپ اول، استقبال فراوانی از طریق گروههای مختلف به عمل آمد و نظرات گوناگون جمع آوری گردید. هیأت معارف جنگ تصمیم گرفت که کتاب را توسط مؤلف و کارشناسان نظامی مورد بررسی مجدد قرار دهد. در این بررسی تا حد ممکن ابهامات محتوایی و ایرادات شکلی کتاب بدون تغییر در متن اصلی بر طرف شد و سرانجام کتاب برای چاپ دوم آماده گردید. بدیهی است دریافت نظرات و انتقادات صاحب نظران و کارشناسان نظامی و همچنین بیان خاطرات زوایای ناگفته، می تواند به غنای هر چه بیشتر کتاب در چاپهای بعدی کمک نماید.

این کتاب به طور اخص برای استفاده پژوهشگران و مورخان هشت سال دفاع مقدس و بهره گیریهای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دوره های عالی نظامی تدوین گردیده است. هر چند که برای عموم علاقه مندان نیز قابل بهره برداری می باشد.

هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

مقدمه

ویژگی‌های نبرد بیت‌المقدس

نبردی که با رمز (طرح عملیات کربلا ۳) طرح ریزی و به نام عملیات بیت المقدس با شرکت یگانهای عمده از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای بسیج مردمی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و همچنین پشتیبانیهای نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش از تاریخ دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خردادماه ۱۳۶۱ بمدت ۲۶ روز در جنوب غربی اهواز انجام گرفت یکی از درخشانترین کارنامه های عملیاتی نیروهای مسلح ایران بر علیه متجاوز بشمار می رود که علاوه بر پایان دادن به ۱۹ ماه اشغال نظامی قسمتی از حساس ترین نقاط خوزستان، ضربه ای قاطع به نیروهای متجاوز عراق و توان و میل جنگجویی او وارد آورد.

دست آوردهای نظامی و سیاسی این نبرد بسیار عظیم، و به حق میتوان گفت که با پایان گرفتن نبرد بیت المقدس، جنگ ایران و عراق وارد مرحله جدیدی گردید، مرحله ای که عراق در وضعیت انفعالی و نیروهای مسلح ما در موضع قدرت نظامی قرار گرفته و برای وادار ساختن متجاوز به پذیرش تمامی شرایط ایران برای خاتمه جنگ، به نبردهای برون مرزی پرداختند.

عراق در پی آمد این عملیات، بدرستی دریافت که دستیابی به اهداف توسعه طلبانه و تجاوز کارانه اش در ایران با توسل به قدرت نظامی و تهاجم و تجاوز مسلحانه، امری غیر مقدور بوده، و ناگزیر از چشم پوشی از آن است و بی دلیل نیست که بیست روز پس از پایان این عملیات رژیم عراق تحت تأثیر ضربه کمر شکنی که این شکست بر ارتش او وارد آورده بود و بیم از آسیب پذیری بیشتر در مقابل تهاجمات گسترده تر نیروهای مسلح ما، ناگزیر، با عنوان کردن حسن نیت و صلح طلبی خود در آستانه تشکیل کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، و لزوم آمادگی برای نبرد با اسرائیل به مناسبت اشغال جنوب لبنان، آتش بس یک طرفه اعلام کرده و دست به عقب نشینی ناقص و حساب شده ای از سایر مناطق اشغالی زده و شکست خفت بار خود را در این نبرد و بویژه از دست دادن خرمشهر، یک اقدام تاکتیکی با عقب نشینی اختیاری بیان نمود.

عراق پس از برافروختن آتش جنگ بین دو کشور همسایه و تهاجم گسترده نیروهای خود به ایران و اشغال مناطق وسیعی در غرب کشور، که در پاره ای از نقاط مانند خوزستان، دارای ارزشهای استراتژیکی فراوان بودند سران رژیم حاکم بر عراق فاتحانه بطرح دعاوی بی اساس پرداخته و حتی چشمداشتهای ارضی خود را در مناطق اشغال شده بویژه خوزستان با عنوان (تکلیف سرزمینهای غصب شده اعراب که روشن شده است) مطرح نمودند. در چنین وضعیتی، کاملاً مسلم بود که ایران برای احقاق حق خود باید نیروهای متجاوز را فقط با اعمال قدرت نظامی از سرزمینهای اشغالی بیرون بیاورد و گرنه با چنین دشمنی که با طرح دوباره اختلافات فیصله یافته، چشم طمع به حق حاکمیت مشروع و قانونی ایران بر سرزمین خود دوخته بود و در شرایط ضعف قدرت سیاسی و نظامی کشور ما و دست به گریبانی با انبوهی از مشکلات داخلی و خارجی، فرصت را مغتنم دانسته و توسل بزور و جنگ را وسیله ای برای کسب امتیاز و باجگیری قرار داده بود، طبیعی است که تا در جایگاه برتری قدرت نظامی قرار داشت از این موضع قدرت جز برای تحمیل خواسته ها و نظرات خود بر ما، استفاده نمی کرد. در مواردی از این قبیل، حل اختلافات فی مابین و احقاق حقوق حقه از طرق مسالمت آمیز و مذاکره و گفتگو، تا موقعیکه متجاوز از موضع برتری قدرت به زیر کشیده نشده و حداقل در شرایط مساوی قدرت با کشور

مورد تجاوز قرار نگرفته باشد، هیچ نتیجه ای جز اتلاف وقت و حرف زدن از موضع ضعف نداشته و حاصلی جز گردن نهادن به شرایط تحمیلی او ندارد.

در این صورت بدیهی است که برای محو آثار تجاوز و احقاق حقوق قانونی و وادار ساختن متجاوز به توقف تجاوز و رعایت حق حاکمیت کشوری که مورد هجوم و اشغال قرار داده است بدون هیچگونه قید و شرطی، و جبران خسارتهای وارد به او، در شرایط موجود جهانی که مجامع حقوقی بین المللی، در اثر اعمال فشار ابر قدرتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و صنعتی قادر به دادخواهی مظلومین و دفع ظلم نیستند، تنها راه چاره در مقابل تجاوز، عقب راندن و انهدام نیروهای اشغالگر می باشد تا بتوان در نشست و مذاکره با متجاوز برای احقاق حق خود، از موضع ضعف به موضع قدرت یا حداقل تساوی تغییر مکان داد.

با در نظر گرفتن چنین واقعیت ملموسی بود که نبرد بیت المقدس در ادامه یک سلسله عملیات آفندی کوچک و بزرگ قبلی، منتها این بار با ابعادی وسیع تر، بمنظور انهدام هر چه بیشتر توان رزمی و میل جنگجویی متجاوز و کشاندن او به موضع انفعالی سیاسی و نظامی و آزادسازی خرمشهر که بصورت یک هدف ملی در آمده بود طرحریزی و اجرا گردید و همانگونه که پیش بینی شده بود نتایج سرنوشت سازی را در صحنه سیاسی و نظامی جنگ تحمیلی ببار آورد. ویژگیهای عملیات بیت المقدس نسبت به نبردهای پیشین و پسین، در طول هشت سال دفاع مقدس را می توان در زمان کوتاه آمادگی، وسعت منطقه، مدت مداومت، عملیات تهاجمی با عبور از رودخانه برای اولین بار، تعداد زیاد اسرا، شدت تلفات و خسارات وارده به دشمن، اهمیت و ارزش مناطق آزاد شده و بالاخره دست آوردهای سیاسی، نظامی و روانی آن خلاصه نمود.

طرحریزی و آمادگی برای اجرای نبرد بیت المقدس بلافاصله بعد از عملیات فتح المبین آغاز و با سرعت و بدون وقفه ادامه یافت و یکماه پس از خاتمه عملیات فتح المبین بمرحله اجرا درآمد و این فاصله زمانی بین دو نبرد بزرگ، با توجه به فواصل زمانی چند ماهه بین پایان یک عملیات و آغاز عملیات دیگر (که معمولاً به منظور آمادگی مجدد نیروها و فراهم نمودن تدارکات لازم) بصورت امری اجتناب ناپذیر و متداول در جنگ تحمیلی در آمده بود، ضمن نشان دادن توانمندی ما در سرعت آمادگی برای گشایش جبهه جدید در زمانی کوتاهتر از آنچه برآورد می شد، همچنین به عنوان یک عامل غافلگیر کننده سرنوشت ساز به کار برده شد.

انتخاب منطقه نبرد بیت المقدس با وسعتی در حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع، از نظر مساحت در طول جنگ تحمیلی نظیر نداشت و با توجه به مساحت مناطق آزاد شده در عملیات ثامن الائمه، طریق القدس و فتح المبین باید گفت منطقه بیت المقدس بیش از چهل برابر منطقه عملیاتی ثامن الائمه، ده برابر منطقه نبرد طریق القدس و دو برابر منطقه عملیات فتح المبین بوده است.

عملیات بیت المقدس با ۲۶ روز مداومت عملیاتی، یکی از طولانی ترین نبردها در طول جنگ تحمیلی به شمار می آید. تداوم ۲۶ روزه عملیاتی نیروهای ما در اجرای آفندهای مکرر و متقابل و تحمل دلیرانه پاتکهای سنگین و متعدد دشمن و دفع آنها، نشان دهنده قصد قطعی و اراده استوار رزمندگان جمهوری اسلامی ایران برای کسب پیروزی، تأمین هدفها و به ویژه آزادسازی خرمشهر بوده و نمونه بارزی از تلاشهای خستگی ناپذیر جنگجویان سلحشور، در نبرد بر علیه متجاوز به شمار می رود.

نیروهای ما، با طرح و اجرای عملیات تهاجمی با عبور از رودخانه، که یکی از مشکلترین و پیچیده ترین عملیات رزمی چه از نظر طرحریزی و چه از نظر اجرا بوده و نیازمند به تدارک تجهیزات ویژه برای عبور از رودخانه و همچنین

مستلزم قبول خطرات بسیار است، کارآمدی خود را نشان دادند آنهم عبور از رودخانه در مقیاس وسیع (بیش از ۵ لشکر) و این در حالی بود که طراحان عملیاتی و یگانهای ما برای اولین بار عملیات عبور از رودخانه را عملاً و در شرایط جبهه و جنگ تجربه می کردند، فلذا این عملیات را از سایر نبردها و حتی نبردهای بعدی از نوع آبی خاکی (که با تهیه وسائل و تجهیزات ویژه بسیار و زمان طولانی طرحریزی صورت گرفت) متمایز میسازد.

در مورد ارزش و اهمیت اهداف این عملیات و مناطقی که آزاد گردیدند بایستی از دو منظر ارزشهای تاکتیکی و استراتژیکی به قضایا نگاه کرد.

هدف استراتژیکی ایران بطور کلی در جنگ تحمیلی عبارت بود از ارائه توانمندی و توانائی های رژیم جمهوری اسلامی ایران در منکوب کردن دشمنان و سرکوب کردن تجاوز نظامی بخاک ایران و بالاخص بجای خود نشانیدن رژیم بعثی عراق و تنبیه او. این هدفهای استراتژیکی در شرایط اعلام شده ایران برای پایان جنگ، خلاصه می گردند.

بدیهی است که هر یک از نبردهای انجام شده در طول جنگ، در راه دستیابی به این اهداف استراتژیکی و با شکست مواجه کردن اهداف استراتژیکی خصم صورت گرفت. با توجه به شرایط و توانائی های ما و اوضاع و احوال حاکم بر جنگ، این حرکت در مسیر وصول به هدفهای استراتژیکی، ناگزیر گام بگام و تدریجی بوده و هر نبرد توانسته است کم و بیش بخشی از این اهداف را تأمین و یا همانطوریکه قبلاً اشاره شد برای تسهیل در مسیر حرکت بعدی برای وصول به آن، مؤثر باشد.

هدف استراتژیکی اولیه ما در ابتدا، بیرون راندن متجاوز از مناطق اشغالی و به شکست کشاندن استراتژی او در تهاجم به خاک ایران بود. در یکسال و نیم اول دوران جنگ، تلاش نیروهای ما متوجه حصول این منظور بود که با اجرای یک سلسله عملیات آفندی کوچک و بزرگ که بلافاصله پس از متوقف کردن نیروهای دشمن آغاز شد تقریباً با اجرای عملیات بیت المقدس، این هدف تأمین گردید و رویاهای توسعه طلبانه رژیم عراق از طریق توسل به زور و جنگ و اشغال نظامی سرزمینها و تحمیل خواسته های خود به ایران، به یأس مبدل گردید.

نبرد بیت المقدس بزرگترین گام در این مرحله بشمار می آید که دستاورد استراتژیکی این عملیات در هم شکستن استراتژی عراق برای بدست آوردن کنترل کامل آبراه اروندرود و تثبیت حاکمیت حقّه ایران در رودخانه اروند و شمال خلیج فارس بوده است.

ایران دارای نزدیک به ۱۲۰ کیلومتر کرانه بر رودخانه مرزی و مشترک اروندرود و همچنین بندرگاههای بزرگی چون خرمشهر و آبادان در کناره این آبراه می باشد و این امر اعمال حاکمیت ملی و مشروع ما را در امتداد خط مرز مشترک در این رودخانه امری اجتناب ناپذیر می سازد.

دعاوی رژیم های حاکم بر عراق مبنی بر این که ایران دارای هیچگونه حاکمیت و حقوق بر این رودخانه نیست یکی از میراثهای شوم و نکبت بار سیاستهای استعماری انگلستان در خاورمیانه بود که با هیچ یک از موازین و قوانین معتبر و شناخته شده بین المللی نه مطابقت و نه مشابهتی دارد لذا بر ما واجب می نمود که حقوق قانونی، مشروع و تاریخی ایران را در این رودخانه مرزی حفظ و نگهداری نمائیم، فلذا آزادسازی خرمشهر که عراق آنرا بمنظور برقراری حاکمیت و تسلط کامل خود بر اروندرود به تصرف در آورده بود (وتلاش او برای ورود به جزیره آبادان بی ثمر ماند) بعنوان یک تکلیف و وظیفه تاریخی برای نیروهای مسلح ما بشمار می آمد که با نبرد بیت المقدس این منظور انجام، و نقشه های توسعه طلبانه متجاوز نقش بر آب گردید.

هدف دیگر نبرد بیت المقدس، انهدام نیروهای خصم برای کاهش هر چه بیشتر توان رزمی او و قرار گرفتن ایران در موضع برتری قدرت رزمی نسبت به عراق بود که در نتیجه تحمیل اراده بر او را میسر و ممکن می ساخت. با توجه به استقرار بیش از ۶ لشکر دشمن در منطقه این نبرد، در صورتیکه نیروهای ما به تلاشی کردن قسمت عمده این نیروها توفیق می یافتند و با در نظر گرفتن ضایعات و خسارات و تلفاتی که عراق از بدو جنگ تا کنون و بویژه در نبردهای ثامن الائمه، طریق القدس و فتح المبین، متحمل شده بود، توان رزمی ارتش متجاوز شدیداً کاهش می یافت و احتمالاً به بیش از ۵۰٪ کل توان جنگی او بالغ می شد و مقدرات و توان پدافندی او را نیز به نحوی چشمگیر تقلیل می داد.

اگر چه، در پایان این نبرد ماشین جنگی عراق علیرغم دریافت ضایعات و خسارات بسیار سنگین بمدد خریدهای تسلیحاتی کلان و کمکهای مستقیم و غیر مستقیم متحدین باز هم آماده بکار بود اما اثرات این نبرد در کاهش توان ارتش عراق بقدری محسوس بود که متجاوز ادامه اشغال سایر مناطق متصرفی را جایز ندانسته و از سر ناچاری و ترس از انهدام کامل نیروهای خود، نیروهایش را در اکثر نقاط جبهه به حوالی خطوط مرزی عقب کشیده و مشی نظامی خود را از این به بعد، پدافند از مرزها و مناطق خود اعلام نمود. به این ترتیب در پیامد عملیات بیت المقدس تقریباً تمامی مناطق اشغالی دشمن آزاد گردید و لذا اهداف استراتژیکی ما، مبنی بر بیرون راندن متجاوز از مناطق تحت اشغال جامه عمل بخود پوشید.

یکی دیگر از هدفهای طرحریزی شده در این عملیات که دارای ارزش استراتژیکی و تاکتیکی توأم محسوب می گردید وصول نیروهای ما به کرانه شرقی شط العرب در منطقه بصره و تهدید این شهر بود. با توجه به ارزش و اهمیت این شهر که دومین شهر مهم عراق از لحاظ موقعیت، جمعیت، وسعت و وجود مراکز اقتصادی و صنعتی بشمار آمده و بزرگترین و مجهزترین شهر بندری این کشور محسوب می گردد. روشن است که تهدید و یا تأمین این شهر چه اثر قاطع و سرنوشت سازی را در جنگ ایران و عراق ایفاء می نمود و موفقیت در این امر چه شمشیر برنده ای را در وادار ساختن رژیم عراق به پذیرش شرایط پیشنهادی جمهوری اسلامی برای صلح، در اختیار ایران قرار می داد.

چنانچه عملیات آفندی نیروهای ما در این نبرد بعللی که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت، علیرغم غافلگیر کردن اولیه عراق، از دور نمی افتاد و نیروهای ما می توانستند به هدفهای استراتژیکی طرحریزی شده خود در داخل عراق دست یابند. شاید احتمالاً سرنوشت جنگ چیزی جز آن بود که بعداً ادامه یافت و به همین دلیل است که به ارزش واهمیت این هدف طرحریزی شده در نبرد بیت المقدس اشاره می شود.

ویژگی دیگر عملیات بیت المقدس در مقایسه با سایر عملیاتها، تلفات و خسارات وارده به دشمن و بویژه تعداد اسرای اوست. در این عملیات نزدیک به نوزده هزار نفر از نیروهای دشمن به اسارت در آمده و برابر برآورد و اطلاعات موجود بااحتمال بسیار زیاد آمار کشته شدگان و مجروحین دشمن از مرز سی هزار نفر فراتر رفت.

در این عملیات از نیروهای دشمن جمعاً به استعداد بیش از دو لشکر پیاده و زرهی تقریباً بطور کامل منهدم شدند. و بالاخره یکی دیگر از ویژگیهای دیگر عملیات بیت المقدس نتایج سیاسی- نظامی آن است. در بیان این نتایج همین قدر کافی است گفته شود که بسیاری را عقیده براین است که دست آوردهای نبرد بیت المقدس زمینه مناسب و کافی را به سود ایران برای خاتمه دادن به جنگ فراهم آورده بود.

منصفانه نیست که تلاشهای رزمی نیروهای مسلح ایران از پدافند یا آیندهای کوچک و بزرگ از بدو جنگ تا نبرد بیت المقدس را که همگی در زمینه استراتژی دفع تجاوز عراق و بیرون انداختن او از مناطق اشغالی، نقشهای ارزنده و

حساس داشته اند و بویژه عملیات ثامن الائمه و طریق القدس و فتح المبین را که در حقیقت زمینه ساز اصلی اجرای نبرد بیت المقدس بوده اند از نظر دور بداریم.

عملیات بیت المقدس با نتایج چشمگیر سیاسی و نظامی خود بویژه آزادسازی خرمشهر و تهدید شرق بصره ، حیثیت و اعتبار نیروهای مسلح ما را در جهان افزایش داد و کارشناسان نظامی جهان را وادار ساخت که شایستگی رزمی رزمندگان ما را مورد تأیید قرار دهند. عبور سریع و غافلگیرانه نیروهای ایران از رودخانه کارون و تصرف سرپلی وسیع در منطقه اشغالی دشمن به مساحت بیش از ۷۰۰ کیلومتر مربع در زمانی کوتاه ، به عنوان یکی از برجسته ترین عملیات نیروهای ما ثبت گردیده است و بخش های حساس و ارزشمندی از خاک میهن، با ایثار و از خود گذشتگی غیر قابل تصور فرزندان غیور و بلند همت این سرزمین از لوٹ وجود دشمن پاک گردید.

در حالی که اکثر یگانهای عراقی که در منطقه نبرد بیت المقدس وارد عمل شده بودند توان رزمی خود را از دست داده و هزاران نفر کشته و مجروح و اسیر از خود بجای گذارده بودند، رئیس رژیم حاکم بر عراق این بار نیز مانند پایان عملیات فتح المبین این شکست خفت بار خود را عقب نشینی تاکتیکی قلمداد نمود.

فصل اول

طرح ریزی عملیات

بخش یکم

چگونگی و روند طرح ریزی عملیات بیت المقدس

گام‌های نخستین

طرح ریزی عملیات برای آزادسازی مناطق اشغالی غرب کارون و خرمشهر عملاً موقعی آغاز شد که عملیات فتح المبین با سرعت به پایان موفقیت آمیز و درخشان خود رسیده بود.

عصر روز هشتم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ فرمانده نیروی زمینی از دو نفر افسران عملیات ستاد خود خواست که راه کارها و پیشنهادهای خود را برای آفند به دشمن در منطقه غرب کارون به وی ارائه نمایند.

لازم به یادآوری است که پس از نبرد ثامن الائمه (ع) که منجر به شکست نیروهای عراق در شرق کارون گردید و محاصره آبادان شکسته شد نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنابر تمایل و سیاست تعدادی از مسئولان سپاه، تدبیر نظام و علاقه فرمانده نیروی زمینی ارتش به حضور و مشارکت کامل و فعالانه‌ای در صحنه جنگ ایران و عراق یافته بودند که به تشکیل نوعی قرارگاه مشترک ارتش و سپاه، در سطح بالای فرماندهی انجامیده بود، در اواسط مهرماه سال ۱۳۶۰ به منظور آزادسازی مناطق اشغال شده در خوزستان سه عملیات آفندی در مقیاس وسیع در سه منطقه مجزا در این صحنه عملیاتی از یک سری عملیات احتمالی در کل جبهه‌های جنگ در اولویت اجرا قرار گرفتند که بنام طرح‌های کربلا معروف شده‌اند و پس از بحث و بررسی فراوان در مورد تقدم و تأخر اجرای هر یک، کار طرح ریزی آنها شروع شد. این طرح‌ها و مناطق عمل هر یک به ترتیب عبارت بودند از طرح کربلا ۱ در دشت آزادگان (بعدها بنام عملیات طریق القدس)، طرح کربلا ۲ در غرب رودخانه کرخه (بعدها بنام عملیات فتح المبین) و بالاخره طرح کربلا ۳ در غرب رودخانه کارون (بعدها بنام عملیات بیت المقدس) و البته بعداً طرح دیگری بنام کربلا ۴ که در ادامه طرح کربلا ۳ و در حقیقت کامل کننده طرح کربلا ۳ در شرق بصره بود بنام عملیات رمضان اجرا گردید.

قرار بر این بود که کار طرح ریزی هر سه این عملیات (یعنی کربلا ۱ و ۲ و ۳) همزمان آغاز شود ولی به سبب تراکم و حجم کار و تمرکز تلاشها برای طرح ریزی و اجرای عملیات طرح کربلا ۱ که در تقدم یکم و طرح کربلا ۲ که در تقدم دوم قرار گرفته و همزمان بر روی آنها کار می شد و همچنین کمبود افسران عملیات در قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب، کار طرح ریزی عملیات طرح کربلا ۳ عملاً و به طور جدی و تا پایان عملیات فتح المبین مقدور نشد اگر چه توسط گشتیهای اعزامی شناسایی های مختصر و محدودی از دشمن و فعالیت‌هایی که در غرب کارون انجام می گرفت که میتوانست زمینه ساز اطلاعاتی برای طرح آتی کربلا ۳ قلمداد شود.

همانطور که در بالا اشاره شد، در هشتم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ بنا به دستور فرمانده نیروی زمینی ارتش اولین نشست رسمی و عملی در حضور ایشان و با شرکت جانشین فرمانده نیروی زمینی، افسر اطلاعات و دو نفر افسر عملیات برای تعیین خطوط کلی عملیات آفندی آتی (طرح کربلا ۳) عملاً در دستور کار بررسی و اقدام قرار گرفت. راه کارهای کلی که در این جلسه به فرمانده نیروی زمینی ارائه گردید عبارت بودند از:

۱. تک از شمال به جنوب، از جبهه رودخانه های کرخه کور و نیسان با هدف وصول به جفیر، کوشک و طلایه و

سپس ادامه پیشروی به سوی خرمشهر.

۲. تک از شرق به غرب با عبور از رودخانه کارون، با هدف گسستن جبهه دشمن از وسط و تجزیه آن به دو بخش شمالی و جنوبی و سپس احاطه منطقه جفیر در شمال و شهر خرمشهر در جنوب. در این نشست مشکلات راه کار یکم با توجه به استحکام مواضع پدافندی دشمن و نامناسب بودن زمین برای گسترش و مانور نیروهای خودی (به‌ویژه آنکه در مبدأ عملیات که به علت آبگرفتگی های مصنوعی شمال رودخانه کرخه کور فاقد فضای مانوری کافی و مناسب بود)، عمق زیاد هدفها و محدودیت تجهیزاتی یگانهای زرهی برای اجرای عملیات در چنین منطقه باز، عمیق و وسیعی مورد بررسی قرار گرفت و همچنین مشکلات راه کار دوم که متضمن عملیات عبور از رودخانه کارون بود به طور اجمالی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و قرار بر این شد که بررسیهای دقیق تر به منظور پیدا کردن راه کار مناسب و نهایی سریعاً انجام گیرد و تهیه طرح عملیات مربوط به آن بلافاصله شروع شود.

در این جلسه فرمانده نیروی زمینی تدبیر خود را سرعت در طرحریزی و تهیه مقدمات و آمادگی به منظور شروع هر چه زودتر عملیات اعلام نمود. بر اساس تدبیر یاد شده، فرصت به خود آمدن دشمن از ضربه سنگینی که در فتح المبین دریافت کرده بود، داده نمی شد و بالمآل بنوعی غافلگیری می انجامید.

ذکر این نکته ضروری است که به هنگام طرحریزی عملیات فتح المبین و قبل از اجرای آن از سوی سپاه پیشنهاد شده بود که به منظور اغفال دشمن یا در حقیقت به عنوان یک عمل پوشش و فریب تاکتیکی، در منطقه سلمانیه در جنوب دارخوین نیرویی به استعداد یک تیپ پیاده سپاه پاسداران (با استفاده از عدم حضور نیروهای عراقی در کرانه غربی رودخانه کارون) از رودخانه مزبور عبور و ضمن تصرف سرپل کوچکی در این قسمت، تظاهر به تک نموده و با این عمل دشمن را در دو جبهه تحت فشار قرار دهند.

این پیشنهاد مورد مخالفت جدی تعدادی از افسران عملیات قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب قرار گرفته و نهایتاً رد گردید؛ زیرا که این عمل با توجه به استعداد نیروی شرکت کننده و فقدان نیروهای تقویت و آتش پشتیبانی کافی و سایر مسائلی از این قبیل، پیروزی احتمالی به دست آمده به سرعت توسط دشمن سرکوب می گردید و اصولاً عملیاتی در چنین ابعاد و آن هم به فاصله بیش از ۲۰۰ کیلومتر از جبهه فتح المبین نمی توانست اثری در آن جبهه داشته باشد و متقابلاً سبب می گردید که توجه دشمن به این منطقه جلب و نیروهای پدافندی خود را که در فاصله چند کیلومتری ساحل دور رودخانه سازمان داده بود به کرانه نزدیک آن منتقل و ضمن آنکه با یک پاتک سریع و قوی، نیروهای عبور کننده ما را به علت قلت سازمان و پشتیبانی براحتی منهدم می نمود آن غافلگیری را هم که ما برای آینده در عبور از کارون به آن دل خوش کرده بودیم از دست می دادیم.

به هر حال با اقامه دلایل کافی و توجه به وضعیت و مقدورات خودی، و مقایسه آن با امکانات دشمن در ساحل غربی، سپاه پاسداران از انجام آن منصرف گردیده و غافل نگاه داشتن دشمن از هر گونه قصد احتمالی ما در آینده عبور از رودخانه کارون مورد تأکید قرار گرفت.

روز نهم فروردین ماه سال ۶۱ با وجود آنکه هنوز هیچ گونه طرحی برای عملیات آتی مصوب نشده بود، مع هذا چون منطقه کلی عملیات تقریباً مشخص بود، قرارگاه عملیاتی کربلا (قرارگاه مشترک عملیاتی نیروی زمینی و سپاه پاسداران) به منظور سرعت در کار که از تدابیر فرمانده نیروی زمینی بود با صدور یک دستور جزء به جزء ضمن اعلام پایان عملیات کربلا ۲ و اینکه به لشکر ۷۷ پیاده خراسان و تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد دستور داده شده بود که پدافند از مناطق آزاد شده در عملیات فتح المبین را در خط ارتفاعات تینه عهده دار گردند به سایر یگانهای شرکت کننده در نبرد

فتح المبین (لشکرهای ۲۱ پیاده و ۹۲ زرهی و تیپ های ۵۵ هواپرد ، ۵۸ ذوالفقار ، ۳۷ زرهی و گروههای توپخانه ، هوانیروز ، یگانهای مهندسی و همچنین نیروهای سپاه پاسداران) دستور داد که به مناطق تجمع تعیین شده در جنوب اهواز و شرق کارون نقل مکان نمایند.

ویژگیهای زمین منطقه عملیات

با توجه به اینکه منطقه عمومی غرب کارون در حد فاصل اهواز - خرمشهر تا سواحل رودخانه اروند در شرق بصره از دیدگاه نظامی، در مباحث قبلی تاریخ جنگ تحمیلی در خوزستان، به طور مفصل تشریح گردیده است، لذا از تکرار آن خودداری و فقط به منظور یادآوری و توجیه، به اختصار به ویژگیهای زمین منطقه این نبرد اشاره می کنیم. منطقه‌ای که عملیات کربلا ۳ برای آن طرح‌ریزی گردید در محدوده رودخانه های کرخه کور و نیسان در شمال، رودخانه کارون در شرق، خرمشهر و اروند رود در جنوب و بالاخره کرانه های هورالعظیم و شط العرب از حوالی نشوه تا بصره (در خاک عراق) در غرب، قرار داشت و وسعت آن به بیش از ۸۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می شد. (نقشه شماره ۱/ صفحه ۲۰۷ منطقه عمومی جنوب غربی اهواز - خرمشهر را نشان می‌دهد، منطقه نبرد عملیات طرح کربلا ۳ در کادر مشخص گردیده است).

زمین منطقه به‌طور کلی صاف و هموار و تقریباً فاقد برجستگی است. مسطح بودن زمین انواع حرکات پیاده و خودرویی را تسهیل نموده و به‌جز در نخلستانهای مجاور کارون و اروندرود و جنگلهای مصنوعی حوالی ایستگاه راه آهن آب تیمور در شمال شرقی ، منطقه دارای دید و تیر عالی و فاقد اختفاء و پوشش است.

موانع منطقه که در حرکات و مانور یگانهای تک و ر ایجاد اختلال و گاهی بازدارندگی می‌کنند پاره ای طبیعی یا مصنوعی ولی دائمی هستند مانند رودخانه‌های کارون ، کرخه کور ، نیسان ، شط العرب ، مرداب هورالعظیم و کانالهای مصنوعی آبیاری و پرورش و تکثیر ماهی در شرق بصره (در عوض عملیات پدافندی را تسهیل می نمایند).

دسته ای دیگر از موانع طبیعی این منطقه فصلی هستند مانند نهر و هور شادگان در شمال آبادان و بالاخره موانع دیگر منطقه که توسط نیروهای متجاوز و به‌منظورهای پدافندی در منطقه ایجاد شده بود و طبعاً در اجرای عملیات طرح کربلا ۳ تأثیر فراوان داشتند، مانند خاکریزهای احداث شده توسط دشمن، میادین مین بسیار وسیع، مواضع مستحکم پدافندی و به‌ویژه آبگرفتگی‌ها مصنوعی به‌وجود آمده در جنوب غربی اهواز و شمال رودخانه کرخه کور.

نظر به اینکه در سایر مدارک مربوط به جنگ تحمیلی در مورد این آب گرفتگی ها به‌ویژه در مباحث مربوط به عملیات شش ماهه اول جنگ در خوزستان به تفصیل سخن گفته شده است و لذا در این جا فقط به خلاصه ای اکتفا می شود.

در اواخر سال ۵۹ به منظور تقویت پدافند نیروهای خودی و اتکاء آن به یک مانع قابل اطمینان و همچنین عقب راندن نیروهای متجاوز تصمیم گرفته شد با احداث سد تعجیلی روی رودخانه کرخه و همچنین با پمپاژ آب از رودخانه کارون در مناطق جنوب غربی اهواز نوعی سیل مصنوعی و آب گرفتگی در مواضع و مناطق تحت اشغال دشمن، جاری و ایجاد شود.

از این اقدام، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ، ستاد جنگهای نامنظم دکتر چمران و سازمان آب و برق خوزستان، تعدادی از نظامیان و پاره ای مقامات غیر نظامی مؤثر در تصمیم گیری های نظامی طرفداری نمودند ولی در عوض فرمانده وقت نیروی زمینی یعنی سرتیپ ظهیرنژاد شدیداً با این طرح مخالفت و حتی آن را عملی مغایر با شئون نظامی ارتش ایران می دانست که مشروح این مطالب در بخش مربوط به آب گرفتگی ها بیان گردیده است.

به هر جهت، در اسفندماه سال ۱۳۵۹ طرح جاری ساختن سیل مصنوعی مذکور به مرحله اجرا درآمد به این ترتیب که با پمپاژ آب از رودخانه کارون و انتقال آن به یک کانال مصنوعی از محلی به نام دغاغله در شمال اهواز، آب از مسیر این کانال تا حوالی آبادی دبّ حردان در جنوب غربی اهواز هدایت شده و از این به بعد در دشت هموار جریان یافته و مواضع و مناطق اشغالی نیروی متجاوز را در بر می گرفت.

همچنین با احداث یک سد خاکی کوچک تعجیلی روی رودخانه کرخه کور در محلی به نام اژرک و چهار طاق، آب کرخه کور به دشت جنوب غربی اهواز سرازیر شده و آب گرفتگی را که در بالا به آن اشاره شد وسعت می بخشید. روی رودخانه کرخه یک سد خاکی تعجیلی بزرگ با صرف تلاش و هزینه هنگفت در محلی به نام جرگه سید علی (غرب شهر حمیدیه) ساخته و پرداخته گردید که آب کرخه را وارد یک کانال مصنوعی نموده و کمی پایین تر، آب در مناطق جنوبی رودخانه بین حمیدیه تا سوسنگرد جاری گردید.

همان طور که اشاره شد، هدف اصلی از این کار تقویت پدافند نیروهای خودی در این مناطق و دور کردن تهدید عراق از شهرهای حمیدیه و اهواز بود که با جاری شدن آب ناگزیر از تغییر مکان به عقب بود و حتی انتظار می رفت و خوشبینانه هم برآورد گردیده بود که در اثر جریان آب و مداومت آن، تمامی منطقه غرب کارون تا اروند رود را آب گرفته و متجاوز ناگزیر از ترک مناطق اشغالی وسیع خود از اهواز تا شرق بصره خواهد بود.

اما در عمل به علل مختلف که اهم آنها عبارت بودند از: اقدامات جالب و پیشگیرانه دشمن در مقابله با این آب اندازی، مثل ایجاد خاکریزهای محکم سیل برگردان و هدایت آب به نقاط دیگر و یا پستی و بلندیهای نامحسوس که عملاً در زمین، موجود، ولی در نقشه‌های نظامی قابل تشخیص نبود و اصولاً نقشه هیدروگرافی منطقه تهیه نشده بود، بنابراین آب گرفتگی مناطق، مطابق برآورد و پیش بینی های انجام شده از کار درنیامد و دشمن بحدی که انتظار می رفت به عقب رانده نشد و فقط از مناطق شمال کرخه کور (آن هم نه در همه جا) به کرانه جنوبی این رودخانه تغییر مکان داد و در جنوب غربی اهواز هم چند کیلومتری عقب تر نشست و به طور خلاصه از نظر عقب راندن دشمن به پشت خط مرز و تا رودخانه اروند آن نتیجه ای را که انتظار می رفت به بار نیاورد.

به هر حال با آنکه ایجاد مانع آبی که پاره ای از نظامیان با ذوق آن را لشکر آب می خواندند به تقویت پدافند نیروهای خودی و عدم نیاز به استعداد زیاد راه، برای این کار در مناطق یاد شده سبب گردید اگر چه برای دشمن هم که به حالت پدافندی درآمد بود تقریباً همین مزیت را در بر داشت و آنها هم با این وضعیت مطمئن شدند که نیروهای ما از این مناطق نه می توانند و نه می خواهند که حمله کنند و لذا در پناه آب گرفتگی ها آنها هم به صرفه جویی در قوا پرداخته و نیروهای اضافی خود را در جبهه‌های دیگر به کار گرفتند. اما در مقام مقایسه باید گفت با توجه به امکانات موجود در آن وضعیت، آب گرفتگی های شمال کرخه کور و جنوب غربی اهواز بیشتر به نفع ما بود. (نقشه شماره ۲ / صفحه ۲۰۸)

از اواخر سال ۱۳۶۰ باتوجه به طرحهای عملیاتی و اینکه نیروهای خودی به حالت آفندی درآمد بودند مناطق آب گرفته به‌ویژه در منطقه عملیات طرح کربلا ۳، فضای مانوری نیروهای ما را محدود کرده و به صورت یک مانع درآمد بود که در عوض به پدافند دشمن کمک میکرد و لذا از سازمان آب و برق خوزستان که مجری طرحهای آب گرفتگی بود خواسته شد که ادامه جریان آب را به مناطق یادشده متوقف نماید. با قطع جریان آب، مناطق آب گرفته که به صورت دریاچه های بزرگ و کوچک و نيزارهای باتلاقی درآمد بود شروع به خشک شدن نمودند اگرچه به علت تدبیر سرعت در آمادگی و اجرای عملیات طرح مزبور (کربلا ۳) از این خشک شدن که نیاز به چندین ماه زمان داشت لاجرم هیچ استفاده‌ای به عمل نیامد.

از دیدگاه نظامی ، عوارض حساس این منطقه ، که پاره ای دارای ارزشهای استراتژیک و پاره ای دیگر دارای ارزشهای تاکتیکی یا توأم هستند عبارتند از شهرهای خرمشهر ، تنومه ، بصره و پلهای روی شط العرب (۴پل). در زمان اجرای طرح عملیات کربلا ۳ پلهای شناوری که روی رودخانه های کارون و کرخه کور نصب می شد و مورد استفاده نیروهای ما برای عبور از این رودخانه ها بود و خط مرز و خاکریزهای پدافندی دشمن که بایستی تصرف شوند نیز عارضه حساس محسوب می گردیدند.

در آن زمان معابر موجود برای حرکت و مانور نیروها در این منطقه عبارت بودند از:

معابر شمالی - جنوبی

۱. معبر از رودخانه نیسان به یزد نو- طلايه ، نشوه (به طول ۹۰ کیلومتر)
۲. معبر از رودخانه کرخه کور به قیصریه، هویزه ، جفیر، طلايه ، نشوه (طول تقریبی ۹۰ کیلومتر)
۳. معبر از رودخانه کرخه کور به طاهری ، جفیر ، طلايه ، نشوه (به طول ۱۰۰ کیلومتر)
۴. معبر از آب تیمور، ایستگاه حمید، کوشک، نشوه (کوشک بصره) به طول ۹۰ کیلومتر.

لازم به توضیح است که مبدأ معابر (۲) و (۳) و (۴) در بین آب گرفتگیهای شمال کرخه کور و غرب اهواز قرار داشت و همگی آنها در ابتدا دارای فضای مانوری باریک و بسیار محدودی بودند فلذا گسترش رزمی و مانور یگانهای تک ور خودی را با اشکالات عدیده مواجه می ساختند.

معابر شرق به غرب

۱. هالوپ ، ایستگاه حسینیة ، پاسگاه کیلومتر ۲۵ ، تنومه ، بصره و همچنین از ایستگاه حسینیة به خرمشهر (به طول تقریبی ۶۰ کیلومتر)
۲. دارخوین ، ایستگاههای حسینیة و گرمدشت ، تنومه ، بصره و همچنین از ایستگاه گرمدشت به خرمشهر (به طول تقریبی ۳۵ کیلومتر)
۳. آبادان ، خرمشهر ، شلمچه ، تنومه (نزدیکترین معبر)

حرکت در ۳ معبر یاد شده بالا با عبور از رودخانه کارون بود که در حد فاصل دارخوین تا خرمشهر عرض متغیری بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر را دارا می باشد.

به طور کلی زمین منطقه برای آفند مناسب، ولی وجود موانع عمده ای مانند رودخانه های کرخه کور، نیسان و کارون نیازهای لجستیکی به وسایل عبور از رودخانه مانند پلهای شناور، طراده و قایق هجومی را افزایش داده و ضرورت یک طرحریزی دقیق برای عملیات عبور از رودخانه را ایجاب می کرد. به علت وسعت منطقه عملیات، عمق هدفها و مسافت طولانی و هموار بودن زمین، استفاده از یگانهای زرهی و موتوریزه را بر پیاده نظام ارجحیت می دهد؛ البته اگر چه مسطح بودن زمین حرکت را تسهیل می کند اما در عوض عدم وجود اختفاء و پوشش بر مشکلات یگان تک ور می افزاید و خلاصه اینکه شرایط اقلیمی میدان جنگ در این منطقه، شرایط جنگ در بیابان است.

متجاوز پدافند خود را با سود بردن از موانع طبیعی مانند رودخانه های کارون ، کرخه کور و نیسان سازمان داده و با ایجاد خاکریزهای متعدد به موازات رودخانه ها (خاکریزهای شمالی جنوبی و شرقی و غربی) علاوه بر اینکه مواضع خود را در کنار رودخانه های مذکور استحکام بخشیده بود ، پدافند در عمق بسیار خوب و نیرومندی را نیز تشکیل داده و با احداث خاکریزهای متعدد تلاش کرده بود که زمین را برای پدافند مناسب سازد و برای یگانها و مواضع جنگ افزارهای اجتماعی خود ، در این منطقه باز ، ایجاد حفاظ و پوشش نماید.

همچنین در جبهه کرخه کور و نیسان و جنوب غربی اهواز ، مناطق آب گرفته همان قدر که فضای مانوری و معابر مورد استفاده نیروهای تک ور را محدود می ساختند ، در پدافند به نیروهای عراقی در این مناطق کمک می کرد. متجاوز برای نگهداری خرمشهر تدابیر ویژه پدافندی به کار برده بود.

روش دفاعی دشمن عبارت بود از اتکای پدافند از خرمشهر در جنوب و شرق به رودخانه کارون در یک خط دفاعی بسیار مستحکم کاملاً چسبیده به کنار رودخانه و همچنین پدافند با استفاده از خاکریزهای بلند و تقویت شده در زمینهای باز شرق و شمال شهر.

دشمن با تخریب قسمت عمده ای از ساختمانهای شهر برای از بین بردن فضا و زوایای کور که در یک عملیات نفوذی^۱ احتمالی و جنگ داخل شهر به زیان او بود و مین گذاریهای وسیع در داخل محوطه های تسطیح شده و سنگربندی داخل خیابانها و خرابه های ساختمانهای باقیمانده و ایجاد خاکریز داخل شهر ، پدافند از شهر را در محوطه داخلی در رده های متعدد به طوری سازمان داده بود که تسخیر شهر را امری غیر ممکن و یا حداقل بسیار دشوار و خونین جلوه گر می ساخت. خارج از محدوده شهری ، در شرق و شمال تا مسافتی بالغ بر ۱۰ کیلومتر ، خاکریزهای متعدد شمالی- جنوبی و شرقی- غربی برای جلوگیری از نزدیک شدن نیروهای تک ور به سمت خرمشهر را ایجاد کرده و موانع ضد هوایرد و ضد هلی برن را بر علیه فرود و حمل و نقل نیرو از راه هوا ، در مناطقی از اطراف شهر که امکان اجرای چنین عملیاتی را دربرداشت سازمان داده بود. دشمن برای جلوگیری از فرود چتربازان یا نشستن هلی کوپترهای حامل نیرو صدها شاخه تیر آهن و میله های گوناگون اعم از چوبی و آهنی یا تیرهای چراغ برق که از خیابانهای خرمشهر کنده شده بودند و همچنین تعداد زیادی خودروهای سواری باقیمانده از مردم پس از تخلیه شهر را به طور عمودی در زمین کاشته و در فواصل آنها مین گذاری نموده بود.

استحکام سیستم های سد و موانع ، خاکریزها و مواضع پدافندی دشمن در محدوده داخلی و خارجی خرمشهر و همچنین مواضع پدافندی حاشیه جنوبی رودخانه کرخه کور چیزی نبود که با نوشتن و تشریح کردن قابل تجسم و درک باشد، بلکه فقط از راه دیدن، عظمت و استحکام این مواضع قابل درک بود و همچنین کارشگرفی را که نیروهای ما با هجوم به این سیستم پدافندی برای درهم شکستن آن به منصفه ظهور رسانیدند. (برای تجسم شکل خاکریزهای عمده دشمن در منطقه عملیات بیت المقدس نقشه شماره ۳ / صفحه ۲۰۹ و خاکریزها و مواضع دشمن در بیرون از شهر خرمشهر را در نقشه شماره ۴ / صفحه ۲۱۰ ملاحظه فرمایید.)

در امتداد خط مرز بین المللی دو کشور در این منطقه ، عراق خاکریز بلندی احداث نموده بود و قادر بود با استفاده از کانالهای مصنوعی موجود در شرق بصره و در جنوب هورالعظیم در مناطق مختلف و بسیار وسیعی از شرق بصره ایجاد

آب گرفتگی نموده و پدافند از بصره را به این طریق تسهیل و فضا و معابر مانور و پیشروی نیروهای ما را در شرق بصره بسیار محدود یا مسدود نماید.

گسترش نیروهای دشمن و خودی قبل از عملیات

الف: نیروهای دشمن

برابر اطلاعات به دست آمده که اکثر قریب به اتفاق آنها از منابعی چون اسراء یا تفسیر عکسهای هوایی کسب گردیده بود (در پرونده های عملیاتی موجود است) نیروهای دشمن قبل از عملیات بیت المقدس عمدتاً به صورت زیرین در این منطقه عملیاتی گسترش داشته که اندکی قبل از آغاز عملیات، بعداً در حین اجرای آن توسط یگانهای اضافی تقویت گردیدند.

کرانه جنوب رودخانه های کرخه کور و نیشان

لشکرهای ۶ زرهی و ۵ مکانیزه و تعدادی تیپ پیاده در امتداد رودخانه های نیشان و کرخه کور که با اتکاء به مانع رودخانه ای و مواضع بسیار مستحکم و در جنوب غربی اهواز تا حوالی ایستگاه آهو و همچنین در پناه منطقه آب گرفته غرب کارون برای پدافند قطعی و سرسختانه مستقر شده بود. استقرار یگانهای زرهی احتیاط در حوالی جفیر مؤید این نکته بود که دشمن قصد دارد هر گونه رخنه احتمالی توسط نیروهای ما را با پاتکهای سنگین زرهی در هم کوبیده و ترمیم نماید

جنوب مناطق آب گرفته تا سلمانیه (حدود ۴۰ کیلومتر)

در این منطقه که حدوداً مقابل دارخوین قرار داشت یگان تأمینی دشمن با استعداد یک تیپ تقویت شده بفاصله بین ۶-۷ کیلومتر از کرانه غربی کارون گسترش یافته بود.

خرمشهر و محدوده اطراف آن

لشکر ۱۱ پیاده عراق تقویت شده با یگانهای پیاده و زرهی، پدافند از خرمشهر و مناطق اطراف آن را با اتکاء به رودخانه کارون در غرب و جنوب و خاکریزهای مستحکم در شمال و شرق عهده دار بوده و وضعیت موجود نشان می داد که دشمن هیچگونه رخنه ای به سمت خرمشهر را نمی پذیرد و قصد او نگهداری قاطعانه خرمشهر برای همیشه است.

یگانهای زرهی و مکانیزه متجاوز از لشکر ۳ زرهی به صورت مجزا در مناطق یاد شده گسترش یافته و می بایست در صورت نیاز یگانهای درگیر خطوط مقدم را تقویت و بر علیه هر گونه رخنه در مواضع سریعاً وارد عمل شوند و به طور خلاصه در جبهه های نیشان و کرخه کور و جبهه خرمشهر دشمن در مواضع پدافندی مستحکم و پیوسته و به صورت پدافند در عمق ولی در جبهه دارخوین به صورت پرده پوشش گسترش یافته بود.

ب: نیروهای خودی

پس از عملیات ثامن الائمه و انهدام سرپل نیروهای متجاوز در شرق کارون و نقل مکان لشکر ۷۷ پیاده خراسان از شمال آبادان به شوش ، نیروهای خودی مستقر در شرق رودخانه کارون و شمال رودخانه های کرخه

کور و نیسان که مأموریت پدافند از مناطق محوله را تا قبل از تمرکز نیرو برای عملیات بیت المقدس یعنی حدوداً تا اواخر دهه دوم فروردین ماه سال ۶۱ بعهدہ داشتند به شرح زیر گسترش یافته بودند.

کرانه اروندرود در جزیره آبادان از دهانه فاو تا پل خرمشهر

قرارگاه عملیاتی آبادان متشکل از تیپ ۲۳ نوهده (۴گردان)، یگانهای رزمی ژاندارمری (۴گردان)^۱، گردان تکاوران نیروی دریایی.

کرانه شرقی کارون از بهمن شیر تا سلمانیه

تیپ ۴۰ پیاده سراب (۲ گردان پیاده)

کرانه شرقی کارون از سلمانیه تا دارخوین

گردان ۱۰۷ پیاده ژاندارمری

کرانه شرقی کارون از دارخوین تا جنوب اهواز

گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ (در کنترل عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی)

جنوب غربی اهواز از ملیحان تا نورد

تیپ پیاده بیت المقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

کرانه شمالی رودخانه های کرخه کور و نیسان تا سواحل شرقی هورالعظیم

تیپهای ۱ و ۲ و ۳ زرهی لشکر ۱۶ زرهی قزوین و عناصر کوچکی از سپاه پاسداران و ۲ گردان ژاندارمری (گردانهای فارسیات و دغاغله).

با توجه به عرض منطقه و تهدیدات بالقوه دشمن نیروهای موجود به ویژه در شرق کارون، نمی توانستند جوابگوی یک پدافند مطمئن در مقابل خطر احتمالی تهدیدات وسیع دشمن باشند و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران چندین بار خطر کمبود نیرو در شرق کارون و احتمال تهدید عراق را به نیروی زمینی به خصوص پس از نقل مکان لشکر ۷۷ به شوش، متذکر گردید. اما نیروی زمینی با ارزیابی وضعیت پدافندی متجاوز و نتایجی را که می توانست از حمله مجدد به شرق کارون به دست آورد احتمال اجرای چنین اقدامی را ضعیف برآورد می کرد و نظر به لزوم تمرکز قوا در جبهه های مورد نظر، صرفه جویی در قوا در این منطقه را مناسب و نیروهای پدافندی یاد شده را در شرق کارون، البته با توجه به وضعیت، کافی می دانست. (نقشه شماره ۵/صفحه ۲۱۱ گسترش کلی یگانهای خودی و متجاوز را قبل از طرح ریزی عملیات بیت المقدس نشان می دهد.)

۱)

()

()

()

()

()

.

راه کارهای عملیاتی و انتخاب بهترین راه کار

اولین نشست جدی برای آغاز طرح ریزی عملیات در منطقه غرب کارون در نهم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد و راه کارهای ممکن به طوریکه کلیات مورد بحث واقع گردید و نکته اصلی در راهنمای طرح ریزی فرماندهی (سرعت) در مراحل طرح ریزی و آمادگی به منظور آغاز هر چه زودتر عملیات جدید، اعلام شد. فرمانده نیروی زمینی بر این اعتقاد بود که پس از نبردهای ثامن الائمه، طریق القدس و فتح المبین به احتمال بسیار زیاد عراق، ادامه اشغال سایر مناطق را جایز نخواهد دانست و تقریباً نیروهای خود را به خاطر ترلزول روحیه پرسنل و بیم از فرار فرار دست جمعی آنان از جبهه ها و همچنین هراس از حملات گسترده تر نیروهای ما بزودی به عقب خواهد کشید و لذا به منظور درهم شکستن قاطع ارتش عراق و اینکه دیگر نتواند کمر راست کند باید قبل از اینکه دست به عقب نشینی یا فرار زند به آنان حمله برده و حداقل اجازه ندهیم که دشمن آنقدر فرصت داشته باشد که هنگام عقب نشینی تجهیزات و جنگ افزارها و وسایل خود را نیز تخلیه نماید. چون ما برای جبران کسورات تجهیزاتی خود به این وسائل نیازمندیم.

مبنای اعتقاد و خوش بینی فرمانده نیروی زمینی در زمینه یاد شده، بر نتایج سریع و درخشان نبرد فتح المبین و ترلزول روحی شدید، رفتار و گفتار اسرای عراقی قرار داشت.

اما از منظری دقیق تر و تخصصی تر از نظر اینکه فواصل زمانی بین دو عملیات در جنگ ایران و عراق، معمولاً چند ماه طول می کشید و این رکود زمانی بین دو عملیات، به صورت امری متداول درآمده بود لذا بر هم زدن این روند و تقلیل زمان بین دو عملیات، به احتمال بسیار می توانست به عنوان مؤثرترین عامل غافلگیری دشمن محسوب گردد، واقعیت این است که این مطلب اخیر در ابتدای طرح ریزی مطرح نشد؛ ولی بعدها در تجزیه و تحلیل هایی که به عمل آمد کاربرد سرعت در طرح ریزی و آمادگی به عنوان یکی از عوامل اصلی غافلگیری دشمن ملاحظه شد. دومین نکته در راهنمای طرح ریزی فرماندهی این بود که در عملیات جدید هم مانند نبرد فتح المبین، قرارگاه مشترک عملیاتی ارتش و سپاه عهده دار مسئولیت طرح ریزی، اجراء و کنترل عملیات خواهد بود و نیروهای شرکت کننده خودی در این عملیات تقریباً همان نیروهای شرکت کننده در عملیات فتح المبین بوده و فرماندهی در یگانهای همکار و همپراز به صورت دو فرماندهی هماهنگ و توأم بود.

در شروع طرح ریزی عملیات (طرح کربلا ۳)، در اولین گام برای سرعت بخشیدن در کارها یک دستور جزء جزء در تاریخ ۶۱/۱/۹ صادر گردیده که طی آن قرارگاه کربلا دستور داد که لشکر ۷۷ پیاده و تیپ ۸۴ خرم آباد پدافند از مناطق آزاد شده در عملیات فتح المبین را عهده دار گردیده و سایر یگانها به مناطق تجمع تعیین شده در جنوب اهواز نقل مکان نمایند.

هم زمان با آغاز جابه جایی یگانها، اقدامات مربوط به توسعه وضعیت و کسب اطلاعات از زمین و دشمن (شناسایی) و طرح ریزی عملیات با سرعت دنبال گردید. شورهای مشترک ستادی نیروی زمینی و سپاه پاسداران برای بررسی مسایل مربوط به عملیات و حصول توافق و یکی شدن نظرات در زمینه های مختلف عملیاتی، بکرات تشکیل شد و شور و تبادل نظر و مشورت های فراوان صورت گرفت. یک گام اساسی که باید برداشته می شد انتخاب بهترین راه کار تاکتیکی بود و با انتخاب این راه کار بود که مأموریت نیروهای ما برای انجام مأموریت مشخص و مورد استفاده قرار می گرفت.

مطابق روشهای نظامی عملیاتی، مأموریت هر یگان از رده بالاتر فرماندهی ابلاغ و یگان دریافت کننده با تجزیه و تحلیل آن کلیه وظایفی را که برای انجام موفقیت آمیز مأموریت واگذاری، بایستی انجام دهد مشخص و طرح عملیات خود

را تهیه می نماید. در صورتی که در عملیات طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و تعدادی از عملیات دیگر پس از آن که قرارگاه مشترک نیروی زمینی و سپاه با توجه به وضعیت و مقدرات و امکانات خودی و دشمن و عوامل دیگر، نوع عملیات و چگونگی آن را گاه در کلیات و گاهی در جزئیات امر بررسی نموده و تصمیم به اجرای آن می گرفتند به عنوان مأموریت قرارگاه مشترک اعلام و طرحریزی مشروح بر مبنای آن آغاز می شد. بدیهی است که این مأموریتها به صورت کلی، به تصویب شورای عالی دفاع می رسید.

طراحان عملیات در قرارگاه مشترک ارتش و سپاه (کربلا) که عبارت بودند از افسران نیروی زمینی و مسئولان عملیات سپاه با توجه به زمین، نیروهای خودی و وضعیت دشمن، در مورد بهترین راه کار (یا در واقع مأموریت قرارگاه کربلا) به توافق زیر دست یافتند: تک به دشمن با عبور از رودخانه، تأمین سرپل و استقرار نیروی کافی در غرب رودخانه، ادامه بلافاصله عملیات به منظور انهدام دشمن و آزادسازی خرمشهر و مناطق اشغالی غرب کارون.

راه کار دیگری در مقابل این پیشنهاد قرار داشت که تلاش اصلی را از جبهه کرخه کور و نisan یعنی از شمال به جنوب و در منطقه عمومی جفیر انجام می داد و عملیات عبور از رودخانه کارون به عنوان تلاش پشتیبانی یا فرعی عملیات قرار می گرفت. موافقین این نظریه مشکلات عظیم عبور از رودخانه و کمبود وسایل و عدم تجربه و آموزش کافی نیروهای خودی را در عملیات عبور از رودخانه می دانستند.

نظریه دیگری نیز به فرمانده نیروی زمینی پیشنهاد گردید که با توجه به مشکلات عبور از رودخانه (راه کار اول) و همچنین محدودیت فضای مانوری در جبهه کرخه کور و جنوب غربی اهواز به علت آب گرفتگی (راه کار دوم) بهتر است راه کار سومی در نظر گرفته شود و آن این است که تا خشک شدن مناطق آب گرفته و باز شدن معابر و فضای مانوری از اجرای هرگونه عملیات در این منطقه اجتناب و تأمل شود و برای اینکه رکودی طولانی در جبهه جنگ به وجود نیاید به عملیات بر علیه متجاوز در جبهه شمال غرب و یا غرب پرداخته شود.

شایان ذکر است که سه راه کار مذکور، طبق روش معمول برآوردهای فرماندهی و ستاد می باشد که کلیه راه کارهای ممکن از سوی افسران عملیات ستاد بررسی و محاسن و معایب هر یک دقیقاً تعیین و سپس بهترین راه کار بر مبنای شرایط و وضعیت زمین و خودی و دشمن انتخاب و به فرمانده ارائه می گردد تا تصمیم گیری نماید و ارائه راه کارهای مختلف در واقع به مفهوم و نشانه بررسی همه جانبه و فراگیر ستاد روی موضوع است برای انتخاب بهترین راه کار^۱.

پس از حصول توافق در مورد انتخاب بهترین راه کار برای شروع عملیات یا در واقع بهترین مبدأ عملیات که عبارت بود از عبور از رودخانه و تأمین سرپل در غرب کارون به عنوان تلاش اصلی، در مورد چگونگی ادامه عملیات و اهدافی که بایستی تأمین شوند نظرهای مختلف و راه کارهای متعددی وجود داشت.

نیروهای عمده ای که مقدمتاً برای شرکت در عملیات انتخاب شدند عبارت بودند از لشکر ۹۲ زرهی و یک لشکر از سپاه پاسداران بنام قرارگاه مشترک فتح، لشکر ۲۱ پیاده و یک لشکر از سپاه پاسداران بنام قرارگاه مشترک نصر و لشکر ۱۶

زرهی و یک لشکر از سپاه پاسداران به نام قرارگاه مشترک قدس که سه قرارگاه یاد شده در کنترل عملیاتی قرارگاه کربلا عمل می‌نمودند.

اهم نظرات ارائه شده در مورد نحوه عملیات پس از تأمین سرپل در غرب کارون به‌قرار زیر بود :

راه کار ۱

عبور قرارگاههای نصر و فتح از کارون و تأمین سرپل و سپس پیشروی قرارگاه نصر به سمت خط مرز در منطقه محوله و پیشروی قرارگاه فتح به سوی خط کوشک و طلایه و احاطه جفیر، همزمان تک قرارگاه قدس به سوی جفیر و الحاق با قرارگاه فتح در جفیر به منظور انهدام نیروهای متجاوز در منطقه عمومی کرخه-کور-جفیر-کوشک-طلایه. (نقشه شماره ۶/ صفحه ۲۱۲)

راه کار ۲

تأمین سرپل غرب کارون با سه قرارگاه مشترک همزمان با تک قرارگاه قدس در جبهه کرخه کور و نیسان به سوی جفیر. سپس قرارگاه نصر در پهلوی چپ سرپل تک را به سوی شلمچه و خرمشهر ادامه می دهد و قرارگاه فتح در مرکز سرپل به سوی خط مرز تک کرده و سپس با پیشروی در امتداد پاسگاه ۲۵متر، تنومه خود را به کرانه شط العرب در شرق بصره می رساند. در پهلوی راست سرپل، قرارگاه سومی به سمت کوشک پیشروی و سپس از جنوب به شمال به طرف حمیدیه و جفیر تک را ادامه می دهد. قرارگاه قدس پس از وصول به جفیر در امتداد جاده جفیر ، طلایه تک نموده و طلایه را تأمین می‌نماید. (نقشه شماره ۷/ صفحه ۲۱۳)

در هر دو راه کار مذکور، احتمال موفقیت نیروهای ما در منطقه عمومی جنوب کرخه کور جفیر، خواه از سمت شمال به جنوب و یا جنوب به شمال و یا شرق به غرب با توجه به مقدرات و توانایی های نیروهای خودی، وضعیت زمین و دشمن بسیار ضعیف و یا با قبول تلفات سنگین برآورد می گردید. چرا که وسعت این منطقه بحدود ۴۸۰۰ کیلومتر مربع بالغ می شد و طبعاً در چنین منطقه عریض و عمیقی به یگانهای متحرک و ضربتی به مفهوم واقعی نیاز بود که در وضعیت موجود ، نیروهای زرهی قلیل ما به علت کسورات تجهیزاتی و پرسنلی فراوان، کمتر می توانستند در چنین منطقه وسیعی، تحرک و سرعت عمل لازم را از خود نشان دهند و به مانورهای دورانی و احاطه ای که متناسب با شرایط موجود آن منطقه بود مبادرت نمایند.

همچنین با وجود مواضع اصلی پدافندی و استحکامات بسیار عالی دشمن که چسبیده به کرانه های جنوبی رودخانه های کرخه کور و نیسان سازمان داده شده بودند چشم انداز موفقیت عبور از رودخانه نیروهای ما در این جبهه، بسیار ضعیف و مأیوس کننده به نظر می رسید، به خصوص که مناطق آب گرفته شمال کرخه کور هم با محدود کردن فضای لازم برای گسترش اولیه و مانور نیروهای تک ور، مزید بر علت شده بودند.

در راه کار دوم نیرویی که بایستی قرارگاه سوم را تشکیل و مأموریت محوله را انجام دهد ، عملاً وجود خارجی نداشت، اگر چه پیشنهاد شد که پدافند از منطقه فتح المبین به یگانهای برداشت شده از کردستان واگذار و از لشکر ۷۷ پیاده برای عمل در نقش قرارگاه سوم استفاده به عمل آید ولی فرمانده نیروی زمینی برداشت نیرو از کردستان را در شرایط موجود منطقه شمال غرب ، غیر مقدر اعلام نمود.

با این تفاسیر، چون گذاردن ثقل عملیات در منطقه عمومی جفیر با توجه به نیاز به یگانهای زرهی قوی و هم چنین استحکام پدافند دشمن امید بخش به نظر نمی رسید ، لذا راه کارهای یاد شده و هرگونه راه کار مشابه آن که مستلزم

دستیابی به هدفهای عمیق و اجرای مانورهای احاطه ای یا دورانی در منطقه مذکور بود منتفی شده و راه کار سومی ارائه گردید که خطوط اصلی آن را فرمانده سپاه پاسداران پیشنهاد نمود و سرانجام پس از بحث و بررسی و جرح و تعدیل و اصلاحات به صورت زیر مورد اجماع قرار گرفته و به عنوان راه کار نهایی یا در واقع بهترین راه کار انتخاب شد^۱.

زمینه‌های اصلی تفکر در انتخاب چنین راه کاری این بود که : اولاً قرارگاه قدس با توجه به آنچه در مورد وضعیت زمین و دشمن و خودی گفته شد به احتمال بسیار قادر به شکستن خطوط پدافندی دشمن و وصول به جفیر و مرز کوشک- طلاییه نیست و دشمن این توانایی را داشت که هر گونه رخنه ایجاد شده در مواضع خود را با سرعت ترمیم نماید. علاوه بر آنکه هر گونه عملیات برای احاطه جفیر هم از سمت جنوب این منطقه با توجه به وسعت و گستردگی زمین و نیاز به یگانهای زرهی مجهز و قوی که در شرایط موجود فاقد آن بودیم نیز دارای احتمال موفقیت نخواهد بود.

اما از سوی دیگر به علت عدم حضور یگانهای متراکم دشمن تقریباً در بخش میانی منطقه غرب کارون و استقرار یگانهای تأمینی و پوششی دشمن آن هم با فاصله چند کیلومتری از ساحل رودخانه ، طبعاً عملیات عبور از رودخانه ما را تسهیل نموده و غافلگیری متجاوز را امکان پذیر می‌ساخت. اگر چه عبور از رودخانه کارون عملیاتی مشکل و نیازمند به تدارک و تجهیزات ویژه عبور از رودخانه و ورزیدگی یگانها بود ولی در مقام مقایسه با عملیات از جبهه کرخه کور و نیسان که آن هم مستلزم عبور از رودخانه‌های مذکور بود و یگانهای دشمن هم مواضع مستحکم پدافندی بلافاصله در کرانه جنوبی کرخه کور داشتند عبور از کارون که به علت عدم حضور دشمن بلافاصله در ساحل دور رودخانه کارون راه کار عملیات عبور از رودخانه کارون با احتمال موفقیت بیشتر قرین می شد. ضمناً در صورت موفقیت نیروهای عبور کننده از کارون در تأمین سریع خط مرز، و تهدید شرق بصره، بدون تردید متجاوز ناگزیر می گردید که برای اجتناب از قطع عقبه نیروهای خود که مستقر در منطقه کرخه کور و جفیر بودند و همچنین به کارگیری این نیروها در تقویت پدافند شرق بصره، آنها را از این منطقه به عقب بکشد. خلاصه آنکه دشمن هر راه کاری را که انتخاب می کرد باز موفقیت نیروهای ما در تهدید شرق بصره ، ادامه توقف نیروهای متجاوز را در کرخه کور و جفیر برای او امری بی فایده و بسیار خطرناک می نمود؛ زیرا در چنین حالی نیروهایش دیر یا زود منهدم می گردید و عاقلانه ترین راه برای دشمن این بود هر چه سریعتر نیروهای خود را از دام این مهلکه بیرون کشد.

هرگونه عقب روی، عقب نشینی یا فرار نیروهای دشمن از منطقه کرخه کور و جفیر عملیات آفندی قرارگاه قدس را تسهیل نموده و این یگان را قادر می ساخت از فرصت به دست آمده برای تعقیب دشمن و پیشروی به سوی مناطق جفیر ، حمید ، کوشک و طلاییه و حتی نشوه استفاده نماید .

اما ابزار اساسی و سرنوشت ساز در این راه کار ، همانا عامل سرعت عمل یگانهای عبور کننده از کارون در تصرف خط سرپل، تأمین مرز و پیشروی در شرق بصره بود. اگر این نیروها می توانستند با به هره گیری از سرعت و غافلگیری مراحل تصرف سرپل، تأمین خط مرز و رسیدن به شرق بصره را یکی پس از دیگری و بدون تأخیر و تعویق به انجام رسانند و قبل از اینکه متجاوز بتواند فرصت کافی برای به پای کار آوردن نیروهای اضافی و تقویتی خود پیدا کند، نیروهای

پدافندی متجاوز را منهدم نموده و سریعاً به کناره شط العرب در شرق بصره برسند، در این صورت دشمن قادر نمی‌گردد که نیروهای خود را از منطقه کرخه کور و جفیر عقب کشیده و پدافند شرق بصره را تقویت نماید. پس ضمن اینکه رزمندگان ما با وصول به کناره شط العرب و تهدید بصره یک هدف استراتژیک تاکتیکی بسیار با ارزش را که در سرنوشت جنگ اثر قاطع داشت تأمین می‌نمودند، به احتمال بسیار در منهدم کردن و یا به اسارت درآوردن نیروهای عمده دشمن مستقر در منطقه عمومی جفیر نیز براحتی و حتی بدون درگیری توفیق می‌یافتند. نکته حائز اهمیت و همچنین یکی از نتایج تاکتیکی زیبا و ماهرانه راه کار مزبور این بود که نیروهای متجاوز مستقر در خرمشهر از سمت غرب احاطه و ناگزیر از فرار، انهدام و یا اسارت می‌بودند.

اگر چه در این راه کار نقاط ضعفی هم یافت می‌شد ولی در قیاس با معایب و محاسن سایر راه کارها، دارای کمترین معایب و بیشترین محاسن بود و با مقدمات نیروهای ما تطابق بیشتری داشته و احتمال موفقیت آن با در صد بالاتری برآورد می‌گردید مگر اینکه تغییرات عمده ای در شرایط موجود رخ می‌داد.

بالاخره راه کار دیگری نیز برای عمل در منطقه جفیر مطرح گردید که عبارت بود از استفاده از هورالعظیم به عنوان یک معبر نفوذی و منتقل کردن نیرو به وسیله قایقها از ساحل هور در جنوب بستان به سواحل مناطق جنوب هویزه و یزد نو به منظور اجرای یک حمله غافلگیرانه از جناح چپ و عقبه دشمن.

مبنای چنین تفکری، نتایجی بود که در عملیات گذشته از استفاده از زمینها و موانع و مناطق غیر قابل عبور (از دیدگاه نظامی) در حمله به عقبه و پهلوی دشمن به بار آمده بود مانند عبور از زمینها و تپه ماهورهای رملی در عملیات الله اکبر و طریق القدس، عبور از ارتفاعات دالپری و کوه ممله برای حمله به گردنه عین خوش و یا استفاده از مناطق غرب تنگه زلیجان برای غافلگیری دشمن در تنگ رقابیه در عملیات فتح المبین و چندین مورد مانند آن.

این اعمال که گاهی جنبه ایثار و خطرپذیری به خود می‌گرفت اغلب آثار چشمگیری در غافلگیر کردن دشمن و زبونی و به زانو درآوردن سریع دشمن داشت که ناشی از تهدید جناح و عقبه بود لذا، تب جستجو کردن و یافتن مناطق و موانع غیر قابل عبور را بالا برده و استفاده از این گونه مسیرها، برای حمله به دشمن، از جمله راه کارهای مورد علاقه سپاه بود.

موانع طبیعی که از دیدگاه نظامی غیر قابل عبور و یا حداقل غیر مناسب برای مانور و تحرک هستند اغلب شرایط بسیار مشکل، پر هزینه و خطرناکی را نیز در مداومت عملیات و برقراری خطوط آمادی به وجود می‌آورند اما به هر حال از نظر فرماندهان سپاهی مسیرهای مناسبی برای نفوذ و حمله به مواضع دشمن شناخته می‌شدند و تلاش می‌نمودند که همه امکانات لازم را در تهیه وسایل و تجهیزات عبور نیرو از مانع را فراهم و به پای کار آورند.

به هر حال فکر استفاده از هور، برای اولین بار در طرحریزی عملیات کربلا ۳ مطرح شد و شناسایی های اولیه صورت گرفت و حتی یکبار هم فرمانده نیروی زمینی در یکی از این شناسایی ها شرکت نمود، ولی سرانجام به علت نبودن وسایل کافی مانند قایق و وجود مشکلات متعدد و همچنین وسعت منطقه عملیاتی جفیر که این عملیات بالنسبه کوچک، نمی‌توانست تأثیر چندانی در آن داشته باشد مانع از اجرای آن گردید، ولی فکر استفاده از هورالعظیم و این شناسایی های مقدماتی فراموش نگردید و دو سال بعد توسعه و تکامل یافته تا سرانجام به انجام عملیاتی مانند خیبر(اسفندماه ۶۲) و بدر(اسفندماه ۶۳) منجر گردید که بر مبنای عبور غافلگیرانه نیروها از هورالعظیم برای حمله به منطقه شمال شرق بصره طرحریزی گردید. امکانات نسبتاً فراوانی هم برای عبور نیرو و تدارکات به پای کار آورده شد که در هر دو مورد نتیجه مطلوب کسب نگردید.

همزمان با ادامه بحث و بررسی پیرامون راههای کار، اقدامات شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن چه به وسیله اعزام گشتی های شناسایی و چه به وسیله عکاسی هوایی توسعه یافت تا قبل از آن، گشتی های اعزامی گردان ۱۰۷ ژاندارمری و گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ به غرب کارون، اطلاعاتی از زمین و دشمن کسب میکردند و این نتیجه به دست آمده بود که یگانهای تأمیننی دشمن در فاصله ۶-۷ کیلومتری ساحل غربی رودخانه در حد فاصل هالوپ تا سلمانیه (منطقه ای به عرض ۴۰ کیلومتر مقابل دارخوین) گسترش یافته است، حتی گردان ۱۰۷ ژاندارمری گزارشی داده بود مبنی بر اینکه گشتی های اعزامی آن یگان تا حدود ۹ کیلومتری از ساحل رودخانه بدون برخورد با یگانهای دشمن پیش رفته اند.

در جنوب این منطقه یعنی از سلمانیه به پایین به طرف خرمشهر و در تمامی طول سواحل اروند رود و همچنین در شمال این منطقه یعنی جنوب غربی اهواز و کارخانه نورد و سراسر ساحل کرخه کور و رودخانه نیسان به علت نزدیکی مواضع طرفین به یکدیگر، امکان اعزام گشتی وجود نداشت.

درگیری در منطقه دارخوین به صورت تبادل پراکنده آتش توپخانه و سایر سلاحهای سنگین بود، گشتی های اعزامی ژاندارمری به غرب کارون گاه نفراتی از دشمن را نیز به اسارت در می آوردند و در یک مورد سربازی اسیر شده بود که ادعا می کرد چهل و پنج روز است که به جبهه آمده و در خط مقدم قرار گرفته است وقتی از او در مورد اثر آتش توپخانه ایران بر مواضع آنان پرسش شد جواب داد که هیچ عاملی مانند آتش توپخانه ایران، به نیروهای عراقی در این منطقه آسیب نرسانده است.

همان طوری که قبلاً هم گفته شد با شروع طرحریزی عملیات کربلا ۳ اقدامات مربوط به شناسایی زمین و کسب اطلاعات از دشمن صورت بسیار جدی تر به خود گرفت و مسئولان اطلاعاتی در تلاش بودند که اطلاعات را هر چه دقیق تر و هر چه زودتر در اختیار فرماندهان و مسئولان طرحریزی عملیات قرار دهند. در یک مورد سپاه پاسدارن یک فیلم کوتاه ۸ م م را که از مواضع و فعالیتهای دشمن در بخش اشغالی خرمشهر در محدوده خیابان کنار رودخانه و خیابان و فلکه طالقانی شهر خرمشهر فیلمبرداری شده بود بطور خصوصی برای مسئولان اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا به نمایش گذارد که بنا به اظهار سپاه توسط یکی از اهالی خرمشهر که اینک در سپاه پاسدارن خدمت می کرد فیلمبرداری شده بود. بنا به گفته سپاه وی از طریق رودخانه کارون موفق به نفوذ مخفیانه در بخش اشغالی خرمشهر شده و با پنهان شدن در خانه خرابه ای فیلم مزبور را تهیه نموده بود، قاعدتاً این کار نیاز به شجاعت و ورزشدگی و از جان گذشتگی زیادی داشت، اگر چه اطلاعات حاصل از این فیلم چندان بر اطلاعات موجود نمی افزود ولی نشانه بارزی از شور و علاقه فردی بود که برای کمک به آزاد سازی شهر و خانه و کاشانه خود از چنگال متجاوز دست به این اقدام خطیر زده بود. احتمال دیگر هم وجود داشت و آن اینکه سپاه فیلم مزبور را از طریق عناصر اطلاعاتی معارضان عراقی (لشکر بدر) یا کانالهای اطلاعاتی مشابه به دست آورده باشد.

مأموریت قرارگاه کربلا در طرح عملیاتی کربلا ۳

با مشخص شدن خطوط اصلی و اساسی راه کار عملیات و اتخاذ تصمیم کلی در مورد اینکه چه باید بکنیم، اینک مأموریت قرارگاه مشترک کربلا برای اجرای عملیات در منطقه غرب کارون شکل گرفته و می شد آن را به زبان نظامی و به شیوه کلاسیک آن بیان نموده و آن را مبنای تهیه طرحهای مشروح عملیاتی قرار داد.

همانطور که قبلاً هم گفته شد، این مأموریتی نبود که از سرفرماندهی نیروهای مسلح یا شورای عالی دفاع رأساً به قرارگاه مشترک کربلا ابلاغ شده باشد، بلکه قرارگاه کربلا خود در چهار چوب مشی کلی سیاسی نظامی کشور مبنی بر

دفع تجاوز و آزادسازی مناطق اشغال شده این مأموریت را در ادامه عملیات اجرا شده قبلی تهیه کرد که طبعاً در شورای عالی دفاع مطرح و مورد تصویب بوده است.

مأموریت نیروهای مسلح ما در جنوب کشور، برای اجرای عملیات در منطقه غرب کارون به بیان زیر مشخص گردید: فرماندهی عملیات کربلا در جنوب مأموریت دارد که در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عمومی جنوب کرخه کور و غرب کارون تک نموده، ضمن انهدام نیروهای دشمن و آزاد سازی خرمشهر خط مرز را تأمین نماید، سپس به منظور تأمین فضای کافی جهت حفاظت از مرزها تک را ادامه داده و ساحل شرقی اروندرود را تأمین و در منطقه پدافند نماید.

منظورهای اساسی از عملیات بیت المقدس

می توان منظورها و اهدافی را که با اجرای عملیات کربلا ۳ دنبال می شدند به شرح زیر بیان نمود :

اهداف نظامی

الف: ادامه رزم به طور بی امان بر علیه متجاوز با فرود آوردن ضربات پی در پی بر پیکر او تا دفع تجاوز
ب: کاهش و درهم شکستن هر چه بیشتر توان رزمی ماشین جنگی دشمن و سلب میل جنگجویی، متجاوز با انهدام نیروهای او در این منطقه.

پ: آزادسازی سرزمین های اشغالی دشمن در غرب کارون و جنوب کرخه کور به مساحت تقریبی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع.

ت: آزادسازی شهر خرمشهر و شهرهای هویزه و پادگان حمید و رسیدن به خطوط مرزی مشترک در منطقه که به صورت یک آرزو و هدف ملی درآمده بود .

ث: خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد و سایر مناطق خوزستان در این ناحیه از تیررس توپخانه دوربرد عراق.

ج: آزاد شدن جاده مواصلاتی اهواز - خرمشهر از اشغال و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن.

چ: به دست آوردن فضای کافی در شرق بصره و کشاندن جنگ بداخل خاک عراق و تهدید بصره به منظور به دست آوردن مواضع قدرت برتر سیاسی و نظامی نسبت به دمن.(هدف استراتژیکی)

اهداف سیاسی

الف: برآورد می گردید که با تحمیل شکست به عراق در این منطقه و به ویژه آزاد سازی خرمشهر رژیم صدام حسین از نظر سیاسی و نظامی در داخل و خارج عراق بی اعتبار و احتمالاً ساقط خواهد گردید.
ب: تسلیم شدن احتمالی رژیم عراق به پذیرش شرایط پیشنهادی ایران برای خاتمه دادن به جنگ.

اهداف اقتصادی :

الف: توقف هزینه های جنگ ، در صورت تسلیم عراق و خاتمه یافتن درگیری.
ب: آزاد شدن شهرها و روستاهای اشغالی که با اسکان دادن مجدد پناهندگان و آوارگان این محلها از فشار مشکلات اقتصادی جنگ زدگان بر دولت کاسته می شد.
پ: امکان ایجاد دوباره فعالیتهای کشاورزی و صنعتی

اهداف تبلیغاتی :

- الف. نشان دادن توانمندی نیروهای مسلح ایران در سرکوب متجاوز .
- ب: ارائه قاطعیت رژیم اسلامی در کسب خواسته های خود.
- پ: افزایش روحیه رزمندگی در نیروهای خودی و جلب و جذب کمکهای مردمی با ارائه کارنامه عملیاتی پیروزمندانه و امیدواری به کسب پیروزیهای بیشتر و بزرگتر در نبردهای بعد.
- ت: تبلیغ زوال و ضعف قدرت سیاسی ، نظامی رژیم عراق و بی اعتبار ساختن آن در مقابل مردم عراق و حامیان این کشور در منطقه و در جهان.
- ث: ایجاد تزلزل در روحیه ارتش عراق با تبلیغ نقاط ضعف سیستم فرماندهی ارتش عراق.

چگونگی انتخاب سرپل در غرب کارون

پس از تعیین راه کار کلی، مسئله جدیدی که در طرح ریزی عملیات مطرح گردید انتخاب ابعاد و وسعت سرپلی بود که بایستی در غرب کارون تأمین شود . تعدادی از جمله مسئولان عملیاتی سپاه پاسداران معتقد بودند که این سرپل بایستی کوچک و در حکم (جای پای) برای یگانها در آن سوی رودخانه باشد تا از آنجا یگانها ستون وار و با سرعت به سوی هدفهایی چون خرمشهر و شرق بصره روان شوند.

اما معدودی دیگر در قرارگاه مقدم تاکتیکی نیروی زمینی که کار طرح ریزی عملاً در آنجا صورت می گرفت به یک سرپل وسیع اعتقاد داشته و سرپل کوچک را قابل قبول نمی دانستند.

از آنجا که بحث در این مورد به درازا کشیده و مسئله نیز حائز اهمیت بود، فرمانده نیروی زمینی از افسران عملیات خود خواست که نقطه نظرهای خود را در مورد وسعت سرپل و خط سرپل پیشنهادی در یک گزارش کتبی مشروح تهیه نموده و جهت مطالعه و بررسی بیشتر در اختیار سپاه پاسداران قرار دهند، که به همین نحو اقدام گردید.

نظر به اینکه در این عملیات سرپل انتخابی نیروهای ما از نظر محل و وسعت در غرب کارون در نبرد بیت المقدس دارای ارزش و جایگاه تاکتیکی ویژه ای می باشد و گام اساسی در اجرای موفقیت آمیز این عملیات به شمار می رود لذا قسمت هایی از این گزارش مشروحاً عیناً درج می گردد:

منظور از عملیات عبور از رودخانه عبارت است از عبور دادن سریع و مؤثر نیروهای تک ور دو قرارگاه نصر و فتح از کارون جهت ادامه عملیات آفندی، انهدام دشمن در غرب رودخانه ، تأمین مرزهای کشور و سایر هدفهای طرح عملیاتی کربلا ۳.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده در این طرح ، نیروهای ما بایستی ابتدا منطقه ای را در آن سوی روخانه به تصرف درآورند ، بدیهی است که وسعت این منطقه (سرپل) بایستی به اندازه ای باشد که مانور نیروهای درگیر در عملیات را تسهیل نموده ، فضا و زمین کافی برای پدافند از محلهای عبور را در اختیار گذارده و بتوان از آن به عنوان یک پایگاه یا مبدأ عملیاتی مناسب، جهت ادامه عملیات استفاده کرد.

نیروهای عبور کننده در این عملیات، استعدادی بیش از ۴ لشکر را دارند (۲ لشکر نیروی زمینی و ۲ لشکر سپاه) بنابراین به بیان نظامی عبور کننده به استعداد یک (سپاه) می باشد و لذا ابعاد سرپل بایستی به نحوی انتخاب شود که فضای کافی برای گنجایش این استعداد را فراهم آورد.

عبور نیروهای ما از کارون تلفیقی از یک عبور تعجیلی و یک عبور با فرصت است که بیشتر جنبه تعجیلی دارد و مشخصات آن عبارت است از سرعت، غافلگیری، حداقل توقف و حداقل تمرکز نیرو هنگام رسیدن به ساحل رودخانه، عدم نیاز به پاک کردن ساحل دور رودخانه از دشمن، عدم وجود یا پدافند ضعیف دشمن در کرانه دور رودخانه، بالا بودن توان رزمی یگانهای خودی چه از نظر

طرح ریزی عملیات/۳۵

روحیه و چه از نظر استعداد برای درهم شکستن موقعیت پدافندی دشمن در آن سوی رودخانه، امکان پذیر بودن وصول سریع نیروهای خودی به ساحل نزدیک رودخانه و به پای کار آوردن تجهیزات عبور از قبل. و همچنین یک عبور با فرصت است به دلیل اینکه رودخانه مانع بزرگی بوده و عملیات آفندی ما در حقیقت از این خط آغاز می شود.

این آفند در یک جبهه عریض و عمیق بر تک در یک جبهه کم عرض برتری دارد، چرا که تک در جبهه وسیع امکان مانور را بیشتر نموده و آسیب پذیری را در مقابل واکنشهای دشمن تقلیل می دهد. عبور از رودخانه و تک در یک جبهه عریض یگانهای دشمن را (برای اجرای پاتک) مجبور خواهد نمود که تا پایان توسعه وضعیت کامل و تشخیص خطرناک ترین معبر و منطقه تهدید، از کاربرد احتیاط خود، خودداری نماید. این تأخیر در به کار گرفتن احتیاط (که دشمن ناگزیر از آن می باشد) به یگانهای تک ور ما اجازه خواهد داد که به اندازه کافی در آن سوی رودخانه گسترش یافته و برای مقابله و دفع پاتکهای او آمادگی پیدا کنند. هدفهای واگذاری به قرارگاههای عبور کننده از کارون (فتح و نصر) دارای عمق نسبتاً زیادی هستند مانند تأمین خط مرز و پیشروی به سوی شرق بصره لذا خرمشهر و با توجه به اینکه زمین در مسیر پیشروی یگانها تقریباً به طور کامل فاقد هر گونه عارضه مهم و مشخصی است (به استثنای امتداد جاده و راه آهن اهواز- خرمشهر بفاصله ۲۰ کیلومتری از روخانه) و همچنین عکس العمل حتمی دشمن به صورت پاتکهای سنگین بر علیه سرپل ایجاد شده، لذا ادامه تک یگانها از یک سرپل کوچک، به سوی یک هدف دور چه از نظر هدایت و چه از نظر بعد مسافت و چه توان رزمی یگان تک کننده، احتمال موفقیت مشکل و مواجه با مسائل عدیده ای خواهد شد. در صورتی که ادامه تک از یک سرپل وسیع و قابل پدافند و در حالی که تمام نیروهای عبور کننده، عبور خود از رودخانه را تکمیل نموده اند و فضای کافی و قابل پدافندی را برای خود به وجود آورده اند، دارای اطمینان بسیار بیشتری است.

سرپل کوچک، علاوه بر آنکه امکان مانور نیروی خودی و پدافند از آن را مشکل و عبور سایر یگانها هجومی را از رودخانه را با سختی فراوان مواجه می سازد، دشمن را قادر خواهد کرد که با اجرای پاتک (حتی اگر نتواند سرپل را منهدم و تلاش عبور از رودخانه، را به طور کلی با شکست مواجه سازد) حداقل ما را در یک سرپل کوچک زمین گیر و تثبیت نموده و از توسعه عملیات و دستیابی ما به هدفهای طرح ریزی شده بعدی جلوگیری نماید.

به طور خلاصه:

۱. سرپل بایستی دارای فضای کافی متناسب به استعداد نیروی عبور کننده باشد.
۲. تصمیم گیری و چگونگی اجرای پاتک به یک سرپل وسیع برای دشمن، به مراتب مشکلتر و لاجرم میزان عدم موفقیت او در انهدام آن بیشتر است.
۳. سرپل وسیع، از وسعت منطقه اشغالی دشمن کاسته، آتشیهای او را روی پلها و مناطق عبور قطع و علاوه بر آن به نیروهای خودی امکان می دهد که به هدفهای طرح ریزی شده نزدیکتر گردیده که بالمال به تأمین سهل تر آنها کمک خواهد نمود.
۴. با وجود فضای کافی در سرپل و استقرار توپخانه ها در آن، قدرت آتش در ماورای سرپل افزایش چشمگیری خواهد داشت.
۵. در صورت واکنش سرسختانه دشمن و موفقیت او در جلوگیری از ادامه تک به سوی هدفهای طرح ریزی شده، در این مرحله از عملیات لاقط ما توانسته ایم با استفاده از شرایط موجود و غافلگیر کردن دشمن منطقه وسیعی را در آن سوی رودخانه که هم دارای فضای کافی جهت استقرار نیرو و هم قابل پدافند است به دست آورده و از آن در عملیات بعدی به عنوان یک مبدأ عملیات مناسب به کار گیریم.
۶. مقدمات آتش توپخانه هوایی دشمن بر علیه سرپل وسیع به نحو مؤثری تقلیل می یابد.
۷. سرپل بزرگ، منطقه وسیع اشغالی دشمن را در جنوب غربی اهواز که از کرخه کور تا ارونند می شود، تجزیه کرده و به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می نماید و این کاملاً به نفع طرحهای ما بوده و به آنها برای ادامه عملیات قابلیت انعطاف می دهد.

۸. تهدیدات دشمن بر علیه یک سرپل کوچک ، با تمرکز تلاش و نیرو و آتشهای زمینی و هوایی بسیار جدی و شدید بوده و به این ترتیب ادامه عبور رده های بعدی را توأم با خطر بسیار نموده و به بیان دیگر ، عبور ساده نیروهای ما را از رودخانه ، به نوعی تک به رودخانه برای یگانهای عبور کننده رده متعاقب و پشتیبانی مبدل می نماید ، ولی با انتخاب سرپل بزرگ ، در مراحل اولیه عبور که با غافلگیری دشمن مواجه است میتوان یگانهای هر چه بیشتری را به آن سوی رودخانه منتقل نمود.

۹. نظر به اینکه یگانها عملاً قادر نیستند پس از عبور از رودخانه به علت فقدان عوارض مشخص زمین موقعیت صحیح خود را به نحو مطلوبی تشخیص داده و اعلام نمایند ، لذا در این صورت احتمال اینکه سرپل به علت گزارشات غلط یگانها (به دلیل فوق) ابعاد واقعی خود را نداشته باشد بسیار زیاد است ، بنابراین بایستی به منظور هماهنگ کردن عملیات، یگانهای دو قرارگاه نصر و فتح با هم برای ادامه عملیات، به یک خط یا عارضه مشخص برسند تا موقعیت صحیح آنها روشن گردد و همانطور که قبلاً ذکر گردید به جز امتداد راه آهن و جاده اهواز - خرمشهر، منطقه تقریباً به طور کامل صاف و یکدست و فاقد هر گونه عارضه مشخص است به علاوه و با در نظر گرفتن اینکه امتداد جاده یاد شده حدود ۲ متر از سطح زمین ارتفاع دارد پس از وصول یگانهای ما به آن، می شود به صورت یک خاکریز قابل پدافند و موجود ، مورد استفاده قرار گیرد و تجربه نشان داده است که یگانهای ما در صورت دسترسی به یک خاکریز در منطقه هدف ، به احتمال بسیار زیاد آن را در مقابل پاتکهای دشمن به هر نحو نگهداری خواهند نمود، در حالی که اگر خط سرپل در حدفاصل رودخانه تا جاده انتخاب شود یگانهای ما پس از وصول به این خط، به علت عدم وجود خاکریز و نیاز به زمان و تلاش برای زدن آن ، در مقابل پاتکهای زرهی دشمن آسیب پذیر بوده و احتمال انهدام آنان و نتیجتاً سقوط سرپل بسیار زیاد است.

پس با توجه به دو عامل مهم یاد شده خط سرپل ناگزیر بایستی، به امتداد جاده اهواز - خرمشهر متکی باشد.

محدوده و ابعاد سرپل پیشنهادی به شرح زیر می باشد:

حد شمالی: از دریسه تا ایستگاه آهو (جنوب منطقه آب گرفته)

حد جنوبی: از سلمانیه تا گرمداشت که از منطقه پدافندی متجاوز و سیستم سد و موانع او در شمال خرمشهر ۵ کیلومتر فاصله دارد.

حد غربی: (خط سرپل) امتداد جاده اهواز - خرمشهر از ایستگاه راه آهن آهو تا ایستگاه راه آهن گرمداشت.

عرض سرپل: ۴۰ کیلومتر

عمق سرپل: با توجه به پیچ رودخانه و فاصله آن از خط سرپل از ۱۴ تا ۲۱ کیلومتر متغیر است.

مساحت سرپل: ۷۰۰ کیلومتر مربع

نقاط مشخص در خط سرپل: ایستگاههای راه آهن آهو - حسینیہ - نود - گرمداشت و دهکدههای مخروبه سید عبود، مشارع و مسعودی در حد فاصل رودخانه تا جاده.

محاسن سرپل پیشنهادی

۱. دارا بودن فضا و زمین کافی برای مانور و گسترش یگانهای عبور کننده
۲. قسمت وسیعی از غرب کارون آزاد شده و منطقه اشغالی دشمن از وسط به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم میگردد.
۳. ما را به هدفهای اصلی طرح نزدیکتر می سازد.
۴. به قرارگاه فرماندهی کربلا در هماهنگ کردن یگانها و قابلیت انعطاف دادن به طرحها و همچنین کنترل عملیات کمک بسیار مؤثری می نماید.
۵. خط سرپل (جاده اهواز - خرمشهر با توجه به اینکه از زمینهای طرفین خود بلندتر است) می تواند به صورت یک خاکریز پدافندی آماده و موجود برای پدافند از سرپل مورد استفاده قرار بگیرد.
۶. فضای بزرگ این سرپل در عملیات قرارگاه قدس تأثیر گذارده و آن را تسهیل می نماید.

طرح ریزی عملیات/۳۷

۷. جناح شمالی سرپل که به منطقه آب گرفتگی متکی شده است به همین علت پوشیده بوده و حفظ آن آسان است.

معایب سرپل پیشنهادی

۱. عمق سرپل به‌ویژه در منطقه قرارگاه نصر (جنوب) زیاد بوده و نیاز به توانایی جسمانی افراد پیاده نظام برای رسیدن به خط سرپل را دارد.

۲. جناح جنوبی آن باز است و امکان تهدید نیروهای واکنشی دشمن بر علیه این جناح را در بردارد.

در پایان این گزارش تقریباً مفصل، در مورد نحوه عبور از رودخانه موارد زیر پیشنهاد گردید:

قرارگاههای فتح و نصر به صورت تعجیلی یک عبور یک مرحله‌ای از رودخانه کارون را انجام داده و سرپلی را در غرب کارون از کاظمی تا سلمانیه در عرض و تا عمق امتداد جاده اهواز- خرمشهر را در این منطقه تأمین می‌نماید، به منظور تقلیل اثر پاتکها و تکهای هوایی و آتش توپخانه دشمن و رعایت اصل غافلگیری زمان عبور در شب و شرایط دبد محدود توصیه و پیشنهاد می‌گردد.

برای مقابله با تکها و پاتکهای زرهی دشمن به سرپل که تهدید اصلی و اساسی است بایستی جنگ افزارهای ضد زره به تعداد زیاد با عناصر رده هجومی همراه باشد. وسایل عبور از رودخانه هر چه بیشتر باشد امکان عبور نیروی بیشتری در زمان کوتاهتری را به آن سوی رودخانه فراهم می‌آورد.

پیشنهاد می‌شود قرارگاه فتح به صورت دو تیپ در خط و قرارگاه نصر با ۳ تیپ در خط (با توجه به تعداد پلهای شناور موجود که به هر یک از آنها واگذار می‌شود) از رودخانه عبور و رده‌های هجومی پس از پیاده شدن در ساحل دور بدون وقفه و سریعاً به سمت خط سرپل پیشروی نمایند. آتشیهای توپخانه درگذار خط سرپل بایستی پیش بینی و پرحجم باشد، لذا لازم است یگانهای توپخانه آماده تغییر مکان سریع به منطقه سرپل برای افزایش برد خود باشند، عناصر ضد زره پیاده نظام، نقش حساس و پرارزشی را در دفاع از سرپل ایفا می‌نمایند.

رکن سوم قرارگاه مقدم نزاچا در جنوب

این گزارش که حاصل بررسیهای فراوان و حاوی نظرات کارشناسی ۲ نفر از افسران عملیات قرارگاه کربلا بود و توسط آنان به صورت دست‌نویس مکتوب و کاملاً مشروح تهیه شده بود، برابر تدبیر و دستور فرمانده نیروی زمینی جهت مطالعه و بررسی مسئولان سپاه که به انتخاب سرپل بسیار کوچکی در آن سوی رودخانه تحت عنوان جای پا معتقد بودند تسلیم گردید. نهاد مزبور پس از بحث و بررسی داخلی خود روی آن، ظرف دو روز، موافقت کامل خود را با سرپل پیشنهادی در این گزارش اعلام نمود و لذا تهیه طرح عملیاتی کربلا ۳ برای صدور به یگانهای اجراء کننده با سرعت بیشتری دنبال گردید و همزمان با آن تهیه تجهیزات لازم مانند وسایل عبور از رودخانه و احداث پایگاههای پدافند هوایی موشکی و وسائل دیگر فراهم می‌گردید.

با تشکیل شوراهای ستادی متعدد فرماندهان یگانهای ارتش و سپاه در جریان آخرین وضعیت طرح‌ریزی و اطلاعات به‌دست آمده از دشمن قرار گرفته و در مورد مأموریت واگذاری به خود همگام با پیشرفت طرح‌ریزی توجیه می‌شدند.

نقشه شماره ۸ / صفحه ۲۱۴ ابعاد سرپل انتخاب شده در غرب کارون را نشان می‌دهد.

تدبیر عملیات (مانور) در طرح کربلا ۳

پس از انتخاب راه کار نهایی به شرحی که گفته شد و تعیین خطوط اصلی و کلی عملیات و روشن شدن مأموریت قرارگاه کربلا، تهیه طرح عملیاتی مشروح و پیوست های آن آغاز و سرانجام در اواخر دهه سوم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ به یگانها و مبادی ذینفع صادر گردید.

اندکی قبل از آن یعنی در تاریخ ۲۰ فروردین ماه سپاه پاسداران رأساً و تحت عنوان قرارگاه مرکزی کربلا مبادرت به صدور یک دستورعملیاتی به یگانهای سپاه و نیروی زمینی ارتش نموده و یک نسخه از آن را هم به قرارگاه مقدم تاکتیکی نیروی زمینی در جنوب ارسال نمود. طرح عملیاتی مذکور از لحاظ کلیات و استخوان بندی و شرح مأموریت و وظایف یگانها همان تصمیمات گرفته شده بود و سازمان رزمی شامل یگانهای سپاه و نیروی زمینی ارتش می شد که در قالب قرارگاههای مشترک فتح و نصر و قدس قرار می گرفتند و بیشترین دستورهای متوجه یگانهای سپاه بود و می توان گفت که در واقع طرح یا دستور عملیاتی سپاه برای یگانهای زیر مجموعه خود بود.

طرح مشترک عملیاتی کربلا ۳ که توسط بخش عملیات قرارگاه مقدم نیروی زمینی تهیه و منتشر گردید، طرحی بود مفصل و مشروح که به شیوه ستادی معمول تهیه شده و جزییات کار و وظائف و مسئولیتها را بیان نموده بود. البته اگر چه طرح مزبور فاقد نقص و نقاط ضعف نبود ولی حداکثر تلاش در مورد دقت و کامل و بی نقص بودن آن به عمل آمده بود. بر مبنای راه کار انتخاب شده مانور نیروهای خودی در طرح عملیاتی کربلا ۳ به شرح زیر بیان گردیده بود:

فرماندهی عملیات کربلا در جنوب، با قرارگاههای قدس و فتح و نصر تک نموده، دشمن را در منطقه عمومی اهواز - غرب کارون منهدم، خرمشهر و خط مرز را تأمین و آفند خود را تا رسیدن به ساحل شرقی شط العرب ادامه داده و سپس در منطقه پدافند می نماید.

تیپ ۳۰ زرهی سپاه پاسداران احتیاط قرارگاه کربلا را تشکیل می دهد. تقدم درگیری در منطقه قرارگاه فتح.

این عملیات به شرح زیر اجرا می شود:

قرارگاه قدس در شمال تک نموده، خاکریزهای مقدم دشمن را در منطقه مربوطه تأمین و همزمان قرارگاههای فتح و نصر با عبور از رودخانه کارون خط سرپل را در غرب رودخانه تأمین می نمایند. پس از تأمین سرپل، قرارگاههای فتح و نصر به آفند خود برای تأمین خط مرز ادامه داده و قرارگاه نصر همزمان برای آزادسازی خرمشهر تک می نماید.

قرارگاه قدس مناسب با شرایط خاص دشمن (عقب نشینی، عقب روی، فرار) بنا به دستور تک نموده، خط عمومی جفیرتا پادگان حمید را تأمین و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم می نماید. قرارگاههای فتح و نصر پس از تأمین مرز در منطقه واگذاری، آفند خود را به منظور تأمین تنومه و ساحل شرقی شط العرب ادامه می دهند. قرارگاه قدس بنا به دستور تک را ادامه نشو را تأمین و سپس بنا به دستور هر سه قرارگاه در ساحل شرقی شط العرب پدافند می نمایند.

از آنجایی که این قسمت از تدبیر عملیات طرح کربلا ۳ حاوی نکات چندی است که از نظر آگاهی تاریخی و نظامی جالب است؛ لذا بحث کوتاهی در این مورد بی مناسبت نخواهد بود.

آگاهان مسائل نظامی و ستادی و طراحی عملیات با ملاحظه راه کار و مانور انتخاب شده و وسعت عملیات متوجه خواهند بود که لازمه طراحی چنین مانوری مرحله بندی کردن عملیات است و افسران تهیه کننده طرح کربلا ۳ نیز طبعاً

اجرای مانور را در این تدبیر عملیاتی به ۴ مرحله تقسیم نمودند، ولی مسئولان عملیات سپاه در قرارگاه کربلا با مرحله بندی شدن مانور شدیداً مخالف بودند.

دلایل طراحان نظامی برای مرحله بندی کردن عملیات، روشن و بر مبنای قوانین و قواره های فرماندهی و کنترل عملیات استوار بود، اما مسئولان سپاه معتقد بودند که مرحله بندی، دستاویزی خواهد بود که یگانها پس از انجام یک مرحله، اجرای مراحل بعدی را به تعویق اندازند، در حالی که عدم مرحله بندی در تدبیر عملیات سبب می گردد یگانها بدون تأخیر و تعلل و توقف، عملیات را آغاز و تا پایان ادامه دهند.

دلایل اقامه شده توسط طراحان نظامی در لزوم مرحله بندی کردن عملیات و اینکه این کار به مفهوم اجازه توقف و تعلل در اجرای مراحل بعدی عملیات به یگانها نیست و مرحله بندی یک اقدام کنترلی در عملیات بوده و به ویژه سبب سهولت در امر فرماندهی و کنترل صحنه رزم و تسهیل هدایت عملیات خواهد گردید مورد پذیرش و توافق سپاه پاسداران قرار نگرفت. نظامیان نیز بر اعتقاد خود پافشاری نمودند، بالاخره در اجرای دستور فرمانده نیروی زمینی، تدبیر عملیات به نحوی نوشته شد که مورد قبول سپاه پاسداران قرار گرفت؛ یعنی فاقد مرحله بندی بود، ولی پس از تهیه و ارسال طرح کربلا ۳ برای یگانها و سازمانهای ارتشی ابهام و حتی اعتراض را پیش آورد، لذا بیان مانور به صورت مرحله بندی شده در تاریخ ۶۱/۲/۵ به صورت پیوست به طرح کربلا ۳ برای گیرندگان طرح ارسال گردید.

به عنوان یک واقعیت باید گفت که در مفهوم کلی و تدبیر اجرای عملیات اختلافی نبود، منتها اکنون هرکس (ارتشی-سپاهی) طرح را به آن زبانی که می دانست و قبول داشت دریافت نموده بود.

اینک جهت آگاهی و اطلاع، نامه ای را که فرمانده نیروی زمینی شخصاً در مورد مسئله یاد شده برای ابلاغ به گیرندگان طرح کربلا ۳ تهیه نموده و منظور از آن رفع هرگونه اشکال سپاه پاسداران بود که چرا مجدداً عملیات مرحله بندی گردیده عیناً نقل می گردد:

پیرو طرح عملیاتی کربلا ۳

۱. بند الف تدبیر عملیات طرح کربلا ۳ (مانور)، بیانگر ماحصل بحثها و گفتگوهایی است که در جلسات مکرر مسئولان عملیات ارتش و سپاه پاسداران به عمل آمده و به عنوان آخرین تصمیم گیری قاطعانه اعلام گردیده است.

۲. علی هذا بیان این حقایق به زبان تاکتیکی نظامی کلاسیک در قالب مرحله ای بودن انجام می گیرد که به منظور انجام مقایسه و بررسی و تحلیل مطلب و احتمالاً بهره گیری مثبت در قرارگاههای مشترک فتح، نصر و قدس، بیان مانور عملیات کربلا ۳ به صورت مرحله ای به پیوست ارسال می گردد. قبل از مطالعه و مقایسه و بررسی نکات زیر را در نظر بگیرید.

الف. انتشار این تصمیم هیچ گونه تغییری در مفاد طرح کربلا ۳ شامل نمی شود.

ب. مطالعه دقیق و مقایسه و بررسی این ضمیمه به مسئولان عملیات قرارگاههای مشترک توصیه می گردد.

فرمانده نزا جا سرهنگ صیاد شیرازی

فرم مرحله بندی شده مانور در تدبیر عملیات طرح کربلا ۳ که به پیوست طرح مذکور صادر گردید به شرح زیر بود :

مانور

فرماندهی عملیات کربلا در جنوب با قرارگاهای قدس و نصر و فتح تک نموده دشمن را در منطقه عمومی اهواز - غرب کارون منهدم ، خرمشهر و خط مرز را تأمین و آفند خود را به منظور تأمین خطوط مرزی تارسیدن به ساحل شرقی شط العرب ادامه داده و سپس در منطقه پدافند می نماید ، این عملیات در ۴ مرحله به شرح زیر اجرا می گردد.

مرحله ۱- همزمان با تک قرارگاه قدس در شمال و تأمین خاکریزهای مقدم دشمن ، قرارگاههای فتح و نصر به منظور ایجاد سرپل مناسب برای ادامه عملیات در مرکز و جنوب منطقه عملیات ، با عبور از رودخانه کارون به سمت باختر تک نموده و خط سرپل را در غرب کارون تأمین می نمایند.

مرحله ۲- پس از تأمین سرپل ، قرارگاههای فتح و نصر آفند خود را بترتیب برای تأمین مرز در منطقه محوله و تأمین و آزاد سازی خرمشهر و شلمچه ادامه می دهند.

قرارگاه قدس بنا به دستور به منظور تأمین خط عمومی جفیر - حمید تک خود را ادامه داده نیروهای دشمن را در منطقه منهدم می سازد .

مرحله ۳ - پس از تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر ، قرارگاههای فتح و نصر تک خود را به سمت باختر برای تأمین ساحل شرقی ارونردود و پل تنومه ادامه داده و قرارگاه قدس به منظور تأمین پل نشوه بنا به دستور تک می نماید.

مرحله ۴- با تأمین ساحل شرقی ارونردود رود یگانهای تابعه قرارگاه کربلا در منطقه پدافند می نمایند.

در این عملیات تیپ ۳۰ زرهی مستقل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی احتیاط قرارگاه کربلا را در جنوب با تقدم به کاررفتن در منطقه قرارگاه فتح تشکیل می دهد.

اما در مانوری که بفرم قابل فهم برای سپاه پاسداران نوشته شده بود مراحل چهارگانه مانور به صورت پشت سرهم بیان گردیده یعنی به جای لغت مرحله ، واژه (پس از) به کار برده شده بود که از نظر مفهوم اجرا یکی هستند ولی نظامیان نیز در مقابل پافشاری سپاه پاسداران مبنی بر حذف (مرحله بندی) بر وجود آن اصرار ورزیده و از این معنا دفاع می کردند که مرحله بندی کردن عملیات ، آنطور که آنها تصور می کنند، به منظور تراشیدن عذری برای توقف و تعلل در ادامه عملیات نیست.

به هر حال با پیام یاد شده فرمانده نیروی زمینی اختلاف سلیقه موجود بین طراحان ارتش و سپاه در زمینه چگونگی بیان مانور برداشته شد و هر یک طرح مانور و تدبیر عملیات را بزبان نظامی قابل قبول خود دریافت نمودند و مجدداً یادآوری می شود که از نظر محتوی و مفهوم و اجرا هیچ اختلافی در دو بیان فوق نبوده است.

برای درک آسانتر ، می توان مانور طرح عملیاتی کربلا ۳ را به شرح زیرین خلاصه نمود :

مرحله اول: تصرف و تأمین سرپل در غرب کارون و تک همزمان به جناح شمالی دشمن در کرانه جنوبی کرخه کور و نیسان

مرحله دوّم: پیشروی نیروها از سرپل غرب کارون برای تأمین خط مرز و آزادسازی خرمشهر

مرحله سوّم: عبور نیروها از مرز و پیشروی در خاک عراق تا کرانه شرقی ارونردود. (شطالعرب)

مرحله چهارم: پدافند در کرانه شرقی ارونردود از نشوه به پایین

نقشه‌های شماره ۹ تا ۱۱ / صفحات ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ مراحل مانور طرح‌ریزی شده نیروهای مسلح ایران را در طرح کربلا ۳ نشان می‌دهد.

در مانور مذکور احاطه نیروهای دشمن در منطقه عمومی جفیر و کرخه کور توسط نیروی عبور کننده از کارون پیش بینی نشده زیرا با توجه به عوامل چندی که به وضعیت و وسعت زمین و مقدرات خودی و امکانات و تواناییهای دشمن بستگی داشت این نظریه منتفی گردیده بود چرا که این تهدید باید توسط نیرویی که از رودخانه کارون عبور کرده است انجام می‌گرفت و در حقیقت یک عمل (استفاده از موفقیت) پس از تأمین سرپل بود که با یک حرکت احاطه ای و سریع بایستی خود را بحوالی جفیر - طلایه برساند. این نیروی استفاده از موفقیت در وصول خود به کوشک - طلایه - جفیر با دو مشکل بسیار عمده روبرو بود که عبارت بودند از :

اول- راه طولانی از سرپل غرب کارون تا کوشک - طلایه - جفیر که مستلزم کاربرد یک یگان کاملاً متحرک و ضربتی و قوی یعنی یگان زرهی بود.

دوم- یگان مذکور در مقابله با حداقل ۳ لشکر زرهی عراق ، قرار می‌گرفت (لشکرهای ۳ و ۶ و ۹ زرهی) که دو لشکر آن (۳ و ۹) مستقیماً در مقابل این نیرو قرار می‌گرفتند.

در وضعیت موجود ما فقط می‌توانستیم برای عمل احاطه دشمن در جفیر لشکر ۹۲ زرهی خوزستان را به کار گیریم که از لحاظ مقایسه با نیروها و تجهیزات دشمن فاقد توانایی لازم برای این عمل بود.

همچنین استفاده از نیروی پیاده نظام سبک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با در نظر گرفتن بعد مسافت، باز بودن زمین، و ضعف و آسیب پذیری آنان در اجرای عملیات آفندی در زمینهای باز و روشنایی روز، نیروی مناسب و موفقی برای این احاطه برآورد نمی‌شد.

خلاصه آنکه ضعف و نبود نیروی مناسب و کافی، احاطه دشمن را در منطقه وسیع جفیر منتفی می‌کرد، اما مانور با هدف تهدید منطقه شرق بصره که برای نیروهای ما امکان پذیرتر بود به قطع عقبه نیروهای متجاوز در منطقه جفیر منجر شده و در واقع نتایج عملی احاطه دشمن را به بار می‌آورد.

در تدبیر عملیاتی یگانی بنام تیپ ۳۰ زرهی مستقل سپاه پاسداران به عنوان احتیاط قرارگاه کربلا معرفی شده بود اما هرگز در عملیات بیت المقدس از آن استفاده ای تحت عنوان احتیاط به عمل نیاید؛ زیرا سپاه بعداً اعلام کرد که این واحد را برای تقویت یگانهای پیاده خود تقسیم نموده است و به احتمال قوی چنین یگانی عملاً وجود نداشت .

برای بیان واقعیت باید بگوییم که در نبرد بیت المقدس قرارگاه فرماندهی کربلا هرگز دارای یک یگان احتیاط به مفهوم واقعی آن نبود و اصولاً مسئله یگان احتیاط و ضرورت و کاربردهای آن در عملیات کمتر مورد توجه فرماندهی مشترک قرارگاه بود و تلاش و اصرار افسران عملیات در این زمینه ، حداکثر به تعیین نام واحدی آن هم فاقد توانایی های لازم و درخور ، تازه آن هم روی کاغذ و نه به صورت عملی، توسط فرماندهان، اکتفا می‌گردید.

قبل از اینکه بحث مربوط به تدبیر عملیات و مانور طرح کربلا ۳ را به پایان ببریم لازم است از پیشنهادهای ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در این زمینه سخن گفته شود.

مانور پیشنهادی ستاد مشترک ارتش

پس از تهیه و تکمیل طرح عملیاتی کربلا ۳، به یگانها و مبادی مربوطه ارسال گردید که طرح‌های خود را بر مبنای آن تهیه نمایند، این طرح در اواخر فروردین ماه سال ۶۱ صادر گردید. در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه ستاد مشترک که اندکی با تأخیر یعنی یکی دو روز قبل از این تاریخ آن را دریافت داشته بود، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل تدبیر عملیات طرح مزبور، طی پیامی به نیروی زمینی، به تشریح نقطه نظرهای خود پرداخته و طرحی را پیشنهاد نمود که به عنوان یکی از راههای کار ارائه شده برای این عمل، که در بالاترین رده ستادی ارتش تهیه گردیده بود، پاره ای از قسمتهای آن به منظور درج در تاریخ این جنگ عیناً نقل می‌گردد :

ستاد مشترک اعتقادات خود را به شرح زیر در مورد تغییر طرح عملیات کربلا ۳ اعلام می‌دارد، اگر دشمن یکی از حالات خاص (عقب نشینی، عقب روی، فرار) را در مقابل قرارگاه قدس در پیش نگرفته و در این جبهه جداً مبادرت به دفاع یا حمله نماید، در این صورت خط پادگان حمید - جفیر تأمین نمی‌گردد و دشمن در منطقه وسیع محاصره شده، در وضعیت فعال باقی می‌ماند. در صورت تحقق چنین وضعیتی ممکن است بنا به دستور و طرح سرفرماندهی، نیروهای دشمن در دسرهای جدی برای نیروهای خودی به وجود آورند و تا موقعی که قرارگاه فتح به سمت خط مرز در منطقه، و قرارگاه نصر به سوی خرمشهر، از یکدیگر دور شده و فاصله می‌گیرند بعید نیست که استعداد عمده ای از دشمن پشت سر آنها قرار گیرد در یک چنین صورتی به دشمن امکان داده می‌شود که در مورد حمله نجات دهنده یکی از سمت شرق و دیگری از سمت غرب (بصره) برای شکستن خط محاصره ایجاد شده توسط قرارگاههای فتح و نصر بیندیشد و آن را به مرحله اجرا درآورد.

با توجه به امکانات پشتیبانی توپخانه و هوایی دشمن، پلهای ایجاد شده روی رودخانه کارون را نمی‌توان به عنوان یک گذرگاه صد درصد مطمئن به حساب آورد و بنابراین ضرورت دارد به محض عبور از رودخانه با قطع ارتباط دشمن به عقب، علاوه بر اقدام به انهدام دشمن در داخل حلقه محاصره فوراً در اولین وضعیت ممکن، ارتباط مطمئنی را بین دو فرماندهی نصر و فتح از طریق محور اهواز - خرمشهر برقرار نموده تا تخریب و انهدام پلهای زده شده روی کارون اختلالاتی در پشتیبانی فرماندهی های مزبور و امر تخلیه و ترابری به وجود نیآورد.

نظریه ستاد مشترک

الف. برای دور ماندن از نتایج سوء احتمالی موارد گفته شد ستاد مشترک معتقد است عملیات مزبور را باید به طور کلی به ۳ مرحله مجزاء تقسیم و طرح ریزی نمود.

مرحله یکم

۱. حمله به خاکریز اول در سراسر جبهه فرماندهی قدس و تصرف این خاکریز. این حمله یک حمله پشتیبانی است که باید به منظور درگیر کردن نیروهای احتیاط محلی دشمن با فرماندهی قدس، به منظور کم کردن مقاومت وی در مقابل حمله اصلی و منحرف نمودن تصورات دشمن از حمله سراسری و تقلیل توانایی مانور آن صورت بگیرد. این حمله می‌بایستی حداقل ۱۲ ساعت زودتر از حمله اصلی هدایت شود. (تک پشتیبانی)

۲. عبور از رودخانه، تأمین سرپل و هدایت یک حمله تطبیق شده در سمت غرب و قطع محور (جفیر-نوشه) و تهدید محور (مارد-بصره) به منظور محاصره کردن دشمن بین خودی و کارون و هورها توسط فرماندهی فتح و نصر (تک اصلی)

مرحله دوم

۱. حمله هماهنگ شده فرماندهی قدس و فتح به نیروهای، محاصره شده به منظورهای زیر :

الف. انهدام و یا اسیر کردن نیروهای دشمن در حلقه محاصره.

ب. پاک کردن منطقه و برقراری ارتباط زمینی فرماندهی فتح و نصر از محور اهواز - خرمشهر و بی نیاز شدن از پلهای زده شده روی کارون.
پ. تخریب روحیه رزمندگان دشمن در مناطق خرمشهر تنومه و بصره تا انهدام نیروهای وی در غرب اهواز .
۲. پوشش و تهیه دفاع عقب فرماندهی فتح و ممانعت از حرکات و مانورهای تقویتی دشمن توسط فرماندهی نصر و پاک کردن منطقه اشغالی.

مرحله سوم

۱. حمله توسط فرماندهی نصر جهت تأمین خط تنومه - خرمشهر و سپس دفاع در ساحل شرقی اروندرود.
۲. دنبال و پشتیبانی فرماندهی نصر ، توسط فرماندهی فتح و کمک به فرماندهی نصر در تأمین ساحل شرقی اروندرود و سپس تأمین خط رودخانه دجله در منطقه و دفاع از آن.
۳. ادامه تک توسط قسمتی از فرماندهی قدس برای تصرف نشوه و کنترل جاده (عماره-نشوه-فاو) و رسیدن به هورها و پدافند در ساحل شرقی دجله.

از مقایسه مانور انتخابی قرارگاه کربلا و مانور پیشنهادی ستاد مشترک می توان به نکات زیر دست یافت :
اول: ستاد مشترک راه کار کلی قرارگاه کربلا مبنی بر تک اصلی نیرو با عبور از رودخانه کارون و تک پشتیبانی در جبهه کرخه کور را پذیرفته بود.

دوم : مرحله اول مانور پیشنهادی ستاد مشترک با مرحله اول مانور انتخابی قرارگاه کربلا با یک اختلاف جزئی مربوط به فاصله زمانی بین تک اصلی و تک پشتیبانی دقیقاً یکی بود.
سوم: سرپل انتخاب شده توسط قرارگاه کربلا مورد تأیید ستاد مشترک ارتش بود.

چهارم: در مورد ادامه تک و تهدید شرق بصره برای بستن عقبه و احاطه نیروهای دشمن در جفیر و خرمشهر نقطه نظرهای قرارگاه کربلا و ستاد مشترک یکی بوده و مرحله سوم مانور پیشنهادی ستاد مشترک با مراحل سوم و چهارم مانور انتخابی قرارگاه کربلا تقریباً مشابهت دارند.

پنجم: اختلاف اصلی دو مانور در مرحله دوم است. برابر پیشنهاد ستاد مشترک در این مرحله قرارگاه فتح که از سرپل و خط مرز عبور نموده و محور جفیر- نشوه را قطع نموده است. نیروی عمده‌ای را متوجه شمال کرده و به این ترتیب متجاوز بین فشار دو نیروی قرارگاه قدس در شمال و قرارگاه فتح از جنوب قرار گرفته و لاجرم بایستی تن به انهدام و اسارت بسپارد.

این مانور مورد قبول قرارگاه کربلا نبود و وصول سریع قرارگاههای فتح و نصر را به کرانه شرقی اروندرود (شطالعرب) در شرق بصره ترجیح می داد و معتقد بود که مانور قرارگاه فتح از شرق بصره به سوی جفیر لازم نبوده و در صورت رسیدن نیروهای ما به کرانه اروندرود دیگر وجود نیروهای متجاوز در جفیر مسئله ای نبوده و خود به خود تن به اسارت خواهند سپرد. اصولاً قرارگاه کربلا به موفقیت ادامه عملیات در شرق بصره امید چندانی نداشت و تقریباً آن را از توان نیروهای موجود خود در توالی پی در پی مراحل عملیات خارج دانسته، مگر اینکه دور تک بدون وقفه ادامه داشته و سرعت عمل در نیروهای ما کماکان باقی بماند که تنها در این صورت امکان کشاندن تک به باختر خط مرز و تهدید شرق بصره امکان پذیر می گشت. قرارگاه کربلا با توجه به وضعیت زمین و امکانات و مقدرات نیروی خودی بیشتر به آزادسازی مناطق اشغالی و خرمشهر و تأمین خطوط مرزی اندیشه می کرد و بر این اعتقاد بود که با وصول نیروهای ما به خط مرز ، عراق دیگر ادامه

توقف نیروهایش در جفیر و منطقه کرخه کور را به صلاح خود نخواهد دانست، خواهد نمود. با رسیدن نیروهای ما به خط مرز اگر عراق دست به این اقدام نزند یا تأخیر کند و در صورتی که نیروهای ما دور و سرعت تک خود را حفظ کرده باشند، در شرق بصره پیشروی خواهند کرد و در این حالت، نیروهای دشمن در جفیر بی اثر می شدند و اگر با رسیدن نیروهای ما به مرز و اقدام عراق در عقب کشیدن نیروهای خود از جفیر و تقویت پدافند شرق بصره و یا هر علت دیگر نیروهای ما قادر به پیشروی در شرق بصره نباشند، نه مرحله دوم مانور پیشنهادی ستاد مشترک قابل اجرا خواهد بود، نه مرحله سوم و چهارم مانور انتخابی قرارگاه کربلا.

مانور ستاد مشترک بر مبنای رسیدن ما به شرق بصره و قطع جاده جفیر-نشوه استوار گردیده بود و مانور قرارگاه کربلا بر رسیدن به خط مرز و آزادسازی خرمشهر، و ادامه عملیات تا شرق بصره و رسیدن به کرانه‌های شرقی شط العرب که البته منوط به این بود که تک ما تا رسیدن به خط مرز و پس از آن، به هر علت از دور و سرعت مطلوب و مورد نظر نیفتد. با آنچه در میدان رزم عملاً پیش آمد و باعث توقف تک ما در خط مرز و اتخاذ حالت پدافندی گردید، اگر مانور پیشنهادی ستاد مشترک هم عیناً به مرحله اجرا در می‌آمد هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آمد زیرا تا رسیدن به خط مرز که در دو مانور اختلافی نبود اختلاف مانورها پس از عبور از مرز و پیشروی در شرق بصره بود که به هر صورت در اثر عکس العمل دشمن و فرسودگی نیروی خودی مقدور نگردید.

مانور پیشنهادی ستاد مشترک، طرحی جالب بود اما قرارگاه کربلا با توجه به امکانات و تواناییهای واقعی و عملی خودی، زمین و دشمن مانور طرح ریزی شده خود را امکان پذیرتر و با قابلیت انعطاف بیشتری بر آورد می‌کرد. اما در مورد برقراری یک راه ارتباطی زمینی به قرارگاههای فتح و نصر که ستاد مشترک درباره آن هشدار داده بود، این مطلب مورد توجه قرارگاه کربلا بود و از همان ابتدا در منطقه بین غرب کارون و منطقه آب گرفته شناسایی لازم توسط افسر مهندس قرارگاه کربلا به عمل آمده و یک جاده توسط جهادسازندگی استان یزد، در این منطقه احداث و ارتباط زمینی قرارگاههای فتح و نصر با اهواز فراهم شد که در صورت تخریب و انهدام پلهای شناور بتوان از طریق زمینی با قرارگاههای مذکور ارتباط برقرار و امر تخلیه و آماد را ادامه داد که البته کشش و ظرفیت جاده مذکور چندان بالا نبود. ستاد مشترک در پیام یاد شده خود، علاوه بر مانور پیشنهادی توصیه‌هایی نیز به قرارگاه کربلا به عمل آورده بود که، بخشهایی از آن عیناً نقل می‌شود:

۴. ملاحظات

الف: عملیات مؤثر در عملیات خودی، دفاع یا عقب نشینی تاکتیکی دشمن است. بدین معنی که اگر دشمن در تمامی مراحل، دفاع یا عقب نشینی تاکتیکی نماید، اجرای مراحل سه گانه فوق یکی بعد از دیگری الزامی است. ولی اگر نیروهای دشمن در هر مرحله ای مبادرت به اسارت یا فرار نماید، ممکن است بنا به دستور، قرارگاههای هدایت کننده، طرحهای تصحیح شده وابسته به وضعیت هر واحد و هر یگان تا خط خیز معینی و یا خط خیز نهایی، دشمن را تعقیب نموده و یا به اسارت درآورد.

ب: ممکن است حمله پشتیبانی موفق و حمله اصلی ناموفق بماند. بنابراین پیش بینی احتیاط های قابل دسترس و یا طرح جابه‌جایی یگانها، قادر خواهد بود که حمله پشتیبانی را به حمله اصلی تبدیل نموده و هدف های تعیین شده را، به وسیله طرح کردن عملیات جدید به دست آورد.

طرح ریزی عملیات/۴۵

به‌خصوص در این عملیات که حمله اصلی می‌بایست از یک رودخانه غیر قابل عبور، عبور نماید فکر پیش بینی طرح دیگری برای تبدیل حمله پشتیبانی و اصلی به یکدیگر از ضروریات به حساب می‌آید.

چون عملیات در سطح بسیار وسیعی است، بنابراین کنترل و فرماندهی بر نیروهای عمل کننده یک عمل بسیار قطعی در کاربرد به‌موقع و به‌جای نیروها به حساب می‌آید که آن هم با امکانات و ارتباط و مخابرات فراهم می‌گردد. زیرا اگر عمل دشمن، تغییر در طرحها و دستورهای و هدایت و جابه‌جایی های بزرگ و واگذاری و دریافتهای بزرگ را ایجاد نماید که مخالف طرح اولیه باشد، مشکلات حاصله می‌بایستی با اعمال فرماندهی و کنترل منطقی حل و فصل گردد که لازمه آن داشتن امکانات مخابراتی و طرح جامع استفاده و بهره برداری از آنهاست.

ت: دشمن در نبرد دزفول از کمیت و کیفیت نیروهای ما و طریقه نبرد آنها آگاهی یافته و تجربه اندوخته است و احتمالاً به آسیب پذیرها واقف است و به احتمال خیلی زیاد با تمرکز قوا از مقاصد ما نیز آگاهی حاصل نموده است باید فرماندهان از اتخاذ آرایشهای متناسب با زمین و وضعیت برای تقلیل تلفات و خسارات دقت کافی به‌خرج دهند. تلفات و خسارات خارج از حدود و اندازه میل قبول به رزم را در پرسنل به‌شدت کاهش می‌دهند و فرار و اسارت را در آنها تقویت می‌نماید.

ث: پدافند عامل و غیر عامل بر علیه امکانات هوایی و توپخانه دشمن در این منطقه باز و صاف از ضروریات است. اگر چه دشمن از همان نیرویی است که در دزفول شکست خورده (عملیات فتح المبین) و لیکن باید قبول کنیم که دشمن در منطقه اهواز اکنون بیدارتر از دزفول می‌باشد و زمین باز منطقه، متناسب با آموزشهای تاکتیکی دشمن است. ج: ما چون در راه حق می‌جنگیم، جنگ ما جهاد فی سبیل الله است با توکل به خدا و به کار بستن اصل فنون جنگ و به کار بردن صحیح قدرت رزمی پیروزی نهایی با شمامست.

خداوند یارو یاور شما و همه رزمندگان اسلام باشد.

چ: در خاتمه به کار بستن مراحل سه گانه و اجرای موارد بیان شده در این نظریه به طور جدی تأکید می‌گردد.

رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

سرتیپ قاسم‌علی ظهیرنژاد

این قسمت از پیام ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به فرماندهان عالی قرارگاه مشترک کربلا بیشتر جنبه آموزش و یادآوری و تذکر مسایل عملیاتی را داشت که می‌توانست برای رده های پایین فرماندهی مناسب و سودمند باشد نه در سطح فرماندهی که بیش از ۸ لشکر را می‌خواهند در صحنه رزمی به مساحت ۶۰۰۰ کیلومتر مربع وارد عمل نمایند. توضیح در مورد داشتن و کاربردهای احتیاط، یا لزوم برقراری ارتباط و مخابرات مطمئن و پاره ای نکات مربوط به تک اصلی و پشتیبانی مواردی نیست که لازم باشد ستاد مشترک ارتش در آستانه چنین رزم بزرگی آن را به فرماندهی کل عملیات آموزش داده و یا حتی نیاز به یادآوری بداند. احتمالاً بیان مطالبی از این دست نمایانگر شناخت تلقی و برداشت رییس ستاد مشترک از میزان دانش و بینش و آگاهی نظامی و ادراکات عملیاتی فرماندهان نیروی زمینی و سپاه پاسداران محسوب گردد، بدون اینکه سوء نیتی در این کار داشته باشد.

از آنجایی که پیام مزبور با توجه به سردی روابط ستاد مشترک و قرارگاه کربلا و نیروی زمینی می‌توانست بر اختلافات موجود که اکثراً جنبه نظامی داشت بیفزاید، لذا افسران عملیات در قرارگاه کربلا درصدد برآمدند که در این مقطع حساس نوعی تفاهم را جایگزین سازند، علی هذا متن جوابیه زیر را تهیه کردند که مورد موافقت فرماندهان سپاه و نیروی زمینی قرار گرفته و به ستاد مشترک ارسال گردید.

شاید بتوان گفت که فرماندهان مزبور با در نظر گرفتن نتایج منفی احتمالی عملیات، نخواستند خود را در آتیه با ستاد مشترک درگیر سازند. پاسخ پیام ستاد مشترک ذیلاً درج می‌گردد:

بدیهی است انهدام نیروهای دشمن در بخش جنوبی جبهه (خونین شهر- بصره) و همچنین قطع راه عقب نشینی و فرار متجاوز در منطقه عمومی کرخه کور ، جفیر از طریق جاده طلایه- نشوه به سمت بصره ، در پی آمد چنین تدبیری منظور و برآورده گردیده است.

با تشکر از راهنمایی های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ، قرارگاه کربلا اعتقاد دارد که اهم نقطه نظرهای ستاد مشترک در طرح عملیاتی کربلا ۳ مورد نظر و ملاحظه بوده و در حین هدایت عملیات نیز دستیابی سریع به نقطه نظرهای فوق مورد توجه می باشد و از میان راههای کار مختلف از جمله راه کار پیشنهادی آن ستاد با توجه به وضعیت زمین - دشمن و تدبیر اصلی عملیات که فوقاً به آن اشاره گردید و پس از مباحثات فراوان، تبادل نظرهای مختلف، مانور مذکور در طرح عملیاتی کربلا ۳ به عنوان راه کار هماهنگ شده مشترک و مورد توافق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نزاجا انتخاب و در مراحل اجرایی قرار گرفته است.

قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب
علی صیاد شیرازی- محسن رضایی

بخش دوم

نیروهای شرکت کننده خودی، در عملیات بیت المقدس

ارتش جمهوری اسلامی ایران

الف: نیروی زمینی :

عناصر مانوری متشکل از ۶۱ گردان (زرهی - مکانیزه- پیاده) که با ۲۹ گردان توپخانه صحرائی و ۵ گردان مهندس رزمی و ۱ گردان پل و چهار گروه هوانیروز پشتیبانی می شدند.

ب: نیروی هوایی :

پشتیبانی هوایی از عملیات، اعم از پشتیبانی نزدیک هوایی عکس برداری هوایی و شناسایی، پوشش هوایی، سوختگیری هوایی، حمل آما، ترابری نیرو و تخلیه مجروحان.

پ: نیروی دریایی :

پشتیبانی عبور نیروها از رودخانه کارون به وسیله ۳۰۰ فروند قایق های هجومی، ۳ گروهان آب خاکی، یک گردان تکاور و ۲ گردان تفنگدار دریایی

ت: ژاندارمری :

۳ گردان رزمی پیاده ژاندارمری که در کنترل عملیاتی لشکرهای ۱۶ زرهی و ۲۱ پیاده قرار داشتند شامل گردان ۲۰۷ مارد - گردان فارسیات - گردان ۵۰۷ دغاغله.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الف: در شروع عملیات نیروهای سپاه جمعاً متشکل از ۹۷ گردان پیاده ، ۳ گردان زرهی و ۲ گردان مکانیزه بود.

ب: نیروهای تقویتی که در حین اجرای عملیات به منطقه وارد شدند ۳ تیپ پیاده (حدود ۱۰ گردان)

پ: نیروهای اضافی وارد شده به منطقه جهت جایگزینی تحقیقاً نامشخص (برای نگارنده) ولی حدود ۶۰۰۰ نفر برآورد می شود (نیروهای حمل شده در یک ترابری هوایی به وسیله هواپیماهای گول پیکر، جامبوجت از مشهد به امیدیه خوزستان در تاریخ ۶۱/۲/۱۸ که در یگانهای سپاه تقسیم گردیدند).

ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی

پشتیبانی مهندسی رزمی از عملیات و جاده سازی در مناطق عملیاتی شامل عناصر جهادی از شهرها و استان های مختلف کشور.

ملاحظات قابل توجه در بررسی نیروهای خودی

نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران جمعاً نیرویی به‌استعداد ۱۹۵ گردان مانوری را وارد عمل نمودند که از این تعداد ۶۱ گردان مربوط به نیروی زمینی ارتش ۱۳۴ گردان نیروهای بسیج مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. (استعداد نیروهای سپاهی فوق بنابر اعلام سپاه در آن زمان است و ما اطلاعی از دقت آن نداریم) ۱۹۵ گردان مذکور شامل ۱۵ گردان زرهی، ۱۴ گردان مکانیزه و ۱۶۶ گردان پیاده بود.

گردانهای پیاده سپاه به‌استعداد حداکثر ۳۰۰ نفر رزمنده بسیجی برآورد می‌شدند.

واقعیت لازم به‌ذکر است که یک گردان مانوری نیروی زمینی ارتش از نظر استعداد و توان رزمی حداقل ۲/۵ برابر یک گردان مانوری مشابه از سپاه پاسداران بود و با توجه به‌اینکه در ارزیابی ارزش و کارایی رزمی گردانهای مانوری نیروی زمینی ارتش بایستی علاوه بر استعداد پرسنلی، عواملی چون آموزش، آتش جنگ افزارهای سنگین اجتماعی، سیستم فرماندهی و کنترل و قابلیت انعطاف سازمانی را هم مدخلیت داد، لذا در یک سنجش کیفی و کمی یک گردان مانوری نیروی زمینی ارتش حداقل دارای توان رزمی ۲/۵ برابر و بلکه بیشتر نسبت به گردان سپاه بود، و همین شایستگی رزمی، گردانهای مانوری ارتش را علاوه بر اثربخشی در وضعیت آفندی در مرحله نگهداری و پدافند از هدفها را نیز قادر به انجام این وظیفه سنگین و خطیر می‌نمود.

مسئله دیگر در زمینه استعداد نیروهای خودی شرکت کننده در عملیات این بود که این مقدار، حداکثر نیرویی بود که نیروی زمینی و سپاه پاسداران می‌توانستند به‌پای کار آورند و به بیان روشنتر این تقریباً همه آن چیزی بود که می‌توانستند به این عملیات تخصیص دهند. اگر خوشبینانه برآورد کنیم این مقدار نیرو از لحاظ کمیت، یک توان رزمی نزدیک ۲ به ۱ برای ما نسبت به دشمن را به‌وجود می‌آورد. شایان ذکر است که در اختصاص این نیرو به عملیات، محاسبه و برآورد دقیق نیروی مورد نیاز بر مبنای عوامل مأموریت، زمین، دشمن و خودی چندان مورد توجه قرار نگرفت و شاید هم نیازی به بیان کار نبود. چرا که ما حداکثر نیرویی را که در دسترس داشتیم به‌پای کار آورده بودیم و به‌نظر می‌رسید که این حجم نیرو از لحاظ کمی، برتری چندانی نسبت به دشمن ندارد و حتی از لحاظ نیروی زرهی کمبود محسوسی داریم؛ اما انگیزه و روحیه تهاجمی نیروهای ما توان رزمی را ارتقاء می‌داد. در واقع در زمینه رفع کمبودها، به عوامل نامحسوس و برترساز توان رزمی، مانند قدرت جنگندگی، ایمان، انگیزه اتکاء گردیده بود.

به منظور ثبت در تاریخ نظامی این جنگ، نیروهای عمده شرکت کننده تا رده تیپ و هم‌مطراز از نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران و اسامی فرماندهان مربوطه و همچنین برش تاکتیکی این نیروها و تخصیص آنها به قرارگاههای سه گانه نصر، فتح و قدس را که برابر طرح عملیاتی کربلا ۳ به‌عمل آمد ذیلاً درج می‌گردد.

قبلاً اشاره گردید که قرارگاه عملیاتی موقت کربلا در جنوب (قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه) به‌فرماندهی مشترک فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده کل سپاه پاسداران عهده دار طرح‌ریزی فرماندهی، اجرا، هدایت و کنترل عملیات طرح کربلا ۳ بود.

برشماری یگان‌های عمده ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات بیت‌المقدس

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران: فرمانده: سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی (سپهبد شهید)

لشکر ۱۶ زرهی:	فرمانده:	سرهنگ زرهی ستاد سیروس لطفی
تیپ ۱ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد ایرج جمشیدی
تیپ ۲ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد حسین زمان‌فر
تیپ ۳ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد محمد جوادی
لشکر ۲۱ پیاده:	//	سرهنگ پیاده حسین حسینی سعدی
تیپ ۱ پیاده	//	سرهنگ پیاده علی رزمی
تیپ ۲ پیاده	//	سرهنگ پیاده فرض‌الله شاهین‌راد
تیپ ۳ پیاده	//	سرهنگ پیاده سعید پورداراب
تیپ ۴ پیاده	//	سرهنگ ۲ زرهی محمد جابری‌پور
لشکر ۹۲ زرهی:	//	سرهنگ زرهی ستاد مسعود منفرد نیاکی
تیپ ۱ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد سید علی صفوی
تیپ ۲ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد محمد جعفر لهراسبی
تیپ ۳ زرهی	//	سرهنگ زرهی ستاد هوشنگ بهرامی
تیپ ۵۸ تکاور:	//	سرهنگ پیاده ستاد یعقوب علیاری
تیپ ۵۵ هوابرد:	//	سرهنگ پیاده ستاد کریم عبادت
تیپ ۲۳ نیروی مخصوص:	//	سرهنگ ۲ پیاده محمد محمدی
تیپ ۳۷ زرهی:	//	سرهنگ زرهی مجید صارمی
هوانیروز:	//	سرهنگ خلبان علی سعدی‌نام
لشکر ۷۷ پیاده (قرارگاه قائم)	//	سرهنگ پیاده ستاد عظیم ازگمی
گروه ۲۲ توپخانه:	//	سرهنگ ۲ بهروز صفری‌کیا
گروه ۳۳ توپخانه:	//	سرهنگ مهدی صدری
گروه ۴۱۱ مهندسی رزمی:	//	سرهنگ علی عیسی تفرشی
گردان ۴۱۴ پل شناور:	//	سرهنگ ۲ مهندس محمود فرحزادی
گروه ۰۱ مخابرات:	//	سرهنگ پرویز خوش‌رو

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران: سرهنگ معین‌پور

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران: ناخدا یکم مهندس افضلی

برشماری یگانهای عمده سپاه پاسداران^۱

فرمانده: برادر پاسدار محسن رضایی

برادر پاسدار احمد غلامپور	فرمانده:	لشکر ۱ قدس:
برادر پاسدار خادم الشریعه	//	تیپ ۳۱ عاشورا
برادر پاسدار امین شریعتی	//	تیپ ۲۱ امام رضا
برادر پاسدار علی هاشمی	//	تیپ ۳۷ نور
برادر پاسدار حسین کج کلاه	//	تیپ ۴۱ ثارالله
برادر پاسدار سلیمانی	//	تیپ ۴۳ بیت المقدس
برادر پاسدار غلامعلی رشید علینور	//	لشکر ۳ فتح:
برادر پاسدار حسین خرازی	//	تیپ ۱۴ امام حسین
برادر پاسدار احمد کاظمی	//	تیپ ۸ نجف
برادر پاسدار مرتضی قربانی	//	تیپ ۲۵ کربلا
برادر پاسدار حسن باقری	//	لشکر ۵ نصر:
برادر پاسدار اسحاق عساکره	//	تیپ ۴۶ فجر
برادر پاسدار حاج احمد متوسلیان	//	تیپ ۲۷ محمد رسول الله(ص)
برادر پاسدار نورایی	//	تیپ ۲۲ خرمشهر
برادر پاسدار رئوفی	//	تیپ ۷ دزفول
برادر پاسدار فتح الله جعفری	//	تیپ ۳۰ مستقل زرهی
برادر پاسدار صفاری	//	تیپ ۱۷ قم
برادر پاسدار رودکی	//	تیپ ۳۵ امام سجاد
برادر پاسدار علی فضلی	//	تیپ ۳۳ المهدی

جهادگران جهاد سازندگی از استانهای مختلف کشور

- سازمان رزمی قرارگاه‌های مشترک سه گانه (تابع قرارگاه مرکزی کربلا)
۱. قرارگاه قدس فرماندهان: سرهنگ زرهی ستاد سیروس لطفی - برادر پاسدار احمد غلامپور
- لشکر ۱۶ زرهی ارتش
 - تیپ ۵۸ تکاور ارتش
 - لشکر ۱ قدس سپاه
۲. قرارگاه فتح فرماندهان: سرهنگ زرهی ستاد مسعود منفردنیاکی - برادر پاسدار رشید علینور
- لشکر ۹۲ زرهی ارتش
 - تیپ ۵۵ هوایرد ارتش
 - تیپ ۳۷ زرهی ارتش
 - لشکر ۳ فتح سپاه
۳. قرارگاه نصر فرماندهان: سرهنگ پیاده حسین حسینی سعدی - برادر پاسدار حسن باقری
- لشکر ۲۱ پیاده ارتش
 - تیپ ۲۳ نیروی مخصوص ارتش
 - لشکر ۵ نصر سپاه

نکات برجسته مقدمات نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس:

۱. برتری کمی پیاده نظام نسبت به دشمن
۲. تجربه و ورزشدگی یگانهای پیاده در رزم شبانه، عبور از موانع و میدانهای مین، نفوذ در مواضع دشمن، رزم نزدیک و توانایی جسمانی بسیار خوب
۳. ورزشدگی در استفاده از جنگ افزارهای انفرادی ضد تانک
۴. اطلاعات تقریباً کافی از وضعیت و گسترش دشمن با بهره‌گیری از اسراء، عکسهای هوایی و سایر عوامل کسب اطلاعات
۵. داشتن اطلاعات کافی از زمین با شناساییهای دقیق از نزدیک
۶. روحیه تهاجمی چشمگیر رزمندگان برای درهم شکستن متجاوز

پشتیبانی های رزمی و خدمات رزمی و عملکرد آنها

الف: پشتیبانی رزمی

توپخانه صحرائی

عملیاتیهای قرارگاههای سه گانه با آتش ۳ توپخانه لشکری و ۲ گروه توپخانه پشتیبانی می گردید که جمعاً به ۲۹ گردان توپخانه صحرائی با کالیبرهای مختلف بالغ می شد. به بیانی دیگر، حداقل ۵۰۰ قبضه توپ در پشتیبانی از عملیات یگانهای خودی، بر دشمن آتش می گشودند.

یگانهای عمده توپخانه شرکت کننده در عملیات بیت المقدس عبارت بودند از:

- توپخانه لشکر ۱۶ زرهی ۶ گردان به فرماندهی سرهنگ توپخانه ستاد کریم هوشیار
- توپخانه لشکر ۹۲ زرهی ۶ گردان به فرماندهی سرهنگ توپخانه ستاد ابراهیم پورمهران
- توپخانه لشکر ۲۱ پیاده ۷ گردان به فرماندهی سرهنگ توپخانه ستاد باقری
- گروه ۲۲ توپخانه ۵ گردان به فرماندهی سرهنگ ۲ توپخانه بهروز صفری کیا
- گروه ۳۳ توپخانه ۵ گردان به فرماندهی سرهنگ توپخانه ستاد مهدی صدری

توپخانه‌های لشکری در پشتیبانی مستقیم قرارگاه‌های قدس و فتح و نصر و گروه‌های توپخانه در تقویت و عمل کلی تقویت توپخانه‌های لشکری قرار داشتند.

علاوه بر ۲۹ گردان یاد شده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با استفاده از تعدادی توپهای اغتنامی که از ارتش عراق طی نبردهای ثامن الائمه، طریق القدس و فتح المبین به دست آورده بود، چند یگان کوچک توپخانه (در حد آتشبار) از توپهای ۱۳۰ م م و ۱۰۵ م م تشکیل داده و در این عملیات آنها را به کار گرفت، که تنها نوعی آتش ایذایی را اجرا می‌نمودند و به علت عدم دارا بودن یک سازمان صحیح و سیستماتیک آتشبار توپخانه و عدم تخصص کافی و کامل در امر هدایت آتش توپخانه، نمی‌توانستند پشتیبانی از یگانهای تک و ر را به نحو مؤثر انجام دهند.

پاره‌ای از گردانهای ۱۳۰ م م و کاتیوشای توپخانه کم و بیش با محدودیت آماد مهمات مواجه بودند. تعدادی از یگانهای توپخانه علاوه بر مهمات بار مبنای خود که به طور کامل به همراه داشتند، مقداری مهمات نیز صرفه جویی کرده و آن را در هیچ آماری منظور نمی‌کردند و در واقع نوعی ذخیره عملیاتی خصوصی به وجود آورده بودند و بقول معروف آن را برای روز مبادا و یا لحظات خطیر و بحرانی نگهداری می‌کردند.

با توجه به حجم بالای مصرف مهمات توپخانه، جایگزینی سریع آن مشکل و در تدارکات مهمات مضیقه وجود داشت، با دستورهای اکید و سختگیری مراقبت می‌شد که از مصرف بی رویه مهمات خودداری شود.

محدودیت مهمات توپخانه، یکی به آن سبب بود که پاره‌ای از این مهمات مثل گلوله های ۱۷۵ م م - ۱۳۰ م م و راکت انداز کاتیوشا باید از کشورهای خارجی یا بازار سیاه بین المللی و با صرف هزینه و تلاش بسیار خریداری شود که مقادیر محدودی بودند و دیگر آنکه میزان تولید آن قسمت از گلوله‌های توپخانه که در کارخانجات صنایع دفاع تهیه می‌گردید، جوابگوی مصرف نبود. اگر چه کارخانجات مهمات سازی با حداکثر ظرفیت کار می‌کردند، بنابر پاره‌ای اطلاعات در آن زمان روزانه در صنایع دفاع ۴۰۰ گلوله از انواع کالیبر تولید می‌شد ولی تولید خرج پرتاب از ۱۵۰ عدد فراتر نمی‌رفت و لذا تولید داخلی گلوله‌های توپخانه به زحمت جوابگوی نیازهای مصرفی عملیات بود.

علی رغم محدودیت نسبی مهمات و پاره‌ای ضرورت‌های تعمیراتی در جنگ افزارهای پیشرفته‌ای مانند توپهای ۱۵۵، ۱۷۵، ۲۰۳ م م خودکششی، یگانهای توپخانه نیروی زمینی در این عملیات نیز مانند همیشه، کارآیی و آمادگی رزمی خود را به نحو احسن نشان داده و نقش فعال و اساسی را در پشتیبانی آتش از یگانهای مانوری در کمال خوبی ایفاء نمودند.

هوانیروز:

هوانیروز با ۳ گروه رزمی و گردان هواپیمایی فرماندهی، عملیات را از نظر پشتیبانی آتش یگانهای پیاده و زرهی، حمل آمد، تخلیه مجروح، جابه‌جایی نیرو و شناسایی هوایی پشتیبانی نمود. گروههای رزمی هوانیروز که برای این عملیات سازمان داده شدند عبارت بودند از :

- الف. گروه رزمی پشتیبانی مستقیم در پشتیبانی قرارگاه قدس
- ب. گروه رزمی پشتیبانی مستقیم در پشتیبانی قرارگاه های فتح و نصر
- پ. گروه رزمی پشتیبانی عمومی در احتیاط فرماندهی قرارگاه کربلا
- ت. گردان هواپیمایی فرماندهی در اختیار فرمانده نیروی زمینی

گروههای رزمی هوانیروز جمعاً دارای ۹۶ فروند بالگرد از انواع مختلف در این عملیات بودند (۲۶ فروند کبرا-۳۲ فروند ۲۱۴ - ۲۲ فروند ۲۰۶ - ۱۶ فروند شنوک) گردان هواپیمایی فرماندهی نیز ۳ فروند هواپیمای کوچک حمل و نقل در اختیار داشت.

هوانیروز در طول عملیات بیت المقدس با ۳۱۵۲ ساعت پرواز به انجام مأموریت‌های مختلف مانند پشتیبانی آتش از یگانهای زمینی، حمل آمد و تخلیه مجروح پرداخته و تعداد ۱۱۷۹۲ نفر مجروح را از منطقه عملیات تخلیه نمود. در عملیات بیت المقدس ۴ فروند از بالگردهای هوانیروز ساقط گردیده و پانزده نفر از خلبانان و خدمه آنها به شهادت رسیدند.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران :

طرح پشتیبانی هوایی از عملیات کربلا ۳ که توسط نیروی هوایی تهیه گردید، شب ۳ نام داشت. در این طرح نیروی هوایی علاوه بر وضعیت‌های آفندی و پدافندی که در طرح عملیات کربلا ۳ وجود داشت، برای وضعیتی هم که احتمالاً نیروهای ما در حال عقب نشینی و مخاطره شدید قرار می گرفت پیش بینی‌های لازم را برای انجام پشتیبانی نزدیک هوایی به عمل آورده بود.

برای مراحل آفندی نیروهای خودی، در طرح مذکور روزانه ۲۰ سورتی پشتیبانی نزدیک هوایی اختصاص داده شده بود که شامل ۸ سورتی پشتیبانی نزدیک ارتفاع پایین و ۱۲ سورتی از ارتفاع بالا بود. همچنین برای مراحل پدافندی ۸ سورتی پشتیبانی نزدیک در نظر گرفته شده بود. برای وضعیت‌های اضطراری و حیاتی و مخاطره شدید، روزانه ۲۰ سورتی پشتیبانی نزدیک از ارتفاع پایین منظور گردیده بود. پشتیبانی‌های نزدیک هوایی بنا به درخواست یگانهای تک و اجرا می گردید.

علاوه بر این مأموریت، پشتیبانی‌های دیگری که نیروی هوایی در اختیار قرارگاه کربلا قرار داد عبارت بودند از :

۱. عکس برداری هوایی بنا به درخواست
۲. پوشش هوایی منطقه تا پایان عملیات
۳. حمل آمد، جابه‌جایی نیرو، تخلیه مجروح روزانه ۱۲ سورتی با هواپیماهای (سی ۱۳۰)

۴. حمل نیرو از نقاط مختلف کشور به خوزستان با هواپیماهای ترابری سنگین جامبوجت ۷۴۷ نیروی هوایی با تشکیل (قرارگاه هوایی غدیر به فرماندهی سرهنگ خلبان بهرام هوشیار) در دزفول به منظور هماهنگی هرچه بهتر و سریعتر اجرای پشتیبانیهای هوایی اقدام نموده و پایگاههای چهارم و ششم (دزفول - امیدیه) نقش فعال و ارزنده‌ای را در انجام پشتیبانیهای نزدیک هوایی از این عملیات ایفاء نمودند. طرح پشتیبانی هوایی در این عملیات شب ۳ نام داشت.

یگان‌های پدافند هوایی

نیروی هوایی همچنین با استقرار ۳ پایگاه پدافند هوایی موشکی (موشک هاگ و راپیر) به پاسداری و پوشش آسمان منطقه پرداخت که در سرنگونی هواپیماهای متجاوز و دفع خطر هوایی بسیار مؤثر و چشمگیر عمل نمودند پایگاههای پدافند هوایی یاد شده عبارت بودند از :

- سایت تبوک در شمال آبادان که در ۶۱/۱/۲۱ عملیاتی شد.
- سایت خیبر در جاده سوسنگرد که در ۶۱/۲/۱ عملیاتی شد.
- سایت بدر در شمال خرمشهر که در ۶۱/۳/۱ عملیاتی شد.

عملکرد کلی نیروی هوایی در عملیات بیت المقدس^۱:

جمع سورتی های انجام شده برای مأموریت‌های مختلف پشتیبانی هوایی به‌قرار زیر بود:

پوشش هوایی	۹۳۱ سورتی
پشتیبانی نزدیک و بمباران	۱۳۰ سورتی
عکاسی	۲۲ سورتی
ترابری هوایی و سوخت‌رسانا	۸۴۷ سورتی
مجروح حمل شده	۱۰۰۰۰ نفر

جمع مهمات مصرف شده به طور متوسط ۲۰۰ تن به استثنای موشک‌های هوا به هوا و هوا به زمین بود. برای پشتیبانی نزدیک ۲۰ فروند هواپیمای اف-۴ و اف-۵ اختصاص داده شده بود که از پایگاههای دزفول و امیدیه پرواز می کردند و به علت مسافت کوتاه این پایگاهها تا منطقه نبرد و عدم نیاز به باک بنزین اضافی، با حمل مهمات بیشتر، توان رزمی هوپیماها افزایش می‌یافتند.

نیروی هوایی از ۱۵ روز به آغاز عملیات به انجام مأموریت‌های هوایی پرداخته و تا ۱۰ روز بعد از خاتمه عملیات و فتح خرمشهر به مأموریت‌های خود ادامه داد.

بیشترین فعالیت نیروی هوایی در طول عملیات ، در پشتیبانی از قرارگاه قدس و در روز های ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ماه در جنوب کرخه کور و جفیر انجام گرفت.

در شب ۶۱/۲/۱۹ نیروی هوایی با استفاده از هواپیماهای بویینگ ۷۴۷ (جامبوجت) ظرف یک شب ۶۰۰۰ نفر افراد بسیجی را از مشهد به پایگاه امیدیه خوزستان ترابری نمود.

در عملیات بیت المقدس جمعاً ۴ فرزند هواپیمای اف-۴ مورد اصابت دشمن قرار گرفت که این سوانح در روزهای ۶۱/۲/۱۱ و ۶۱/۲/۱۲ در جنوب کرخه کور، روز ۶۱/۲/۱۶ در منطقه چنانه و در ۶۱/۲/۱۸ در منطقه شلمچه رخ داد. تعداد هواپیماهای سرنگون شده عراق توسط سیستمهای پدافند هوایی زمین به هوا و هوا به هوا به ۵۵ فرزند تأیید شده و ۷ فرزند تأیید نشده (جمعاً ۶۰ فرزند) بالغ می گردد. برابر اظهار پاره ای از مسئولان اطلاعات و عملیات نیروی هوایی، در حوالی شلمچه در روز ۶۱/۳/۲ مقرر فرماندهی نیروهای عراقی به طور اتفاقی توسط هواپیماهای خودی که قصد انهدام پل شناور دشمن را داشتند بمباران و منهدم شد و صدام حسین که در آن پایگاه حضور داشته مجروح گردید. هدایت عملیات پشتیبانی نیروی هوایی را در عملیات بیت المقدس سرهنگ خلبان به هرام هوشیار معاونت عملیاتی فرماندهی نیروی هوایی عهده دار بود.

مهندسی رزمی:

عملیات کربلا ۳ با توجه به عملیات عبور از رودخانه، منطقه وسیع و بیابانی عملیات، موانع و مواضع پدافندی دشمن نیاز به تلاشهای فراوان مهندس رزمی به ویژه در امر عبور از رودخانه و احداث و تعمیر و نگهداری جاده ها در منطقه داشت. یگانهای مهندسی رزمی شرکت کننده در عملیات بیت المقدس را به طور کلی می توان به بخشهای عمده زیر تقسیم کرد:

الف. گردانهای مهندسی رزمی و یگانهای پل شناور نیروی زمینی

ب. مهندسی رزمی ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب کشور (جهاد سازندگی)

پ. مهندسی رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

عناصر فوق الذکر در تماس و همکاری و هماهنگی بوده و قسمت اعظم فعالیتهای مهندسی رزمی جهاد سازندگی به پشتیبانی از سپاه پاسداران اختصاص می یافت که با برخورداری از امکانات فراوان چه از نظر وسایل و تجهیزات و چه از نظر پرسنل متخصص که با شور و علاقه خاصی هم حداکثر تلاش را می نمودند از کارایی بالایی برخوردار بوده و نقش بسیار ارزنده و حساسی نه تنها در این عملیات بلکه در کلیه عملیات رزمی ایفاء نموده اند.

برابر طرح مهندسی، وسایل سنگین مهندسی از قبیل ماشینهای راهسازی و خاکبرداری کلیه یگانهای مهندسی که جمعاً به ۳۰۰ دستگاه بالغ می گردید به طور تمرکزی در اختیار قرارگاههای عمده عملیاتی قرار داده شد به این صورت که ۲۱۰ دستگاه در پشتیبانی قرارگاههای فتح و نصر و ۹۰ دستگاه به پشتیبانی قرارگاه قدس اختصاص یافت.

یگانهای مهندسی رزمی نیروی زمینی، شرکت کننده در این عملیات عبارت بودند از:

الف. گردان مهندسی رزمی لشکر ۱۶ زرهی که در پشتیبانی لشکر ۱۶ قرار داشت.

ب. گردان مهندسی رزمی لشکر ۹۲ زرهی که در پشتیبانی لشکر ۹۲ زرهی قرار داشت.

پ. گردان مهندسی رزمی لشکر ۲۱ پیاده که در پشتیبانی لشکر ۲۱ قرار داشت.

ت. گروه ۴۱۱ مهندسی رزمی بروجرد پشتیبانی عمومی قرارگاه کربلا

ث. گردان ۴۱۱ پل شناور پشتیبانی عمومی قرارگاه کربلا

ج. گروهان طراوه جدیدالتأسیس ظفر(از گردان ۴۱۴ مهندسی) پشتیبانی عمومی قرارگاه کربلا

گروهان ابتدا برای این عملیات بنا به دستور فرمانده نیروی زمینی تشکیل و سازمان داده شد و بعدها توسعه یافت مجهز به طراده‌های (جی-اس-پی) بود و تقریباً مشابه یک یگان پل شناور محسوب شده و در سازمان گردان ۴۱۴ پل منظور گردید.

طراده‌های جی اس پی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ از کشور شوروی خریداری شده بود طراده‌ای به صورت یک خودروی شنی دار آبی-خاکی است که می‌تواند در آب شناور گردیده و دارای شصت تن ظرفیت است.

بر اساس پاره‌ای گفته‌های غیر رسمی یکی از طراده‌های مزبور پس از خریداری و دریافت ، در حین یک برنامه آموزشی در رودخانه کارون غرق گردید و سرنشینان آن کشته شدند. لذا وسایل مناسبی تشخیص داده نشده و نهایتاً در انبارهای عمومی آبیگ قزوین نگهداری می‌شدند.

در هنگام طرحریزی عملیات کربلا ۳ با توجه به اینکه عبور حجم وسیع نیروها از رودخانه ، نیازمند وجود تجهیزات کافی عبور از رودخانه بود، در شرایط محدودیت تجهیزاتی آن روز ، فکر استفاده از این طراده‌ها توسط افسران مهندسی قرارگاه مقدم نزاجا قوت گرفته و طراده‌ها ظرف ۴۸ ساعت از آبیگ به اهواز حمل گردید و گردان ۴۱۴ پل به تمرین و آموزش عبور از رودخانه با این وسایل پرداخته و ظرف یک هفته ده دستگاه از این طراده‌ها با راننده ورزیده و آموزش دیده آماده شدند.

همان طور که اشاره شد مسئولیت تشکیل این گروهان به گردان ۴۱۴ پل شناور محول و جزو گروهانهای تابعه این گردان گردید ، گروهان طراده ظفر در عملیات معروف خیبر (اسفندماه ۱۳۶۲) که نیروهای ما از هورالعظیم عبور نمودند و به‌ویژه قبل از نصب پل طولانی موسوم به خیبر در عملیات عبور از هور، نقش بسیار حساس و فعالی را ایفا نمود. در عملیات عبور از رودخانه کارون ، وسایلی که برای عبور دادن نیروها و تجهیزات به کار گرفته شدند(حداکثر امکانات موجود) به‌قرار زیر بود :

الف. پل شناور پی-ام-پی	۷ دستگاه
ب. طراده جی-اس-پی	۱۰ دستگاه
پ. قایق بزرگ ۲۷ فوتی	۱۰ فروند
ت. قایقهای هجومی (جمینی)	۳۰۰ فروند

قایقهای لاستیکی هجومی (جمینی) متعلق به نیروی دریایی به‌همراه راننده مربوطه و تعدادی غواص بود. و به‌این ترتیب نیروی دریایی ارتش هم به‌نوعی در عملیات بیت المقدس شرکت داشت.

از تعداد ۷ دستگاه پل شناور پی-ام-پی موجود ، یک دستگاه آن در اختیار لشکر ۱۶ زرهی باقی ماند (جهت عبور از رودخانه‌های کرخه کور و نیسان) و ۳ دستگاه به قرارگاه فتح و ۲ دستگاه به قرارگاه نصر واگذار شد و یک دستگاه نیز در احتیاط قرارگاه کربلا قرار گرفت. پلها نیاز به تعمیرات و بالاصح جوشکاری فراوان داشتند که ظرف مدت کوتاهی با کار مداوم جهادگران جهاد سازندگی انجام شد.

همچنین براساس محاسبه و طرحریزی ، تعداد ۶ دستگاه طراده جی-اس-پی به قرارگاه فتح و ۴ دستگاه به قرارگاه نصر اختصاص یافت (هر طراده می‌توانست در هر ساعت تقریباً ۸ تانک را بین دو ساحل کارون جابه‌جا نماید).

طبق طرح و شناساییهای انجام شده ، بر مبنای محل سرپل انتخاب شده در غرب کارون و تعداد پلهای موجود ، ۵ منطقه برای عبور از رودخانه و استقرار پل‌های شناور انتخاب و نامگذاری شدند که عبارت بودند از :

- الف. منطقه عبور شهید فلاحی در رحمانی جدید
- ب. منطقه عبور شهید نامجو در نثار کوچک
- پ. منطقه عبور شهید کلاهدوز در هالوپ
- ت. منطقه عبور شهید بهشتی در کانال آب
- ث. منطقه عبور شهید رجایی در مگسر

در مناطق عبور یادشده سه معبر اول به قرارگاه فتح و دو معبر دوم به قرارگاه نصر اختصاص یافته بود که علاوه بر نصب پلهای شناور از طراذهای جی-اس-پی و قایقهای بزرگ و کوچک واگذاری نیز حسب سهمیه، برای عبور استفاده می گردید. اسامی معابر عبور توسط فرمانده نیروی زمینی انتخاب و تعیین گردید.

کارون در محلهای انتخاب شده برای نصب پلهای شناور بین ۲۰۵ تا ۳۵۵ متر عرض داشته و بنابراین حداقل و حداکثر طول پلهای شناور اعداد یاد شده بودند.

البته در عرض منطقه سرپل، رودخانه کارون دارای نقاط بسیاری با عرض کمتر از ۲۰۰ و حتی حدود ۱۵۰ متر بود ولی به دلایل زیر آن نقاط برای نصب پل انتخاب نشدند.

اول آنکه از لحاظ ساحل برای پل زدن مناسب نبوده و یا احتیاج فراوان به فعالیت های مهندسی برای آماده سازی ساحل های دور و نزدیک داشتند.

دوم آنکه می بایست محل نصب پل های اختصاص داده شده به هر قرارگاه در منطقه واگذاری به آن قرارگاه بوده و چه از نظر تأمین در مقابل بمبارانهای هوایی و آتش توپخانه دشمن و چه از نظر منطقه عبور واگذاری به تیپهای تابعه قرارگاهها فواصل منطقی و حساب شده ای داشته باشند.

سوم آنکه تدبیر بر این قرار گرفت که برای غافلگیر کردن دشمن، تلاش شود پلها در محلهایی، که معمولاً در تاکتیک متعارف عبور از رودخانه، نقاط دارای حداقل عرض است نباشد، بلکه در عریض ترین نقاط رودخانه نصب گردد تا دشمن را از اجرای آتشهای دوربرد خمپاره و توپخانه که معمولاً روی نقاط کم عرض رودخانه (به عنوان محلهای عبور احتمالی) طرح ریزی می گردد منحرف نمایند.

خلاصه آنکه طرح مهندسی عبور از رودخانه طرح کربلا ۳ دقیق، مشروح، ساده، عملی و برابر روشهای علمی و شناخته شده نظامی بود.

از دو نفر افسران مهندس قرارگاه کربلا که در زمینه تلاشهای مهندسی رزمی و به ویژه عبور از رودخانه نقش حساس و سازنده ای داشته اند باید از سرهنگ مهندس ستاد مسعود رجبی راد و سرگرد مهندس علی جانگداز نام برد.

مخابرات

علاوه بر تجهیزات مخابراتی یگانها که برای برقرار نمودن ارتباطات تاکتیکی داخلی و بین یگانی مورد به هره برداری قرار گرفت. اگر چه از لحاظ وسایل و پرسنل متخصص کمبودهای زیادی وجود داشت ولی اختلال بازدارنده ای از نظر ارتباط مخابرات در عملیات به وجود نیامد. شرکت مخابرات ایران با استقرار خطوط تلفنی اف-ایکس بین قرارگاه کربلا با تهران و سایر نقاط کشور و همچنین واگذاری این قبیل خطوط تلفنی به بعضی از قرارگاههای تابعه و یگانهای شبکه ارتباطی را تا حد قابل قبولی توسعه داد.

همچنین تیم اطلاعاتی الکترونیکی اداره دوم ستاد مشترک (ایستگاههای رادیویی استراق سمع و پخش پارازیت) و گروه ۰۱ مخابرات نیروی زمینی برای تقویت امور ارتباط و مخابرات به‌ویژه در قرارگاه کربلا به کار گرفته شدند. علی‌رغم دستورهای صادرشده و نظارت و پیش‌بینی‌های لازم تأمین مخابراتی در این عملیات کماکان مانند عملیات پیشین و به علت بی‌توجهی و سهل‌انگاری حتی پاره‌ای مسئولان بلندپایه به‌خصوص سپاهی به‌خوبی و به طور کامل رعایت نشد.

ب. پشتیبانیهای خدمات رزمی

۱. آماد

در این عملیات نیز مانند سایر عملیات مشارکتی ارتش و سپاه، امور لجستیکی و پشتیبانی خدمات رزمی بر خلاف پشتیبانیهای رزمی حالت اشتراک را نداشت و در این زمینه هر یک به طور مستقل عمل نموده و تابع مقدرات، سازمانها و ضوابط و روشهای خاص لجستیکی خود بودند.

سپاه پاسداران با بهره‌گیری کامل از کمکهای بی‌دریغ مردمی، جهاد سازندگی و بهره‌گیری از امکانات و مقدرات سازمانها، نهادها و ارگانهای دولتی و ملی در انجام امور پشتیبانی خدمات رزمی خود، اعم از تدارک اقلام آمادی (به استثنای جنگ افزار مهمات و تجهیزات سنگین رزمی)، ترابری، تخلیه و بستری کردن و امور پرسنلی استفاده نموده و این کمکها را در اختیار گرفته و برابر روش مخصوص به خود عمل می‌نمود.

ارتش سهم کوچکی از کمکهای مردم را دریافت می‌نمود که شامل اقلامی مانند میوه، شیرینی، شربت و آجیل و امثال آن و گاهی تانکرهای آب و پاره‌ای وسایل رفاهی مانند یخدان و ظروف می‌شد که اغلب مستقیماً توسط خود مردم به یگانهای نظامی تحویل می‌گردید که چون این اقلام، مقدار و ترتیب تحویل آنها تابع ضوابط و روشهای مشخص و معین نبود و نقش اساسی را در پشتیبانی عملیاتی یگانها نداشت نه طرحهای لجستیکی به آنها متکی می‌گردید و نه اغلب ذکری از آنها به‌میان می‌آمد.

البته ناگفته نماند که نیروهای ارتشی اغلب از امکانات مهندسی جهادسازندگی و مقدرات تعمیراتی این سازمان و یا نیروهای مردمی استفاده می‌کردند.

۲. کمک‌های مردمی

فهرست کلی کمکهای مردمی در زمینه پشتیبانیهای خدمات رزمی از عملیات بیت المقدس (مانند سایر عملیاتیهای قبل و بعد از آن) که به طور اخص در اختیار نیروهای بسیج و سپاه پاسداران قرار می‌گرفت به شرح زیر می‌باشد:

الف. پشتیبانی‌های آمادی: مواد غذایی، پوشاک، وسایل رفاهی، زیست و نظافت شخصی و مصالح ساختمانی پناهگاه و سنگرسازی

ب. پشتیبانی‌های ترابری: ارسال انواع کامیون، آمبولانس، اتوبوس، مینی بوس، جیب، وانت، استیشن، موتورسیکلت

پ. پشتیبانی‌های تعمیر و نگهداری: تعمیر ماشین‌آلات سبک و سنگین، واگذاری قطعات یدکی و اعزام تعمیر کاران

ت. پشتیبانی‌های بهداشتی: اعزام امدادگر، بهیار، پرستار، تیمهای پزشکی، دارو و تجهیزات پزشکی

ث. پشتیبانی های تخلیه و بستری کردن : تخلیه شهدا و مجروحان از میدانهای نبرد به ایستگاههای تخلیه و بیمارستانها
 ج. پشتیبانی های متفرقه: سم پاشی مناطق و سنگرها و ایجاد قهوه خانه ، حمام ، آرایشگاه ، تعمیرگاه ، لباسشویی و نانوايي
 مجانی (صلواتی)

چ. پشتیبانیهای مهندسی : احداث پل ، جاده ، سنگر ، پناهگاه ، خاکریز ، حمام مسجد ، آشپزخانه

در عملیات بیت المقدس سپاه پاسداران از بعضی اقلام آمادی نیروی زمینی استفاده نمود که بیشتر شامل جنگ افزار و مهمات می گردید.

با در نظر داشتن روش و سیستم خاص خدمات پشتیبانی رزمی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، طرح لجستیکی تهیه شده برای عملیات کربلا ۳ مخصوص نیروی زمینی ارتش بود و سپاه پاسداران را شامل نمی گردید.
 برابر این طرح، فرماندهیهای پشتیبانی مناطق ۳ و ۲ و آمادگاه دوکوهه پشتیبانیهای لجستیکی یگانهای نیروی زمینی مستقر در جنوب را برعهده داشته و با گسترش و تشکیل نقاط مختلف آمادی در منطقه ، امور تدارکاتی یگانها را تسهیل می نمودند.

در این عملیات ، از طبقات دهگانه آمادی اقلام طبقه ۵ (مهمات) ، طبقه ۷ (تجهیزات عمده) ، طبقه ۹ (قطعات یدکی) دارای محدودیتهای کم و بیش بودند و در سایر طبقات اشکال چندانی وجود نداشت.

۳. مهمات

در مورد مهمات ، ۶ نقطه آماد مهمات در این عملیات تأسیس گردید که عبارت بودند از دوکوهه ، هفت تپه ، دشت آزادگان ، اهواز ، امیدیه و آبادان همچنین سهمیه بندی مهمات برای هر قبضه جنگ افزار سنگین مثل گلوله های توپخانه و خمپاره انداز برقرار گردید که عیناً جهت اطلاع از میزان آن، درج می گردد. این سهمیه برای یک عملیات ۱۵ روزه پیش بینی شده بود.

نوع جنگ افزار	سهمیه هر قبضه در ۳ روز اول عملیات	سهمیه هر قبضه از روز ۳ تا ۱۵ عملیات
هویتزر ۱۰۵ م م	۸۰ تیر	۲۸ تیر
هویتزر ۱۵۵ م م	۱۵ تیر	۵ تیر
هویتزر ۲۰۳ م م	۵۰ تیر	۱۰ تیر
توپ ۱۷۵ م م	۷۰ تیر	۲۰ تیر
توپ ۱۳۰ م م	۱۰ تیر	۳ تیر
کاتیوشا	۱۸۰ تیر	۵۰ تیر
خمپاره انداز ۸۱	۲۵ تیر	۷ تیر
خمپاره انداز ۶۰	۱۵ تیر	۵ تیر

محدودیت کامل در واگذاری اقلام عمده تجهیزات مثل تانک و توپخانه و کمبود قطعات یدکی کماکان بقوت خود باقی و جایگزین کسورات تقریباً غیر مقدر و تعمیر و نگهداری این اقلام نیز کم و بیش مواجه با مشکلات شدید بود.

سه‌میه بندی یاد شده نتوانست جوابگوی مصرف عملیاتی یگانها باشد، لذا به‌ناچار آنان در موقع ضرورت از بار مبنای خود استفاده نمودند و بعد از عملیات تلاش کردند که بار مبنای خود را مجدداً تکمیل نمایند. نکته حائز اهمیت اینکه مهمات اغتنامی از عراقیها در عملیات فتح المبین، به‌ویژه مهمات توپ ۱۳۰ م م و کاتیوشا کمک بسیار مؤثری برای تیراندازی این قبیل یگانهای توپخانه در عملیات بیت المقدس گردید.

در زمینه روش های تخلیه اقلام اغتنامی که در طی نبرد به‌دست نیروهای خودی می‌افتاد، در پیوست اداری لجستیکی طرح کربلا ۳ پیش بینی های لازم انجام شده و دستورهای مقتضی به یگانها ابلاغ گردیده بود؛ اما واقعیت این بود که در عملیات قبلی تقریباً کلیه وسایل و اقلام اغتنامی از دشمن توسط سپاه پاسداران جمع آوری و ضبط شده و سهم ارتش از این بابت بسیار ناچیز و در مقابل آنچه به غنیمت گرفته می شد تقریباً هیچ بود. بنابراین دستورهای صادره در مورد چگونگی جمع آوری، تخلیه و تقسیم و توزیع اقلام اغتنامی نمی توانست ارزش اجرایی و عملی داشته باشد، اما به هر حال طرح آن تهیه شد.

۴. ترابری

در زمینه ترابری و به‌ویژه وسایل سنگین مانند تانکها و نفربرهای زرهی، یگانها به علت کمبود خودروهای مخصوص، دچار مشکلات بزرگی بودند که سرانجام با تلاش بیش از حد و شبانه روزی مسئولان و هم با کمک گرفتن از امکانات جهادسازندگی و کمکهای مردمی، در رفع نیازها و ترابری نیرو و آماده‌اقدام گردید.

۵. خدمات بهداشتی، تخلیه و بستری کردن

در طرح لجستیکی عملیات کربلا ۳ برای تخلیه مجروحان به بیمارستانهای منطقه خوزستان و یا فرودگاههای این استان بالگرد در نظر گرفته شده و از فرودگاههای اهواز - دزفول - امیدیه و ماهشهر به‌وسیله هواپیماهای حمل و نفل سی ۱۳۰ مجروحان به بیمارستانهای سایر نقاط کشور حمل می شدند.

تخلیه مجروحان به کلیه بیمارستانهای کشور از طریق ستاد تخلیه مجروحان مستقر در اهواز و بر مبنای تقدمات تعیین شده بود.

غیر از بیماران ضایعه مغزی که مستقیماً به فرودگاهها برای اعزام سریع به بیمارستانهای کشور تخلیه می شدند، کلیه آمبولانسهای حامل مجروحان ابتدا با مراجعه به ستاد امداد مستقر در شهر اهواز در مورد اینکه کدام مجروح در کدام بیمارستان منطقه یا فرودگاه تخلیه شود دستور لازم را دریافت می نمودند.

بیمارستانهای مشروحه زیر در منطقه خوزستان برای بستری کردن مجروحان این عملیات اختصاص داده شده بود :

بیمارستان شرکت نفت اهواز

بیمارستان جندی شاپور اهواز

بیمارستان لشکر ۹۲ خوزستان اهواز

بیمارستان یکصد تخته‌خوابی پایگاه هوایی دزفول

بیمارستان هلال احمر اهواز

بیمارستان کارخانه قند اهواز

بیمارستان شهدا (نظام مافی) شوش

طرح ریزی عملیات/۶۱

سایر بیمارستانهای اهواز و همچنین بیمارستان پایگاه امیدیه و بیمارستانهای طالقانی آبادان و دزفول در صورت نیاز و ضرورت. تخلیه شهدا و امور مربوط به آنان از طریق ستاد تخلیه شهدا و به وسیله قطار و تریلرهای سردخانه دار به تهران و سایر نقاط کشور صورت می گرفت.

بایستی یادآوری شود که به طور کلی امر تخلیه و بستری کردن مجروحان و همچنین تخلیه شهدا در این عملیات سریع و خدمات پزشکی ارائه شده رضایت بخش بود.

روش فرماندهی و کنترل

مسئولان تهیه طرح عملیاتی، با توجه به شرکت دو نیرو (نیروی زمینی و سپاه پاسداران) در این عملیات، چون مشخص نبود که آیا در این عملیات هم مانند عملیات فتح المبین روش فرماندهی مشترک (دو فرمانده) اعمال می‌شود یا خیر، از فرمانده نیروی زمینی کسب تکلیف نمودند. ایشان متن زیر را برای روشن شدن نحوه و چگونگی فرماندهی کل عملیات را شخصاً تهیه کرده و به ستاد طرحریزی ابلاغ نمود که عیناً در بند فرماندهی و کنترل طرح عملیاتی کربلا ۳ درج گردید و به شرح زیر بود:

ب. فرماندهی:

این عملیات از قرارگاه کربلا در جنوب (قرارگاه تاکتیکی مشترک نیروی زمینی و سپاه پاسداران انقلاب) هدایت می‌گردد با توجه به اینکه:

۱. رهبری این عملیات سرنوشت ساز همچنان به عهده ولی عصر (عج) می‌باشد، برای حفظ وحدت فرماندهی، مسئولیت فرماندهی و هدایت این عملیات را شخصاً و با توکل به خدا بر عهده می‌گیرم.
 ۲. چون این جنگ و رزم در راه الله است. پیروزی آن به‌نام الله و رزمندگان اسلام به ثبت می‌رسد. ان شاء الله.
- فرمانده نیروی زمینی سرهنگ صیاد شیرازی

طرح عملیاتی کربلا ۳ در اواخر فروردین ماه سال ۶۱ به گیرندگان ابلاغ گردید و برابر آنچه اشاره شد، مشخص گردیده بود که فرمانده کل عملیات فرمانده نیروی زمینی می‌باشد. اما اندکی بعد یعنی ۳۱ فروردین ماه که طی صدور یک دستورالعمل رسمیت و افتتاح قرارگاه مشترک کربلا و قرارگاههای تابعه آن (قدس - فتح - نصر) به یگانهای شرکت کننده در عملیات ابلاغ گردید برابر دستور فرمانده نیروی زمینی، نحوه فرماندهی در کلیه قرارگاههای مشترک عملیاتی بر مبنای روش جاری و توافق دو جانبه اعلام گردید که این (روش جاری و توافق دوجانبه) با آنچه در طرح عملیاتی کربلا ۳ در مورد فرماندهی کل عملیات ابلاغ گردیده بود، مغایرت پیدا می‌نمود.

به هر حال به غیر از طرح عملیاتی کربلا ۳ که با عنوان و امضای فرمانده نیروی زمینی منتشر گردیده و حاکی از فرماندهی کل نامبرده بر عملیات بوده سایر طرحها و دستورهای عملیاتی که از قرارگاه کربلا (قرارگاه سرفرماندهی عملیات) از آغاز تا خاتمه عملیات صادر گردید با دو امضای فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده نیروی زمینی بوده و نشان دهنده برقراری روش فرماندهی مشترک (یا دو فرماندهی) بر این عملیات بوده است.

اگر برحسب تدابیر شورای عالی دفاع یا فرماندهی کل نیروهای مسلح و یا چنانچه برحسب یک توافق ضمنی بین فرمانده نیروی زمینی و فرمانده کل سپاه پاسداران عملاً فرماندهی کل و مسئولیت این عملیات در نهایت بر عهده فرمانده نیروی زمینی بوده است، نه ما از آن مطلع هستیم و نه مدارک موجود و نه نحوه کنترل و هدایت عملیات از قرارگاه کربلا، بر چنین امری دلالت می‌نماید. اما بعدها و سالها پس از خاتمه جنگ شهید صیاد به طور تلویحی اشاره می‌کرد که فرماندهی کل عملیات با او بوده است.

در اوایل جنگ ایران و عراق هر دو نیرو (ارتش و سپاه) به نسبت توان و مقدرات خود در صحنه عملیات حضور پیدا کردند، سپاه پاسداران با توجه به سازمان و تجهیزات قلیل و مقدرات اندک خود و سیاست های بنی صدر و همچنین شورای عالی فرماندهی سپاه، در سال اول جنگ نتوانست نقش وسیع و فعالی را در جبهه‌ها ایفا کند.

سپاه پاسداران معتقد است که در ماههای اولیه جنگ، علی رغم تلاش برای حضور گسترده تر در میدان جنگ و دفع تجاوز، ابوالحسن بنی صدر رییس جمهور وقت ایران و پاره‌ای عناصر لیبرال که مخالف شکل گیری و قوت سپاه پاسداران بودند مانع از رشد و توسعه سازمان سپاه بوده و حتی مانع از حضور آنان در جبهه‌ها می شدند و به این دلیل استناد می کردند که سپاه فاقد تجربه و دانش نظامی لازم برای درگیری در این نبرد می باشد. و حتی پاره ای از اعضای شورای عالی فرماندهی سپاه با این نظر همسو بودند اما پاره‌ای از افراد سپاه قویاً بر این باور بودند؛ که سپاه باید با از بین بردن موانع، نقش بزرگ و مؤثرتری را در عملیات دارا شده و با اعتقاد به اینکه تجاوز عراق به ایران، در واقع حرکتی برای سرکوب و انهدام انقلاب اسلامی و یک اقدام ضد انقلابی است، پس سپاه پاسداران حسب الوظیفه خود که عبارت از حفاظت از انقلاب و دست آورده‌های آن می باشد، بایستی در سطح و مقیاس وسیعی در جبهه‌ها حضور یابد و بر علیه دشمن به نبرد بپردازد.

در نیمه اول سال ۱۳۶۰ پس از عزل بنی صدر و با قرارگرفتن سازمان بسیج نیروهای مردمی در اختیار سپاه، قدرت رزمی یگانهای سپاه از لحاظ کمی افزایش یافت. به نحوی که گردانها، تیپ‌ها، لشکرهای سپاه پاسداران ظرف کمتر از ۹ ماه تشکیل شد و تلاش سپاه نیز بر این بود که سریعاً تشکیلات مرتب و منظمی چه از نظر یگانهای مختلف و چه از نظر ستادی و چه از جنبه‌های مختلف آموزشی به وجود آورده و نیروهای رزمی خود را شبیه نیروی زمینی ارتش سازمان دهد. در نیمه اول سال ۱۳۶۰ یک برآورد عملیاتی در قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب تهیه شده بود که طبق نتیجه گیری های آن نیروی زمینی ارتش طبق مقدرات موجود به خوبی قادر به پدافند از مواضع و جلوگیری از پیشروی دشمن بوده و می تواند حملات آفندی کوچک و محدود را بر علیه متجاوز به منظور فرسایش دشمن و توسعه مواضع پدافندی خود به عمل آورد ولی به علت کمبود نیروی انسانی قادر به اجرای آفندهای بزرگ و سرنوشت ساز نیست و برای حصول به چنین قصدی، نیاز به تشکیل تعداد معدودی لشکر پیاده و زرهی دارد.

شور و علاقه نیروهای بسیجی که نیروهایی مؤمن، بدون توقع، داوطلب، ایثارگر، فداکار و آماده جانبازی بودند و تلاش سپاه پاسداران برای شرکت هر چه گسترده تر در صحنه‌های جنگ (که می توانست بهترین کلاس آموزش فنون نظامی و کسب تجربه نیز برای این نهاد باشد) تشکیل یگانهای رزمی به صورت پیاده نظام از بسیجیان را آسان تر، ارزان تر و سریع تر از سازمان دادن یگانهای جدید در ارتش نشان می داد.

در گامهای اولیه، سپاه پاسداران با نیرویی به استعداد ۱۰ تا ۱۵ گردان پیاده (هر گردان ۲۰۰ نفر) از نیروهای بسیج مردمی در عملیات ثامن الائمه (۵/مهر/۶۰) نقش حساسی ایفا نمود. در این نبرد یگانهای سپاه از لحاظ عملیاتی به طور کلی در کنترل فرماندهی عملیات ثامن الائمه که فرمانده لشکر ۷۷ خراسان بود قرار داشتند.

در عملیات طریق القدس (۸/آذر/۶۰) سپاه با سازمان رزمی توسعه یافته‌تری شرکت نمود؛ یعنی ۳۰ گردان که در ۴ تیپ پیاده سازمان داده شده بودند.

در عملیات ثامن الائمه و طریق القدس یگانهای سپاه در کنار یگانهای ارتشی قرار گرفته و تقریباً به صورتی مشترک و هماهنگ، از مرحله طرحریزی تا اجرای نبرد عمل می نمودند؛ اما چون در حین اجراء عملیات یگانهای سپاه و ارتش از دو

ستاد جداگانه (ارتش و سپاه) هدایت می‌گردید گرچه هماهنگ و مشترک عمل می‌نمودند ولی وحدت فرماندهی به مفهوم واقعی و کامل آن وجود نداشت.

در عملیات فتح المبین (۲/فروردین/۶۱) سپاه با سازمان ۳ لشکر پیاده شرکت نموده و با توجه به تجارب کسب شده از عملیات طریق القدس، اشتراک عمل و ادغام نیروهای ارتش و سپاه صورت کامل تری به خود گرفته و قرارگاه فرماندهی دو نیرو یکپارچه گردیده و قرارگاه مشترک فرماندهی عملیاتی بنام قرارگاه کربلا به وجود آمد که فرمانده نیروی زمینی ادغام عملیاتی نیروهای ارتش و سپاه را ترکیب مقدّس می‌نامید.

شایان ذکر است که این سیستم دو فرماندهی بر عملیات تا عملیات خیبر (۲/اسفند/۶۱) ادامه داشت که با تشکیل قرارگاه خاتم الانبیاء فرماندهی کلّ بر عملیات به صورت تک فرماندهی درآمده و اصل وحدت فرماندهی حداقل از نظر ظاهری به صورت کلاسیک خود برگشت (فرمانده حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی).

در رده لشکرها نیز یک قرارگاه مشترک که ترکیبی از یک لشکر ارتش و یک لشکر سپاه بود توسط فرماندهان لشکرهای یاد شده مشترکاً امور مربوط به طرحریزی و صدور دستورهای رزمی و اجراء و هدایت نبرد را انجام داده و در رده تیپ ها و گردانها نیز کم و بیش به همین نحو عمل می‌گردید.

سیستم دو فرماندهی بر عملیات، اگر چه با اصل لازم الاجرای وحدت فرماندهی مطابقت نداشت ولی تا زمانی که توافق و تفاهم در تفکر و شیوه های رزمی دو فرمانده و یا به عبارت بهتر وحدت فکر بین آن دو وجود دارد و یا اینکه به هر دلیل یکی از آنان تابع نظرات دیگر است، مشکلات دوگانگی فرماندهی نه مجالی برای رشد و خود نمایی دارند و نه اختلال و بازدارندگی در عملیات پیش خواهد آمد و در واقع به نوعی وحدت فرماندهی وجود دارد.

در صورت ضرورت یا اجبار به آن، روش دو فرماندهی، تنها به شرط وجود توافق و وحدت تفکر رزمی و عقیدتی محض و کامل بین دو فرمانده و ستاد آنها می‌تواند آن هم در یک نبرد یا دوران عملیاتی نه چندان طولانی کارآمد باشد و در غیر این صورت به هر حال مشکلات مربوط به عدم وجود وحدت رویه فرماندهی به نحوی بروز خواهد نمود که طبیعتاً ناشی از اختلاف سلیقه و فکر انسان‌هاست.

همان‌گونه که در ابتدای این مطلب متذکر شدیم با اینکه سرفرماندهی عملیات بیت المقدس را فرمانده نیروی زمینی کتباً به عهده خود اعلام کرده بود ولی در ظاهر امر این نبرد هم مانند فتح المبین و به شیوه دو فرماندهی اجرا و هدایت گردید.

وجود توافق و وحدت تفکر رزمی بین فرمانده نیروی زمینی و فرمانده کلّ سپاه پاسداران و اعتقاد و علاقه خاص فرمانده نیروی زمینی به سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی و ارجی که نسبت به کارایی رزمی و اخلاص و ایثار آنان قائل بود باعث گردید اختلال و بازدارندگی در امر فرماندهی و هدایت عملیات کربلای ۳ به وجود نیاید.

فصل دوم

نیروهای متجاوز

بخش اول

استعداد و گسترش^۱

برابر اطلاعات بخش اطلاعات قرارگاه کربلا که اکثر از منابعی مانند کشف هویت اسرای قبل و بعد از عملیات، عناصر معارض عراقی، پناهندگان، تفسیر عکس‌های هوایی، ترتیب نیروی متجاوز و اسناد و مدارک اغتنامی از دشمن تحصیل گردیده است یگان‌های مشروحه زیر متجاوز در منطقه عملیاتی بیت المقدس درگیر گردیدند. این لیست شامل تمام یگان‌های عمده دشمن مستقر در منطقه، قبل از عملیات و همچنین یگان‌های تقویتی و اضافی است که در حین عملیات وارد منطقه نبرد شدند. به‌طور کلی نیروهای متجاوز در این منطقه سازمانی و یا در کنترل عملیاتی سپاه ۳ عراق به فرماندهی سرلشکر صلاح‌الدین القاضی قرار داشتند و عمدتاً شامل لشکرهای ۶ و ۹ و ۳ زرهی، ۵ مکانیزه، ۱۱ و ۱۵ پیاده و تعدادی تیپهای زرهی و پیاده مستقل یا مأمور از لشکرهای دیگر و همچنین یگانهای ارتش خلق (جیش الشعبی) بوده و به شرح زیر گسترش داشتند:

جنوب رودخانه نیسان، غرب هویزه و جفیر:

تیپ ۱۶ زرهی لشکر ۶ زرهی

تیپ ۳۰ زرهی لشکر ۶ زرهی

تیپ ۹۰ پیاده

گردان کماندویی قادسیه

گردان شناسایی ابن الولید لشکر ۶

۴ گردان توپخانه

جنوب کرخه کور، جنوب غربی اهواز (از هویزه تا مناطق جنوب پادگان حمید)

تیپ ۱۵ مکانیزه لشکر ۵ مکانیزه

تیپ ۲۰ مکانیزه لشکر ۵ مکانیزه

گردان شناسایی حنین لشکر ۵

تیپ ۴۹ پیاده

تیپ ۱۰۹ پیاده

تیپ ۴۱۶ پیاده

تیپ ۴۱۹ پیاده

گردان کماندویی لشکر ۵

گردان تانک از تیپ ۵۵ زرهی

چهار گردان توپخانه

^۱ - برآورد اطلاعاتی قرارگاه کربلا

منطقه جفیر :

تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ مکانیزه (در حال بازسازی)

تیپ ۵۵ زرهی (-)

غرب کارون (از جنوب مناطق آبرگرفته تا سلمانیه در شمال خرمشهر)

نیروی در حدود ۶ گردان پیاده و یک گردان تانک و یک گردان شناسایی به نام (نیروی العمود) به فرماندهی سرتیپ ستاد نزیه یونس در حد فاصل کرانه غربی کارون تا جاده اهواز - خرمشهر (به فاصله ۸-۹ کیلومتر از ساحل رودخانه) در ۳ رده در ۳ نقطه سید عبود- مشارع- خرائب به شرح زیر از شمال به جنوب گسترش یافته و با توجه به عرض منطقه مسئولیت (حدود ۴۰ کیلومتر) به صورت نقاط اتکاء پدافند می نمودند. یگان مزبور ، یگان تأمین برای لشکرهای ۳ و ۹ زرهی در مقابل عبور و هجوم نیروهای ایرانی از رودخانه کارون ، در بخش مرکزی جبهه عملیات به شمار آمده و به طور کلی مأموریت کسب خبر، کسب زمان و به تأخیر انداختن و کند کردن حمله نیروهای عبور کننده از رودخانه را بر عهده داشته است :

رده اول :

۱ گردان پیاده از تیپ ۶۰۵ پیاده

۲ گردان پیاده از تیپ ۴۱۷ پیاده

نیروهای ظفر قریش (یک گروهان جیش الشعبی- یک گروهان کماندو- یک گروهان شناسایی)

رده دوم :

یک گردان پیاده از تیپ ۶۰۵ پیاده

گردان تانک زین القوس از تیپ ۵۵ زرهی

رده سوم :

گردان شناسایی حطین

عناصر جیش الشعبی

غرب کارون (منطقه عمومی خرمشهر - شلمچه)

تیپ ۱۱۳ پیاده از لشکر ۱۱ خرمشهر

تیپ ۲۲ پیاده از لشکر ۱۱ غرب جاده اهواز - خرمشهر

تیپ ۴۴ پیاده از لشکر ۱۱ شرق جاده اهواز - خرمشهر

تیپ ۴۸ پیاده از لشکر ۱۱ شرق جاده اهواز - خرمشهر

تیپ ۹ پیاده گارد مرزی غرب جاده اهواز - خرمشهر

تیپ ۱۰ گارد مرزی بین نهر عرایض و شلمچه

تیپ ۲۳۸ پیاده گارد مرزی شمال خرمشهر

تیپ ۳۳ نیروی مخصوص پل نو

عناصری از تیپ ۶۰۵ پیاده خرمشهر

گردان تانک قعقاع از تیپ ۵۳ نهر عرایض

تیپ ۳۰ زرهی شلمچه (احتیاط لشکر ۱۱)
تیپ ۲۰ پیاده (مأموریت ویژه) خرمشهر
نیروهای جیش الشعبی خرمشهر
گروهانهای کماندو خرمشهر
حداقل ۵ گردان توپخانه

پدافند از منطقه عمومی خرمشهر - شلمچه را لشکر ۱۱ پیاده عهده دار بود و این لشکر اداره و هدایت پدافند از خرمشهر و کلیه یگانهای مستقر در این شهر را در کنترل یک قرارگاه تاکتیکی موقت به نام فرماندهی منطقه خرمشهر قرار داده بود.

غرب جاده اهواز - خرمشهر : (از مناطق جنوبی جفیر تا شمال شلمچه)

الف: لشکر ۳ زرهی تقویت شده (حوالی گرمداشت)

تیپ ۸ مکانیزه

تیپ ۶ زرهی

تیپ ۱۲ زرهی

تیپ ۱۹ پیاده (کنترل عملیاتی)

تیپ ۲۴ مکانیزه (کنترل عملیاتی)

تیپ ۶۰۲ پیاده (-) (در کنترل عملیاتی)

توپخانه لشکری تقویت شده

ب: لشکر ۹ زرهی تقویت شده (مناطق جنوب جفیر تا ایستگاه حسینیه)

تیپ ۱۴ مکانیزه

تیپ ۴۳ زرهی

تیپ ۳۵ زرهی

توپخانه لشکری تقویت شده

نیروهای تقویتی (که اکثراً در منطقه لشکرهای ۳ و ۹ زرهی در غرب جاده اهواز - خرمشهر وارد عمل شدند)

تیپ ۱۰ زرهی

تیپ ۱۷ زرهی

عناصری از لشکرهای ۷ و ۸ زرهی

تیپ مکانیزه گارد جمهوری

لشکر ۱۵ پیاده (جدیدالتشکیل) در کرانه جنوبی ارونند از فاو تا جنوب بصره

به طور کلی می توان گفت که متجاوز در این عملیات حداقل ۱۰ تیپ زرهی ، ۵ تیپ مکانیزه، ۱۷ تیپ پیاده ، یگانهای ارتش خلقی و ۷ گردان کماندویی و حداقل ۳۰ گردان توپخانه را وارد عمل نمودند.

یگانهای مانوری (زرهی - مکانیزه - پیاده) دشمن بر حسب گردان به بیش از ۱۲۰ گردان بالغ می گردید. در مقایسه با حدود ۱۹۵ گردان مانوری نیروهای مسلح ما که در این عملیات درگیر گردیدند توان رزمی نسبی نیروهای ما به دشمن از لحاظ عددی ۱/۷ به ۱ بوده است.

نقشه شماره ۱۲/صفحه ۲۱۸ گسترش یگانهای دشمن را بر حسب لشکرهای تقویت شده در منطقه عملیاتی بیت المقدس نشان می دهد.

بخش دوم شایستگی رزمی

نقاط برجسته و ضعف دشمن

۱. پرسنلی

برابر برآوردها و اطلاعات به دست آمده، تنزل و تزلزل روحیه و عدم میل و انگیزه برای جنگیدن، فقدان انضباط و آموزش کافی، ترس از هجوم غافلگیرانه نیروهای ایرانی، تمایل به اسارت و فرار، خسته و فرسوده از طولانی شدن جنگ. و بی علاقه‌گی به ادامه جنگ و توقف در خاک کشور دیگر از جمله ویژگیهای پرسنلی دشمن در صحنه نبرد بود که از رفتار و اعترافات اسرا و پناهندگان و سایر منابع اطلاعاتی به دست آمده بود و با توجه به تجارب به دست آمده از عملیات قبلی از هم پاشیدگی سریع سیستمهای پدافندی و کنترلی دشمن در اکثر موارد با اولین هجوم نیروهای ما علی‌رغم داشتن امکانات، طرحها و تجهیزات و مواضع مناسب و مستحکم، نشانه‌های بارز نقاط ضعف اکثر پرسنل عراقی برآورد می‌گردید.

همچنین اخباری حاکی از سوء رفتار و خشونت افسران با زیر دستان خود، فرق و تمایز بین افسران و پرسنل بعثی با سایرین، وجود داشت که از موجبات دلسردی و تنزل روحیه نیروهای عراقی به شمار می‌آمد.

کسورات شدید پرسنلی، به‌ویژه کمبود پرسنل کادر و متخصص که در بسیاری موارد استعداد یگانها را به حدود ۶۰-۵۰ درصد سازمان پایین می‌آورد و مشکلات جایگزینی تلفات با توجه به ظرفیت نیروی انسانی عراق از ضعفهای عمده نیروهای عراقی در این عملیات برآورد می‌شد.

به نظر می‌رسد در مورد اینکه نقاط ضعف پرسنلی مذکور در اکثر موارد به‌ویژه پایین بودن استعداد پرسنلی یگانها دارای حقیقت بود شکی نیست اما نه به آن شدت که روی آن تأکید می‌گردید.

اعتقاد به نقاط ضعف فوق و اتکاء به آن، یکی از دلایل عمده قبول خطر (ریسک فرماندهی) توسط فرماندهان نیروهای ما در این عملیات و بسیاری از عملیات‌های دیگر به‌شمار می‌آمد.

۲. اطلاعات

برآورد گردیده بود که سازمانهای اطلاعاتی عراق و ارتش آن کشور از شایستگی نسبی برخوردار می‌باشند، تجزیه و تحلیل مدارک و اسناد اغتنامی از دشمن نشان می‌داد که دشمن به موقع از مقاصد و نیت ما آگاه شده و علاوه بر آن از ترتیب نیروی ما اطلاعات تقریباً کاملی را به دست می‌آورد.

اقدامات تاکتیکی دشمن برای شناسایی و کسب اطلاعات شامل اعزام گشتی‌های رزمی و شناسایی‌های هوایی نیز می‌گردید.

علی‌رغم اینکه ما دشمن را از نظر کسب اطلاعات و اخبار دارای شایستگی برآورد می‌نمودیم ولی روشها و مقررات حفاظت اطلاعات و تأمین طرحها و ارتباطات و مخبریات در این عملیات نیز آنچنان که باید رعایت نمی‌گردید.

شاید ضعف ما در حفاظت اطلاعات که ناشی از پایین بودن آموزشهای اطلاعاتی و عدم آگاهی به ارزش حفاظت اطلاعات و سهل انگاری های عادت شده بود بیش از شایستگی سازمانهای اطلاعاتی دشمن، او را در کسب اخبار و اطلاعات از ما کمک می کرد.

۳. لجستیک

نقاط ضعف عمده ای در سیستم لجستیکی دشمن برآورد نگردیده و در عوض امکانات و مقدرات لجستیکی دشمن قابل توجه محاسبه می گردید. جایگزینی و آماد سریع تجهیزات منهدم شده ، وسایل ، تجهیزات . مهمات از نقاط برجسته نیروهای دشمن بود. به طور خلاصه هر قدر ارتش متجاوز دارای نکات منفی پرسنلی برآورد می شد ولی از لحاظ لجستیکی دارای نقاط قوت و شایستگی به شمار می آمد و می توان گفت که عراق در تلاش بود که کمبودهای پرسنلی خود را با کثرت وسایل رزمی جایگزین ساخته و با بهره گیری از آتش انبوه و پرحجم جنگ افزارها و مصرف بی دریغ مهمات ، وضعیت و موقعیت یگانهای خود را در مقابل تهاجم نیروهای ما حفظ نموده و ضمن دفع این حملات ، حداقل مواضع از دست داده را با وارد آوردن تلفات سنگین بر ما به نوعی، تلافی نماید.

۴. عملیات

بحث درباره شایستگی کلی عملیاتی ارتش متجاوز در جنگ تحمیلی از حوصله این کتاب خارج و آراء و عقاید کارشناسان در این مورد متفاوت و حتی گاهی در تضاد است ، بررسی عملکردهای عملیاتی ارتش عراق در طول جنگ به وجود آورنده چنین تضادی در آراء است. نمونه های فراوان از عملکردهای ضعیف و غیر منتظره و عملیاتی که گاهی تا مرز اشتباه و خبطهای بزرگ نظامی پیش می رود وجود داشته و در مقابل پاره ای حرکات ، مانورها و اقدامات حساب شده و منطقی و شایان تحسین وجود دارد. ولی در جمع بندی نقط ضعف عملیاتی دشمن علی رغم دارا بودن مقدرات و امکانات بسیار خوب، بیش از نقاط قوت عملیاتی او به نظر می رسد.

نقاط برجسته عملیاتی دشمن عبارت بود از: آرایشهای دفاعی زمین، تحکیم بسیار عالی مواضع، بهره گیری از ترکیب موانع طبیعی و مصنوعی، کارایی بسیار خوب یگانهای مهندسی رزمی، تحرک بسیار خوب، توانایی در جابه جایی سریع یگانها و به پای کار آوردن نیروهای تقویتی و اضافی و عملکرد نسبتاً خوب یگانهای زرهی، اجرای پانکهای سریع و مکرر و سنگین بر علیه رخنه های ایجاد شده در مواضع ، اجرای آتشهای سنگین و طولانی توپخانه و بمبارانهای شدید هوایی متقابل، کارایی ضعیف پیاده نظام، از هم پاشیدگی سریع سیستم فرماندهی و کنترل متجاوز در مقابل هجومهای توأم با غافلگیری ، ضعف در مقابله با تهدیدهای جناحی، اثر ناچیز بمبارانها و حملات هوایی علی رغم تعدد دفعات به سبب عملکرد و تاکتیک بدون دقت نیروی هوایی ، اتکاء بیش از حد به خاکریزها و مواضع پدافندی که با ایجاد اولین رخنه در آن ، نیروهای متجاوز دست از مقاومت و پایداری می شستند از جمله نقاط ضعف عملیاتی دشمن شمرده می شد.

در طرح ریزی عملیات کربلای ۳ علاوه بر اتکاء به نقاط قوت و ضعف فوق، دو نکته مورد تاکید اساسی قرار گرفت که می توان گفت محور طرح ریزی عملیات و اساس موفقیت آن قرار گرفتند: یکی سرعت در طرح ریزی و آمادگی و اجرای عملیات قبل از آنکه دشمن از ضربه فتح المبین کمر راست کرده و برای نبرد آتی آماده شود و دیگری فاصله ای بود که دشمن در ساحل غربی کارون از رودخانه گرفته و با این کار امکان عبور آسان ما را از رودخانه فراهم ساخته بود.

در مورد اول قبلاً هم اشاره گردید که تدبیر اصلی در عملیات طرح کربلای ۳ سرعت بود و شاید بتوان گفت که اجرای سریع و غافلگیر کننده این عملیات نوعی مرحله «استفاده از موفقیت» از نبرد فتح المبین به‌شمار می‌رود. اما عدم اشغال کرانه باختری رودخانه کارون در حد فاصل بین منطقه آب‌گرفته تا سلمانیه (حدود ۴۰ کیلومتر) توسط دشمن و عدم اتکاء مواضع اصلی پدافندی خود به رودخانه که از نظر ما یکی از نقاط ضعف عملیاتی عراق به‌شمار می‌آمد و شاید نه یک نقطه ضعف که یکی از بزرگترین خبط‌های نظامی است که عراق در طول جنگ تحمیلی مرتکب آن گردید. از منظری دیگر، شاید این یک راه کار تاکتیکی بود که عراق بر مبنای برآوردهای اطلاعاتی و عملیاتی خود انتخاب کرده بود که ما به این فرض اخیر بیشتر معتقدیم فلذا تحت عنوان برآوردها و نتیجه‌گیرهای متجاوز از آن بعداً سخن خواهیم گفت.

بخش سوم

فعالیت‌های عمده

فعالیت‌های عمده دشمن

احتمال قریب به یقین می‌گوید که فرماندهی نیروهای متجاوز بعد از نبردهای طریق القدس و فتح المبین دریافت کرده که عملیات گسترده بعدی نیروهای مسلح ما به‌طور کلی در منطقه اهواز - خرمشهر خواهد بود، فعالیتها و نقل و انتقالات و تمرکزهای آشکار نیروی ما در شرق کارون و شمال کرخه کور، برای هر تجزیه و تحلیلگر اطلاعاتی نشانه‌های روشنی از مقاصد عملیاتی ما در این منطقه به شمار می‌آید.

هم‌زمان با فعالیت‌های ما، اقدامات دشمن نیز در این منطقه تشدید گردید که مهمترین آنها عبارت بودند از:

۱. تقویت نیروهای منطقه به‌طور کلی
 ۲. شناساییهای مداوم از راه هوا و زمین.
 ۳. فعالیت‌های مستمر مهندسی در امتداد جاده اهواز - خرمشهر و ایجاد خاکریز در کناره شرقی آن از کیلومتر ۶۰ تا شمال سلمانیه (جنوب مناطق آبگرفته تا شمال خرمشهر یا همان منطقه انتخاب شده برای سرپل)
 ۴. فعالیت گشت زنی هوایی و اعزام گشتیهای شناسایی و رزمی در سراسر جبهه نیسان و کرخه کور.
 ۵. فعالیت‌های شناسایی هوایی و دیدبانی در شمال، جنوب و غرب خرمشهر
 ۶. فعالیت‌های مهندسی و سنگرکشی در غرب کارون در حفاصل جنوب مناطق آبگرفته تا شمال سلمانیه و ایجاد خاکریزهایی با فاصله هشت تا نه کیلومتر از رودخانه.
 ۷. استقرار نیروهای اضافی پیاده و زرهی در منطقه و مواضع فوق (نیروهای العمود)
- به‌طور خلاصه کلیه گزارشهای رسیده اطلاعاتی حاکی از آن بود که دشمن بشدت به فعالیت‌های شناسایی در سراسر ساحل غربی کارون و منطقه غرب خرمشهر و جبهه کرخه کور پرداخته است و به تقویت خاکریز شانه شرقی جاده اهواز خرمشهر اقدام نموده و با تخریب تمامی ساختمانهای ایستگاههای راه آهن و پادگان حمید هر گونه نقطه نشانی را در این منطقه باز و وسیع از میان برداشته بود.

این فعالیت‌های دشمن نشانه آن بود که احتمال عبور نیروهای ما را از رودخانه می‌داد.

تجزیه و تحلیل برآوردهای اطلاعاتی قرارگاه کربلا حاکی از آن بود که عراقیها قصد نزدیک شدن به رودخانه و اشغال ساحل غربی این بخش را دارند منتها ابتدا خاکریز را احداث می‌کنند و بعد از آن اشغال می‌کنند و به این ترتیب با احتیاط و گام به گام خود را به رودخانه نزدیک می‌کنند و بدین لحاظ بود که نیروهای ما بایستی با سرعت عمل نموده و قبل از اینکه متجاوز بتواند ساحل نزدیک غربی را اشغال و عملیات عبور از رودخانه ما را با اشکالات بسیار مواجه و تقریباً غیرممکن سازد، از کارون عبور نمایند. اما متجاوز یا فرصت این کار را نیافت و یا اصولاً چنین قصدی نداشت که قرائن و شواهد حاکی از صدق مورد دوم است؛ زیرا آنچنان هم در ضیق وقت قرار نگرفته بود که نتواند چند کیلومتری جلو آمده و در ساحل غربی رودخانه استقرار یابد.

بخش چهارم برآوردهای متجاوز

برآوردها و تدابیر پدافندی^۱

در طول ۱۸ ماه اشغال مناطق غرب رودخانه کارون (در حد فصل رودخانه کرخه کور در شمال تا اروندرود در جنوب)، ثقل پدافند دشمن در این منطقه وسیع، در دو منقطه قرار گرفته بود یکی دفاع از خرمشهر در جنوب منطقه، که آزاد سازی آن یک هدف استراتژیکی برای ایران بود و دیگری پدافند از منطقه عمومی کرخه کور و جفیر در شمال (که نیروهای ما با به دست آوردن این منطقه، می توانستند ضمن دور کردن تهدید و قطع آتشیهای دور برد دشمن از اهواز، مبدأ عملیاتی مناسبی هم برای حمله به خرمشهر و آزادسازی مناطق غرب کارون در اختیار داشته باشند)، بنابراین متجاوز با توجه به این نکات، پدافند مستحکمی را یکی در منطقه خرمشهر و دیگری در سواحل جنوبی کرخه کور و نیسان و جنوب غربی اهواز سازمان داده بود و در فاصله تقریباً یکصد کیلومتری ما بین این دو منطقه، احتمالاً نه نیازی به گسترش و استقرار پدافند مستحکم دیده بود (چون امکانات عبور ما را از رودخانه بسیار ضعیف و در سطحی محدود برآورد می کرد) و نه به احتمال قوی نیروی کافی برای گسترش دائمی در طول این یکصد کیلومتر در اختیار داشت و لذا با توجه با اینکه ما هم در ساحل شرقی کارون یک نیروی سبک پوششی داشتیم متجاوز هم استقرار یک نیروی سبک را به صورت تأمین و پرده پوشش در ساحل غربی کافی دانسته بود و این تدبیر پدافندی را برای حفاظت از حاکمیت و کنترل خود بر منطقه غرب کارون کافی می دانست.

از ابتدای سال دوم جنگ، پس از اینکه نیروهای ما از وضعیت تقریباً پدافندی سال اول جنگ بحالت آفند درآمد و به ویژه دست به حملات گسترده بر علیه دشمن زدند و پس از اجرای نبردهای طریق القدس و فتح المبین بدیهی بود که دشمن عملیات گسترده بعدی نیروهای مسلح ما را در منطقه غرب کارون محتمل بداند و در تلاش برای درک از چگونگی و چطور آن، شاید باین نتیجه رسیده بود که تلاش اصلی، در جناح شمالی او یعنی در جبهه نیسان، کرخه کور خواهد بود چرا که اولاً در طول ۱۸ ماهی که از آغاز جنگ تا آن زمان می گذشت تلاش نیروهای ما در منطقه عملیاتی غرب اهواز همیشه در این جبهه و در امتداد رودخانه های کرخه، کرخه کور و نیسان بکار برده شده بود و در ثانی همانطور که گفتیم متجاوز برآورد می کرد که نیروهای مسلح ما از لحاظ امکانات، فاقد تواناییهای لازم برای عبور از رودخانه کارون در ابعاد وسیع هستند.

یکی از اسناد و مدارک به دست آمده از دشمن پس از عملیات طریق القدس، شاهی گویا از این برداشت دشمن است، در این مدرک متجاوز اهداف و مقاصد ما را از اجرای عملیات طرح کربلای ۱ (نبرد طریق القدس) چنین برآورد می نماید:

- لازم به توضیح است که آنچه در زمینه برآوردها و تدبیر پدافندی دشمن در این عملیات مورد بحث قرار می گیرد بر اساس تجزیه و تحلیلی است که ما با بررسی اقدامات و فعالیتهای پدافندی، نحوه گسترش نیرو و استقرار مواضع متجاوز انجام داده ایم، وگرنه تا این تاریخ هیچگونه مدرکی از دشمن در مورد چگونگی تدبیر او به دست نیامده است که بتوان دقیقاً خط مشی او را در پدافند، حفظ و نگهداری این منطقه بیان نمود. ولی از دیدگاه نظامی تجزیه و تحلیل فوق می تواند احتمالاً بیانگر حقیقت بوده و یا به حقیقت بسیار نزدیک باشد.

در صورتی که نیروهای ما چنین قصدی را در عملیات طریق القدس نداشتند و هدف آنان تک به سمت غرب و رسیدن به ساحل شرقی هورالعظیم بود نه تغییر سمت به جنوب و رفتن به سوی جفیر و خرمشهر. بنابراین ملاحظه می‌گردد که متجاوز محور عملیاتی ما را برای آزادسازی خرمشهر و جفیر و به‌طورکلی مناطق اشغالی غرب کارون، از شمال به جنوب یعنی از جبهه کرخه کور و نیسان برآورد نموده و لذا تلاش اصلی پدافندی خود را، در جناح شمالی، یعنی جبهه کرخه کور و نیسان و جنوب غربی اهواز متمرکز کرده و تلاش نیروهای مسلح ما را در عبور از کارون یک تلاش فرعی برآورد نموده بود.

نتیجه این برآورد و تدبیر کلی نیروهای متجاوز کمک شایانی به موفقیت طرح مانور ما کرد؛ زیرا که مانور نیروهای ما درست برعکس برآورد عراقی‌ها از کار در می‌آمد و اجرای تلاش اصلی در جناح شرقی و عبور سریع و گیج کننده بیش از ۴ لشکر از نیروهای ما در عرضی حدود ۴۰ کیلومتر از رودخانه کارون، دشمن را در غافلگیری سرنوشت سازی قرار می‌داد. طرح و تدبیر کلی نیروهای متجاوز برای پدافند از این منطقه را، می‌توان به شرح زیر دانست :

۱. تدبیر دفاع در جبهه شمالی

پدافند سرسختانه در کرانه رودخانه‌های نیسان و کرخه کور با اتکاء به استحکامات دفاعی فشرده در عرض و عمق، و بهره برداری از موانع هورالعظیم و مناطق آب گرفته و بهره‌گیری از قدرت آتش زیاد و احتیاطهای قوی برای انهدام و ترمیم رخنه‌های احتمالی با استقرار دو لشکر تقویت شده ۵ مکانیزه و ۶ زرهی در این منطقه.

۲. تدبیر دفاع در منطقه خرمشهر

پدافند سرسختانه از شهر و منطقه خرمشهر و جلوگیری از هر گونه تلاش نیروهای مسلح ما برای دستیابی به این شهر با ایجاد استحکامات بسیار سنگین و متوالی (در عمق) در کرانه‌های شرقی و جنوبی رودخانه کارون در محدوده شهر خرمشهر به‌منظور خنثی نمودن تهدید شهر از سمت شرق و جنوب و احداث خاکریزهای شرقی غربی متوالی و موازی در منطقه شمال خرمشهر از کارون تا خط مرز برای جلوگیری از هرگونه تهدید خرمشهر از سمت شمال و همچنین ایجاد موانع ضد هوابرد و ضد هلی‌برد و میدین مین بسیار وسیع برای مقابله با عملیات هلی‌برد و هوابرد در غرب خرمشهر و بالاخره تهیه استحکامات بسیار زیاد در داخل شهر خرمشهر به منظور دفاع دورادور و جنگ خیابانی و خانه به خانه در صورت رسیدن نیروهای مسلح ما به داخل خرمشهر.

۳. تدبیر دفاع از شمال خرمشهر (مارد) تا جنوب مناطق آبگرفته (هالوپ)

گسترش یگانهای تأمینی و پوششی در حد فاصل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر و اتکا به کاربرد احتیاطهای متحرک و غیر متمرکز علیه نیروهایی که موفق می‌شدند از رودخانه عبور نمایند. لشکرهای ۳ و ۹ زرهی با استقرار در چندین منطقه مجزا در غرب جاده اهواز خرمشهر عهده دار این وظیفه بودند. دشمن همچنین با احداث یک خاکریز بلند (حدود ۴ متر) در شانه شرقی جاده اهواز - خرمشهر در این منطقه یک موضع سد کننده مناسبی را به‌وجود آورده بود.

شاید بتوان گفت که تاکتیک دفاعی عراق در این منطقه پدافند با فاصله از رودخانه بوده است نه پدافند در کناره رودخانه و در واقع نوعی پدافند متحرک را سازمان داده بود و این کاربردیست مطابق با تاکتیکهای روسی و یا شاید با الهام از نظریه سن تزو فیلسوف معروف نظامی چین که می‌گوید :

« بگذارید دشمن از رودخانه بگذرد ولی قبل از آنکه بتواند به‌طور کامل در ساحل دور انسجام پیدا کند علیه او عکس‌العمل نشان دهید.»

اما اشتباه عظیم و خبط نظامی جبران‌ناپذیر و غیر قابل‌تصور متجاوز در کاربرد یک چنین تدبیر پدافندی این بود که یا نمی‌دانستند و یا از این غافل شدند که رودخانه را باید تحت مراقبت شدید و مداوم خود قرار دهند تا تلاش عبور از رودخانه، در دید و کنترل آنها قرار گرفته و بتوانند قبل از آنکه فرصت مناسب از دست رفته و نیرویی بیش از توان آنها از رودخانه عبور کند و در ساحل دور گسترش یافته و انسجام پیدا کند عکس‌العمل مؤثر را نشان دهند .

همچنین عبور نیروهای ایران در جبهه‌ای عریض (۴۰ کیلومتر) از رودخانه را باید به‌عنوان عاملی شناخت که قدرت عکس‌العمل را از دشمن سلب کرده و او را از یک واکنش به‌موقع و قدرتمند که قادر به انهدام سرپل ایجاد شده باشد محروم ساخت .

فصل سوم

تهیه و آمادگی برای اجرای عملیات

بخش اول

کلیات:

طرح‌ریزی برای اجرای عملیات کربلای ۳، از اوایل نیمه دوم فروردین ماه سال ۱۳۶۱ آغاز و تا اواخر ماه مزبور به پایان رسید؛ یعنی ظرف کمتر از بیست روز تهیه و تکمیل گردیده و به نیروها و یگانهای شرکت کننده در عملیات ابلاغ گردید؛ اما همزمان با اتخاذ تصمیم در مورد راه کار کلی عملیات و شروع طرح‌ریزی، در جهت تدبیر اعلام شده (سرعت در کار) برای حصول هرچه سریع تر به مرحله آمادگی برای آغاز نبرد، اقدامات و تهیه های لازم موكول به پایان گرفتن کار طرح‌ریزی نشده و بلافاصله در مرحله اجرایی قرار گرفتند. ذیلاً به بیان گوشه ای از این فعالیتها که همزمان با پیشرفت و تکمیل کار طرح‌ریزی به عمل آمد، می‌پردازیم:

تغییر مکان یگانهای برای تمرکز نیرو

در تاریخ ۶/۱/۹ یعنی روز پایانی نبرد فتح المبین، قرارگاه کربلا ضمن صدور یک دستور عملیاتی، پدافند از منطقه آزاد شده را به لشکر ۷۷ پیاده خراسان و تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد ارتش و دو تیپ پیاده امام سجّاد و المهدی سپاه پاسداران محول نموده و به سایر یگانهای شرکت کننده در عملیات فتح المبین ابلاغ نمود که به مناطق پراکندگی تعیین شده در منطقه عمومی جنوب اهواز حرکت نمایند. یگانهایی که برابر این دستور می‌بایستی به منطقه مزبور نقل مکان کنند عبارت بودند از: لشکرهای ۹۲ زرهی و ۲۱ پیاده، تیپ‌های ۵۸ تکاور، ۵۵ هوابرد و ۳۷ زرهی، گروه ۳۳ توپخانه، گروه‌های رزمی هوانیروز ارتش و یگانهای سپاه پاسداران.

تغییر مکان واحدهای مذکور عملاً از ۶/۱/۱۷ آغاز گردید. علی‌رغم محدودیت‌هایی مانند سنگینی ترافیک و عدم کشش کافی جاده دزفول- اهواز و کمبود وسایل ترابری به‌ویژه خودروهای سنگین تانک بر، این کار با سرعت دنبال گردید و تقریباً در ۶/۱/۳۱ جابجایی یگانها از منطقه عملیاتی فتح المبین به منطقه عملیاتی کربلای ۳ خاتمه یافته و به این ترتیب تمرکز نیرو در جبهه عملیاتی جدید به انجام رسید.

تعویض تیپ ۴۰ سراب

نظر به اینکه برای افزایش توان رزمی آفندی لشکر ۱۶ زرهی رهایی تیپ ۲ زرهی این لشکر که عهده دار پدافند از منطقه بستان و تنگه چزابه بود، ضروری به نظر می‌رسید؛ لذا به تیپ ۴۰ پیاده سراب که در منطقه عملیاتی شرق کارون گسترش یافته بود مأموریت داده شد که تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ را تعویض نماید. مسئولیت منطقه پدافندی تیپ ۴۰ سراب در شرق کارون به لشکر ۲۱ پیاده واگذار گردید که قسمتی از منطقه واگذاری به این لشکر در طرح عملیاتی کربلا ۳ بود. لشکر ۲۱ پیاده حمزه در تاریخ ۶/۱/۲۰ تیپ ۴۰ سراب را با تیپ دوم پیاده خود، تعویض نموده و تیپ ۴۰ سراب نیز در ۴۸ ساعت بعد تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ را از پدافند منطقه بستان و تنگ چزابه رها نموده و خود مسئولیت آنرا به عهده گرفت.

تلاش برای کسب اطلاعات و توسعه وضعیت

به منظور به دست آوردن آخرین اطلاعات از دشمن و فعالیتهای او، وضعیت زمین و به ویژه شناسایی سواحل رودخانه کارون در محدوده منطقه سرپل برای انتخاب محل نصب پلهای شناور، اقدامات شناسایی به شدت توسعه یافته و با اعزام گشتیهای رزمی و شناسایی و عکسبرداری هوایی تلاشهای فراوانی در این زمینه صورت گرفت و متناسب با تهیه اطلاعات جدید از دشمن و زمین، تغییرات ضروری در طرحها و تدبیرها داده می شد. حضور بیش از حد مجاز واحدها و نفرات شناسایی در منطقه کرانه غربی کارون، که طبیعتاً میتوانست توجه و سوء ظن دشمن را جلب نماید؛ بنابراین از سوی مسئولان عملیاتی قرارگاه کربلا مداوماً به یگانها، لزوم احتیاط و تأمین تذکر داده میشود، از دیاد حرکات شناسایی، در غرب کارون به علت عدم کنترل رودخانه توسط دشمن با بی احتیاطی توأم شده بود و عملی مغایر با تأمین عملیات به شمار می آمد حتی در یک مورد یگانی با انتقال یک دستگاه لودر به آن سوی رودخانه در صدد ساحل سازی در محل انتخاب شده برای نصب پل شناور برآمده بود.

همان طوری که قبلاً هم اشاره گردید از سواحل شرقی هورالعظیم نیز شناسایی مختصری صورت گرفت تا در صورت امکان ترتیب یک حمله توأم با غافلگیری به جناح دشمن در منطقه هویزه و جفیر داده شود ولی کمبود امکانات و خطرهای احتمالی مانع از انجام چنین کاری شد ولی این شناساییها مقدمه ای برای شناساییهای بعدی عبور از هورالعظیم در عملیات خیبر و بدر (سالهای ۶۲ و ۶۳) گردید.

تهیه و آماده نمودن وسایل عبور از رودخانه

وسایل موجود برای عبور از رودخانه منحصر به هفت دستگاه پل شناور از نوع پی-ام-پی و یک دستگاه پل شناور ام-۴-ت-۶ بود این تجهیزات به طور کلی در سازمان گردانهای مهندسی لشکرهای زرهی (۹۲ - ۱۶-۸۱) و همچنین گردان مهندسی ۴۱۴ پل شناور، منظور گردیده بودند، با این معنا که هر یک از لشکرهای یاد شده دارای یک گروهان پل شناور پی-ام-پی و گردان ۴۱۴ دارای ۴ گروهان پل هستند.

یک دستگاه پل (ام-۴-ت-۶) در منطقه عبدالخان برای استفاده تیپ ۵۵ هوارد در منطقه فتح المبین روی رودخانه کرخه نصب گردیده بود و لشکر ۱۶ زرهی نیز برای عبور از رودخانه های کرخه کور و نیسان احتیاج به گروهان پل خود داشت و بنابراین برای عبور نیروها از رودخانه کارون آن هم در وسعتی که در نظر گرفته شده بود می توانستیم حداکثر ۵ دستگاه پل شناور روانه نموده و یک دستگاه را نیز در احتیاط قرار داد. این پنج دستگاه پل نمی توانست جوابگوی عبور سریع حدود ۵ لشکر از رودخانه باشد، لذا نیازمند تجهیزات بیشتری برای عبور از رودخانه بودیم چه از نظر تاکتیکی و چه از نظر جوابگویی به سنگینی ترافیک. در آن زمان امکان و فرصت کافی برای خرید و تهیه تجهیزات مورد نیاز وجود نداشت و اقدام برای خرید تعدادی پل شناور از شوروی نیز با واکنش منفی آن دولت مواجه شده بود، لذا تلاش برای تدارک و تهیه و جمع آوری حداکثر هر آنچه که داشتیم و می توانست مفید باشد شروع شد، نیروی دریایی ارتش ۳۰۰ دستگاه قایق هجومی (۱۰ نفره) خود را با راننده مربوطه و تعدادی غواص در اختیار قرارگاه کربلا قرار داد.

سوار و پیاده شدن پرسنل از این قایقها نیاز به تمرین و آموزش داشت که این کار بلافاصله و با سرعت شروع شد. پلهای شناور پی-ام-پی به تعمیرات فراوان و بالاخص جوشکاری احتیاج داشت که این کار توسط تعمیر کاران جهاد سازندگی با صرف تلاش فراوان در مدت زمان کوتاهی انجام گردید.

همچنین فکر استفاده از طراده های جی اس پی قوت گرفت که سالها بود در گوشه انبارهای عمومی نیروی زمینی در آبیگ قزوین خاک می خوردند. برای کار با این طراده های نیاز به آشنایی و آموزش رانندگی آن بود. ده دستگاه طراده جی اس پی ظرف مدت ۴۸ ساعت از آبیگ قزوین به اهواز حمل و در محلی بنام دغاغله در رودخانه کارون آموزش آن با سرعت و حدیث پیگیری گردید و کمتر از یک هفته آماده شده وگردان ۴۱۴ پل، یک گروهان جدید را با تجهیزات مزبور بنام (گروهان طراده ظفر) سازمان داد که دارای آمادگی رزمی کافی بود.

تعداد ۱۰ دستگاه قایق بزرگ ۲۷ فوتی گروهانهای پل نیز برای حمل و نقل نیروها در نظر گرفته شدند. اینها کل وسایلی بودند که می بایست حدود ۵ لشکر ارتش و سپاه و گروههای توپخانه و یگانهای پشتیبانی را به آن سوی رودخانه منتقل و مداومت عبور و مرور و آماد را حفظ نمایند.

گفتنی است اگر چه وسایل مزبور به نسبت نیروهای عبور کننده حداقل بودند؛ اما با برنامه ریزی دقیق و حساب شده می توانستند در شرایط موجود امکان عبور را به نحو مناسبی فراهم نمایند. که در این مورد اقدامات و ترتیبات لازم به عمل آمد و در حین عمل هم اشکالی به وجود نیامد.

علاوه بر اقدامات فوق برای برقراری ارتباط زمینی با یگانهای عبور کننده از کارون و کم کردن فشار ترافیک عبور از پلهای شناور، پس از انجام شناسایی روی نقشه و زمین، مسئولان مهندسی قرارگاه کربلا ، در منطقه بازو خشک بین رودخانه کارون و مناطق آب گرفته احداث یک جاده را که ارتباط زمینی منطقه سرپل را با اهواز برقرار سازد مقدور و ممکن تشخیص دادند و اجرای آن را جهاد سازندگی استان یزد بعهده گرفت. بدین ترتیب با برقراری ارتباط زمینی سرپل با منطقه اهواز خطر آسیب پذیری نیروها در صورت انهدام پل های شناور به میزان مؤثری تقلیل یافت و اطمینان خاطر نسبی به وجود آمد.

آموزش عملیات عبور از رودخانه

نظر به نیاز آموزش فرماندهان و مسئولان عملیاتی یگانها در مورد نحوه و چگونگی عملیات عبور از رودخانه ، مدارک آموزشی عملیات عبور از رودخانه دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش در اختیار یگانها قرار داده شد. این اقدام نتیجه بسیار خوبی در سرعت و دقت طرحریزی عملیات عبور از رودخانه برای یگانها به بار آورد.

تهیه طرح پوشش و فریب تاکتیکی در منطقه فکه

پس از تهیه طرح عملیاتی کربلای ۳ و صدور آن قرار شد به منظور پوشش و فریب دشمن از عملیات طرح کربلای ۳ یک عملیات آفندی محدود همزمان با شروع آن توسط لشکر ۷۷ پیاده خراسان در منطقه فکه اجرا شود. در اجرای این منظور در ۶۱/۱/۳۱ به لشکر مزبور دستور داده شد که طرح یک تک محدود برای تصرف تپه ۱۸۲ در غرب تپه های رقابیه و برقازه (شرق فکه) را تهیه و با همکاری یگانهای سپاه پاسداران به نا به دستور آماده اجرای آن باشد.

گفتنی است که تپه یاد شده در هنگام طرحریزی عملیات فتح المبین خارج از حد نهایی پیشروی تعیین شده قرار گرفته و به علت عدم شناسایی دقیق آن جزء اهدافی که باید تأمین شوند قرار نگرفته بود. ولی در عمل و پس از استقرار یگانهای پدافندی ما در حد نهایی تعیین شده برای آن عملیات (امتداد ارتفاعات تینه) نیروهای متجاوز با استفاده از این تپه مواضع نیروهای ما را در ارتفاعات رقابیه و برقازه و حتی عقبه آن زیر دیده بانی و آتش قرار داده و با مختل نمودن حرکات و فعالیتهای آنان سبب ایجاد مزاحمت و تلفات می شدند، لذا اجرای طرح فوق ، ضمن تأثیر گذاری در عملیات طرح کربلای ۳ با خارج ساختن این تپه از تصرف دشمن ، مواضع پدافندی مناسب تری را در این بخش از جبهه در اختیار نیروهای ما قرار می داد علاوه بر آنکه عملیات در جبهه جنوبی هم متقابلاً فرصت بسیار مناسبی را برای این اقدام در اختیار لشکر ۷۷ قرار می داد.

لشکر ۷۷ پیاده در اجرای این دستور، یک طرح آفندی به نام امیرالمؤمنین(ع) تهیه نمود که بر مبنای آن با دو گردان پیاده از لشکر و ۷ گردان پیاده از نیروهای بسیج مردمی سپاه پاسداران از دو سمت شمال و جنوب به تپه مذکور تک نموده و آن را تصرف و آماده ادامه تک به سوی فکه در صورت امکان و به نا به دستور می شد. کلیات طرح مزبور مورد تصویب قرارگاه کربلا واقع و اجرای آن موکول به موقع مقتضی و صدور دستور ثانوی گردید.

تهیه طرحهای عملیاتی یگانها

یگانهای شرکت کننده در عملیات ، پس از دریافت طرح عملیاتی کربلای ۳ برابر روش طرحهای عملیاتی مربوط به خود را تهیه و جهت تصویب به قرارگاه کربلا ارسال نمودند .

در تاریخ ۶۱/۲/۷ قرارگاه نصر (لشکر ۲۱ پیاده و یگانهای همتا از سپاه) تقاضای تصویب تغییراتی را در طرح عملیاتی خود نمود مبنی بر اینکه قرارگاه مزبور همزمان با تأمین سرپل برای محاصره خرمشهر به سوی نهر عرایض و غرب خرمشهر هم تک نماید. این کار با تدبیر کلی عملیات مبنی بر تصرف سر پل و اطمینان از تأمین آن در مرحله اول و سپس ادامه تک برای تأمین مرز و احاطه خرمشهر در مرحله دوم عملیات مغایر بود و قسمتی از عملیات مرحله دوم را به مرحله اول داخل می نمود و با در نظر گرفتن واکنشهای احتمالی و تقریباً حتمی دشمن در اجرای پاتک بر علیه سرپل ، به احتمال قوی این عمل تأمین سرپل و کنترل عملیات را دچار اختلال می نمود ، لذا پیشنهاد قرارگاه نصر با مخالفت تعدادی از افسران عملیات قرارگاه کربلا روبرو شد ولی با پافشاری و اصرار قرارگاه نصر به طور شفاهی مورد قبول فرماندهی قرارگاه کربلا قرار گرفت.

بخش دوم

آمادگی

تقریباً در پایان هفته اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ همه مقدمات لازم برای آغاز نبرد فراهم شده و آخرین اقدامات تکمیلی در حال انجام بود، همه تلاشها بر این بود که هر چه سریع تر و قبل از آنکه دشمن به خیال استقرار در کرانه نزدیک رودخانه کارون افتاده و عبور نیروهای ما را از این رودخانه از یک عبور ساده به یک عملیات حمله به رودخانه و عبور از آن مبدل سازد نبرد را آغاز نماید؛ اما دشمن علی‌رغم اقدامات شناسایی هوایی در این منطقه کماکان در مواضع خود و دور از ساحل رودخانه مستقر بود. در این زمان ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با استناد به گزارش وزارت امور خارجه مبنی بر اینکه نامگذاری عملیات طرح کربلا ۲ به نام فتح المبین باعث خوشحالی جبهه فتح از سازمان آزادی بخش فلسطین گردیده و تصور نموده اند که این نامگذاری در رابطه با نظر خاص جمهوری اسلامی به آنان بوده است، لذا پیشنهاد نمود که عملیات طرح کربلا ۳ به اسم یکی از مبارزان مردم فلسطین مثلاً کرامه یا امثال آن نامگذاری شود. با پایان گرفتن استقرار یگانها در مناطق مربوطه و افتتاح و آغاز بکار نمودن پاسگاههای فرماندهی مشترک و ادغام نیروهای ارتش و سپاه مرحله تهیه مقدمات و آمادگی بپایان خود نزدیک شد.

تأسیسات پاسگاه سرفرماندهی عملیات کربلا ۳ با عنوان قرارگاه عملیاتی کربلا در نقطه ای به نام خضریه واقع در شمال دارخوین و شرق کارون که توسط جهاد سازندگی ساخته شده بود آماده اجرای عملیات گردید. از زمان پایان یافتن عملیات فتح المبین تا آغاز عملیات بیت المقدس یعنی در فاصله ۶۱/۱/۹ تا ۶۱/۲/۱۰ دو حادثه بزرگ از دیدگاه سیاسی و نظامی در کشور رخ داد که نمی توانند به مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق بی ارتباط باشند یکی حادثه سوء قصد در قرارگاه نیروی زمینی در لویزان تهران که منجر به کشته و مجروح شدن تعدادی از جمله معاون هماهنگ کننده نیروی زمینی شد و دیگری یک حمله هلی برن نیروهای روسی و افغانی به گردنه هرمک در مسیر زاهدان-زابل و اشغال چندین روستا تحت عنوان تعقیب مبارزان افغانی در ۶۱/۱/۱۶ بود که احتمال گشایش جبهه دومی را در شرق ایران به منظور برداشتن فشار از روی عراق مطرح می کرد. این تجاوز با سرعت عمل نیروی هوایی در بمباران نیروهای متجاوز دفع و مسئله فیصله یافت.

فصل چهارم

اجرا و هدایت نبرد بیت المقدس

بخش اول آغاز عملیات

عملیات کربلای ۳ با نام نبرد (بیت المقدس) که از روز نهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به مرحله عمل درآمد و ۲۶ روز به درازا کشید به سبب واکنشهای دشمن و حوادث و رخدادهای میدان نبرد، اجرای هر چهار مرحله طرحریزی شده مقدور نشد و عملاً فقط اجرای موفقیت آمیز مراحل اول و دوم امکان پذیر گشت و مراحل سوم و چهارم آن با عملیات جداگانه دیگری بعداً با کد عملیاتی کربلا ۴ طرحریزی شده و با نام نبرد رمضان در بیست و دوم مردادماه سال ۶۱ یعنی شصت روز بعد از خاتمه عملیات بیت المقدس در شرق بصره انجام شد. نبردهای خیبر و بدر (اسفندماه ۶۲ و اسفند ۶۳) هم که در شرق بصره انجام گردید در واقع اهداف همان مرحله سوم و چهارم طرح عملیات بیت المقدس را دنبال میکردند که با طرح ریزیهای مشروحه و جداگانه‌ای به مورد اجرا گذارده شدند.

مجدداً برای یادآوری چهار مرحله طرحریزی شده طرح عملیات کربلای ۳ به صورت خلاصه زیر بیان می گردد :

مرحله اول: عبور از رودخانه کارون و تصرف و تحکیم سرپل (تک اصلی) و همزمان درگیر نمودن دشمن در جبهه کرخه کور.

مرحله دوم: عبور نیروها از سرپل و پیشروی به سوی خط مرز ، همزمان احاطه خرمشهر در شلمچه و پیشروی در جبهه کرخه کور در صورت امکان و یا عقب نشینی دشمن.

مرحله سوم: ادامه تک از خط مرز در سمت شرق بصره و رسیدن به کرانه شرقی شط العرب در حد فاصل نشوه تا بصره.

مرحله چهارم: پدافند در ساحل شرقی شط العرب.

اما در عمل فقط اجرای مراحل اول و دوم طرح ممکن گردید که این دو مرحله خود در ۳ مرحله به شرح زیر انجام شدند :

مرحله اول: عبور موفقیت آمیز نیروها از کارون و تصرف سرپل طرحریزی شده و درگیر نگاه داشتن دشمن در کرخه کور.

مرحله دوم: پیشروی نیروها از سرپل به سوی خط مرز ، تأمین قسمتی از خط مرز در منطقه همراه با انهدام نیروهایی از دشمن. عقب نشینی متجاوز از جبهه کرخه کور و سه تلاش ناموفق برای احاطه خرمشهر.

مرحله سوم: تلاش موفقیت آمیز در محاصره خرمشهر و آزاد سازی آن.

عدم اجرای یک عملیات کاملاً مطابق طرحی که برای آن قبلاً تهیه گردیده امری غیر متداول و شناخته نشده در عرصه نبرد نیست. لزوم پاره‌ای تغییرات کوچک و بزرگ در طرح و حتی صرفنظر کردن از انجام پاره ای از مراحل آن به دلایل متعدد و گوناگون پیش می آید که مشخص ترین آنها واکنشهای دشمن و رخدادهای میدان نبرد هستند که یا قابل پیش بینی نبوده و یا به طور اصولی یا منطقی برآورد پیش بینی نگردیده اند و یا از همه مهمتر اشتباه در محاسبه و برآوردهای تواناییها و امکانات متجاوز و به قول معروف دست کم گرفتن دشمن است که این اشتباهات باید به حداقل برسد.

همه تلاش فرماندهی و ستاد بر این قاعده استوار است که با بررسی و تجزیه تحلیل دقیق و سریع حوادث کوچک و بزرگ میدان نبرد و اقدامات دشمن، با اخذ تصمیمات صحیح و عکس العمل به موقع عملیات را کنترل و آن را در جهت طرح تهیه شده خود هدایت نمایند؛ بنابراین تغییر در طرحهای تاکتیکی و منطبق کردن آن با واقعیات موجود در پهنه نبرد امری خلاف انتظار و منطقی نیست؛ چرا که همه عوامل مؤثر در سرنوشت یک عملیات صددرصد قابل کنترل و پیش بینی نیستند.

یک روش مطالعه و بررسی چگونگی اجرای طرح عملیات کربلای ۳ در چارچوب مراحل آن است، البته می توان این عملیات را از نظر دوره ای هم مورد بحث قرار داد، در این جهت مداومت ۲۶ روزه این نبرده ۴ دوره زمانی مشخص زیر تقسیم می شوند:

دوره اول، از روز ۶۱/۲/۹ تا ۶۱/۲/۱۶ تصرف سرپل و تلاش در تحکیم آن و درگیر نگاه داشتن دشمن در جبهه های کرخه کور و فکه.

دوره دوم، از ۶۱/۱/۱۷ تا ۶۱/۱/۲۱ عبور نیروها از سرپل و تصرف قسمتی از خط مرز همراه با انهدام نیروهایی از دشمن، عقب نشینی دشمن از جبهه کرخه کور. تلاشهای تقریباً ناموفق قرارگاه نصر برای احاطه خرمشهر در شلمچه.

دوره سوم، ۶۱/۲/۲۱ تا ۶۱/۳/۱ اتخاذ وضعیت موقت پدافندی، تجدید سازمان و تغییر گسترش نیروهای تک ور برای احاطه خرمشهر.

دوره چهارم، از ۶۱/۳/۱ تا ۶۱/۳/۴ احاطه خرمشهر، آزادسازی خرمشهر و اعلام خاتمه عملیات بیت المقدس.

روش ما برای تشریح نسبتاً مختصر سیر عملیات نبرد بیت المقدس از آغاز تا پایان، تلفیقی از تجزیه و تحلیل و وقایع نگاری روزانه و مراحل سه گانه اجرایی نبرد است:

روز ۶۱/۲/۹

تقریباً در پایان هفته اول اردیبهشت ماه نیروهای مسلح ما به یک آمادگی نسبی برای آغاز عملیات رسیده بودند از طرف دیگر تشدید و تزايد فعالیتهای دشمن در منطقه به ویژه اقدامات مربوط به شناسایی و تقویت نیرو و بیم از آنکه متجاوز از فرصت استفاده کرده و اقدام به اشغال و استقرار نیرو در کرانه غربی کارون نماید و با این ترتیب عبور نیروهای ما را از رودخانه با اشکال عظیمی مواجه سازد از جمله عواملی بود که اجرای هر چه زودتر عملیات را ایجاب می نمود.

لذا روز دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز آغاز عملیات و ساعت شروع عملیات (سی دقیقه پس از نیمه شب) تعیین شده و به قرارگاه های سه گانه در بعدازظهر روز ۶۱/۲/۹ ابلاغ گردید.

روز جمعه دهم اردیبهشت ماه یا به مفهوم نظامی روز (ر) دارای ویژگی یا مناسبت خاصی برای انتخاب نبود و در تعیین آن فقط عامل (تأخیر هر چه کمتر در شروع عملیات) دخالت داشت و با در نظر گرفتن اینکه یگانها نیز آمادگی نسبی خوبی برای عملیات داشتند.

در تعیین ساعت (س)، عده ای را عقیده بر این بود که بایستی زمان شروع به عبور یگانها از رودخانه به عنوان ساعت (س) در نظر گرفته شود؛ اما از آنجایی که کارون در عرض ۴۰ کیلومتری سرپل دارای پیچ و خمهای بزرگ بوده و دارای یک امتداد مستقیم و یکنواخت نبود لاجرم قرارگاههای نصر و فتح که از نقاط مختلف در پیچ و خمهای کارون عبور می کردند دارای

فاصله یکسان و یکنواختی نسبت به مواضع پدافندی دشمن در غرب کارون نبودند و لذا با اختلاف زمانی به مواضع دشمن می رسیدند و با این ترتیب نمی توانستند برای استفاده از غافلگیری به طور تقریباً همزمان در تمامی عرض سرپل یک مرتبه به مواضع دشمن یورش آورند و درگیری تدریجی یگانها با دشمن، غافلگیری را از بین می برد و نیروهای دشمن را هوشیار می نمود؛ بنابراین خط رودخانه کارون با پیچ و خمهای بزرگ خود یک مبدأ مناسب برای عملیات همزمان و هماهنگ یگانها در آن سوی رودخانه نبود. ضمن اینکه با در نظر گرفتن استعداد یگانهای عبور کننده، کمبود وسایل عبور از رودخانه هم وجود داشت و چون یگانها بایستی به نوبت از این وسایل عبوری استفاده کنند، پس نقل مکان یگانها به کرانه غربی هماهنگ و همزمان نبوده و نوعی گذر تدریجی به حساب می آمد که بدین ترتیب اگر ساعت(س) به عنوان زمان شروع عبور یگانهای قرارگاههای فتح و نصر از رودخانه تعیین می گردید درگیری رده های هجومی با دشمن هماهنگ و همزمان نمی شد، لذا ترجیح داده شد که یگانها بعد از عبور و تجمع در طول ساحل غربی، با بهره گیری از سرعت و غافلگیری به سوی دشمن پیشروی و پس از گسترش در نزدیکی مواضع دشمن، به طور هماهنگ هجوم خود را بر مواضع نیروهای تأمینی متجاوز که در داخل منطقه سرپل استقرار داشتند آغاز نمایند و بدین ترتیب ساعت(س) تعیین شده از سوی قرارگاه کربلا در واقع ساعت هجوم یگانها از مواضع تک خود به رده تأمینی دشمن در آنسوی کارون فهمیده می شد.

با در نظر گرفتن عواملی مانند زمان شروع عبور از رودخانه، زمان گذر یگانها از رودخانه، سرعت حرکت پیاده نظام و فاصله هایی که مواضع دشمن از رودخانه داشت و بر مبنای شناسایی تقریباً کامل و دقیقی که یگانها از منطقه داشتند ساعت (س) یعنی ساعت درگیری احتمالی همزمان نیروهای خودی با نیروهای تأمینی دشمن حدود ۳۰ دقیقه پس از نیمه شب برآورد و محاسبه گردید. سی دقیقه پس از نیمه شب دهم اردیبهشت ماه مصادف با ششم رجب بود و لذا قرص ماه در هلال بود و روشنایی کم ماه برای عملیات غافلگیرانه خودی مناسب به حساب می آمد.

زمان شروع عبور از رودخانه و نصب پلهای شناور ساعت ۶ بعد از ظهر روز پنجشنبه نهم اردیبهشت ماه یعنی یکساعت مانده به آغاز تاریکی (آتاد) تعیین گردید که زیر دید محدود زمینی و هوایی دشمن نباشد.

اما یگانها عملیات عبور از رودخانه خود را در حدود ۲ ساعت زودتر از ساعت تعیین شده، یعنی عملاً از حدود ساعت ۴ بعدازظهر آغاز کردند.

فرماندهان که از روز قبل پیش بینی صدور دستور حمله را کرده بودند صبح روز ۶۱/۲/۹ به بهانه تمرین عملیات پل زنی، پلهای شناور را در محل های تعیین شده نصب و ساحل سازی را شروع کرده و از جمع آوری آن خودداری نمودند. فقط نصب پل پنجم یا جنوبی ترین پل که برای تیپ ۳ پیاده قرارگاه نصر می بایستی در شمال سلمانیه نصب گردد به علت تبادل آتش توپخانه بین نیروهای خودی و دشمن در این ناحیه، که روزانه به طور متداول اجرا می گردید و از بیم اصابت گلوله های توپخانه و نزدیک بودن به مواضع دشمن در سلمانیه (حدود ۵ کیلومتر پایین تر) و احتمال دیده بانی و کشف عملیات پل زنی تا حدود ساعت یازده شب مقدور نگردید.

فرماندهان پس از اطمینان قطعی از صدور دستور حمله، منتظر فرارسیدن زمان عبور مقرر نشده و حدود ساعت ۴ بعدازظهر انتقال یگانهای خود را با استفاده از قایقهای جمینی، طرادده جی-اس-پی و پلهای شناور شروع و تلاش نمودند که هر چه سریع تر یگان خود را به کرانه غربی کارون منتقل نمایند. برابر طرح مهندسی عملیات، به هر تیپ ادغامی سپاه و ارتش ۴۵ فروند قایق جمینی ۱۰ نفره، یک فروند طرادده جی-اس-پی واگذار شده بود. همچنین به قرارگاه فتح سه دستگاه و به قرارگاه نصر دو دستگاه پل شناور پی-ام-پی اختصاص یافت.

آخرین جلسه توجیهی فرماندهان و مسئولان عملیات یگانهای عمده در قرارگاه سرفرماندهی عملیات (قرارگاه کربلا) واقع در خضریه در شرق کارون با حضور آیت الله مشکینی در بعد از ظهر روز ۶۱/۲/۹ به منظور بررسی آخرین وضعیت دشمن و استقرار تأیید شده حداقل ۳ تیپ زرهی متجاوز در حوالی گرمداشت (غرب جاده اهواز - خرمشهر) تشکیل گردید. در این جلسات واکنشهای احتمالی دشمن مورد بحث قرار گرفته و تعدادی از افسران عملیات ضرورت تحکیم خط سرپل را به ویژه با استقرار ۳ تیپ زرهی متجاوز در غرب خط سرپل مورد تأکید قرار داده و خروج نیروها را از سرپل قبل از اطمینان از تأمین کامل و تحکیم آن خطرناک دانستند.

در این جلسه همچنین در مورد اقدامات تأمینی و جلوگیری از هوشیار شدن دشمن در موقع عبور از رودخانه و رعایت کامل مقررات عبور، هشدارهای لازم بفرماندهان داده شد و در مورد ساعت (س) نیز مجدداً تبادل نظر گردیده و همان زمان تعیین شده تأکید گردید.

در حالی که آخرین دستورهای تکمیلی در قرارگاه کربلا صادر می شد یگانها عبور از رودخانه را خود آغاز کرده بودند. تیپ ۳ پیاده از قرارگاه نصر که به علت تبادل آتش توپخانه نه تنها موفق به استقرار پل شناور از قبل، مانند سایرین نگردیده بود برای عقب نماندن از مأموریت، قایق هجومی و طرّاده را مورد استفاده قرار داد. تیپ ۱ زرهی از قرارگاه فتح برای رعایت احتیاط و عبور دادن تانکهای خود قبل از تاریکی از پل شناور و همچنین نشان دادن سرعت عمل بدون رعایت حق تقدّم یگانهای پیاده، تانکهای خود را از رودخانه عبور داد.

یگانهای سپاه پاسداران با سرعت و تقریباً جلوتر از سایرین از رودخانه عبور کردند، پارههایی از گردانهای بسیج به ویژه در قرارگاه فتح حتی صبح این روز (۶۱/۲/۹) به آن سوی رودخانه رفته و در ساحل غربی به انتظار سایرین نشسته بودند.

با توجه به عدم حضور دشمن بلافاصله در کرانه غربی رودخانه، نداشتن دید و تیر روی رودخانه در منطقه عبور، گذر یگانها از کارون بدون هیچ گونه اشکالی صورت گرفته و تا حدود ساعت ۱۰ شب عمده قوای قرارگاههای نصر و فتح به ساحل دیگر رودخانه نقل مکان نموده و پس از تجمع و گسترش با استفاده از تاریکی شب و غافلگیری با سرعت به سمت باختر به راه افتاده تا پس از انهدام نیروهای تأمینی دشمن خود را به جاده اهواز خرمشهر رسانیده خط سرپل را تأمین نمایند.

اما در شمال منطقه عملیات، عبور قرارگاه قدس از رودخانه کرخه کور نمی توانست به هیچ وجه به سهولت عبور قرارگاههای نصر و فتح از کارون باشد، زیرا در این جبهه دشمن مواضع پدافندی خود را کاملاً چسبیده به کرانه رودخانه کرخه کور سازمان داده و هر تلاشی برای عبور از کرخه کور مواجه با آتش شدید و پدافندی دشمن می گردید؛ بنابراین عبور یگانهای قرارگاه قدس از رودخانه از نظر تاکتیکی (عملیات عبور با فرصت از رودخانه) به حساب می آمد که از جمله مشکل ترین و پرخطر ترین عملیات رزمی شناخته می شود.

قرارگاه قدس در جناح چپ خود نیز که در جنوب غربی اهواز قرار داشت و به علت وجود کارخانجات نورد آهن به جبهه نورد موسوم گردیده بود. از نظر فضای مانوری و گسترش یگانها دچار محدودیت بود و تقریباً به طور کامل متکی به عرض جاده اهواز - خرمشهر و یکی دو معبر باریک مشابه می گردید. چراکه مناطق وسیعی از دو طرف جاده را در این ناحیه آب گرفتگیهای مصنوعی پوشانده و فقط سطح جاده و حاشیه باریکی در کناره های آن به علت داشتن کمی ارتفاع از آب بیرون مانده بودند.

در بحث مربوط به موانع منطقه و آب گرفتگیهای مصنوعی گفته شد که عراقیها برای برگرداندن آب از جلوی مواضع خود در مناطق غرب جاده اهواز - خرمشهر با ایجاد سه بریدگی ۲۰ متری در طول جاده بخشی از آب را به منطقه شرقی

جاده هدایت نموده و از فشار آب بر روی مواضع خود در بخش غربی جاده کاستند. با پخش آب در دو سمت جاده و بالا آمدن آن، فقط سطح جاده از آب بیرون مانده و این عرض جاده یکی از معابری بود که تیپ بیت المقدس سپاه پاسداران از قرارگاه قدس قصد عبور از آن و درهم شکستن مواضع پدافندی دشمن در پشت آب‌گرفتگی و باز نمودن جاده اهواز- خرمشهر به طرف پادگان حمید را داشت.

متجاوز در پشت بریدگی سوم جاده روی آن خاکریز بلندی احداث نموده و با استقرار تیربارهای سنگین و روانه کردن در امتداد جاده هر حرکتی روی جاده و اطراف آن را زیر آتش تراش سنگین این تیربارها قرار می داد. قرارگاه قدس مواجه با چنین دشواریهای عظیمی، در انتظار فرا رسیدن ساعت حمله و یورش به دشمن نشست بود. برای سهولت در درک وقایع و حوادث، لازم است قبلاً به طور مختصر با سازمان رزمی قرارگاههای نصر و فتح و قدس (در رده تیپهای ادغامی) و مأموریت کلی هر یک از یگانهای تابعه سه قرارگاه نامبرده در مرحله یکم عملیات آشنا شویم. البته در مراحل بعدی عملیات تعدادی از یگانهای تابعه این سه قرارگاه یا از نظر ادغام تغییر سازمان دادند و یا به قرارگاه دیگری مأمور شدند و یا در مراحل مختلف عملیات تغییر مأموریت یافتند که در موقع خود به آن خواهیم پرداخت. هر یک از تیپهای زرهی یا پیاده نیروی زمینی با یک تیپ پیاده سپاه ادغام شدند، ولی از آنجایی که تعداد گردانهای هر تیپ سپاه بیشتر از تعداد گردانهای تیپ های ارتش بود و بنا به اظهار سپاه یک تیپ سپاه مثلاً دارای ۶-۷ و یا ۱۲ گردان بود لذا با ادغام یک گردان سپاه با یک گردان ارتشی که تشکیل گردانهای ادغامی را می دادند. تعدادی از گردانهای پیاده بسیج به صورت آزاد در اختیار تیپ مربوطه باقیماندند که بنا به گفته سپاه دارای مأموریتهای مستقلی مانند شکستن خط یا عمل در محورهای به خصوص دیگری بودند.

سازمان رزمی قرارگاههای سه گانه و مانور آنها به طور کلی در مرحله یکم عملیات چنین بود :

الف. قرارگاه قدس

- قدس ۱ (تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ ۳۱ پیاده عاشورا) : احتیاط قرارگاه قدس مستقر در شمال رودخانه نیشان
- قدس ۲ (تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ ۲۱ پیاده امام رضا) : تک از قیصریه در شمال کرخه کور به سمت هویزه
- قدس ۳ (تیپ ۳ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ پیاده نور) : تک در منطقه طراح و تصرف خاکریزهای مقدم دشمن.
- قدس ۴ (تیپ ۵۸ تکاور + تیپ ۴۱ پیاده ثارالله) : تک در منطقه فرسیه و سید جابر و تصرف خاکریزهای مقدم دشمن)
- قدس ۵ (تیپ پیاده بیت المقدس) : تک در منطقه نورد و تصرف خاکریزهای مقدم دشمن.

ب. قرارگاه فتح

- فتح ۱ (تیپ ۱ زرهی لشکر ۹۲ + تیپ ۱۴ پیاده امام حسین (ع)) : مأمور تک در مرکز منطقه سرپل واگذاری و تأمین خط سرپل
- فتح ۲ (تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲) : دنبال و پشتیبان فتح ۱
- فتح ۳ (تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ + تیپ ۸ نجف) : تک در پهلوی شمال منطقه قرارگاه فتح و تأمین خط سرپل در منطقه مربوطه

فتح ۴ (تیپ ۵۵ هوآبرد + تیپ ۲۵ کربلا + تیپ ۳۷ زرهی شیراز + گردان ۱۵۱ پیاده دژ): تک در پهلوی شمالی منطقه قرارگاه فتح و یا در واقع پوشش جناح راست قرارگاه مزبور

پ. قرارگاه نصر

نصر ۱ (تیپ ۱ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۷ پیاده دزفول سپاه) مأمور تک در شمال منطقه سرپل واگذاری و تأمین خط سرپل

نصر ۲ (تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۲۷ پیاده محمد رسول الله) مأمور تک در مرکز منطقه سرپل واگذاری و تأمین خط سرپل و احاطه خرمشهر.

نصر ۵ (تیپ ۲۳ نوهده + تیپ ۲۲ پیاده خرمشهر) مأمور تک در مرکز منطقه سرپل واگذاری تأمین خط سرپل و احاطه خرمشهر.

نصر ۳ (تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۴۶ پیاده فجر سپاه) مأموریت تک در جنوب منطقه سرپل واگذاری ، تأمین خط سرپل و احاطه خرمشهر

نصر ۴: (تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱) احتیاط قرارگاه نصر.

آخرین وضعیت قرارگاههای فتح و نصر در واپسین ساعات روز ۶۱/۲/۹ به شرح زیر بود: یگانهای قرارگاه فتح که تقریباً بدون هیچ گونه اشکالی از رودخانه عبور نموده بودند اندکی پس از تاریکی برابر طرحهای عملیاتی خود به سمت غرب و به سوی خط سرپل به حرکت درآمدند. تیپهای ۲۵ پیاده کربلا ، ۱۴ امام حسین و ۸ نجف که با یگانهای لشکر ۹۲ زرهی ارتش ادغام شده بودند از یگانهای نخبه و ورزیده نیروهای بسیج مردمی سپاه به حساب می آمدند. وجود چنین عاملی به اضافه شناسایی دقیق از منطقه و مواضع دشمن در تسهیل عملیات قرارگاه فتح بسیار مؤثر بود.

در حالی که روز ۶۱/۲/۹ به پایان خود نزدیک می شد یگانهای پیاده تک و خط مقدم قرارگاه فتح که اکثراً نیروهای بسیج مردمی بودند با سرعت به پیشروی غافلگیرانه خود به سمت مواضع دشمن ادامه می دادند.

اما قرارگاه نصر نیز اگر چه عملیات عبور از رودخانه را بدون دردسر عمده ای انجام داده و باقیمانده یگانها در حال عبور بودند؛ اما تیپهای یکم و سوم پیاده لشکر ۲۱ و تیپ ۲۳ نیروی مخصوص که یگانهای ارتشی قرارگاههای نصر ۱ و ۳ و ۵ بودند در هماهنگی فعالیتها با یگانهای همتای خود از سپاه دچار مشکلاتی شده بودند که در عملیات آنها مؤثر و دچار تأخیر شده بودند. از جمله چندین گردان از تیپ ۴۶ فجر سپاه که بایستی با یگانهای پیاده تیپ ۳ لشکر ۲۱ ادغام شوند هنوز از مناطق تجمع خود در حوالی آبادان و ماهشهر حرکت نکرده و حتی تا پایان روز ۶۱/۲/۹ نیز به منطقه تیپ ۳ وارد نشدند و تیپ ۳ پیاده پس از عبور از کارون در کرانه غربی رودخانه در انتظار ورود آنها نشستند. مشکل دیگر این تیپ (نصر ۳) به تعویق افتادن نصب پل شناور مربوطه تا ساعت یازده شب به علت تبادل آتش توپخانه یگانهای خودی و دشمن بود و بالاخره هم پل را از نظر حفاظت در حدود ۳۰۰-۴۰۰ متر بالاتر از محل تعیین شده روانه نمودند.

تیپ ۲۳ نیروی مخصوص نیز دچار مشکلی شبیه تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ بود به این معنی که بعضی از گردانهای تیپ ۲۲ خرمشهر که بایستی با تیپ مذکور ادغام شوند با تأخیر زیاد و حدود نیمه شب به منطقه وارد شدند تیپ ۱ پیاده لشکر ۲۱ نیز با همتای خود تیپ ۷ دزفول نیز مشکلی مشابه با تیپ ۲۳ و تیپ ۳ داشت و نتیجتاً حرکت و پیشروی نصرهای ۱ و ۳ و ۵ به سمت

باختر با تأخیر همراه شد. در ساعت بیست و سه و چهل دقیقه نصر ۲ (تیپ ۲ پیاده+ تیپ محمد رسول الله) به قرارگاه نصر اعلام کرد که به نزدیک مواضع دشمن رسیده و گسترش یافته است و آمادگی هجوم به مواضع دشمن را از روبرو و عقب دارد و این نشان می داد که یگانهای نصر ۲ توانسته بودند از فضاهای خالی بین مواضع پدافندی متجاوز که به صورت گسسته (نقاط اتکاء) سازمان یافته بود عبور کرده و در پشت دشمن سردرآوردند بدون اینکه غافلگیری را از دست بدهند. تعدادی از گردانهای نصر ۲ طبق طرح بدون درگیر کردن خود با دشمن . کماکان به پیشروی به سوی سرپل ادامه دادند.

عملیات روز ۶۱/۲/۱۰ (روز اول نبرد)

۳۰ دقیقه بامداد روز جمعه ۶۱/۲/۱۰ قرارگاه سرفرماندهی کربلا با صدور رمز (بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله القاصم الجبارین، یا علی ابن ابیطالب) به قرارگاه های قدس، نصر و فتح دستور اجرای عملیات کربلا ۳ را جهت آغاز یورش به دشمن اعلام نمود:

پس از ابلاغ فرمان حمله، چراغهای سالن عملیات قرارگاه کربلا خاموش شد و مراسم دعای کمیل برپا گردید. در میان همه دعا و گریه حاضران از دستگاههای بیسیم گاهی صدای یگانها شنیده می شد که یکدیگر را صدا می زدند.

در این زمان قرارگاه قدس عملیات خود را با پیشروی توأم با غافلگیری در سکوت و تاریکی شب به سمت مواضع دشمن آغاز کرد ولی همان گونه که انتظار می رفت اندک زمانی نگذشته بود که دشمن تک قرارگاه قدس را کشف و بلافاصله غریو کر کننده آتشباری توپخانه ها و طنین رعدآسای انفجارات پی در پی گلوله ها سکوت شب را در سراسر جبهه کرخه در هم شکسته و جنگجویان در پیکاری سخت و خونین درگیر شدند.

عناصر پیاده قدس ۲ در قیصریه ، قدس ۳ در طراح ، قدس ۴ در سید جابر و فرسیه ، علی رغم آتش شدید و مقاومت دشمن و با پذیرش تلفات از کرخه کور عبور کرده و به خاکریزهای متجاوز یورش بردند. در جبهه نورد قدس ۵ در پاره ای از معابر خود موفق به پیشروی گردیده و در یکی از معابر به موضع توپخانه دشمن در دب سلیمان نزدیک شد.

پیشروی یگانهای قرارگاه قدس تا ساعت ۴ بامداد با وجود مقاومت سنگین دشمن ادامه یافت و خاکریزهای مقدم دشمن سقوط کرد و یگانهای قرارگاه قدس توانستند بین ۷۰۰ تا ۳۵۰۰ متر در مواضع دشمن رخنه کرده تلفات و خساراتی را به متجاوز وارد نموده و تعدادی را نیز به اسارت درآورند. اما از ساعت ۴ بامداد با روشن شدن هوا مقاومت دشمن شدت یافته و تلفات نیروهای خودی رو به افزایش نهاد و سرانجام پایداری دشمن مانع از پیشروی بیشتر نیروهای تک ور گردید.

مشکل قرارگاه قدس بیش از همه محدودیت در فضای مانور و تنگی معابر به علت آب گرفتگیها بود که گسترش یگانها را مختل نموده و علاوه بر آن مسیر ورود نیروها به منطقه نبرد در این فضاهای باریک و مشخص هم زیر آتش شدید دشمن قرار داشت ، مقاومت دشمن نیز که از سیستم پدافندی مناسبی بهره می گرفت بیش از حد سنگین بود. متجاوز پس از کنترل تک نیروهای قرارگاه قدس از ساعت ۶ بامداد به بعد با افزایش فشار درصدد پس گرفتن مواضع از دست رفته خود برآمد.

اما نیروهای قرارگاه فتح که در غرب کارون مأموریت پیشروی به سمت خط سرپل و تأمین آن را داشتند پس از رسیدن به خطوط پدافندی دشمن در حوالی سید عبود با استفاده از سرعت و غافلگیری به متجاوز حمله ور شده و ضمن انهدام دشمن و تصرف مواضع صدها نفر را به اسارت درآورده و به پیشروی خود به سمت جاده اهواز-خرمشهر ادامه دادند.

فتح های ۱ و ۳ و ۴ ضمن درگیری های سبک با عناصر دشمن حدود ساعت ۴ صبح به تدریج به جاده اهواز- خرمشهر (خط سرپل) نزدیک شدند، همان طور که قبلاً هم گفته شده بود متجاوز شانه شرقی جاده اهواز - خرمشهر را به ارتفاع حدود ۲ متر خاکریز زده بود.

این خاکریز مرتفع و طولانی قاعدتاً می توانست حرکات خودرویی دشمن را روی جاده اهواز- خرمشهر از دید و تیر نیروهای ما مصون نگه داشته و از همه مهمتر به عنوان یک موضع خوب و مستحکم و پیوسته پدافندی، پیشروی نیروهای ما در غرب رودخانه کارون را به سوی مرز و شرق بصره سد نماید. در اینجا این سؤال مطرح می گردد که آیا این خاکریز عظیم صرفاً برای جلوگیری از دید و تیر ما روی جاده اهواز-خرمشهر بود و یا موضع سد کننده ای بود که عراقیها می خواستند، پس از تثبیت نیروهای عبور کننده از کارون در مقابل آن دست به پاتک و انهدام نیروهای تک ور بزنند (پدافند متحرک)؟ و یا اینکه قصد یک پدافند منطقه ای را داشته و این خاکریز خط اصلی پدافندی آنها به شمار می آمد؟ نمی توان تصور کرد که مشی تاکتیکی عراقیها (پدافند منطقه ای) در امتداد جاده اهواز- خرمشهر بوده باشد؛ چرا که اگر طرح دشمن پدافند از منطقه و جلوگیری از پیشروی نیروهای ما بود، بهترین خط پدافندی همان کرانه غربی رودخانه کارون و اتکاء پدافند به مانع رودخانه بود و استقرار خط اصلی پدافند در امتداد این جاده که بین ۱۴ تا ۲۰ کیلومتر از رودخانه فاصله داشت به معنای پذیرش و اجازه دادن به عبور ساده و بی دردسر ما از کارون و واگذاری منطقه وسیعی در غرب کارون به حساب می آمد؛ لذا نه تنها نمی توانست یک اقدام منطقی و حساب شده تاکتیکی به شمار آید، بلکه اتخاذ یک چنین روش پدافندی از منطقه، عملی ابلهانه و فاقد هرگونه منطق نظامی به شمار می آمد که ارتکاب آن از سوی طراحان عملیات و فرماندهان عراقی قابل قبول نیست و لذا این فکر به حقیقت و منطق نزدیک تر است که احتمالاً با اتخاذ چنین روشی عراقیها قصد داشتند پس از عبور نیروهای ما از کارون آنها را در مقابل موضع سد کننده کنار جاده تثبیت نموده و سپس با پاتکهای سنگین و محاصره نیروهای تک ور را منهدم نمایند (روش انهدام نیرو در پدافند متحرک). تاکتیک انتخابی احتمالی عراق به روش فوق، در عمل به علت های زیر دچار مشکل گردید و در نهایت به شکست انجامید. این موارد عبارت بودند از:

۱. عدم دیده بانی و کنترل روی رودخانه و عملیات عبور از رودخانه توسط عراقیها؛
۲. غفلت نیروهای تأمینی عراق در شرق جاده اهواز-خرمشهر و غافلگیری بسیار سریع آنها؛
۳. انتخاب یک سرپل بزرگ با جبهه وسیع (حدود ۴۰ کیلومتر) توسط نیروهای ما که نشان دادن واکنش و تشخیص منطقه اصلی و خطر را برای نیروهای پاتک کننده عراقی مشکل و تصمیم گیری و عمل را دشوار می نمود؛
۴. سرعت عمل نیروهای مسلح ما در عبور از رودخانه، پیشروی و غافلگیری و انهدام سریع نیروهای تأمینی دشمن و رسیدن به خط سرپل.

بدون تردید خاکریز بلند و ممتدی که متجاوز در شانه شرقی جاده اهواز-خرمشهر به وجود آورده بود، بهترین و مؤثرترین عامل در موفقیت ما در پدافند از سرپل متصرفی بود؛ زیرا رزمندگان ما توانستند با سرعت عمل خود قبل از اینکه دشمن این خاکریز را به صورت یک موضع پدافندی سد کننده اشغال نمایند آن را تصرف و از آن برای خنثی کردن پاتکهای مکرر و سنگین دشمن و حفاظت خود استفاده نماید. به احتمال بسیار اگر چنین خاکریزی وجود نمی داشت شاید نیروهای ما قادر به دفع پاتکهای دشمن نمی شدند و خلاصه آنکه خاکریزی که دشمن با آن قصد جلوگیری از پیشروی نیروهای ما را داشت بلای جان خودش شد.

یگانهای قرارگاه فتح پس از رسیدن به این خاکریز و درگیر شدن با دشمن موفق شدند تا ساعت ۹ صبح مقاومت‌های متجاوز را درهم شکسته و خط سر پل واگذاری را به طور کامل تصرف نموده و به تحکیم مواضع و موقعیت خود و آماده شدن برای دفع پاتکهای دشمن پردازند.

یگانهایی از تیپ ۱۴ پیاده امام حسین(ع) و تیپ ۸ نجف به منظور انهدام دشمن و پیشروی بیشتر، از خط سرپل هم عبور کرده و در غرب سرپل با یگانهای دشمن درگیر شدند.

قرارگاه فتح در طول این عملیات توانست ضمن در هم شکستن مواضع نیروهای تأمینی دشمن حدود ۸۰۰ نفر را نیز به اسارت خود درآورد.

اگر چه قرارگاه نصر ۲ از حدود ساعت بیست و چهار آماده هجوم به مواضع نیروهای تأمینی دشمن بود؛ اما نصرهای ۱ و ۳ و ۵ درگیر مشکلات ناشی از عدم حضور به موقع پاره‌ای از یگانهای سپاه پاسداران بوده و آمادگی و عملیات آنها دچار تاخیر شده به طوری که نصر ۳ پس از عبور از کارون هنوز در کناره غربی آن مستقر بود.

در ساعت یک و چهل دقیقه بامداد قرارگاه نصر با توجه به اینکه نصر ۲ نمی توانست بیش از این در نزدیکی مواضع دشمن تأمل نماید با صدور رمز حمله به یگانها فرمان داد که هر چه سریع تر با دشمن درگیر شده و منتظر رفع کامل اشکالات ادغام یگانهای عقب مانده نباشند.

اندکی بعد نصر ۲ با یگانهای دشمن درگیر شده و بخشی دیگر از نیروهای آن که بدون درگیری به سوی جاده اهواز- خرمشهر می‌رفتند اعلام نمودند که تا خط سر پل ۳-۴ کیلومتر بیشتر فاصله ندارند.

یک ساعت بعد (ساعت دو و چهل دقیقه) نصر ۲ ضمن یک درگیری سبک و سریع با دشمن خود را به سر پل رسانید (اولین یگان). واحدهایی از تیپ ۲۷ پیاده محمد رسول الله(ص) از خط سرپل هم فراتر رفته و حدود ساعت سه و سی دقیقه بامداد به مواضع توپخانه دشمن در غرب سر پل حمله ور شدند.

نصر ۳ که در جنوب منطقه نصر ۲ عمل می‌نمود در پیشروی به سوی خط سر پل حدود ساعت سه بامداد با مواضع تأمینی یگانهای زرهی دشمن در خرائب مواجه و بعد از درگیری و انهدام آن ساعت چهار صبح از این نقطه عبور نمود ولی اندکی بعد با یگان زرهی دیگری که جلو می آمد درگیر گردید.

نصر ۳ چون با فاصله تقریباً کمی (در حدود ۳-۴ کیلومتر) از جناح شمالی دشمن عمل می نمود؛ لذا از سمت چپ هم به شدت آسیب پذیر بود، و به خصوص آتشیهای دشمن در این جناح، نصر ۳ را در فشار قرار داده بود. به علت تأخیر در شروع عملیات و روشن شدن هوا احداث خاکریزی هم که برای حفاظت پهلوی چپ نصر ۳ پیش بینی و طراحی گردیده بود، مقدور نمی شد. اگر چه بالاخره با صرف تلاش و از خود گذشتگی فراوان عناصر مهندسی و جهاد سازندگی در چند نقطه، البته به طور منفصل و جدا از هم، خاکریزهایی ایجاد گردید که تا حدودی آسیب پذیری پهلوی چپ نصر ۳ را کاهش داد.

نصر ۵ (تیپ ۲۳ نوهده + تیپ ۲۲ خرمشهر) بین نصر ۲ و ۳ عمل می نمود و هماهنگی نه بین نصر ۲ و ۳ با نصر ۵ وجود داشت و نه تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و تیپ ۲۲ خرمشهر در داخل خود از هماهنگی کاملی برخوردار بودند. یگانهایی از تیپ ۲۲ خرمشهر که با یک گردان از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص ادغام شده بودند و طبق طرح قرارگاه نصر قرار بود همزمان با تأمین سرپل و هماهنگی با یگانهایی از نصر ۲ و نصر ۳ برای احاطه خرمشهر به سمت نهر عریض و شلمچه تک کنند برابر دستور قرارگاه نصر در همان آغاز عملیات به سمت جنوب غربی تغییر سمت داده و از خاکریز سیل بند منطقه خرمشهر در

شمال سلمانیه عبور نموده و به طرف نهر عرایض رفتند؛ اما در حدود ساعت ۶ صبح به محاصره نیروهای دشمن درآمد و به سبب درگیری شدید از نصر ۵ تقاضای کمک کردند.

با توجه به وضعیت خطرناکی که عناصر نصر ۵ در نخلستانهای اطراف نهر عرایض دچار آن شده بودند و سایر یگانهای نصر ۵ نیز در منطقه سرپل به علت برخورد با میدان مین قادر به ادامه پیشروی به سوی خط سرپل نبودند قرارگاه نصر به نصر ۳ دستور داد که تلاش نماید با پیشروی سریع تر و تأمین خط سرپل مربوطه و ادامه تک به سمت نهر عرایض فشار دشمن روی عناصر نصر ۵ را کاهش دهد و همچنین از نصر ۲ نیز خواست که در اجرای مأموریت پیشروی به سمت غرب خرمشهر و احاطه آن سرعت عمل به خرج داده و پهلوی راست عناصر نصر ۵ را در عرایض بپوشاند.

اما نصر ۳، از روبرو با دشمن درگیر و از پهلوی چپ زیر آتش شدید دشمن قرار داشت. و با تلاش زیاد حدود ساعت ۹ صبح تنها یک گردان پیاده از نصر ۳ توانست خط سرپل مربوط به خود را تأمین و گردان دیگر پیاده که در جنوب آن عمل می کرد به علت شدت مقاومت و آتش دشمن موفق به تأمین خط سرپل خود نگردید و حدود ۱/۵ کیلومتری آن متوقف گردید و بنابراین تک نصر ۳ به سمت نهر عرایض مقدور نشد.

به علت ناهماهنگی بین نصر ۲ و نصر ۳ قسمتی از جناح جنوبی نصر ۲ بازمانده و نصر ۲ توسط یگانهای دشمن از این جناح تحت فشار شدید قرار گرفت و به ویژه یک گردان پیاده از تیپ ۲ لشکر ۲۱ متحمل تلفات سنگینی شده در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفت.

قرارگاه نصر به نیروی احتیاط خود (تیپ ۴ زرهی که به نام نصر ۴ خوانده می شد) دستور داد در شکاف موجود بین نصر ۵ و نصر ۲ وارد عمل شده، ضمن پوشاندن شکاف مزبور یک گردان تانک را در گوشه شمالی نصر ۲ برای حمایت و پشتیبانی از گردان پیاده یاد شده وارد عمل نماید. علاوه بر آن از آتشهای توپخانه، هوانیروز و تانک برای کاستن فشار دشمن در این گوشه استفاده نمود.

گردانهای غیر ادغامی تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) از نصر ۲ که از خط سرپل عبور کرده و در غرب جاده اهواز - خرمشهر با دشمن درگیر شده بودند ابتدا در اثر غافلگیری موفق به انهدام نیروهایی از دشمن شده و با حمله به یک موضع توپخانه دشمن یازده عراده توپ ۱۳۰ م م را به غنیمت درآوردند؛ اما حدود ساعت ۱۱ صبح با پاتک سنگین یگانهای زرهی دشمن که از حوالی گرمداشت به حرکت درآمدند مواجه و در اثر داشتن جناحهای باز در منطقه دشمن در خطر محاصره افتاده و در موقعیت دشوار و خطیری قرار گرفتند.

در ساعت یازده و نیم صبح با توجه به وضعیت خطرناک و بحرانی، آن قسمت از نیروهای نصر ۵ که در نخلستانهای اطراف نهر عرایض به محاصره درآمدند و برای نصرهای ۲ و ۳ هم به ترتیبی که گفته شد مقدور نبود که برای کاهش فشار روی نصر ۵ به سمت غرب خرمشهر پیشروی کنند و اصولاً به زحمت قادر بودند خط سرپل متصرفی خود را نگاهدارند، لذا قرارگاه نصر به نصر ۵ دستور داد که تلاش نماید نیروهای محاصره شده در نهر عرایض را به عقب کشد.

نیروهای نصر ۵ در نهر عرایض متحمل تلفات سنگینی شده و عناصر باقیمانده توانستند بزحمت خود را از حلقه محاصره نجات داده و به عقب بازگردند.

نیروهای تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) از نصر ۲ نیز که در خط غرب سرپل درگیر دشمن شده بودند سرانجام در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر با تحمل تلفات خیلی سنگین به داخل منطقه سرپل عقب رانده شده و خط سرپل تأمین شده توسط نصر ۲ ضعیف تر گردید.

نصر ۱ که در شمال نصر ۲ عمل می‌کرد و به علت عدم حضور به موقع تمامی یگانهای تیپ ۷ دزفول سپاه پاسداران با تأخیر عملیات خود را آغاز کرده بود حدود ساعت پنج و نیم صبح به جاده اهواز- خرمشهر نزدیک شد ولی به سبب مقاومت یگانهای دشمن در شرق جاده علی‌رغم تلاش فراوان نتوانست خط سرپل واگذاری خود را تأمین نماید و نهایتاً در حدود ۲/۵-۳ کیلومتر آن متوقف گردید. نصر ۱ در گزارشهای عملیاتی خود اعلام نموده بود که به جاده رسیده ، ولی بعد در اثر فشار دشمن عقب زده شده است.

عدم موفقیت نصر ۱ در تأمین خط سرپل یک شکاف به عمق حدود ۲ کیلومتر در جناح شمالی نصر ۲ به وجود آورد که به دشمن امکان می‌داد با ادامه حضور نیروهای خود در داخل منطقه سرپل در این قسمت و تقویت سریع آنها قرارگاههای نصر و فتح را از این جناح در معرض یک تهدید جدی قرار دهد.

وجود دو شکاف، هم در پهلوی شمالی هم در پهلوی جنوبی سرپل نصر ۲ و تقلیل استحکام و توان پدافندی آن به علت عقب زده شدن تیپ ۲۷ محمد رسول الله(ص) ، خطر احاطه خط سرپل نصر ۲ را از شمال و جنوب توسط دشمن افزایش می‌داد، لذا قرارگاه کربلا با توجه به اینکه قرارگاه نصر احتیاط خود را برای پر کردن شکاف جنوبی وارد عمل کرده بود تصمیم گرفت که با استفاده از فتح ۳ (تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ + تیپ ۸ پیاده نجف سپاه) که یگان همجوار شمالی نصر ۱ بود شکاف شمالی را پوشانده و نصر ۱ را در تأمین خط سرپل خود کمک نماید.

ساعت دو و نیم بعد از ظهر قرارگاه کربلا به قرارگاه فتح ابلاغ نمود که به تیپ ۸ نجف از فتح ۳ دستور دهد از شمال به جنوب در شکاف نصر وارد عمل شود.

متجاوز که پس از دریافت ضربات و سردرگمی اولیه نبرد کنترل خود را تا حدودی بازیافته بود با استفاده از تیپهای زرهی لشکر ۳ خود که در غرب سرپل مستقر بودند پاتکهای خود را از ساعت دو بعد از ظهر بر علیه سرپل آغاز کرد ، ثقل پاتکهای دشمن در منطقه قرارگاه فتح در حوالی ایستگاه راه آهن حسینییه و در قرارگاه نصر در حوالی ایستگاههای راه آهن گرمدرشت ونیم ایستگاه نوسد بود.

قرارگاه فتح به خوبی پاتکهای دشمن را دفع و تلفات و خساراتی بر آنها وارد نموده و تعدادی دیگر را نیز به اسارت درآورد. یگانهای قرارگاه نصر نیز علی‌رغم وجود شکافها و نقاط ضعف در خطوط مقدم خود پاتکهای دشمن را جواب داده و ضایعات و تلفاتی بر دشمن وارد آوردند.

تیپ ۸ نجف به علت درگیری با دشمن در منطقه خود نتوانست وارد منطقه قرارگاه نصر شده و نصر ۱ را در تأمین سرپل خود یاری دهد و وضعیت نصر ۱ تا پایان روز ۶۱/۲/۱۰ بدون تغییر باقی ماند.

قرارگاه نصر برای پوشاندن شکاف جناح جنوبی نصر ۲ یک گردان تانک از احتیاط خود را در جناح مورد تهدید وارد عمل نمود که به علت باتلاقی بودن منطقه تعداد ۱۴ دستگاه تانک و تعدادی خودروی مهمات در گل فرورفته و گردان تانک شبانه با تلاش بسیار موفق گردید ۱۰ دستگاه تانک و تعدادی از خودروهای مهمات را از گل خارج کند ولی تخلیه تانکها و خودروهای باقیمانده مقدور نگردید و روز بعد با آتش دشمن منهدم گردیدند.

تلاش قرارگاه نصر برای پوشاندن این شکاف تا شب ادامه یافت.

پاتکهای مکرر دشمن در جبهه کرخه کور و نورد سبب گردید که قدسهای ۲ و ۳ خاکریزهای متصرفی را در بعد از ظهر از دست داده و به مواضع اولیه خود عقب زده شوند. قدسهای ۴ و ۵ نیز فقط توانستند قسمتهای کوچکی را کماکان در اختیار خود نگهدارند. به طور خلاصه در پایان روز ۶۱/۲/۱۰ (روز اول عملیات) وضعیت کلی چنین بود :

۱. قرارگاه نصر

نصر ۱ نتوانسته بود خط سرپل خود را تأمین نموده و حدود ۲/۵-۳ کیلومتر با آن فاصله داشت. نصر ۲ سرپل خود را تأمین نموده ولی در قسمت جنوبی شکافی وجود داشت. نصر ۵ سرپل خود را به طور کامل تأمین نکرده و در نهر عرایض متحمل تلفات سنگین شده بود. نصر ۳ بخش جنوبی سرپل خود را تأمین نکرده و حدود ۱/۵ کیلومتر با آن فاصله داشت و از پهلوی چپ مورد فشار و تهدید دشمن بود. یگانهایی از قرارگاه نصر که به غرب سرپل رفته بودند با تحمل تلفات سنگین تحت فشار دشمن عقب زده شده و احاطه خرمشهر مقدور نگردیده بود. قرارگاه نصر توانست وضعیت موجود را حفظ و پاتک های دشمن را دفع و بیش از ۱۰۰۰ نفر از دشمن را به اسارت درآورد.

۲. قرارگاه فتح

قرارگاه فتح در تأمین و تحکیم سرپل مربوطه کاملاً موفق و پاتکهای دشمن را دفع و ضمن وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن در حدود ۹۰۰ نفر را به اسارت گرفته بود. در عملیات قرارگاه فتح تیپهای ۱۴ امام حسین و ۸ نجف و ۲۵ کربلا با ایثارگری و سرعت عمل خود نقشهای ارزنده ای را ایفاء نموده بودند. به یگانهایی از این قرارگاه که از خط سرپل عبور نموده بودند موکداً دستور داده شد که به خط سرپل مراجعت نمایند.

۳. قرارگاه قدس

گرچه قرارگاه قدس نتوانست خط عمومی طرحریزی شده در جنوب کرخه کور را تأمین نماید ولی در درگیر نگه داشتن و تثبیت نیروهای دشمن در این جبهه موفق بود.

۴. قرارگاه کربلا :

قرارگاه کربلا در پایان روز ۶۱/۲/۱۰ پس از بررسی وضعیت این روز به این نتیجه رسید که اولاً عملیات قرارگاه قدس در جهت طرح عملیاتی کربلا ۳ است؛ ثانیاً قرارگاه فتح در عملیات آفندی خود کاملاً موفق بوده و قادر به دفع پاتکهای دشمن شده است و آماده اجرای مرحله دوم عملیات است؛ ثالثاً قرارگاه نصر با دریافت کمک و تلاش بیشتر قادر به ترمیم شکافهای موجود در سرپل خود خواهد بود؛ لذا نتیجه کلی عملیات موفقیت آمیز است. همچنین با توجه به حضور ۳ تیپ زرهی تقویت شده دشمن و احتمال قوی ورود نیروهای تقویتی و اضافی برای پاتک و ادامه حملات سنگین به سرپل، ترمیم رخنه های موجود و تحکیم خط سرپل در اولویت قرار داشته و اجرای مرحله دوم عملیات و پیشروی به سوی خرمشهر تا موقعی که سرپل از لحاظ پدافند فاقد استحکام بوده و نیروها با گسترش مناسب و صحیحی در خط سرپل مستقر نباشند نه منطقی و نه شدنی است.

فرماندهان قرارگاه کربلا این نظر اظهار شده قبلی افسران عملیات را که قبل از اطمینان از قابلیت پدافندی سرپل نیروها نباید از خط سرپل عبور نمایند و عملیات تصرف و تأمین سرپل بایستی تابع نظم و کنترل عملیاتی باشد نه حادثه جویی مورد تأکید و تایید قرار دادند.

قرار برای گردید که قرارگاه قدس کماکان به درگیر نگاه داشتن نیروهای دشمن در جبهه کرخه کور با اجرای تک محدود و وارد ساختن فشار ادامه دهد قرارگاه فتح به تحکیم خط سرپل پرداخته برای اجرای مرحله دوم عملیات (پیشروی به سمت خط مرز) آماده باشد قرارگاه نصر با دریافت یگان اضافی و تلاش بیشتر شکافهای موجود در منطقه خود را ترمیم و خط سرپل خود را تثبیت و تحکیم و آماده اجرای مرحله دوم عملیات گردد. (نقشه شماره ۱۳/صفحه ۲۱۹)

در اواخر روز ۶۱/۲/۱۰ قرارگاه کربلا اولین دستور جزء به جزء خود را در این عملیات با شماره ۱ برای هدایت و کنترل عملیات صادر نمود.

برابر این دستور تیپ ۱۴ پیاده امام حسین (ع) از کنترل قرارگاه فتح رها و در اختیار قرارگاه نصر قرار داده شد تا در تأمین خط سرپل نصر ۱ وارد عمل شود.

ضمناً قرارگاه فتح موظف گردید که با افزایش گسترش نیروهای خود به سمت جنوب (در حدود ۵ کیلومتر) طول جبهه واگذاری به قرارگاه نصر را کاهش دهد تا بدین ترتیب تواناییهای قرارگاه نصر در اجرای مراحل بعدی عملیات افزایش یابد.

به قرارگاه قدس نیز دستور داده شد که به نا به دستور در مناطق قدسهای ۳ و ۴ و ۵ اقدام به تک نماید. با توجه به اخبار به دست آمده مبنی بر برداشت یگانهایی از منطقه عمومی فکّه توسط دشمن و اعزام آن به جنوب، به منظور جلوگیری از تقویت یگانهای دشمن در منطقه نبرد بیت المقدس، به قرارگاه فجر (لشکر ۷۷ پیاده خراسان+تیپ ۸۴ خرم آباد + یگانهای سپاه پاسداران) دستور داده شد که طرح تهیه شده عملیاتی امیرالمؤمنین را برای تصرف تپه ۱۸۲ در جنوب شرقی فکه به مرحله اجرا درآورده و یگانهای متجاوز را در آن جبهه درگیر نماید.

به طور کلی چشم انداز عملیات در اولین روز نبرد بسیار موفقیت آمیز و اطلاعات مکتسبه از استراق سمع پیامهای رادیویی دشمن حاکی از آن بود که به علت غافلگیری اولیه، نبرد یگانهای متجاوز قادر به کنترل خود نبوده و مداوماً تقاضای عقب نشینی نموده بودند.

نیروی هوایی دشمن در این روز بسیار فعال بود و تلاش وسیعی برای بمباران پلهای شناور و یگانهای تک ور به عمل آورد. نتیجه حملات هوایی دشمن اگر چه منجر به وارد آمدن خسارات و ضایعاتی به نیروی خودی شد؛ اما در مجموع آثار آن علی‌رغم تعدد دفعات بسیار ناچیز و فاقد ارزش بود.

برابر گزارش نیروی هوایی، یگانهای پدافند هوایی در این روز موفق به ساقط کردن ۱۰ فروند هواپیمای دشمن گردیدند.

در واپسین ساعات اولین روز نبرد توپها در سراسر جبهه هنوز می‌گریزند و نصر ۲ در تلاش بود که رخنه دشمن در جناح جنوبی خود را بپوشاند و یگانهای مهندسی جهاد سازندگی با تلاش خستگی ناپذیری در طول ۱۶ کیلومتری جناح جنوبی نصر ۳ از رودخانه کارون تا نزدیکی های جاده اهواز- خرمشهر مشغول احداث یک خاکریز پیوسته و ممتد بودند تا پوشش جناحی را برای نصر ۳ فراهم نمایند.

عملیات روز ۶۱/۲/۱۱ (روز دوم نبرد)

در ساعت ۲ بامداد روز ۶۱/۲/۱۱ در حالی که از یکی دو ساعت پیش به علت خستگی و فرسودگی طرفین پس از یک روز پیکار سنگین، از شدت آتشباری دشمن کاسته شده و پاتکها فروکش کرده بودند و فقط گاه و بیگاه شلیک گلوله‌های منور مناطقی از جبهه را روشن می‌کرد و آتش توپخانه به صورت پراکنده و سبکی مبادله می‌گردید. قرارگاه قدس در اجرای دستور قرارگاه کربلا به منظور مداومت فشار بر دشمن در جنوب کرخه کور و غرب اهواز و احتمال اینکه شاید بتواند هدفهای خود را تأمین نماید با قدسهای ۳ و ۴ و ۵ به ترتیب در مناطق طراح، سید الجابر و نورد مجدداً به خاکریزهای دشمن حمله برد؛ اما مقاومت سنگین و سرسختانه دشمن تلاش آنها را خنثی نموده و سرانجام چون قدسهای ۳ و ۴ و ۵ موفق به الحاق با یکدیگر و توسعه مناطق کوچکی که روز قبل به دست آورده و تاکنون آنها را نگهداری کرده بودند نشدند برای اجتناب از تلفات بیشتر، قبل از روشنایی روز به مواضع قبل از تک خود بازگشتند. به این نحو که قدس ۳ به مواضع اولیه خود در طراح (شمال کرخه کور) مراجعت نمود و یگانهایی از قدس ۴ کماکان در خاکریز اول متصرفی از دشمن در حوالی کوهه (جنوب کرخه کور) و قدس ۵ در قسمتی از خاکریز اول متصرفی از دشمن در حوالی (جاده خاکی از رک در جنوب کرخه کور) باقی ماندند.

متجاوز پس از کنترل و تثبیت تک نیروهای ما با ۳ مرتبه پاتک در ساعت‌های شش و نیم و نه و نیم و یک بعد از ظهر روز ۶۱/۲/۱۱ در مناطق قدسهای ۴ و ۵ توانست خاکریز اول خود را هم تصرف و جبهه خود را در کرخه کور و غرب اهواز کاملاً ترمیم نماید و پس از آن درگیری به صورت تبادل شدید آتش ادامه یافت.

نیروی هوایی در پشتیبانی از عملیات قرارگاه قدس فعالیت بسیار زیادی نشان داد که می‌توان گفت در طول ۲۶ روز مداومت عملیات بیت المقدس بی سابقه بود. یک فروند هواپیمای اف-۴ خودی در این عملیات سرنگون گردید.

قرارگاه فتح در طول این روز چندین پاتک شدید دشمن را دفع و متجاوز را وادار نمود که با تحمل تلفات و خسارت سنگین عقب نشیند. یگانهای قرارگاه فتح ضمن درگیری با دشمن به تغییر و توسعه گسترش خود در امتداد سرپل پرداخته و حدود ۵ کیلومتر از سرپل قرارگاه نصر را که به سرپل فتح اضافه گردیده بود پر نمودند.

تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از فتح ۱ خود را برای عملیات کمک به تأمین سرپل نصر ۱ آماده نمود.

قرارگاه نصر ضمن دفع پاتکهای دشمن در تلاش تحکیم و تثبیت سرپل در مناطق نصر ۲ و نصر ۳ بود.

نصر ۳ در طول شب یازدهم توانسته بود با تلاش بی نظیر عناصر جهاد سازندگی یک خاکریز پیوسته به طول ۱۶ کیلومتر در سراسر جناح جنوبی خود احداث و پوشش جناح را برقرار نماید.

تبادل آتش شدید توپخانه در قرارگاههای فتح و نصر در سراسر روز بین طرفین برقرار بود.

بخش دوم

پوشش و فریب تاکتیکی در عملیات بیت المقدس

طرح عملیاتی امیرالمومنین(ع) در منطقه فکه

قرارگاه فجر (لشکر ۷۷ پیاده خراسان و تیپ ۱۷ قم و تیپ ۳۳ المهدی سپاه پاسداران) در اجرای طرح عملیات آفندی امیرالمؤمنین در ساعت سه و چهل و پنج دقیقه بامداد روز ۶۱/۲/۱۱ با رمز (یا علی مدد) عملیات خود را برای تصرف تپه ۱۸۲ و تپه شیخ قندی در منطقه شیخ قندی (شمال شرقی فکه) آغاز نمودند دوگردان پیاده از لشکر ۷۷ و حدود ۷ گردان پیاده از سپاه پاسداران در دو قرارگاه با نامهای فجر ۱ و فجر ۲ در این عملیات شرکت نموده و با وجود وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن و بهاسارت درآوردن حدود ۷۰۰ نفر به علت عدم هماهنگی نیروهای خودی و مقاومت دشمن موفقیت به دست آمده کامل نبوده و فقط یکی از دو هدف طرحریزی شده یعنی تپه ۱۸۲ توسط فجر ۱ تصرف و فجر ۲ قادر به تأمین هدف خود(شیخ قندی) و الحاق با فجر ۲ نگردید و بدین علت فجر ۱ روی هدف خود زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت.

تأمین کامل هدفها با تغییراتی در سازمان رزمی یگانهای شرکت کننده به شب آینده موکول گردید.

روی هم رفته نتایج عملیات این روز برای قرارگاه کربلا موفقیت آمیز محسوب می گردید.

هوایمماهای دشمن مانند روز قبل فعالیت شدیدی را برای بمباران پلهای شناور و مناطق مختلف عملیاتی انجام دادند و صدها بمب خوشه ای را اینجا و آن جا فرو ریختند؛ اما به علت عدم دقت در نشانه روی و بمباران از ارتفاع بالا نه در انهدام پلهای شناور توفیق یافتند و نه آثاربه دست آمده از بمبارانهای هوایی دارای آثار چندانی بود.

آمار اسرای عراقی که در روز اول نبرد به ۳۰۹۶ نفر رسیده بود در این روز به ۴۶۶۳ نفر افزایش یافت ، اسرای

تخلیه شده هر قرارگاه به شرح زیر بود:

- قرارگاه نصر ۱۸۰۱ نفر
- قرارگاه فتح ۱۷۱۲ نفر
- قرارگاه قدس ۴۵۰ نفر
- قرارگاه فجر ۷۰۰ نفر

اطلاعات موجود و اظهارات اسرا نشان می داد که یگانهای تأمینی متجاوز در غرب کارون که به نام نیروهای العمود خوانده می شدند در شب اول عملیات تأمین سرپل اکثرأ به طور کامل منهدم و همچنین لشکر ۳ زرهی عراق در نتیجه پاتکهای خود خسارات و ضایعات سنگینی را متحمل شده بود.

گزارشهایی مبنی بر تغییر مکان عناصر لشکر ۹ زرهی عراق از جنوب جفیر به غرب جاده اهواز- خرمشهر (مقابل

قسمت شمال سرپل) واصل شده بود که حکایت از قصد دشمن برای پاتکهای بیشتر و سنگین تر بر علیه سرپل می نمود.

در آخرین ساعات روز ۶۱/۲/۱۱ تلاش قرارگاه نصر برای ترمیم شکافهای موجود و الحاق یگانهای آن قرارگاه در خط

سرپل مجدداً آغاز شد.

ساعت ۱۰ شب تیپ ۱۴ امام حسین و عناصری از تیپ ۸ نجف از شمال به جنوب و نصر ۱ از شرق به غرب به عناصر باقیمانده دشمن در شرق خط سرپل نصر ۱ تک نموده که عملیات انهدام و پاکسازی نیروهای دشمن تا ساعت ۲ بامداد ادامه یافت و خط سرپل نصر ۱ تأمین شد.

نصر ۲ برای پر کردن شکاف جنوبی در ناحیه باتلاقی و نصر ۳ نیز برای تأمین کامل سرپل خود با دشمن درگیر شدند.

عملیات روز ۱۲/اردیبهشت/۶۱ (روز سوم نبرد)

همان‌طور که فوقاً اشاره شد تلاش قرارگاه نصر برای ترمیم خط سرپل خود که از اواخر شب گذشته شروع شده بود در ساعات اولیه بامداد این روز به نتیجه رسیده و به ترمیم و تأمین کامل آن منجر گردید. بین یگانهای این قرارگاه همچنین قرارگاه فتح پیوستگی کامل به وجود آمد و به عبارت بهتر اکنون خط سرپل طرح ریزی شده در طرح کربلای ۳ به طور کامل و صددرصد تصرف گردیده بود.

حدود ساعت ۷/۳۰ بامداد حمله دشمن به سرپل قرارگاه نصر در حوالی جنوب گرمداشت آغاز شد که با مقاومت نصر ۲ و نصر ۴ مواجه و دفع گردید. (به منظور پوشاندن فاصله بین نصر ۲ و نصر ۳ قرارگاه نصر احتیاط خود (نصر ۴) را در حد فاصل آن دو وارد عمل کرده و نصر ۴ در خط مقدم گسترش یافت.

پس از دفع حمله دشمن، درگیری در منطقه قرارگاه نصر تا پایان روز به صورت تبادل آتش سنگین ادامه یافت. قرارگاه فتح با دفع یک حمله دشمن در حدود ساعت یازده و نیم صبح تلفات و خسارات دیگری بر دشمن وارد نموده و درگیری به صورت تبادل آتش ادامه یافت.

عناصر تیپ ۸ نجف و تیپ ۱۴ امام حسین به منظور ضربه زدن به دشمن و شناسایی از سرپل عبور و به غرب جاده اهواز - خرمشهر نفوذ کردند و دستورهای اکید صادر شده را مبنی بر مراجعت به سرپل و اجتناب از مخاطره بی مورد احتمالاً نادیده گرفتند.

در جبهه کرخه کور دشمن در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد به حمله سنگین علیه قدسهای ۳ و ۴ و ۵ دست زد که با مقاومت شدید یگانهای مذکور مواجه و هجوم دشمن دفع گردید. تلاش دشمن در تمامی طول روز علیه مواضع قرارگاه قدس ادامه یافت و فعالیت شدید نیروی هوایی خودی در پشتیبانی از قرارگاه قدس به سرنگونی دومین هواپیمای اف-۴ منجر گردید.

قرارگاه فجر برای تأمین کامل هدفها در منطقه شیخ قندی، عملیات آفندی امیرالمؤمنین را با حمله دیگری به مواضع دشمن در شمال تپه ۱۸۲ که روز گذشته موفق به تأمین آن نگردیده بود ادامه داد. یگانهای قرارگاه فجر با تغییراتی در سازمان رزمی و به پای کار آوردن یگانهای تازه نفس از سپاه پاسداران به حمله غافلگیرانه پرداخته و موفق شدند که هدف مورد نظر را مجدداً به دست آورند ولی بازهم در اثر پاتک سنگین و آتش پر حجم دشمن ادامه نگهداری این هدف با دشواری فراوان روبرو شده و بالاخره در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر در اثر فشار دشمن فجر ۲ که مأمور تصرف و نگهداری هدف بود به عقب رانده شد و متجاوز موفق گردید مواضع از دست رفته خود را مجدداً به دست آورد.

تلاش قرارگاه فجر برای بازپس گیری هدف بدون نتیجه ماند و درگیری به صورت تبادل شدید آتش ادامه یافت تلفات وارده به نیروهای خودی به ویژه یگانهای بسیج مردمی قابل ملاحظه بود.

در جبهه تلاش اصلی (منطقه سرپل) به طور کلی نتیجه عملیات روز ۶۱/۲/۱۲ موفقیت آمیز بود و با توفیق قرارگاه نصر در ترمیم خط سرپل خود و الحاق با قرارگاه فتح، مرحله اول عملیات بیت المقدس با پیروزی بانجام رسید. قرارگاه کربلا ضمن ارسال یک امریه موکد از قرارگاههای فتح و نصر خواست که در تحکیم هر چه بیشتر سرپل و الحاق قابل اطمینان یگانهای تابعه و عدم وجود هر گونه فضای خالی یا ضعیف در خط سرپل تلاش نموده و اقدامات پدافندی عامل و غیر عامل را در مقابله با حملات هوایی گسترده و روزافزون دشمن به شدت مراعات نمایند.

فعالیت هوایی دشمن بسیار شدید شده بود ولی خوشبختانه تلفات و خسارات وارد شده با شدت حملات متناسب نبود و ۳ فروند از هواپیماهای دشمن با آتش پدافند هوایی پایگاه تبوک (موشک هاگ) سرنگون شدند.

عملیات روز ۱۳/اردیبهشت/۶۱ (روز چهارم نبرد)

برابر توافقی که در اواخر روز قبل بین قرارگاه قدس و فرماندهی قرارگاه کربلا به عمل آمده بود در ساعت یک بامداد ۱۳/اردیبهشت/۶۱ قدس ۵ (تیپ بیت المقدس سپاه) به منظور پس گرفتن مجدد خاکریزهای مقدم دشمن اقدام به تک در جبهه نورد (محور جاده اهواز - خرمشهر) نمود. تک مزبور به سرعت توسط دشمن کشف و با مقاومت شدید و سرسختانه مواجه شد و ادامه پیشروی مقدر نگردید و یگانهای تک ور در ساعت سه بامداد قبل از آغاز روشنایی به مواضع اولیه خود بازگشتند.

عملیات یاد شده اگر چه می توانست در تثبیت جبهه کرخه کور و جلوگیری از برداشت نیرو توسط دشمن موثر باشد ولی تلاشی دلجویانه برای تأمین یکی دو هدف محدود به شمار می آمد که با در نظر گرفتن واکنشها و تواناییهای دشمن در این جبهه از آغاز عملیات تاکنون، نتیجه منفی و بی حاصل آن از ابتدا قابل پیش بینی بود. قدس ۵ و سایر یگانهای قرارگاه قدس تمام روز ۱۳/اردیبهشت/۶۱ را در پدافند از مواضع خود سپری نموده و درگیری به صورت تبادل شدید آتش توپخانه ها ادامه یافت.

در منطقه قرارگاه فتح نبرد توپخانه ها با شدت در جریان بود و دشمن یکبار در ساعت شش و نیم و بار دیگر در ساعت ۱۱ صبح اقدام به حمله به سرپل نمود که حمله اول در ساعت هشت و نیم و حمله دوم در ساعت ۲ بعدازظهر با مقاومت نیروهای خودی دفع گردید.

حملات دشمن با دو تیپ زرهی و یک تیپ پیاده نیروی مخصوص انجام گردید و تلفات و خساراتی به متجاوز وارد شد. در این عملیات یک یگان از دشمن توسط نیروهایی از قرارگاه فتح که در غرب جاده نفوذ کرده و مستقر شده بودند محاصره و کاملاً نابود گردید. بیشترین تمرکز زرهی دشمن در مقابل قرارگاه فتح در حوالی ایستگاه حسینییه قرار داشت. بررسی فعالیتها و اطلاعات به دست آمده نشان می داد که دشمن با توجه به ضایعات و خساراتی که در اثر حملات نیروهای زرهی خود به سرپل متحمل گردیده است مشغول اعزام نیروهای پیاده به منطقه می باشد تا به منظور تقلیل ضایعات زرهی در حمله به سرپل از تاکتیک همکاری پیاده و زرهی استفاده نماید.

در منطقه قرارگاه نصر تبادل آتش توپخانه به شدت ادامه داشت و حمله یگانهای دشمن با مقاومت یگانهای قرارگاه نصر مواجه شد و تا حدود ساعت یک بعدازظهر ادامه یافت که با تحمل تلفات و ضایعات عقب نشست. در این عملیات تلفاتی نیز به نیروهای خودی وارد گردید. در ساعت ۵ بعدازظهر قرارگاه نصر فعالیتهایی را از دشمن در جناح جنوبی خود مشاهده و ضمن افزودن بر مراقبت خود به قرارگاه کربلا گزارش نمود که متجاوز احتمالاً قصد تهدید و حمله به این جناح را دارد.

برآورد می‌شد پس از آغاز عملیات بیت المقدس و پیشروی نیروهای ایران به سوی سرپل، دشمن از خاکریز مقدم خود در شمال خرمشهر که شرقی غربی از سلمانیه در کناره کارون تا جاده اهواز - خرمشهر امتداد یافته بود، احتمالاً عقب نشسته و یا نیروهای مستقر در این خاکریز را تقلیل داده است ولی در این روز اطلاعات به دست و دیدبانی حرکات دشمن، نشان از تقویت نیرو در این خاکریز می‌داد. شکل و موقعیت این خاکریز به نحوی بود که دشمن می‌توانست منطقه عقب سرپل را مورد تهدید قرار دهد و حتی به پلهای شناور و معابر عبور دست یابد و در این حالت که ارتباط عقبه سرپل با رودخانه کارون قطع می‌گردید با حملات سنگین بر علیه خط سرپل نیروهای ما را از سه طرف یعنی جلو، عقب و پهلو جنوبی تحت محاصره و فشار قرار دهد.

قبلاً ذکر گردید که قرارگاه نصر ۳ در شب دوم عملیات با احداث یک خاکریز ممتد در جناح جنوبی خود به طول ۱۶ کیلومتر و بموازات خاکریز دشمن، نوعی پوشش و حفاظت را در این پهلو به وجود آورده بود ولی نیروی مستقر در این پهلو که از یک گردان سوار زرهی تجاوز نمی‌کرد حفاظت جناحی قابل اطمینانی را در مقابل یک حمله سنگین و طرح ریزی شده دشمن به منظور دستیابی به عقبه نیروهای ما در سرپل به وجود نمی‌آورد. خطر تهدیدات احتمالی دشمن در جناح جنوبی نصر در قرارگاه کربلا مطرح گردید ولی نهایتاً از صدور چند هشدار به قرارگاه نصر در مورد مراقبت بیشتر از پهلو جنوبی خود تجاوز ننمود. قرارگاه کربلا به علت نداشتن یگانهای آزاد و احتیاط، غیر از این اقدام دیگری هم نمی‌توانست انجام دهد ولی به هر حال نسبت به وجود تهدید احتمالی در این جناح بی خیال نبود.

دشمن هم اقدامی جدی برای تهدید جناح جنوبی به عمل نیاورد و گزارشهای مبنی بر تقویت نیروهای دشمن و مقاصد او و یا حتی اقدام برای حمله از این سمت و دفع آن تا حدودی اغراق آمیز و شاید هم بی اساس بود و دشمن از امکانات و مقدرات خود در این جناح که برای تهدید عقبه نیروهای ما که می‌توانست تا حدود زیادی مؤثر و خطرناک باشد هیچ استفاده‌ای به عمل نیاورد.

در منطقه عمومی چنانه - فکه درگیری قرارگاه فجر با دشمن در حوالی تپه ۱۸۲ به صورت تبادل آتش سنگین توپخانه بوده و قرارگاه یادشده از هلی کوپترهای توپدار هوانیروز برای اجرای آتش روی مواضع دشمن استفاده نمود و تأمین آن قسمت از اهداف که تأمین نگردیده بودند به تجدید و تغییر سازمان رزمی یگانهای تکور و برقراری هماهنگی بیشتر واحدهای لشکر ۷۷ و سپاه پاسداران موكول گردید.

به طور خلاصه، در این روز یگانهای خودی به تحکیم و تثبیت مواضع و دفع حملات دشمن ادامه داده و تبادل آتش شدید توپخانه بین طرفین در جریان بود. فعالیتهای دشمن در مورد جابه‌جایی و وارد نمودن نیروهای تقویتی و اضافی به ویژه یگانهای پیاده به منطقه مقابل سرپل مورد توجه قرار گرفت و اطلاعات موجود نشان می‌داد که لشکر ۳ زرهی عراق شامل تیپهای ۶ و ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه و یگانهای تقویتی پیاده از خرمشهر تا گرمدشت و لشکر ۹ زرهی عراق شامل تیپهای ۴۳ و ۳۵ زرهی و ۱۴ مکانیزه تقویت شده با یگانهای پیاده، از گرمدشت تا حسینیه در مقابل سرپل مستقر شده بودند.

همچنین عکسهای هوایی یک خاکریز احداث شده جدید از ایستگاه آهو به طرف کوشک را نشان می‌داد که حاکی از این بود که متجاوز یک خط پدافندی را برای جلوگیری از احاطه احتمالی منطقه جفیر تهیه دیده است.

قرارگاه کربلا با بررسی وضعیت به این نتیجه رسید که بایستی هر چه زودتر مرحله دوم عملیات (عبور نیروها از سرپل و پیشروی به طرف باختر برای تأمین مرز و احاطه خرمشهر) را اجراء کند زیرا اولاً کار تأمین و تحکیم سرپل به پایان رسیده و در ثانی هر چه مدت توقف ما در سرپل طولانی تر می‌شد از نظر بهبود و تحکیم وضعیت پدافندی و ممانعت از

پیشروی نیروهای ما زمان به سود دشمن بود.

مشکل عمده ای که در این مرحله پیدا شده بود حضور تیپهای زرهی دشمن در مقابل سرپل و حملات سنگین و وسیعی بود که همه روزه به سرپل انجام می دادند اگر چه این حملات همراه با وارد کردن خسارات و ضایعات به دشمن دفع می شد اما به هر حال برای ما هم تلفات و صدماتی را در بر داشت.

استقرار این یگانهای زرهی و تقویت دشمن در مقابل سرپل به طور کلی تجدید نظر و تغییراتی را در مانور طرح ریزی شده برای اجرای مرحله دوم عملیات ایجاب می نمود.

نظر فرمانده و مسئولان عملیاتی سپاه این بود که در مرحله دوم عملیات فقط انهدام نیروهای دشمن در مقابل سرپل و رسیدن به خط مرز در نظر گرفته شود و احاطه همزمان خرمشهر از این مرحله حذف و به بعد از آن موکول گردد.

افسران عملیات نیروی زمینی نیز نظری غیر از این نداشتند؛ چرا که در شرایطی که حضور تیپهای زرهی دشمن در مقابل سرپل قوی و خطرناک شده و امکانات مانوری ما را محدود می ساختند و برای قرارگاه نصر هم امکان درگیری در دو جبهه به طور همزمان (پیشروی به سوی باختر برای تأمین خط مرز و پیشروی به طرف جنوب غربی برای احاطه خرمشهر) وجود نداشت؛ پس لازم بود ابتدا این مزاحمت از پیش پا برداشته شود، لذا تلاش برای انهدام نیروهای دشمن در مقابل سرپل و رسیدن به خط مرز به عنوان مرحله دوم عملیات مورد توافق قرار گرفته و طرح اجرای آن به نام دستور جزء جزء شماره ۲ در روز ۱۳/اردیبهشت/۶۱ تهیه و به یگانها ابلاغ گردید.

در این دستور جزء جزء آخرین وضعیت عملیاتی چنین تشریح می گردد:

۱. آخرین وضعیت

تثبیت و تحکیم خط سرپل قرارگاه عملیاتی کربلا در غرب کارون در حال اتمام بوده و قرارگاههای فتح و نصر با یکدیگر الحاق حاصل نموده اند؛ قرارگاه قدس از مواضع خود در شمال کرخه کور پدافند می نماید. متجاوز با اقدام به تمرکز یگانهای زرهی در غرب جاده اهواز- خرمشهر به پاتکهای متعدد مبادرت ورزیده که با ناکامی مواجه گردیده است. تمرکز یگانهای متجاوز ضمن تهدید سرپل و اینکه هر گونه تک ما را به سمت خرمشهر با مخاطره زیاد توأم نموده ولی هدف مناسبی را هم برای نیروهای خودی به منظور انهدام نیروی عمده ای از دشمن به وجود آورده است.

و همان طور که قبلاً گفته شد تدبیر اجرای مرحله دوم برابر طرح عملیاتی کربلا ۳ تأمین خط مرز و احاطه همزمان خرمشهر بود که به علل تشریح شده ، در طرح کربلا ۳ تغییر داده شده و احاطه خرمشهر از آن حذف گردید، لذا قرارگاه کربلا در دستور جزء جزء شماره ۲ تدبیر عملیاتی خود را چنین بیان می کند :

قرارگاه عملیاتی کربلا با قرارگاههای فتح و نصر در ساعت (س) روز (ر) توأم با غافلگیری تک نموده نیروهای متمرکز دشمن را در غرب جاده اهواز- خرمشهر منهدم و خطوط مرزی را تأمین می نماید و آماده می شود بنا به دستور تک را به سمت باختر ادامه دهد. قرارگاه قدس با اجرای عملیات آفندی محدود همچنان مداومت فشار خود را بر دشمن حفظ می نماید.

برابر دستورهای صادر شده در این طرح ، قرارگاه نصر برای تأمین خط مرز در امتداد سرپل خود به سوی غرب پیشروی و نیروهای دشمن مقابل خود را منهدم می نمود (خط مرز به فاصله ۱۵ کیلومتری سرپل و موازی با آن بود).

قرارگاه فتح در جناح شمالی به جای اینکه به خط مستقیم به جلو پیشروی نماید، در امتداد جاده حسینیة - پاسگاه

کیلومتر ۲۵، یعنی به طور مورب خود را به مرز می‌رسانید و این مایل بودن جناح شمالی قرارگاه فتح، به‌دوم‌منظور بود: یکی اینکه از امتداد جاده حسینیّه - کیلومتر ۲۵ که از سطح زمین حدود ۲ متر ارتفاع داشت به صورت یک خاکریز آماده برای حفظ جناح خود استفاده کند و دیگر اینکه یگانهای زرهی از لشکر ۹ عراق را در این قسمت در مقابل دو جبهه نیروی خودی درگیر کند و مقاومت آنها را بین این دو جبهه تقسیم کند که لاجرم از شدت آن کاسته می‌شد؛ یعنی در مقابل فتح ۴ که در خط سرپل باقی می‌ماند و دیگری در مقابل نیروهایی که در امتداد جاده مورب حسینیّه مستقر می‌شدند. حالت مورب جاده حسینیّه یگانهای دشمن را در وضعیت نامساعد و نامتعادلی قرار می‌داد که ناگزیر می‌شدند برای داشتن یک وضعیت مناسب پدافندی از خط سرپل و امتداد جاده حسینیّه عقب کشیده و نهایتاً در خاکریزهای مرزی مستقر شوند که به مفهوم ساده تر؛ یعنی این قسمت را بایستی بدون درگیری واگذار نمایند. کوچک کردن جبهه قرارگاه فتح علل دیگری هم داشت که عبارت بودند از اینکه چون حداکثر تمرکز نیروهای زرهی دشمن در منطقه بین ایستگاه حسینیّه و گرم‌دشت بود با تدبیر یادشده نیروهای ما هم برای انهدام دشمن در منطقه مقابل آنها متمرکز می‌شدند و بالاخره اینکه از جاده حسینیّه به صورت یک خاکریز حاضر و آماده در مقابل پانکهای زرهی دشمن از پهلوی شمالی استفاده می‌شد.

نقشه شماره ۱۴/ صفحه ۲۲۰ منطقه طرحریزی شده در مرحله دوم عملیات بیت المقدس را نشان می‌دهد. دستور جزء جزء شماره ۲، قدس ۱ (تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ ۳۱ عاشورا) را که در امتداد نهر معرز (جنوب رودخانه نیرسان) پدافند می‌کرد از زیر امر قرارگاه قدس خارج کرده و به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه کربلا مأموریت داد که به غرب کارون تغییر مکان کرده و در منطقه قرارگاه فتح مستقر شود. در مورد علت این کار، تدبیر فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا این بود که باید بر توان رزمی در منطقه قرارگاه فتح افزوده شود.

این کار با واگذاری قسمتی از منطقه پدافندی قرارگاه فتح به قدس ۱ به عنوان احتیاط قرارگاه کربلا و کشاندن او به منطقه فتح انجام می‌شد و به احتمال قوی ناشی از اصرار سپاه پاسداران به فرماندهی نزاجا بود و علت آن، هم کاهش استعداد پرسنلی یگانهای سپاه در اثر تلفات وارده، و هم برای ادامه احتمالی عملیات بود که به کارایی این یگان و فرماندهی آن احساس اطمینان و اعتقاد بیشتری داشتند.

قدس ۱ در شمال نیرسان درگیری بسیار سبکی با دشمن داشت، تعویض آن اگر چه تضعیف قرارگاه قدس به‌شمار می‌آمد؛ اما چون تلاش اصلی عملیات بیت المقدس در غرب کارون قرار گرفته و از قرارگاه قدس جز پدافند از مواضع خود انتظار دیگری نبود لذا برداشت آن از منطقه پدافندی شمال نیرسان از نظر کلی اشکال نداشت. بعدازظهر روز ۶۱/۲/۱۳ دستور جزء به جزء یادشده جهت طرحریزی و اقدام به یگانها ابلاغ و قرارگاه کربلا در انتظار فرصت مناسب برای تعیین زمان اجرای آن نشست.

عملیات روز ۱۴/ اردیبهشت/ ۶۱ (روز پنجم نبرد)

روز چهاردهم اردیبهشت ماه (روز پنجم عملیات) تبادل آتش شدیدی در تمامی جبهه‌ها برقرار بود ولی از جانب دشمن حمله‌ای به سرپل صورت نگرفت. گزارشهای اطلاعاتی به دست آمده حکایت از ورود نیروهای زرهی و پیاده جدید تقویتی دشمن به منطقه داشت. تمرکز قوای متجاوز در گرم‌دشت و شمال خرمشهر وسیع بود.

بررسی و تجزیه و تحلیل اقدامات دشمن نشان می داد که متجاوز حداکثر توان رزمی خود را در شمال خرمشهر متمرکز می سازد و در سایر مناطق غرب جاده اهواز - خرمشهر اگر چه اقدام به حمله به سرپل می نماید؛ اما در حقیقت مشغول تحکیم هر چه بیشتر موقعیت پدافندی خود و تمرکز قوا در شمال خرمشهر جهت جلوگیری از پیشروی نیروهای ما به سوی این شهر و نگهداری قطعی آن است.

از نیروهای زرهی دشمن در مقابل سرپل، لشکرهای ۳ و ۹ زرهی و تیپهای ۱۰ و ۱۷ و ۳۰ زرهی کاملاً شناخته شده بودند.

قدس ۱ (تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ ۳۱ عاشورا) از شمال نیشان به غرب کارون نقل مکان نموده و بلافاصله با نام فتح ۵ در کنترل عملیاتی قرارگاه فتح قرار گرفت و به این ترتیب کماکان احتیاط قرارگاه کربلا از نام یگانی روی کاغذ فراتر نرفت و جامه عمل به خود نپوشید.

قرارگاه قدس، به جای قدس ۱ یک گروه رزمی به نام محمدی به فرماندهی سرگرد زرهی ناصر محمدی فر متشکل از گردان ۲۴۳ سوار زرهی لشکر ۱۶ و گردان ۵۰۷ رزمی ژاندارمری سازمان داده و مسئولیت منطقه قدس ۱ را در شمال نیشان به آن واگذار نمود.

تعویض قدس ۱ با گروه رزمی محمدی با اجرای شدید آتش توپخانه دشمن مواجه گردید.

قرارگاه فتح ۵ (قدس ۱ سابق) مسئولیت پدافند از منطقه فتح ۴ را عهده دار و آن قرارگاه را برای شرکت در عملیات مرحله دوم طرح کربلای ۳ آزاد نمود.

عملیات روز ۱۵ اردیبهشت/۶۱ (روز ششم نبرد)

روز پانزدهم اردیبهشت ماه (روز ششم عملیات) در منطقه قرارگاه فتح دشمن پس از اجرای یک آتش شدید که از ساعت یک و نیم تا چهار بامداد به درازا کشید، اقدام به حمله نمود که با مقاومت نیروهای خودی در ساعت نه و نیم دفع گردید. ساعت یازده صبح مجدداً دشمن دست به حمله زد که در ساعت یک بعدازظهر پس از تحمل ضایعات و تلفات مجبور به عقب نشینی گردید. نیم ساعت بعد حمله سوم دشمن آغاز شد که با فعالیت شدید توپخانه خودی و نیروهای خط مقدم عملیات دشمن خنثی و متجاوز بناچار در ۳ کیلومتری خط سرپل متوقف و تثبیت گردید. تلفات و ضایعات وارده به دشمن در این حملات سنگین برآورد گردید.

در مناطق سایر قرارگاهها درگیری به صورت تبادل آتش در جریان بود.

از اواخر روز پانزدهم تا اوایل روز شانزدهم اردیبهشت دشمن به چهار حمله دیگر به سرپل در حوالی حسینیه و گرمدشت اقدام نمود که با رشادت نیروهای ما دفع گردید.

در یکی از مدارک اغتنامی که از نیروهای متجاوز بعداً به دست آمده است طرحی از حمله لشکر ۳ زرهی عراق به سرپل در روز ۶۱/۲/۱۵ دیده می شود که برابر این طرح لشکر ۳ زرهی با یک تیپ مکانیزه خود بعلاوه تیپ ۲۴ زرهی و تیپ ۶۰۲ پیاده و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص به منظور بازپس گیری جاده اهواز - خرمشهر در حد فاصل حسینیه تا گرمدشت هماهنگ با لشکر ۹ زرهی دست به حمله می زدند. احتمالاً (چهار حمله یادشده همین عملیات طرح ریزی شده لشکر ۳ و ۹ زرهی بوده است).

عملیات روز ۱۶ اردیبهشت/۶۱ (روز هفتم نبرد)

قرارگاه فجر در ادامه تأمین هدفهای طرح آفندی امیرالمؤمنین پس از تغییر در سازمان رزمی یگانهای تکور و تجدید نظر در طرح یادشده، ساعت دو و ده دقیقه بامداد در منطقه عمومی تپه ۱۸۲ و شیخ قندی به مواضع دشمن حمله کرد.

در این عملیات که با رمز (یا علی ابن ابیطالب) آغاز شد علاوه بر یگانهای ادغامی لشکر ۷۷ و سپاه پاسداران که به نام فجر ۱ و ۲ خوانده می شدند تیپ ۱۷ پیاده قم به نام فجر ۵ و تیپ ۳۳ المهدی به نام فجر ۶ شرکت نموده و هماهنگیهای لازم نیز بین یگانهای سپاه پاسداران و لشکر ۷۷ پیاده انجام شد.

برابر طرح عملیاتی، نیروهای فجر ۱ و ۲ از سمت شرق به غرب به مواضع دشمن حمله کرده و فجرهای ۵ و ۶ ضمن بستن عقبه دشمن روی جاده فکه - شیخ قندی از سمت غرب به شرق به مواضع مزبور تک می نمودند و با این ترتیب مواضع متجاوز از دو سمت مورد حمله قرار می گرفت. فجرهای ۵ و ۶ با الحاق با یکدیگر روی جاده شیخ قندی محاصره نیروهای دشمن را کامل و آنها را منهدم و منطقه شیخ قندی را پاکسازی می نمودند. قرار بود بنا به دستور و متناسب با وضعیت تک قرارگاه فجر به سمت فکه ادامه یابد.

در ساعت دو و بیست دقیقه، فجر ۵ و بیست دقیقه بعد فجر ۶ و در ساعت ۳ بامداد فجرهای ۱ و ۲ با دشمن درگیر شدند و قبل از ساعت چهار بامداد اولین خاکنیزهای دشمن را فجرهای ۱ و ۲ به تصرف درآوردند و ساعت ۷ صبح فجرهای ۵ و ۶ روی جاده آسفالته فکه-شیخ قندی با یکدیگر الحاق نموده و راه فرار دشمن سد و متجاوز به محاصره کامل درآمد. در این عملیات که با غافلگیری انجام شد نیروهای دشمن در منطقه شیخ قندی منهدم و حدود ۷۹۰ نفر به اسارت درآمدند. نیروهای فجر تا ساعت ده صبح هدفهای خود را تحکیم و تثبیت نمودند و به طور قطعی توانستند هدف خود را نگهداری نمایند.

نقشه شماره ۱۵ / صفحه ۲۲۱ هدفهای طرح عملیاتی امیرالمؤمنین و مانور نیروهای عهده دار تأمین آنها را نشان می دهد.

یک فروند هواپیمای اف - ۴ خودی که در پشتیبانی از عملیات قرارگاه فجر عمل می کرد، در ساعت شش و نیم صبح هدف قرار گرفت و سرنگون گردید و شمار هواپیمای سرنگون شده خودی از آغاز عملیات بیت المقدس به سه فروند رسید. قرارگاه کربلا با ملاحظه موفقیت قرارگاه فجر در تأمین هدفهای خود دستور داد که قرارگاه مذکور حداکثر تا ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۱۷ اردیبهشت ماه طرح عملیاتی خود را برای ادامه تک به سوی فکه تهیه نموده و بنا به دستور بعدی آن را اجرا نماید. بنابر تدبیر فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا (فرمانده نیروی زمینی و فرمانده سپاه) این عملیات (مرحله سوم عملیات بیت المقدس) عنوان گردید که با توجه به آنچه در طرح عملیاتی کربلا ۳ طرح ریزی شده بود تازگی داشت. بهر حال چون قرارگاه فجر به خاطر پایین بودن توان رزمی و منطقه وسیع مسئولیت، در آن وضعیت توانایی اجرای چنین عملیاتی را نداشت؛ لذا ادامه تک به سوی فکه نه طرح ریزی و نه اجرا گردید.

بخش سوم

اجرای مرحله دوم عملیات بیت المقدس

در اوایل روز ۶۱/۲/۱۶ قرارگاه کربلا مصمم گردید که مرحله دوم عملیات بیت المقدس را برابر تدبیر عملیاتی اعلام شده در دستور جزء به جزء شماره ۲، اجرا نماید لذا ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه این روز را به عنوان زمان آغاز مرحله دوم عملیات تعیین و به قرارگاه های قدس، فتح و نصر ابلاغ نمود.

قرارگاههای فتح و نصر با تغییر در سازمان رزمی و تغییراتی در گسترش خود، آماده اجرای مأموریت شدند. از جمله تیپ ۳۱ پیاده عاشورا سپاه پاسداران از قدس ۱ منتزع و با تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ تشکیل نصر ۳ را دادند. چون در دستور جزء به جزء شماره ۲ به قرارگاه نصر جبهه کم عرض تری واگذار شده بود؛ لذا قرارگاه مزبور نصرهای ۱ و ۲ را در خط و نصرهای ۳ و ۴ را در احتیاط قرار داده و نصر ۵ و نصر ۶ (تیپ ۴۶ فجر سپاه پاسداران) را عهده دار حفاظت و پوشش جناح جنوبی خود در پیشروی به سوی مرز نمود.

همچنین قرارگاه فتح با قراردادن فتح های ۴ و ۳ و ۱ در خط و فتح ۲ در احتیاط و فتح ۵ (عهده دار پدافند در قسمتی از خط سرپل از حسینیه به بالا) وارد عمل می شد ساعت ۲۲ و ۲۵ دقیقه (با سه ربع تأخیر) قرارگاه کربلا با صدور رمز (بسم الله الرحمن الرحيم، لاحول و لا قوه بالله العلی العظیم یا علی ابن ابیطالب) به قرارگاههای فتح و نصر دستور اجرای مرحله دوم عملیات بیت المقدس را صادر و یگانهای تک ور این دو قرارگاه به منظور انهدام نیروهای دشمن در منطقه مقابل سرپل و رسیدن به خط مرز به حرکت درآمدند و به این ترتیب مرحله اول عملیات بیت المقدس که عملاً روز نهم اردیبهشت ماه آغاز گردیده بود در ساعت ۲۲۱۵ روز شانزدهم خاتمه یافته و مرحله دوم عملیات از این به بعد شروع گردید.

نیروهای دشمن در مقابل هجوم سریع و غافلگیرکننده یگانهای خودی مقاومت بسیار ضعیفی نشان داده و خیلی زود بفرار و عقب نشینی دست زدند. بنابر مدارکی که بعداً از دشمن به غنیمت گرفته شد فرماندهی متجاوز از حمله نیروهای ما آگاه و به نیروهای خود هشدارهای لازم را داده بود؛ اما علی رغم دستورهای اکید مبنی بر مقاومت سرسختانه در مقابل هجوم نیروهای ایران، افراد عراقی در مقابله با عملیات نیروهای ما به سرعت عقب نشسته و یگانهای متعددی از دشمن به محاصره درآمده و نابود شدند. نیروهای ما ضمن انهدام دشمن به پیشروی به سوی مرز که در فاصله ۱۵-۱۶ کیلومتری خط سرپل قرار داشت ادامه دادند.

عملیات روز ۱۷/اردیبهشت/۶۱ (روز هشتم نبرد)

در ساعت ۰۳۴۰ یگانهای قرارگاه فتح باسربکوب دشمن به خاکریز مرزی عراق در منطقه محوله رسیده و برای اولین بار از آغاز جنگ نیروهای ما عملاً خط مرز مشترک را لمس کردند.

نصر ۱ از قرارگاه نصر، یک ساعت بعد؛ یعنی ساعت ۴ و ۴۰ دقیقه خود را به خط مرز رساند، لیکن نصر ۲ اشتباهاً خاکریز خط دژ ایران را که به فاصله ۲ کیلومتری از خاکریز مرزی عراق بود همان خاکریز مرزی عراق تصور کرد و آن را اشغال

نمود. دشمن از موقعیت استفاده کرد و در ساعت ۶ صبح با یک پاتک سریع به نصر ۲ جناح نصر ۱ را به خطر انداخت. قرارگاه نصر برای رفع خطر، دستور داد که نصر ۱ نیز به طرف خط دژها عقب نشینی کرده و بانصر ۲ الحاق حاصل نماید. در ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه صبح دشمن به قرارگاه فتح از منطقه بالای جاده حسینی پاتک نمود که درگیری تا ساعت ۱۰ صبح ادامه یافته و نیروهای دشمن در این پاتک محاصره و منهدم گردیدند.

حدود ساعت ۹ صبح دشمن با نیروهای تازه نفس به یک پاتک سنگین در جنوب غربی نصر ۲ (مناطق شمالی شلمچه) اقدام نمود که با آتش بسیار سنگین توپخانه همراه بود و موفق به رخنه در یگانهای نصر ۲ و ایجاد شکاف بین نصر ۲ و نصر ۱ گردید.

قرارگاه نصر سریعاً احتیاط خود (نصر ۳) را در جناح جنوبی و همچنین احتیاط دیگر خود (نصر ۴) را برای ترمیم رخنه ها و شکافهای به دست آمده در نصر ۲ و بین نصر ۱ و ۲ و قرارگاه فتح وارد عمل نمود که همراه با تلاش یگانهای درگیر تا حدود زیادی منجر به ترمیم رخنه ها و شکافها گردید. تلاش مجددی هم در ساعت ۳ بامداد روز بعد (۶۱/۲/۱۸) برای ترمیم کامل شکافها و تأمین خط مرز به عمل آمد که گرچه شکافها کاملاً ترمیم گردید ولی به علت مقاومت شدید دشمن، قرارگاه نصر موفق به تأمین خاکریز مرزی در منطقه محوله نگردید و کماکان در خاکریز دژ مرزی ایران (سه کیلومتری خاکریز مرزی عراق) مستقر ماند.

قرارگاه نصر از جناح جنوبی خود تحت فشار سنگین و مداوم دشمن قرار داشت؛ زیرا متجاوز برای نگهداری خرمشهر سرسختانه تلاش می کرد که با فشار بر جناح جنوبی قرارگاه نصر از پیشروی نیروهای ایرانی به سمت شلمچه و احاطه خرمشهر جلوگیری نماید.

گزارشهای اطلاعاتی به دست آمده در این روز نشان می داد که متجاوز به تقویت نیروهای خود در شمال شلمچه پرداخته و شروع به برداشت نیرو از جبهه کرخه کور نموده است. در ساعت پنج و نیم بعدازظهر خبر رسید که ستونهای بزرگی از نیروهای دشمن از منطقه کرخه کور در حال حرکت به سمت جنوب مشاهده شده اند. فعالیت هوایی دشمن بسیار شدید و بیش از ۲۰ بار تلاش نمود که پلهای شناور را بمباران کند که موفق نشد. ۶ فروند از هواپیماهای دشمن هدف قرار گرفته و سرنگون گردیدند و ۲ خلبان به اسارت درآمدند. همچنین یک فروند هلی کوپتر دشمن در منطقه شیخ قندی فرود آمد و خلبان آن دستگیر شد.

اسرای دشمن در عملیات این روز به ۴۸۲ نفر بالغ گردید که فرمانده و معاون تیپ ۲۴ مکانیزه از جمله آنان بودند. بخش اطلاعات قرارگاه کربلا تلفات و ضایعات وارده به یگانهای دشمن در عملیات این روز را به شرح زیر برآورد کرد:

حدود ۱۵٪	تیپ ۱۰ زرهی
حدود ۴۰٪	تیپ ۲۴ مکانیزه
حدود ۵۰٪	تیپ ۶ زرهی
حدود ۵۰٪	تیپ ۸ مکانیزه
حدود ۵۰٪	تیپ ۱۲ زرهی
حدود ۲۰٪	تیپ ۱۰۶ پیاده
حدود ۲۰٪	تیپ ۳۳ نیروی مخصوص
حدود ۲۵٪	تیپ ۳۰ زرهی
حدود ۲۵٪	تیپ مأمور ویژه

حدود ۸۰٪	-گردان تانک علی تیپ ۲۶ زرهی
حدود ۶۰٪	-گردان تانک المهلب
حدود ۸۰٪	-گردان تانک تموز تیپ ۱۷ زرهی
حدود ۸۰٪	-گردان ۱ تیپ ۱۹ پیاده
حدود ۵۰٪	-گردان ۱۹۲ پیاده

تعداد کشته و زخمیهای دشمن بیش از ۳۰۰۰ نفر برآورد گردید. از جمله نکات قابل توجه در این عملیات مصرف بیش از حد مهمات و ضعف در سیستم فرماندهی و کنترل دشمن، و همچنین ضعف نیروهای پیاده نظام دشمن در نگهداری مواضع و عقب نشینی سریع آنها که غالباً سبب غافلگیری و آسیب پذیری یگانهای زرهی و مکانیزه می گردید. همان طور که قبلاً هم اشاره گردید برابر اظهار اسرای عراقی، دشمن از تک مورخه ۶۱/۲/۱۷ مطلع بوده و در شب حمله به یگانهای خود اعلام آماده باش کامل داده و صراحتاً ابلاغ نموده بود که ایرانیها امشب به نیروهای عراق تک خواهند نمود. پیامهای زیر که توسط پست های شنود نیروهای ایران (ایستگاههای رادیویی استراق سمع پیامهای دشمن) در هنگام اجرای این عملیات دریافت گردیده مدرک بسیار جالب و مستندی را از وضعیت نیروهای متجاوز به دست می دهد:

۱. در ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه مورخه ۶۱/۲/۱۶ (اندکی پس از آغاز عملیات) یک فرمانده نیروهای عراقی به کلیه یگانهای تابعه خود دستور داد که شدیداً مراقب جبههها باشند و نیروهای کمکی نیز در پشت جبهه آماده است و هر چه لازم داشته باشند در اسرع وقت در اختیار گذاشته خواهد شد.
 ۲. در ساعت ۲۳ و ۱۰ دقیقه فرمانده به یگانها دستور داد که به هیچ وجه حق عقب نشینی ندارند و اگر اقدام به عقب نشینی نمایند اعدام خواهند شد.
 ۳. پانزده دقیقه بعداز نیمه شب (روز ۶۱/۲/۱۷) فرمانده یک گردان تانک گزارش نمود که ما در محاصره نیروهای ایران هستیم و تعدادی از تانکهای ما منهدم شده و آرایش ما بهم خورده است.
 ۴. سی دقیقه بعداز نیمه شب فرمانده یک یگان عراقی با معرف احمد اعلام نمود که تمام افراد در حال عقب نشینی بوده و بعضی از آنها کشته شده و یگان به کلی از بین رفته است.
 ۵. ساعت یک بامداد یکی از یگانهای دشمن اطلاع داد که یگان ابراهیم محاصره شده و بکلی از بین رفته است.
 ۶. در ساعت یک و چهل دقیقه به یکی از یگانهای لشکر ۳ زرهی با معرف ۶ (احتمالاً تیپ ۶ زرهی) دستور داده شد که با یگانهای خود (ناجی - کریم - صلاح) عقب نشینی نمایند.
 ۷. ساعت سه و نیم بامداد فرمانده یکی از یگانهای دشمن اطلاع داد که من هم اکنون عقب نشینی نموده ولی تنها هستم و کسی دیگر با من نیست.
 ۸. در ساعت پنج و چهل دقیقه به واحد شماره یک دستور داده شد شما تیراندازی نمایید تا بقیه واحدها بتوانند عقب نشینی نمایند.
 ۹. ساعت شش و بیست دقیقه یگانی با معرف ۶۱ اطلاع داد که ما و یاسر عبدالرحمان اکنون در منطقه تیپ ۱۰ زرهی مستقر شده ایم.
 ۱۰. ساعت نه و بیست دقیقه صبح واحدی به رمزلامع اطلاع داد که افراد من سوار خودروها شده و از منطقه متواری شده اند و من خودرو ندارم تا مأموریت انجام دهم.
- در ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه فرمانده عملیات از کلیه یگانهای خود خواست در مقابل نیروهای ایرانی مقاومت کنند.

۱۱. ساعت سیزده و چهل دقیقه فرمانده عملیات به یگانی با معرف ۳۳ اطلاع داد که حمله شما به خاکریز خیلی خوب بود. (احتمالاً پاتک نیروهای عراقی به مواضع نصر ۳) بایستی تانکها با خاکریز ۵۰۰ متر فاصله داشته باشند. مواظب تانکها باشید.

۱۲. یگانی از دشمن اطلاع داد که تعداد ۶۰ نفر از ایرانیها را به اسارت گرفته است و برای تخلیه آنها تقاضای خودرو نمود.

۱۳. ساعت ۲ بعدازظهر فرمانده کل عملیات به کلیه واحدها اعلام داشت که صدام حسین در جبهه حضور دارد و منتظر پیروزی هر چه بیشتر شماست.

در این واقعیت که در مرحله دوم عملیات بیت المقدس نیروهای عراقی متحمل تلفات و ضایعات سنگین به ویژه در تجهیزات زرهی مانند تانک و نفربر شده بودند تردیدی وجود ندارد حتی اگر گزارشهای اطلاعاتی در زمینه خسارات وارده به عراقیها اغراق آمیز باشد، بازهم نمی توان صحت این مسئله را که این خسارات وانهدام نیروهای دشمن خیلی سنگین بوده است را انکار نمود؛ زیرا کثرت وسایل اغتنامی و تجهیزات باقیمانده سالم یا منهدم شده در میدان نبرد گواه این مدعاست. به عنوان مثال فقط در حوالی گرمداشت هفده دستگاه تانک سالم عراقی بهنگام فرار از فرط عجله و دست پاچگی در شیار عمیقی سقوط کرده و روی هم افتاده بودند.

با وجود این شکست سریع و سنگین، نیروهای عراقی در خاکریز مرزی و منطقه شمال شلمچه دست به مقاومت شدیدی زدند و در اولین ساعات روز پاتک های شدیدی را هم علیه قرارگاه فتح و قرارگاه نصر علی‌رغم تلاش بسیار نتوانست خاکریز مرزی عراق را تأمین کند و در ۳ کیلومتری آن متوقف ماند و از جناح جنوبی خود نیز در شمال شلمچه تحت فشار شدیدی قرار داشت.

چنین مقاومت سرسختانه ای از دشمنی که شب گذشته به آن سادگی و آسانی غافلگیر شده و همه چیز از ضعف و فقدان روحیه، عدم انگیزه و تمایل به جنگیدن، دلسردی پرسنل و به هم ریختگی سازمان و سیستم فرماندهی آن حکایت می‌کرد، عجیب می نمود.

در یگانهای خودی ضمن وجود روحیه تهاجمی و رزمندگی، پس از هشت روز نبرد بی امان و تحمل دهها پاتک و آتشباری مداوم دشمن از زمین و هوا، آثاری از خستگی فرسودگی و کاهش استعداد پرسنلی مشهود بود. با ملاحظه تجربیات عملیاتی به دست آمده از مرحله اول عملیات، به قرارگاههای فتح و نصر دستور داده شد که سریعاً مواضع متصرفی را تحکیم و تثبیت نموده و از انجام الحاق هر یگان با یگانهای همجوار چپ و راست خود اطمینان حاصل نموده و آماده مقابله با حملات و پاتکهای دشمن باشند.

قرارگاه کربلا به قرارگاه نصر دستور داد که جاده آسفالته خرمشهر- شلمچه را زیر آتش توپخانه خود قرار داده و تردد متجاوز را روی این محور مختل نموده و با اجرای آتشیهای سنگین مانع از تجدید سازمان یگانهای عقب رانده شده دشمن در جناح جنوبی خود گردد.

قرارگاه کربلا با توجه به گزارشهای به دست آمده مبنی بر نقل مکان یگانهایی از متجاوز از جبهه کرخه کور به سمت جنوب و تهدید احتمالی آنها در جناح شمالی سرپل به قرارگاه فتح دستور داد که از کفایت و استحکام پدافند در جناح شمالی خود که بعهدہ فتح ۵ (تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶) قرار داشت اطمینان حاصل نماید. (نقشه شماره ۱۶/صفحه ۲۲۲)

در حالی که شدت آتش توپخانه عراق در سراسر جبهه به ویژه در کرخه کور و جناح جنوبی نصر به نحو بی سابقه ای افزایش یافته بود روز ۶۱/۲/۱۷ یا روز هشتم عملیات به پایان رسید.

عملیات روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت/۶۱ (روزهای نهم و دهم نبرد)

در اوایل روز ۶۱/۲/۱۸ فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا تصمیم گرفت برای افزایش بیشتر توان رزمی در منطقه قرارگاه فتح و به منظور ادامه پیشروی قرارگاه فتح در شرق بصره و همچنین تقویت جناح شمالی منطقه متصرفی در منطقه غرب کارون که با نقل مکان یگانهای متجاوز از جبهه کرخه کور و جفیر به سمت جنوب ممکن بود، در معرض تهدید جدی قرار گیرد، به قرارگاه قدس دستور داد قدس ۲ (تیپ ۲ زرهی لشکر ۱۶ + تیپ پیاده ثارالله) را که در احتیاط قرارگاه قدس قرار داشت ظرف این روز به منطقه قرارگاه فتح حرکت داده و در اختیار قرارگاه کربلا بگذارد.

اندکی پس از صدور این دستور، از قرارگاه قدس خبر رسید که دشمن مواضع خود را در مناطق طراح، سید جابر، فرسیه و احتمالاً سایر مناطق جبهه کرخه کور تخلیه و با قطع تماس با قرارگاه قدس به یک عقب نشینی اختیاری دست زده است و این همان چیزی بود که در طرحریزی مانور عملیات طرح کربلای ۳ پیش بینی گردیده بود که با تهدید شرق بصره احتمالاً متجاوز تلاش خواهد نمود که به منظور تقویت پدافند از بصره و اجتناب از بسته شدن عقبه این نیروها از منطقه کرخه کور و جنوب جفیر عقب نشینی نماید.

قرارگاه کربلا به قرارگاه قدس دستور داد که سریعاً مراتب را بررسی و چنانچه عقب نشینی دشمن صحت دارد اعلام نماید تا ضمن اخذ تصمیمات لازم و نشان دادن عکس العمل مناسب در مورد جابه جایی قدس ۲ هم تجدید نظر شود.

ساعت یازده صبح قرارگاه قدس ضمن تأیید عقب نشینی دشمن در سراسر جبهه نیسان، کرخه کور و نورد اعلام داشت که خاکریزهای اول و دوم متجاوز در این مناطق توسط یگانهای خودی اشغال و تلاش برای ترمیم بریدگیهای روی جاده اهواز - خرمشهر در منطقه نورد به منظور اخذ تماس مجدد با دشمن و جلوگیری از عقب نشینی او ادامه دارد.

قرارگاه قدس به یگانهای تابعه خود دستور داد سریعاً خط سرپلی را که در طرح کربلای ۳ برای آن قرارگاه در جنوب کرخه کور در نظر گرفته شده و به نام خط قهوه ای خوانده می شد تأمین و منتظر صدور دستور ثانوی باشند. (خط قهوه ای خط خاکریزهای مقدم دشمن در جنوب کرخه کور بودند).

حوالی ظهر، سه بریدگی بزرگ روی جاده اهواز - خرمشهر با ریختن دهها کامیون کمپرسی سنگ و خاک که از اندکی قبل آماده شده بودند پر و ترمیم شده و جاده بازگردید و عناصری از قدس ۵ و قدس ۲ با استفاده از آن به پیشروی پرداخته و ساعت ۲ بعدازظهر پادگان حمید پس از ۱۹ ماه اشغال و در حالی که به طور کامل تخریب شده بود به دست نیروهای خودی افتاده و پرچم ایران بر فراز آن افراشته گردید.

با الحاق عناصر قدس ۵ با فتح ۵ (قدس ۱ سابق) ارتباط زمینی قرارگاههای قدس و فتح و به عبارت دیگر ارتباط مناطق آزاد شده غرب کارون با اهواز (از طریق جاده اهواز - خرمشهر) برقرار گردید.

شهر هویزه که توسط متجاوز به طرز وحشیانه ای با خاک یکسان شده بود، در ساعت ۲ بعدازظهر اشغال نیروهای خودی درآمد و قرارگاه قدس پس از تأمین خط خیز قهوه ای (خاکریزهای مقدم پدافندی دشمن در جنوب کرخه کور) به پیشروی خود به سمت جنوب (جفیر) ادامه دادند. (نقشه شماره ۱۷/ صفحه ۲۲۳) طرح کلی حرکت به اخذ تماس قرارگاه قدس را نشان می دهد.

در منطقه قرارگاههای فتح و نصر فشار آفندی دشمن ادامه داشت که در منطقه نصر ۲ از شدت بیشتری برخوردار بود و یگانهای قرارگاه نصر با رشادت و دلاوری موفق شدند فشار دشمن را که از روز پیش به طور مداوم ادامه یافته بود متوقف و جناح جنوبی خود را حفظ و نگهداری نمایند.

قرارگاه کربلا از نیروی هوایی خواست که ستونهای خودروبی دشمن را که در منطقه جفیر به سمت جنوب عقب نشینی می کردند شناسایی و بمباران نموده و حرکات آنها را مختل نمایند.

نیروی هوایی با بمباران از ارتفاع بالا و پایین، ستونهای دشمن را هدف قرار داد و یک فروند هواپیمای اف-۴ خودی مورد اصابت موشکهای پدافند هوایی دشمن قرار گرفته و در جنوب جفیر سرنگون گردید. (چهارمین فروند ساقط شده در عملیات بیت المقدس)

قرارگاه کربلا در ارزیابی و تجزیه و تحلیل خود از وضعیت، به این نتیجه رسید که محتمل ترین راه کار دشمن پدافند سرسختانه و قطعی در جبهه های شرق بصره و خرمشهر و شلمچه خواهد بود تا هم بصره را از خطر تهدید نیروهای ایران دور نگهدارد و هم با حفظ خرمشهر حساس ترین هدف و در حقیقت برگ برنده را کماکان در دست داشته باشد.

بدون تردید مقاومت شدید و رو به افزایش دشمن در مقابل قرارگاههای فتح و نصر و به ویژه قرارگاه نصر که به بصره و خرمشهر نزدیکتر بود ناشی از چنین خط مشی بود و عقب نشینی لشکرهای ۵ و ۶ عراق از جبهه های کرخه کور به شرق بصره نشان بارزی از این قصد دشمن برای افزایش توان و استحکام پدافند در شرق بصره بود که بالطبع اجرای مرحله سوم طرح ریزی شده عملیات بیت المقدس (پیشروی تا کرانه شط العرب و تهدید بصره) را مشکل می نمود.

قرارگاه کربلا در این ارزیابی، در وضعیت موجود خودی و دشمن، اجرای مرحله سوم عملیات و تهدید شرق بصره را حتی قبل از آنکه پدافند دشمن در شرق بصره بیش از این استحکام یابد، مقدور نمی دید؛ زیرا که قرارگاه نصر در حدود ۳ کیلومتر عقب تر از قرارگاه فتح و هدف مرحله دوم عملیات خود متوقف مانده و تثبیت گردیده بود و چشم انداز روشنی هم برای موفقیت نداشت و از طرف دیگر از جناح جنوبی خود هم در فشار سنگین و مداومی از دشمن قرار داشت با خستگی و فرسودگی حاصل از ۹ روز مستمر درگیری و تحمل تلفات و ضایعات، بعید به نظر می رسید که بتواند مأموریت خود را در عملیات مرحله سوم با موفقیت اجرا نماید یعنی در منطقه شرق بصره به سوی ساحل شط العرب پیشروی نماید.

عملیات قرارگاه نصر به سوی شرق بصره (بشرط موفقیت) بدون تأمین منطقه خرمشهر - شلمچه و دفع تهدید بزرگ دشمن در پهلوی جنوبی خود، این مفهوم را داشت که یک جناح باز و طولانی را حداقل از گرمداشت تا تنومه (بیش از ۳۰ کیلومتر) و بدون اینکه توانایی پوشش کافی آن را داشته باشد در اختیار دشمنی بگذارد که بدون تردید قصد پدافند قطعی از این منطقه و دفع هر گونه تهدید خرمشهر - شلمچه - بصره را داشت و اگر راه کار دومی انتخاب می شد که قرارگاه نصر فقط عهده دار تأمین منطقه خرمشهر شده و از عملیات این قرارگاه در شرق بصره صرف نظر گردیده و تنها قرارگاه فتح همزمان به عملیات در شرق بصره بپردازد آن وقت جناح قرارگاه فتح از خط مرز تا شط العرب در مقابل تهدید دشمن باز می ماند و اگر راه کار سومی انتخاب می گردید که قرارگاه نصر همزمان هم در جبهه باختری (شرق بصره) عمل نموده و جناح فتح را پوشش نماید و هم در جبهه جنوبی خود (منطقه شلمچه خرمشهر) به دشمن حمله ور شود انجام این مأموریت در وضعیت موجود خودی و دشمن از توان قرارگاه نصر به طور کلی خارج شده بود و در یک ارزیابی دقیق و واقع بینانه قرارگاه نصر حتی برای احاطه و آزادسازی خرمشهر هم به تقویت و نیروی اضافی نیاز مبرم داشت.

از طرف دیگر قرارگاه قدس که تماس خود را با دشمن از دست داده و در پی اخذ تماس مجدد با متجاوز برآمده بود با توجه به بیش از ۶۰ کیلومتر عرض و عمق منطقه از کرخه کور تا خط مرزی کوشک طلایه و عدم تناسب توان و تحرک موجود قرارگاه قدس با چنین وسعت و عمقی و وضعیت و موقعیت مبهم دشمن و عکس العمل‌های احتمالی و احتمالاً فریبنده او برای بیرون کشاندن قرارگاه قدس از مواضع پدافندی شمال کرخه کور و انهدام آن در زمین باز و وسیع مناطق جنوبی کرخه کور، پیشروی و حرکت توأم با احتیاط و شناسایی کاملی را ایجاب می نمود. همچنین گزارش‌های به دست آمده و تفسیر عکس‌های هوایی نشان می داد که متجاوز در طول خطوط مرزی کوشک طلایه مواضع پدافندی سنگین را با اتکاء به موانع بسیار و از جمله حفر کانال‌های عریض و عمیق و استفاده از آب هورالعظیم برای آب انداختن آنها سازمان داده تا پیشروی از شمال به جنوب را هم در شرق بصره کنترل و سد نماید. با در نظر گرفتن کلیه این عوامل وصول سریع قرارگاه قدس به خط مرزی کوشک طلایه و سپس پیشروی به سوی شط العرب و تهدید نشوه هم امری قابل اطمینان به شمار نمی آمد.

در این وسط تنها قرارگاه فتح نسبت به دو قرارگاه دیگر برای پیشروی در باختر مرز و تهدید شرق بصره نسبتاً دارای وضع و موقعیت بهتری بود. ولی باز هم توان رزمی موجود قرارگاه فتح به ویژه با تقویت‌های دشمن کافی به نظر نرسیده و از همه مهم تر تنها عملیات قرارگاه فتح در شرق بصره آن هم با دو جناح باز شمالی و جنوبی (که به علت عدم امکان پیشروی قرارگاه‌های قدس و نصر پیش می آمد) یک راه کار منطقی و حساب شده نظامی نبود.

با این دلایل بود که قرارگاه کربلا اجرای مرحله سوم عملیات را حتی قبل از اینکه دشمن بتواند بیش از پیش پدافند خود را در شرق بصره استحکام بخشد مقدور نمی دید و مصمم گردید که تمرکز تلاش‌های خود را به احاطه و آزادسازی خرمشهر (اتمام مرحله دوم عملیات) معطوف نماید و برآورد می گردید که فتح خرمشهر و توفیق در انهدام نیروهای انبوه دشمن در این منطقه، از لحاظ نظامی و سیاسی ضربه بسیار کمر شکنی برای عراق بوده و به احتمال بسیار زیاد عملیات موفقیت آمیز خرمشهر در سایر نقاط جبهه هم اثر گذارده و راه تهدید شرق بصره را از بن بست فعلی خارج نموده و دست نیروهای ما برای اجرای مراحل باقی مانده از طرح کربلای ۳ بازتر گردد.

در طرح ریزی عملیاتی کربلای ۳، اگر چه پس از مرحله تأمین مرز و خرمشهر ادامه عملیات در باختر مرز و تهدید بصره به عنوان یک هدف استراتژیکی و تاکتیکی منظور شده بود؛ اما واقعیت این بود که از همان ابتدا هم با توجه به بسیاری عوامل از جمله ضعف در استمرار توانایی نیروهای خودی در یک عملیات وسیع و درازمدت مداوم چند مرحله‌ای و همچنین قابل پیش بینی نبودن وضعیت و واکنش‌های دشمن، آزاد سازی مناطق اشغالی غرب کارون و به ویژه خرمشهر در واقع هدف‌های اصلی و اساسی عملیات طرح کربلای ۳ به حساب آمده و دارای اولویت بودند. ادامه عملیات در شرق بصره قاعدتاً به نتایج حاصل از توسعه وضعیت نظامی - سیاسی پس از آزادسازی خرمشهر بستگی پیدا می کرد و برآورد می گردید که با سقوط خرمشهر به دست نیروهای ما تحولات و تغییر معادلات سیاسی و نظامی در عراق و در منطقه، به نحو تعیین کننده‌ای در سرنوشت این جنگ به نفع ایران و پایان جنگ دخالت خواهند نمود.

با این تفصیل و در حالی که توان رزمی نیروی خودی پس از ۹ روز درگیری مداوم و پیکار خونین طبعاً کاستی گرفته بود قرارگاه کربلا تصمیم گرفت که هر چه سریع تر و قبل از آنکه دشمن پدافند از خرمشهر را بیش از این محکم نموده و نیروهای تازه نفس و اضافی به این جبهه گسیل نماید با تمرکز توان کافی کار فتح خرمشهر را فیصله داده و تلاش

برای عبور از مرز و پیشروی در شرق بصره را به بعد از فتح خرمشهر و روشن شدن نتایج به دست آمده از آن و توسعه وضعیت سیاسی - نظامی پس از این نبرد، موکول نماید.

پس از اخذ تصمیم و تشکیل یک جلسه شور ستادی در ۶۱/۲/۱۸ و صدور پاره ای دستورهای شفاهی برای آمادگی یگانها، قرارگاه کربلا در اولین ساعات روز ۶۱/۲/۱۹ با صدور دو دستور جزء به جزء به شماره های ۳ و ۴ به قرارگاههای سه گانه دستورهای لازم را در مورد ادامه عملیات ابلاغ نمود.

در دستور جزء به جزء شماره ۳، قرارگاه کربلا هدف خود را مبنی بر تأمین شلمچه و خرمشهر اعلام نموده و با واگذاری ۴ تیپ اضافی به قرارگاه نصر مأموریت داد که ضمن ادامه پدافند در جبهه غربی (خاکریز دژ)، در منطقه جبهه جنوبی خود تک نموده همزمان با قطع راههای عقب نشینی دشمن از شلمچه خرمشهر را تأمین اشغال و پاکسازی نماید. به قرارگاه فتح نیز دستور داده شد که به پدافند خود در مرز ادامه داده و آماده باشد تا بنا به دستور بعدی در سمت شرق بصره تک نماید.

تیپهایی که برابر این دستور در کنترل عملیاتی قرارگاه نصر قرار گرفتند عبارت بودند از تیپ های ۵۵ هواپردو تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ از نیروی زمینی ارتش، تیپ ۲۵ پیاده کربلا و تیپ ۱۷ قم از سپاه پاسداران که ۳ تیپ اول از قرارگاه فتح و تیپ چهارم از قرارگاه فجر جدا شده و تا اواخر روز ۶۱/۲/۱۹ جابجا و در اختیار قرارگاه نصر قرار گرفتند.

در مورد عملیات قرارگاه قدس دستور جزء به جزء جداگانه ای به شماره ۴ تهیه و اندک زمانی پس از دستور جزء به جزء شماره ۳ ابلاغ گردید و منظور از این کار اعلام توافق و تصمیم گیری نهایی در مورد قرارگاه قدس بود که از روز گذشته تا کنون به ویژه در زمینه یگانهای واگذاری یا جدا شده از آن چندین بار دستخوش تغییر شده بود.

نکته ای که ذکر آن ضروری به نظر می رسد این است که از مرحله دوم عملیات تصمیم به هرگونه جابه جایی یگانها از یک قرارگاه به قرارگاه دیگر یا تغییر در مأموریت و محدوده مناطق مسئولیت یگانها و به طور کلی تصمیم گیری در زمینه چگونگی ادامه عملیات و نحوه اجرای آن راساً توسط فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا (فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده سپاه پاسداران) گرفته می شد و نقش ستاد عملیاتی فرمانده نیروی زمینی از حد اظهار نظر و تهیه دستورهای عملیاتی بر مبنای تصمیمات ابلاغی فراتر نمی رفت.

به هر حال پس از اخذ تصمیم نهایی در مورد قرارگاه قدس، مراتب طی دستور جزء به جزء شماره ۴ در ۶۱/۲/۱۹ به آن قرارگاه ابلاغ گردید.

برابر این دستور، تیپهای ۲ زرهی لشکر ۱۶ و تیپهای بیت المقدس و امام رضا (ع) از سپاه پاسداران که روز گذشته دستور جدا شدن آنها از قرارگاه قدس داده شده بود کماکان در کنترل عملیاتی قدس باقی مانده و علاوه بر آن تیپهای ۳۷ زرهی و تیپ ۱ زرهی لشکر ۱۶ که در کنترل عملیاتی قرارگاه فتح قرار داشتند مجدداً به قرارگاه قدس واگذار گردیدند و به این ترتیب استعداد قرارگاه قدس به ۴ تیپ زرهی و یک تیپ پیاده ارتش و ۴ تیپ پیاده سپاه (جمعاً ۹ تیپ) بالغ گردید.

منطقه واگذاری به قرارگاه قدس از منطقه عمومی جنوب کرخه کور تا شمال جاده حسینیه توسعه یافت (مناطق شمالی قرارگاه فتح از حسینیه به بالا به قرارگاه قدس واگذار گردید).

مأموریت ابلاغی به قرارگاه قدس عبارت بود از پیشروی در منطقه به منظور اخذ تماس مجدد با دشمن و رسیدن به خط مرز در منطقه محوله و سپس پدافند در امتداد خط مرز (طلایه - کوشک - شمال پاسگاه کیلومتر ۲۵)

در اجرای این دستور قرارگاه قدس با تشکیل تیپهای ادغامی به نام قدس ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ از ساعت ۶ صبح روز ۶۱/۲/۱۹ برای اخذ تماس مجدد با دشمن در چهار محور به شرح زیر به پیشروی پرداخته و تیپ ۲ زرهی را در احتیاط قرار داد:

(نقشه شماره ۱۷ / صفحه ۲۲۲)

قدس ۱ (تیپ ۱ زرهی + تیپ بیت المقدس سپاه پاسداران) در منطقه بین ایستگاه آهو تا شمال حسینییه.
قدس ۳ (تیپ ۳ زرهی + تیپ نوهده سپاه پاسداران + گردان ۲۴۳ سوار زرهی) در محور قیصریه ، جفیر، طلایه قدیم و محور هویزه - کیاندشت - شهابی - طلایه قدیم.
قدس ۴ (تیپ ۵۸ ذوالفقار + تیپ ثارالله سپاه پاسداران + گردان ۲۵۲ سوار زرهی) در محور جاده اسفالته اهواز - حمیدیه - ایستگاه آهو - پاسگاه کوشک . و محور حمید - جفیر - طلایه جدید.
قدس ۵ (تیپ ۳۷ زرهی + تیپ امام رضا سپاه پاسداران) در منطقه شمال حسینییه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵.
قدس ۲ (تیپ ۲ زرهی) احتیاط قرارگاه قدس در حوالی جنوب ایستگاه آهو.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که در اواخر روز ۶۱/۲/۱۸ معلوم شد که یگانهای متجاوز از منطقه شمال جاده حسینییه تا حدود نقطه مرزی کوشک هم قطع تماس نموده و دست به عقب نشینی تا حوالی خط مرز زده و در خط سایر یگانهای خود در حوالی مرز مستقر گردیده اند و به این علت بود که یگانهای قدس ۱ و ۵ برای اخذ تماس مجدد با دشمن از پاسگاه ۲۵ تا کوشک در کنترل عملیاتی قرارگاه قدس قرار گرفتند.

طبق دستور قرارگاه کربلا یگانهای قرارگاه قدس میبایستی پس از وصول به خط دژها (۳ کیلومتری مرز) وضعیت پدافندی اتخاذ و با اعزام و گسترش نیروهای تأمین به جلو خط مرز را پوشش نماید.

علاوه بر این با در نظر گرفتن احتمالات و تحولات عملیاتی ، طی یک امریه جداگانه ، قرارگاه کربلا به قرارگاه قدس دستور داد که پیش بینیهای لازم را به منظور عملیات برون مرزی و تأمین هدفهای واگذار شده به آن قرارگاه در طرح عملیاتی کربلا ۳ (تأمین نشوه) به عمل آورد.

یگانهای قرارگاه قدس در روز (۶۱/۲/۱۹) به خط عمومی پاسگاه ژاندارمری کیاندشت در ، جفیر پادگان حمید رسیده و آماده عبور از این خط و ادامه پیشروی به سمت جنوب گردیدند.

در این روز دشمن در مناطق قرارگاههای نصر و فتح اقدام به هیچ گونه عمل آفندی ننموده و درگیری به صورت تبادل آتش در جریان بود و قرارگاه نصر با تغییر در سازمان رزمی و تغییر گسترش ، آماده اجرای عملیات احاطه خرمشهر گردید.

با آزاد شدن مناطق جنوب کرخه کور ، ژاندارمری ناحیه خوزستان پاسگاههای ژاندارمری حمید ، هویزه و حسینییه را اگر چه نیمه مخروبه شده بودند ولی به همان حال گشایش نموده و پرسنل ژاندارمری در آن مستقر گردیدند.
از نیروی هوایی خواسته شد که نیروی دشمن را که در محورهای منطقه جفیر در حال حرکت و عقب نشینی بودند هدف قرار داده و حرکات آنها را مختل نماید.

طبق طرح و تدبیر قرارگاه کربلا که طی دستور جزء جزء شماره ۳ در اولین ساعات روز ۶۱/۳/۱۹ این قرارگاه صادر شده بود ، قرارگاه نصر با دریافت ۴ تیپ اضافی (۲ تیپ ارتشی و ۲ تیپ سپاهی) مأموریت داشت برای احاطه و آزادسازی خرمشهر و همچنین تصرف خاکریز دژ مرزی تک نماید دستور اجرای این عملیات در ساعت ۲۲۴۵ همین روز به قرارگاه نصر ابلاغ گردید.

برای این عملیات قرارگاه مذکور یگانهای تابعه و ۴ تیپ تقویتی دریافتی از قرارگاه کربلا را به صورت زیر سازمان داده بود:

- نصر ۱: تیپ ۱ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۷ پیاده دزفول سپاه
 نصر ۲: تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۳۷ پیاده محمد رسول الله (ص) سپاه
 نصر ۳: تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۳۱ پیاده عاشورا سپاه
 نصر ۴: تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱
 نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهده + تیپ ۲۲ پیاده خرمشهر سپاه
 نصر ۶: تیپ ۴۶ پیاده فجر سپاه + گردان ۲۴۷ سوارزرهی لشکر ۲۱
 نصر ۷: تیپ ۵۵ پیاده هواپرد + تیپ ۲۵ پیاده کربلا سپاه
 نصر ۸: تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲
 نصر ۹: تیپ ۱۷ پیاده قم سپاه

در این زمان ، خط مقدم جبهه باختری قرارگاه نصر عبارت بود از خط دژها به فاصله ۳ کیلومتری خط مرز که توسط نصرهای ۱ و ۲ و ۳ اشغال شده بود و خط مقدم جبهه جنوبی در فاصله تقریبی ۱۲ کیلومتری خرمشهر و ۱۰ کیلومتری جاده آسفالت شلمچه - خرمشهر که عناصر نصرهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ در آن مستقر بودند.

در این عملیات ، تدبیر قرارگاه نصر این بود که در جبهه باختری با نصرهای ۱ و ۳ برای رساندن خود به خط مرز و در جبهه جنوبی با نصرهای ۳ و ۷ و ۵ و ۶ به ترتیب از راست به چپ برای احاطه و آزادسازی خرمشهر تک نماید. نصر ۲ عملیات نصر ۶ را حمایت نموده و نصر ۴ و ۸ و ۹ در احتیاط قرار داشتند.

طبق این تدبیر ، در جبهه جنوبی ، نصر ۳ در سمت راست ، عهده دار تأمین منطقه مرزی شلمچه و نصرهای ۷ و ۵ در مرکز مأمور احاطه خرمشهر از غرب و قطع کلیه راههای ارتباطی آن به طرف مرز بودند که این مأموریت با رسیدن آنها به کرانه اروندرود عملی میشد و بالاخره در سمت چپ نصر ۶ که عهده دار تک به خرمشهر و پاکسازی آن بود.

نقشه شماره ۱۸/صفحه ۲۲۴ طرح قرارگاه نصر را برای احاطه و تصرف خرمشهر در عملیات ۶۱/۲/۱۹ و ۶۱/۲/۲۰ نشان می دهد.

بخش چهارم

پیش به سوی خرمشهر

عملیات شب ۱۹ و روز ۲۰ اردیبهشت/۶۱ (شب دهم و روز یازدهم نبرد)

ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه روز ۱۹/۲/۶۱، قرارگاه کربلا با ابلاغ کد (بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله القاصم الجبارين، لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم، يا علي ابن ابی طالب) به قرارگاه نصر، فرمان آغاز حمله قرارگاه مذکور را به منظور احاطه و آزادسازی خرمشهر بر اساس دستور جزء به جزء شماره ۳ خود صادر کرد.

تا ساعت ۲۳ و ۱۰ دقیقه کلیه یگانهای تک و ور قرارگاه نصر با دشمن درگیر شده و نبرد سنگینی بین طرفین درگرفت نصر های ۱ و ۳ از خط دژها به سمت مرز تک نمودند. تا ساعت ۶ صبح خط دژ مرزی در منطقه قرارگاه نصر بجز قسمت کوچکی در جنوب آن در منطقه نصر ۳ (شمال شلمچه) تأمین شده و قرارگاه نصر در خط قرارگاه فتح قرار گرفته و به آن قرارگاه در امتداد این خط الحاق نمود.

در جبهه جنوبی نصرهای ۳ و ۵ و ۷ با مقاومت سنگین دشمن روبرو گردیده و تبادل آتش توپخانه ها شدید و به خصوص حجم آتش توپخانه عراقیها چشمگیر بود، با وجود تاریکی شب هواپیماهای عراقی فعال شده بودند به نحوی که قرارگاه نصر در ساعت ۲ بامداد تقاضای برقراری پوشش هوایی را نمود که مقدور نبود.

نصرهای ۵ و ۶ حدود ۳-۲ کیلومتر به سمت نهر عرایض پیشروی نموده ولی در اثر مقاومت و پاتکهای دشمن که با هجوم تانکهای زیاد صورت می گرفت متوقف شدند. نصر ۷ (تیپ ۵۵ هوابرد+ تیپ ۲۵ کربلا) با رشادت و فداکاری خود را تا نزدیکیهای سه کیلومتری جاده آسفالت خرمشهر-شلمچه رسانیده و عناصری از یگانهای سپاه پاسداران و تیپ ۵۵ هوابرد خود را به جاده خرمشهر - شلمچه رساندند؛ اما در اثر هجوم تانکها و شدت آتش و پایداری دشمن که با روشن شدن هوا هر دم افزایش می یافت نصر ۷ به عقب رانده شده ولی توانست خود را در شمال محور شلمچه- خرمشهر تثبیت نماید. نصر ۳ هم با پیشروی به سمت شلمچه خود را به ۱/۵ کیلومتری آن رسانید ولی آن هم به سبب مقاومت و آتش دشمن متوقف و تا حدودی به عقب رانده شد.

در این عملیات تلفات و ضایعات طرفین سنگین بود و یک فروند میگ عراقی در منطقه نصر ۵ سرنگون گردید. نتیجه عملیات شب ۱۹/۲/۶۱ و روز ۲۰/۲/۶۱ قرارگاه نصر عبارت بود از تأمین خط مرز در جبهه باختری و بین ۱ تا حداکثر ۳/۵ کیلومتر پیشروی در جبهه جنوبی. ارزیابی نتیجه این عملیات که با شرکت حدود ده تیپ از نیروهای سپاه ارتش انجام شده بود. نشان می داد که دشمن مصمم به پایداری سرسختانه بوده و کار فتح خرمشهر به سادگی میسر نخواهد بود.

فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا تصمیم گرفت با واگذاری نیروی اضافی به قرارگاه نصر و افزایش توان رزمی آن که در عملیات شب گذشته تقلیل یافته بود، مجدداً در شب بیستم به بیست و یکم اردیبهشت ماه با ادامه تک و مداومت فشار بر دشمن تلاش نماید که شلمچه را تأمین و خرمشهر را محاصره نماید.

در طول شب ۱۹ به ۶۱/۲/۲۰ نیروی هوایی بنا به درخواست سپاه پاسداران نیروهای تقویتی را به استعداد شش هزار نفر بسیجی با استفاده از هواپیماهای گول پیکر ۷۴۷ جامبوجت از مشهد به پایگاه هوایی امیدیه در خوزستان منتقل نمودند که این جابه‌جایی از نظر تعداد نفرات و سرعت و زمان کوتاه اجرا (فقط یک شب) یکی از عملیاتهای ترابری چشمگیر نیروی هوایی است. افراد بسیجی مذکور از پایگاه امیدیه به وسیله هلی کوپتر و وسایل نقلیه زمینی به جبهه منتقل و به یگانهای سپاه واگذار گردیدند.

در این روز ژاندارمری ناحیه خوزستان، پاسگاههای مرزبانی زیر را که در حاشیه شرقی هورالعظیم قرار داشتند، پس از ۱۹ ماه اشغال توسط دشمن، مجدداً برقرار نموده و پرسنل ژاندارم مجهز به تفنگ ۱۰۶ و خمپاره های ۶۰، ۸۱، ۸۲، ۱۲۰ میلی متری در آنها مستقر گردیدند :

- پاسگاه ژاندارمری یزدنو
- پاسگاه ژاندارمری کیاندشت
- پاسگاه ژاندارمری ساسان
- پاسگاه ژاندارمری اشکان
- پاسگاه ژاندارمری برزگر
- پاسگاه ژاندارمری خاتمی
- پاسگاه ژاندارمری شهابی

پاسگاه ژاندارمری شهابی تقریباً در جنوب غربی جفیر و شمال طلایه قدیم قرار داشت. پاسگاههای ژاندارمری یادشده بر خلاف انتظار توسط دشمن تخریب نگردیده و تماماً سالم بود.

در پایان روز ۶۱/۲/۲۰ یگانهای قرارگاه قدس بدون اخذ تماس با دشمن در حدود خط عمومی پادگان حمید - جفیر-پاسگاه برزگر مستقر شده و قدس ۳ که در محور جفیر - طلایه قدیم عمل می‌کرد از حوالی طلایه قدیم زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفته بود.

اما در منطقه قرارگاه فتح درگیری به صورت تبادل پراکنده آتش توپخانه جریان داشت.

پس از اعلام تصمیم فرماندهی مشترک قرارگاه کر بلا مبنی بر ادامه عملیات شب گذشته قرارگاه نصر در شب (۶۱/۲/۲۰)، دستور جزء به جزء دیگری به شماره ۵ تهیه و در ۶ بعد از ظهر همان روز به قرارگاههای سه گانه ابلاغ گردید.

برای قرارگاههای قدس و فتح در این دستور مأموریت تازه ای در نظر گرفته نشده بود به این معنی که قرارگاه فتح کماکان به پدافند از منطقه محوله خود و قرارگاه قدس به حرکت برای اخذ تماس ادامه می‌دادند و لذا دستور جزء بجزء شماره ۵ در حقیقت برای ابلاغ مأموریت (حمله مجدد برای احاطه خرمشهر) به قرارگاه نصر بود که در بعد از ظهر همان روز به طور شفاهی و توجیهی در جریان آن قرار گرفته بود.

طبق دستور جزء بجزء شماره ۵ برای اجرای مأموریت، ۵ گردان دیگر از نیروهای سپاه پاسداران به قرارگاه نصر واگذار گردید این گردانها عبارت بودند از :

۳ گردان پیاده از تیپ ثارالله جدا شده از قرارگاه قدس

۲ گردان پیاده از تیپ ۳۳ المهدی جدا شده از قرارگاه فجر

نکته قابل توجه در اینجا ، برداشت نیرو از یک جبهه و کاربرد آن در جبهه دیگر بود که اگر چه از نظر اصل صرفه جویی قوا در یک جبهه و تمرکز قوا در جبهه دیگر امری غیر منطقی از دیدگاه اصول جنگ نیست ولی در این مورد با توجه به اینکه نیروی اضافه ای نه تنها در قرارگاههای قدس و فتح و فجر وجود نداشت، بلکه کمبود نیرو هم وجود داشت نمی توان رعایت اصل صرفه جویی را به آن اطلاق کرد. برداشت ۵ گردان از سایر جبهه ها برای وارد عمل کردن در جبهه خرمشهر نشان از خالی شدن دست قرارگاه کربلا از نیرو و در آن وضعیت آخرین تیری بود که قرارگاه کربلا برای احاطه خرمشهر بزحمت بجانب دشمن می انداخت. نظر به کمبود نیرو ناشی از پایین بودن استعداد پرسنلی گردانها علاوه بر این ۵ گردان یک گردان از تیپ ۸ نجف و یک گردان هم از تیپ ۱۴ امام حسین (ع)؛ یعنی در نهایت ۷ گردان تقویتی و به اصطلاح تازه نفس به قرارگاه نصر واگذار شد. قرارگاه یاد شده با این ۷ گردان و ۳ گردان دیگر از تیپ ۱۷ قم که احتیاط آن قرارگاه بود نصرهای ۲ و ۳ را هر یک با ۵ گردان پیاده سپاه و نصر ۷ را با تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ تقویت نمود. به طور خلاصه قرارگاه نصر با بکار بردن نصرهای ۲ و ۳ و ۷ در خط ، نصرهای ۴ و ۹ در احتیاط مجدداً برای تأمین شلمچه و احاطه خرمشهر از غرب تک می نمود. نصرهای ۱ و ۵ و ۶ در مواضع مربوطه به پدافند ادامه می دادند.

بخش پنجم

ادامه تلاش‌ها برای رسیدن به خرمشهر

عملیات روز ۲۱/اردیبهشت/۶۱ (روز دوازدهم نبرد)

ساعت ۲۳ و ۱۰ دقیقه روز ۲۱/۶۱ قرارگاه کربلا با اعلام کد (یا علی ابن ابی طالب) به قرارگاه نصر، دستور داد که هجوم خود را به دشمن آغاز نماید.

اما در قرارگاه نصر اعلام کد حمله به یگانهای تابعه به تعویق افتاد؛ زیرا پاره‌ای از آنها دارای مشکل ادغام و عدم هماهنگی و آمادگی برای اجرای مأموریت بودند در ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه نصر ۲ به قرارگاه نصر گزارش داد که گردانهای تقویتی که قرار بود از تیپهای ثارالله، نجف و امام حسین(ع) واگذار شوند هنوز نیامده اند. نصر ۳ نیز به علت مشکلاتی از این قبیل اعلام عدم آمادگی کرد. تاخیر نصر ۳ روی عملیات نصرهای ۲ و ۷ که همجوار آن بودند تأثیر منفی داشت. باتوجه به تأخیر افتادن شروع عملیات، زمان باقیمانده تاریکی شب تا روشنایی روز برای اجرای عملیات و تأمین هدفها کافی نبود؛ زیرا تجربه‌های عملیاتی نشان داده بود که یگانهای تک‌ور ما که با استفاده از عامل تاریکی و غافلگیری در شب کفایت رزمی خوبی داشتند. با شروع روشنایی روز به علت دید و تیر دشمن قدرت عملیاتی آنها تقلیل یافته و بسیار آسیب پذیر و شکننده می شدند و برعکس عراقیها در روز خیلی بهتر از شب می جنگیدند و نیروهای زرهی آنها کارایی نشان می داد و به‌خصوص که نیروی هوایی آنها هم وارد عمل می شد. لذا نیروهای ما همیشه درصدد بودند هدف خود را در طول تاریکی شب تأمین و حداقل با روشنایی روز به تحکیم و تثبیت آن بپردازند.

فرمانده لشکر ۲۱ پیاده این موضوع را با فرمانده نیروی زمینی و فرمانده همتای خود از سپاه پاسداران مطرح و پیشنهاد نمود که بهتر است برای آمادگی بیشتر، عملیات به شب بعد موکول شود؛ چون این عملیات اگر دیر شروع می شد نیمه تمام می ماند و در روز هم به احتمال قوی قادر به ادامه آن نبودند. فرمانده نیروی زمینی با نظر فرمانده لشکر ۲۱ موافقت داشت ولی به‌هرحال در مورد تعویق عملیات توافق نشد و بعضی از یگانها هم حرکت کرده و نزدیک به درگیری بودند و به نصر ۳ دستور داده شد بهر نحو که شده حتی بدون ادغام حمله خود را شروع کند.

بالاخره در ساعت ۲ و ۶ دقیقه بامداد (روز ۲۱/۶۱) قرارگاه نصر کد هجوم و درگیری با دشمن را به یگانها ابلاغ نمود. نصرهای ۲ و ۳ و ۷ ضمن درگیری شدید با دشمن پیشروی نموده و در ساعت چهار و چهل دقیقه بامداد عناصر نصر ۷ (تیپ ۲۵ کربلا + تیپ ۵۵ هواپرد) به جاده آسفالت شلمچه رسیده آن را قطع کردند ولی با مقاومت بسیار شدید و پاتکهای سنگین دشمن روبرو و پیکاری سخت و خونین در حوالی جاده مزبور در گرفت که در نهایت نصر ۷ نتوانست جاده را نگه دارد و به مواضع اولیه خود عقب زده شد.

نصرهای ۲ و ۳ نیز علی‌رغم تلاش بسیار کاری از پیش نبردند و مقاومت و فشار دشمن سنگین تر از توان آنها بود به‌رحال نصر ۲ توانست قسمت دیگری از خط مرز را در شمال شلمچه تأمین و نصر ۳ در حدود ۱ کیلومتری شمال شلمچه متوقف گردید.

نصرهای ۵ و ۶ از خاکریز سیل بند خرمشهر که دشمن آن را خالی کرده بود عبور کرده به سمت نهر عریض رفتند؛ اما مقاومت دشمن مانع از نزدیک شدن آنان به نهر عریض گردید.

خاکریز سیل بند خرمشهر سالها قبل از جنگ در شمال خرمشهر (حدود سلمانیه) به منظور جلوگیری از جریان سیلابی کارون به داخل خرمشهر به طور شرقی غربی از کناره کارون تا جاده اهواز - خرمشهر ایجاد شده بود. دشمن با تحکیم این خاکریز آن را به صورت یک موضع مستحکم برای پدافند از منطقه خرمشهر سازمان داده و اشغال نموده بود و خاکریز ۱۶ کیلومتری که در شب دوم عملیات بیت المقدس نصر ۳ در جناح جنوبی خود زد بموازات همین خاکریز سیل بند بود.

دشمن خاکریز دیگری پایین تر از این خاکریز سیل بند و به موازات آن از مارد تا جاده خرمشهر زده بود که به صورت یک موضع پدافندی در عمق سازمان یافته بود. در جلو هر دو خاکریز فوق و در تمامی طول آنها دشمن میداین مین عمیقی نیز احداث کرده بود.

به احتمال قریب به یقین با اجرای عملیات شب ۶۱/۲/۱۹ و پیشروی قرارگاه نصر در غرب جاده اهواز - خرمشهر به سمت جنوب و رد شدن از امتداد خاکریز سیل بند، عراقیها دیگر این مواضع مستحکم را دارای ارزش ندانسته و آن را تخلیه و به خاکریز مارد عقب نشینی کرده بودند.

نصرهای ۵ و ۶ پس از عبور از خاکریز سیل بند و برخورد با میدان مین جلوی خاکریز مارد (که انتظار آن را نداشتند) پیشروی آنان به سمت نهر عریض مقدور نگردید. حدود ساعت چهار صبح اطلاع رسید که دشمن احتمالاً از خاکریز مارد هم عقب نشینی کرده است فرمانده نیروی زمینی برحسب پیشنهاد، به افسر مهندسی دستور داد که یک پل شناور در منطقه مارد نصب کند تا نسبت به عبور نیرو از کارون برای حمله به نیروهای عراقی در منطقه خرمشهر اقدام گردد که چنین امری واقعیت نداشت و مقاومت عراقیها مانع از پل زدن گردید.

عملیات قرارگاه کربلا در شب ۶۱/۲/۲۱ نتیجه‌ای به بار نیاورد و هیچ یک از هدفهای مورد نظر تأمین نگردید. هم چنین مشخص گردید که برخلاف پاره‌ای شایعات و اخبار نه تنها عراق از خرمشهر عقب نشینی نکرده است، بلکه مصمم به پایداری سرسختانه در نگهداری این شهر بوده و به این سادگی تسلیم نخواهد شد و به این ترتیب دومین حمله هم به سوی شلمچه و خرمشهر ناکام ماند.

حدود ۱۰ صبح روز ۶۱/۲/۲۱ جلسه ای با شرکت فرمانده نیروی زمینی ارتش، فرمانده کل سپاه، تعدادی از فرماندهان قرارگاه نصر اعم از ارتشی و سپاهی، مسئولان اطلاعات و عملیات سپاه و نگارنده از بخش عملیات قرارگاه مقدم به منظور بررسی وضعیت قرارگاه نصر و چگونگی ادامه عملیات برای آزادسازی خرمشهر در پاسگاه فرماندهی نصر ۱ تشکیل شد. در این جلسه حجت الاسلام صادق خلخالی قاضی شرع و نماینده مجلس شورای اسلامی حضور داشت.

پاسگاه فرماندهی نصر ۱ واقع در کنار جاده اهواز - خرمشهر در حوالی ایستگاه گرم‌دشت عبارت بود از دو سنگر تودرتوی سرپوشیده و کوچک متعلق به متجاوزان عراقی که در مرحله دوم عملیات بیت المقدس به دست نصر ۱ افتاده بود.

هر یک از این دو سنگر ابعادی بیش از ۲ در ۳ متر نداشتند و یکی از آنها توسط راه پله باریکی به بیرون مربوط می شد. هوای داخل سنگر به شدت گرم و دم کرده بود و در گوشه آن چند دستگاه بیسیم روشن قرار داشت که گاه صدایی از آن

برمی خواست و پیامی مبادله می شد. هواپیماهای دشمن هر چند لحظه یکبار در آسمان منطقه ظاهر شده و بمبهای خوشه ای فرو می ریختند و جنگ افزارهای پدافند هوایی به سوی آنها شلیک می کردند. در فاصله نه چندان دور، صدای غرش توپخانه مدام به گوش می رسید و گاه گلوله های توپخانه دشمن که منطقه را زیر آتش داشتند نزدیکی های این محل اصابت کرده و با صدای مهیبی منفجر می شدند.

در فضای کوچک و نیمه تاریک این دو سنگر که با قطعه ای برزنت مفروش شده بودند، حاضران که بیش از ۵۰ نفر بودند با قیافه های خسته و چشمان قرمز ناشی از بیخوابی، اینجا و آنجا و درهم و برهم روی زمین نشستند و تنی چند نیز در گوشه و کنار از شدت خستگی به خواب رفته بودند و در یکی از این دو سنگر، گرد قطعه نقشه ای که روی زمین پهن شده بود، فرماندهان قرارگاه کربلا و یگانهای قرارگاه نصر و مسئولان اطلاعات و عملیات و تعداد زیاد دیگری از افراد سپاه نشستند.

معلوم نبود که آیا اصولاً حضور این تعداد در این جلسه ضروری است و به وجود همه آنان که در فضای تنگ گرد آمده اند نیازی هست یا خیر، به هر حال چیزی که دیگر عادی شده بود حضور بی دلیل افراد زیادی در هر جلسه شور ستادی بود که به نظر می رسید بیشتر نقش تماشایی را دارند تا دارای مسئولیتی باشند.

مشخص نبود که آیا برای تشکیل یک جلسه شور ستادی حساس و سرنوشت ساز برای یافتن راه کار و چاره اندیشی و أخذ تصمیم جز چنین مکان تنگ و شلوغ و ناراحتی که جا برای نشستن و هوا برای نفس کشیدن نبود محل مناسب دیگری وجود نداشته است.

به اعتقاد نگارنده یکی از مشکلات مؤثر در جلسات شورهای ستادی مشترک در عملیات، برگزاری اکثر آنها در شرایط نامناسب زمانی و مکانی (بدون اینکه دلیل موجهی برای آن باشد) بوده است.

هیچ کس نه مدعی است و نه می تواند باشد که برای تصمیم گیریهای عملیاتی باید الزاماً، فضایی آرام، دلپذیر، آراسته، مبله شده و آن هم صدها کیلومتر دورتر از جبهه باشد و جماعتی فارغ از هر گونه رنج میدان نبرد و شدت سختیها و مرارتی که رزمندگان با آن مواجهند با آسودگی و راحتی کامل بنشینند، بیاشامند، بخورند و بخوابند تا تصمیمی بگیرند، نه کسی چنین ادعایی ندارد اما واقعیت اینکه یک حداقل راحتی جسمی و روانی به تمرکز فکر و حواس و افزایش حوصله و شکیبایی انجامیده و به تجزیه و تحلیل بهتر و أخذ تصمیمات مناسب تر ختم می گردد.

به نظر نگارنده، تشکیل جلسات شور ستادی فرماندهان در شرایط زمانی و مکانی مناسب که یک آرامش فکری و جسمی حداقل را برای شرکت کنندگان در برداشته باشد دارای بازدهی و سود بیشتر به نفع رزمندگان خواهد بود تا اصرار و تعمد در اینکه این جلسه حتماً در سنگر کوچکی نزدیک خط مقدم برگزار شود. (بدون اینکه ضرورتی داشته باشد) به ویژه برای أخذ تصمیمات مهم و سرنوشت سازی در سطوح بالا و عالی فرماندهی.

موضوع بحث و بررسی جلسه یاد شده این بود که چگونه با تقویت قرارگاه نصر با یگانهای بیشتری، حمله به سوی خرمشهر و شلمچه ادامه یابد و یا به زبان نظامی مداومت فشار بر دشمن حفظ گردد؛ اما مشکل عمده یک چیز بود و آن اینکه از چه منبعی و از کجا نیروی مورد نیاز برداشته شود؟ بعضی از فرماندهان مدعی بودند که با دریافت نیروی بیشتر این بار دیگر حتماً خرمشهر و شلمچه را خواهند گرفت و متقابلاً پاره های دیگر از فرماندهان به خستگی و فرسودگی توانفرسای پرسنل اشاره داشتند؛ اما فرمانده نیروی زمینی علاقه مند بود که به هر نحو حملات به سوی خرمشهر بدون وقفه ادامه یابد. ولی به هر حال فرسودگی واحدها و نبود نیروی تازه نفس عواملی بودند که نمی شد آنها را نادیده گرفت. نکته این بود که دو حمله ای که به

سوی خرمشهر و با تمرکز نیروی مقدور صورت گرفته بود نتیجه مثبتی نداشت، حال چگونه ممکن بود که با وارد عمل کردن مثلاً دو سه گردان دیگر هدفی را که بیش از ۹ تیپ نتوانسته بودند بگیرند تأمین نمود.

نگارنده به عنوان افسر عملیات نیروی زمینی با اشاره به فرسودگی و خستگی بیش از حد یگانها پس از دوازده روز پیکار مداوم و اجرای دو حمله سنگین به طرف خرمشهر در دو شب پیاپی و نیاز قاطع و اصولی رزمندگان به استراحت و تجدید قوا، لزوم تجدید نظری را هم در طرح حمله به خرمشهر چه از نظر مانور و چه از نظر تجدید سازمان یگانها و توسعه شناساییها یادآوری نموده و مسئله (مداومت فشار بر دشمن) را در وضعیت و شرایط موجود نیروی خودی یک نوع لجاجت در عملیات که احتمال توفیقی هم در آن نیست، دانسته و سرانجام پیشنهاد نمودم که ضمن فرصت دادن به یگانها برای تجدید قوا و تجدید سازمان، بررسی دیگری در طرح حمله به خرمشهر صورت گرفته و متناسب با وضعیت، تغییراتی در آن داده شود و به ویژه بر این نکته پافشاری نمودم که به واحدهای عمل کننده باید فرصت بیشتری برای شناسایی از منطقه مربوطه داده شود.

بالاخره پس از بحث و گفتگوی فراوان، فرماندهان مشترک موافقت نمودند که فعلاً دو سه روزی ادامه حمله به سوی خرمشهر متوقف گردیده و یگانها به تجدید قوا و تجدید سازمان و شناسایی منطقه پرداخته و پس از کسب آمادگی بیشتر، حمله به سوی خرمشهر از سر گرفته شود.

شایان ذکر است که موافقت فرمانده محترم سپاه با این پیشنهاد، موافقت فرمانده نیروی زمینی را هم به دنبال داشت.^۱ در روز ۶۱/۲/۲۱ درگیری در قرارگاههای فتح و نصر به صورت تبادل آتش شدید توپخانه ادامه یافت که در جناح جنوبی قرارگاه نصر از شدت بیشتری برخوردار بود.

نیروهای قرارگاه قدس آماده می شدند که به پیشروی خود در منطقه عمومی جفیر ادامه دهند. قدس ۳ در سمت راست قرارگاه قدس (حد فاصل جفیر تا هورالعظیم) عمل میکرد و گروه رزمی محمدی (گردان ۲۴۳ سوار زرهی و عناصر ژاندارمری) از یگانهای این قرارگاه (قدس ۳) در حوالی پاسگاه ژاندارمری شهابی با عناصر دشمن تماس حاصل نمود در حالی که سایر یگانهای قدس با دشمن هنوز تماس نگرفته بودند.

گزارشهای اطلاعاتی که بر مبنای اظهارات اسرا و پناهندگان و تفسیر تازه ترین عکسهای هوایی تهیه گردیده بود حاکی از این بود که دشمن پس از عقب نشینی از کرخه کور و جفیر مواضع پدافندی خود را در امتداد مرز کوشک - طلایه در سه رده به شرح زیر سازمان داده است:

رده یکم پدافند شامل نیروهای تأمینی در شمال خط مرزی کوشک-طلایه

رده دوم پدافند نیروهای اصلی پدافندی در امتداد خط مرز کوشک-طلایه شامل لشکر ۶ زرهی و یگانهای تقویتی

پیاده و مکانیزه و زرهی از لشکرهای دیگر.

(-)

/

//

//

//

//

//

//

رده سوم پدافند در امتداد کانال آب (کانال مصنوعی پرورش ماهی) شمال بصره و با استفاده از یگانهای زرهی -

پیاده و مکانیزه.

همچنین در جبهه کوشک شلمچه (امتداد شمالی و جنوبی مرز) نیز دشمن سه رده پدافندی سازمان داده بود که رده اول و دوم آن در امتداد خط مرز و رده سوم پدافندی در شرق کانال ماهیگیری و شمال بصره قرار داشت. بیشترین تمرکز نیروی دشمن در این جبهه اخیر، در شلمچه و مناطق شمالی آن قرار داشت تا هم از محاصره خرمشهر و هم تهدید بصره جلوگیری نماید.

بخش ششم

در تکاپوی فتح خرمشهر

جئنا لنبقی (آمده ایم که بمانیم)

یکی از شعارهای متجاوزین عراقی روی دیواری در خرمشهر

تجدید نظر در طرح اولیه

در اواخر شب (۶۱/۲/۲۱) فرمانده نیروی زمینی ضمن تشکیل یک شور ستادی با افسران اطلاعات و عملیات خود در قرارگاه کربلا، آنان را در جریان نتایج جلسات مشترک روز جاری خود با سپاه پاسداران در زمینه نقطه نظرها و تدابیر عملیاتی برای ادامه عملیات فتح خرمشهر و همچنین تکمیل مأموریت طرح کربلای ۳ و تصمیمات مشترک اتخاذ شده در این زمینه ها قرار داده و در پایان دستور داد این تدابیر و تصمیمات طی دو دستور جزء بجزء جداگانه تهیه ولی با هم جهت اجرا به یگانها ابلاغ گردد. اولین دستور مربوط به تأمین خرمشهر و دومین دستور مربوط تهیه مقدمات برای تکمیل مأموریت طرح کربلای ۳ (اجرای مراحل سوم و چهارم آن) بود، خلاصه ای از تدابیری که باید در این دستورها گنجانیده شود عبارت بودند از:

علاوه بر یگانهای تقویتی قبلی، تیپ ۱۴ پیاده امام حسین هم در اختیار قرارگاه نصر گذارده شده و قرارگاه مذکور آماده باشد تا بنا به دستور برای تأمین شلمچه و خرمشهر تک نماید. قرارگاه قدس ضمن ادامه مأموریت فعلی خود برای اخذ تماس با دشمن و تأمین خطوط مرزی در منطقه مربوطه، منطقه پدافندی قرارگاه فتح را هم سریعاً تحویل بگیرد.

قرارگاه فتح پس از رهایی از مسئولیت پدافندی، به عنوان احتیاط قرارگاه کربلا در حوالی حسینییه مستقر گردیده و به افزایش توان و کارایی رزمی خود بپردازد.

اما تصمیم گرفته شده برای تکمیل مأموریت طرح کربلا ۳ که در دومین دستور بایستی منظور گردد به شرح زیر بود:

قرارگاه قدس و نصر پدافند از کلیه مناطق آزادشده در عملیات بیت المقدس عهده دار شده و قرارگاه تقویت شده فتح بنابه دستور یا از منطقه قرارگاه قدس و یا از منطقه قرارگاه نصر وارد عمل شده و به سوی شرق بصره تک می نماید.

با اینکه تدابیر یاد شده به صورت تصمیم فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا به ستاد ابلاغ گردیده بود، مع هذا نگارنده از فرماندهی نیروی زمینی اجازه خواست نظرات خود را در این زمینه ارائه نماید.

اهم مواردی که در طی یک بحث طولانی به آن اشاره گردید به شرح زیر بود:

اولاً در حالی که هنوز قرارگاه قدس با دشمن تماس حاصل نکرده و وضعیت آن مبهم است و مشخص نیست که آیا می تواند خطوط مرزی را تأمین نماید یا خیر و بفرض توفیق در این کار هم معلوم نیست که در برابر واکنشهای احتمالی دشمن در طول خط مرز چه وضعیتی خواهد داشت و همچنین با توجه به اینکه هم اکنون قرارگاه نصر در فشار شدید متجاوز قرار داشته و در نگهداری مواضع و خط مرز متصرفی خود در زحمت است. تقلیل نیروهای پدافندی ما در خط مرز با خارج کردن قرارگاه فتح مناسب نبوده و واگذاری منطقه پدافندی بزرگتری به قرارگاه قدس، توان رزمی و کفایت عملیاتی

این قرارگاه را در مأموریتی که در حال انجام آن است کاهش خواهد داد. در حال حاضر خط پدافندی در طول قسمتهایی از خط مرز که فعلاً تأمین گردیده است با تحرکات و تقویت‌هایی که دشمن انجام می‌دهد و مسئولان اطلاعاتی، مرتباً آنها را گوشزد می‌نمایند چندان قابل اطمینان نیست و لذا خارج کردن قرارگاه فتح از سازمان پدافند و توسعه منطقه مسئولیت پدافندی قرارگاه قدس (در حالی که درگیر مأموریت أخذ تماس با دشمن بوده و از این لحاظ وضعیت مبهمی دارد)، به تضعیف بیش از پیش خط پدافندی کلی منجر خواهد گردید و هر گونه اقدام برای ادامه عملیات، خواه به سوی خرمشهر و خواه به طرف شرق بصره بایستی پس از حصول اطمینان از کفایت پدافند در دیگر نقاط جبهه باشد.

ثانیاً با وضعیت موجود قرارگاه نصر و ادامه مقاومت و پایداری دشمن به صورت فعلی و سرسختی که در نگهداری خرمشهر نشان می‌دهد به نظر نمی‌رسد که با واگذاری تیپ ۱۴ امام حسین (ع) هم تغییر وضعیت محسوس و تعیین کننده ای برای قرارگاه نصر به وجود آید. هر چند که تیپ ۱۴ امام حسین (ع) دارای سوابق درخشانی در طریق القدس و فتح المبین بوده و قهرمانیها آفریده و احتمال دارد که این بار هم کارساز باشد ولی وضعیت ایجاب می‌نماید که بررسی بیشتری برای چگونگی فتح خرمشهر صورت گیرد.

ثالثاً در حالی که هنوز نتیجه اولین دستور از نقطه نظر نتایج مثبت یا منفی آن روشن نشده و معلوم نیست که قرارگاه نصر و یا به طور کلی نیروهای ما در پایان عملیات خرمشهر دارای چه وضع و موقعیتی هستند نمی‌توان از هم اکنون به صدور دستور بعدی مبادرت ورزید. فرضاً اگر قرارگاه قدس قبل از رسیدن به مرز در اثر مقاومت و عکس‌العمل دشمن متوقف گردد، نمی‌تواند پدافند قابل اطمینانی را در یک جبهه طولانی و وسیع سازمان دهد. مختصر اینکه تا وضعیت قرارگاه قدس از نظر برقراری تماس مجدد با دشمن و تأمین خط مرز روشن نشده و تکلیف قرارگاه نصر و فتح خرمشهر مشخص نگردیده باشد هم خارج ساختن قرارگاه فتح از سازمان پدافندی فعلی خطرناک است و هم صدور دومین دستور عملیاتی مناسبی نخواهد داشت.

همچنین نگارنده در زمینه عملیات در بیرون مرزها و تفاوتها و اختلافات آن با عملیات درون مرزی به تفصیل صحبت نموده و به این نکته اشاره کردم که عملیات برون مرزی بایستی بر مبنای برآوردها و اطلاعات استراتژیک دقیق و حقیقی از واقعیات نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی دشمن و همچنین حمایتها و پشتیبانیهای مؤثر داخلی و خارجی (ملی، منطقه‌ای، فرمانطقه ای) که رژیم دشمن از آن برخوردار است طرحریزی گردیده و تحمّل و ظرفیت منابع دولت خودی در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور در رابطه با ادامه جنگ در خارج از مرزها و احتمال طولانی شدن آن دقیقاً تجزیه و تحلیل و ارزیابی گردد و نکته مهم اینکه جنگ فرامرزی و آثار آن با نبرد درون مرزی مشابه نبوده و بایستی قبلاً مطالعه و بررسی فراوانی روی آن صورت گرفته و برآوردهای کافی و استراتژیک بر مبنای اطلاعات دقیق و کافی از امکانات و مقدرات خودی و دشمن تهیه شده و نتایج و دستاوردهای عملیات اعم از مثبت یا منفی مشخص و ارزیابی شود آنگاه به طراحی عملیات پرداخت و این نتیجه را عنوان نمودم که اولاً مقدرات فعلی نیروهای مسلح و تنگناهای لجستیکی آن برای عملیات برون مرزی مورد نظر نشان از کفایت نمی‌دهد و ثانیاً ملاحظات سیاسی-استراتژیکی در عملیات در داخل خاک عراق باید مورد توجه ویژه قرار گیرد و نهایتاً تهیه دستور جزء به جزء دوم باید موکول به بررسیهای دقیق و استراتژیک از وضعیت خودی و دشمن باشد.

فرمانده نیروی زمینی در پاسخ، دلائل و علل تدابیر و تصمیمات اتخاذ شده را تشریح نموده و شرایط حاکم بر میدانهای جنگ ایران و عراق را در بسیاری از موارد تابع قواعد و قوانین کلاسیکی جنگ ندانسته و اعتقاد خود را مبنی بر

پیدایش عوامل و پدیده های تازه و نوین در این جنگ که با ارزیابی ها و محاسبات متداول و معمول آکادمیک و روشهای شناخته شده عملیاتی مغایرت دارند ، بیان نموده و نهایتاً نظرهای ابراز شده را نپذیرفت.

تعدادی از افسران در عقیده خود به ویژه وجود ضعف در خطوط پدافندی و مبهم بودن وضعیت قرارگاههای نصر و قدس اصرار ورزیدند ولی فرمانده نیرو و تصمیمات خود را قطعی دانسته و بالاخره اعلام داشت در صورت ادامه بحث شخصاً به تهیه دستورهای جزء به جزء و ابلاغ آنها به یگانها اقدام خواهد نمود.

در برابر این تصمیم قاطع و مؤکد فرمانده نیروی زمینی، بخش عملیات قرارگاه کربلا بر مبنای تصمیمات و تدابیر یاد شده دو دستور جزءبجزء متوالی به شماره های ۶ و ۷ را در اولین ساعات روز ۶۱/۲/۲۲ تهیه و به قرارگاههای سه گانه ابلاغ نمود.

در دستور جزء به جزء اول (شماره ۶) قرارگاه قدس موظف گردیده بود ضمن حرکت برای اخذ تماس و تأمین خط مرز از روز ۶۱/۲/۲۲ به تعویض قرارگاه فتح اقدام نموده و پدافند از منطقه قرارگاه فتح را نیز عهده دار شود.

در این دستور به قرارگاه فتح اعلام گردید که تیپ ۱۴ امام حسین را به قرارگاه نصر واگذار و خود در اختیار قرارگاه کربلا قرار گیرد. و به قرارگاه نصر مأموریت داده شد که آماده گردد بنا به دستور برای تأمین شلمچه و خرمشهر تک نماید. برابر تدبیر عملیاتی در دستور جزء بجزء شماره ۷ ، در حالی که قرارگاههای قدس و نصر در طول خط مرز طلایه-کوشک-شلمچه پدافند می کردند قرارگاه فتح از منطقه قدس یا منطقه نصر در شرق بصره تک نموده و با پیشروی به سوی شط العرب به تهدید بصره می پرداخت.

پس از ابلاغ این دو دستور جزء به جزء متوالی و توأم به قرارگاههای سه گانه ، قرارگاه قدس گزارش نمود که با استعداد فعلی پس از تأمین خط مرز قادر به پدافند در طول خطوط مرز واگذاری (زید-کوشک-طلایه) نیست و تقاضای تجدید نظر در مأموریت واگذاری نمود.

عملیات روزهای ۲۲ تا ۲۴ اردیبهشت/۶۱ (روزهای سیزدهم تا پانزدهم نبرد)

در روزهای ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه درگیری عمده ای بین طرفین نبود ، هر دو طرف در مناطق خود تثبیت و به تحکیم مواضع اشتغال داشتند اخبار به دست آمده حکایت از تقویت بیشتر نیروهای عراقی در طول خط مرز به ویژه منطقه شلمچه و خرمشهر داشت.

در روز ۲۳ اردیبهشت طبق دستور فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا به قرارگاه فجر ابلاغ گردید که یک تیپ پیاده به اضافه یک گردان توپخانه و همچنین تیپ امام سجاد (ع) سپاه پاسداران را سریعاً به منطقه عملیاتی بیت المقدس نقل مکان داده و در اختیار قرارگاه کربلا قرار دهد و مأموریت و کاربرد این یگانها متعاقباً اعلام خواهد شد.

همین جا لازم به توضیح است که یگانهای فوق الذکر برای تقویت نیروی شرکت در عملیات آزادسازی خرمشهر در نظر گرفته شده بودند.

قرارگاه فجر ضمن اقدام در اجرای دستور فوق ، طی گزارشی به قرارگاه کربلا اعلام داشت که قبلاً تیپهای ۱۷ قم و ۳۳ المهدی از این قرارگاه جدا و اینک با واگذاری دو تیپ دیگر به قرارگاه کربلا ، استعداد فجر در حد چهار تیپ تقلیل یافته و استعداد باقیمانده برای پدافند از منطقه وسیع آزادشده در عملیات فتح المبین در مقایسه با نیروهای دشمن و تهدیدات احتمالی کافی نیست.

فرماندهی قرارگاه کربلا نظر به نیاز به نیروی تازه نفس و اضافی برای عملیات آزادسازی خرمشهر در حقیقت چاره ای جز صرفه جویی در قوای بیشتر در قرارگاه فجر یا حتی قبول نوعی ریسک نداشت؛ البته قرائن موجود هم نشان می داد که عراق نمی تواند با درگیری که در منطقه عملیاتی بیت المقدس دارد خطر و تهدید بزرگ و جدی در مناطق آزاد شده فتح المبین ایجاد نماید.

درخواست قرارگاه فجر مبنی بر تجدید نظر در ترمیم و یا واگذاری یگانهایی از سپاه پاسداران به جای واحدهای جدا شده پذیرفته نگردید و به قرارگاه مزبور دستور داده شد با یگانهای باقیمانده و تلاش بیشتر خط پدافندی محوله را حفظ نماید. لشکر ۷۷ تیپ ۳ پیاده خود را به فرماندهی سرهنگ اسلوبی برای این مأموریت تعیین و یگان یاد شده آماده عزیمت به منطقه قرارگاه نصر گردید.

روز ۲۳ اردیبهشت ماه در تهران جانشین وقت فرمانده نیروی زمینی با معاونت اطلاعات و عملیات نیرو و تعدادی از افسران معاونت مزبور یک شورشادی برای بررسی و پیدا کردن راه کار مناسب به منظور ادامه عملیات طرح کربلا ۳ و آزادسازی خرمشهر برگزار نموده و طی گزارشی پیشنهادهای زیر را به فرماندهی قرارگاه کربلا ارائه نمودند:

۱. راه کار یکم

ضمن تثبیت متجاوز در منطقه قرارگاه نصر ، قرارگاههای فتح و قدس تک نموده دشمن را منهدم و خط مرزی را از طلایه تا کیلومتر ۲۵ تأمین و بنابه دستور به منظور تهدید بصره تک به سمت غرب ادامه می یابد. در این صورت ما فکر می کنیم با تهدید بصره دشمن سعی خواهد نمود نیروهای خود را از خرمشهر خارج و به سمت بصره حرکت دهد و جلو نیروهای نصر به این ترتیب آزاد می گردد. در صورت ادامه تک به طرف بصره و تصرف قسمتی از سرزمینها و قطع راه تدارکاتی دشمن، می توان امتیاز عمده ای در منطقه کسب نمود و در صورت رسیدن به کانال پرورش ماهی در شمال بصره، می توان با استفاده از این مانع آبی با نیروهای کمتری پدافند نموده و با صرفه جویی در قوا ، به قرارگاه نصر کمک کرد.

۲. راه کار دوم

دشمن را در منطقه قرارگاههای قدس و نصر تثبیت و ضمن تقویت قرارگاه فتح تک نموده و خط مرز از کوشک تا کیلومتر ۲۵ تأمین و تک را به منظور تهدید بصره به سمت غرب ادامه دهیم که در این صورت با استفاده از توان رزمی بیشتر خط پدافندی فعلی دشمن را در منطقه شکافته و با قطع راه تدارکاتی و تهدید عقبه ، دشمن را محاصره نماییم. در صورت رسیدن به کانال پرورش ماهی شمال بصره می توان در امتداد کانال پدافند نموده و با برداشت نیرو و کمک به نیروهای قرارگاه نصر از گنجی و سردرگمی دشمن استفاده نموده و نیروهای آن را اسیر یا منهدم نماییم. استفاده از گلوله های دود انگیز و با حجم زیاد و به صورت توده به منظور استفاده پوشش نفرت در شکافتن مواضع پدافندی متجاوز در هر دو راه کار فوق و عملیات جاری توصیه می گردد.

ملاحظه می شود که در راه کارهای فوق ، ادامه تک در باختر مرز و تهدید شرق بصره به عنوان عملی که شدت پایداری دشمن را در نگهداری خرمشهر کاهش داده و یا خنثی خواهد نمود در نظر گرفته شد و در واقع تهدید بصره راه کاری است برای باز کردن گره کور فتح خرمشهر. این راه کارها در واقع به تهدید شرق بصره نسبت به آزادسازی خرمشهر تقدم داده شده بود.

در حالی که در راه کار انتخابی فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا که در تشریح دستوره‌های جزء به جزء شماره ۶ و ۷ به آن اشاره کردیم فتح خرمشهر در اولویت قرار گرفته و تهدید شرق بصره (اجرای مراحل سوم و چهارم طرح کربلا ۳) به بعد از آن موکول گردیده بود. و این تفاوت کلی راه‌های کار پیشنهادی جانشین وقت فرمانده نیروی زمینی با راه کار کلی قرارگاه کربلا بود.

ملاحظه می شود که فرم مانورها در زمینه چگونگی ادامه تک در باختر مرز و تهدید بصره فرق چندانی نداشته و در حقیقت یکی هستند؛ یعنی تثبیت دشمن در منطقه دو قرارگاه و تک در شرق بصره با قرارگاه سوم و از آنجایی که قرارگاه فتح نسبت به قرارگاه‌های نصر و قدس وضعیت و موقعیت بهتری داشته و به خط مرز رسیده و مشکلاتش به نسبت از دیگران کمتر بود طبعاً در هر راه کاری به عنوان قرارگاه تک کننده انتخاب می گردید.

اصولاً در آن وضعیت موجود ، برای ادامه عملیات در باختر مرز و تهدید بصره هیچ راه کاری نمی توانست خارج از این قواره باشد که در قسمتهایی از منطقه دشمن را تثبیت نموده و از بخش دیگری حمله گردد. بدیهی بود که برای به زانو درآوردن دشمن هیچ کاری بهتر از پیشروی در خاک او و تهدید بصره نبود و این نکته مسلم بود که تهدید بصره که منجر به بستن عقبه نیروهای دشمن در شلمچه و خرمشهر میگردد تأثیر قطعی و سرنوشت سازی در جبهه خرمشهرگذارده و نیروهای دشمن در این منطقه مجبور به تسلیم یا انهدام خواهند بود؛ اما اشکال عمده کار در یک عامل بود و آن این که در شرایط موجود خودی و دشمن ، عبور از مرز و پیشروی در شرق بصره دیگر از توان ما خارج شده بود و حتی در این مورد که قرارگاه قدس بتواند خط مرز کوشک-طلایه و کوشک-کیلومتر ۲۵ را تأمین و تثبیت نماید تردید وجود داشت.

در اینکه اگر نیروهای ما در شرق بصره پیشروی نمایند چنین و چنان خواهد شد و چه امتیازات تاکتیکی و استراتژیکی کسب خواهیم نمود و در چه موقعیت برتری نسبت به دشمن قرار می‌گرفتیم شکی نبود؛ اما سوال این بود چگونه ؟ و با چه توانی؟

در طرحریزی اولیه برای توفیق در انجام مراحل چهارگانه (از تأمین سرپل تا پدافند در ساحل شط العرب و تهدید بصره) اجرای سریع و بدون وقفه و مراحل چهارگانه عملیات ، به منظور غافلگیری و سلب زمان عکس العمل از دشمن تا رسیدن به هدف نهایی ، به عنوان شرط اصلی موفقیت در نظر گرفته شده بود ولی یک هفته توقف ما در سرپل برای ترمیم رخنه ها و شکافهای به دست آمده و الحاق یگانها با یکدیگر و همچنین عکس العمل قوی دشمن با اجرای پاتکهای سنگین و پر قدرت فرصت مناسبی را برای دشمن در کنترل وضعیت و موقعیت خود و به زیان ما به وجود آورد. عدم توانایی نیروهای ما در اجرای سریع و بدون وقفه مرحله دوم بلافاصله پس از مرحله اول محاسبات و برآوردهای اولیه را در مورد تواناییهای خودی و دشمن برای اجرای مرحله سوم و چهارم بر هم زده بود.

طولانی شدن مدت عملیات، تلفات وارده، پایداری سرسختانه، تقویت‌های دشمن و علل دیگر وضعیتی را به وجود آورده بودند که با توان رزمی و نیروهای موجود ادامه تک در باختر مرز و پیشروی در شرق بصره مقدور به نظر نمی رسید و این واقعیتی بود که هر کس در هر راه کاری که برای تهدید بصره پیشنهاد می نمود بایستی در نظر می گرفت.

قبلاً گفتیم که در هنگام طرحریزی عملیات ، اگر چه پیشروی در باختر مرز و تهدید بصره جزو اهداف طرح منظور شده بودند اما با توجه به احتمال پایداری دشمن و به پای کار آوردن سریع نیروهای تقویتی خود و همچنین کاهش توان رزمی و شناخت نقاط ضعف نیروهای خودی در عملیات آفندی طولانی مدت، و مواجه شدن احتمالی اجرای مراحل سوم و

چهارم با مشکلات عدیده، در واقع هدف اصلی آزادسازی مناطق اشغال شده غرب کارون و خرمشهر بود که برآورد می‌گردید با موفقیت آمیز بودن آن جنگ به نقطه عطف و سرنوشت سازی برسد.

عدم توانایی قرارگاه قدس در تأمین مرز طلایه- کوشک نشان داد که راه کار تک قرارگاه قدس یا تک از منطقه قرارگاه قدس به شرق بصره با مقدمات موجود، برای ما امکان پذیر نبوده است.

به‌رحال با ملاحظه این مشکلات فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا تصمیم گرفته بود که ابتدئاً کار آزاد کردن خرمشهر را یکسره کرده و بعد به تهدید شرق بصره بپردازد و راه کار انتخابی خود را در مقایسه با سایر راه کارهای پیشنهادی با شرایط و واقعیات موجود در صحنه نبرد، عملی تر و منطبق تر دانسته و اجرای آن را ترجیح داد.

اخبار و اطلاعات به دست آمده همچنان حاکی از آن بود که دشمن نسبت به اعزام نیرو از سایر مناطق به ویژه منطقه غرب به جبهه جنوب مشغول است و با استقرار یگانهای پیاده در خطوط مقدم جبهه و ایجاد خاکریزهای مرتفع کماکان مواضع پدافندی خود را تقویت می نماید.

از نیروهای تقویتی تازه وارد دشمن، قرارگاه لشکر ۸ پیاده و تیپ ۲۳ این لشکر به منطقه شلمچه شناسایی شدند. روز ۶۱/۲/۲۳ و صبح روز ۶۱/۲/۲۴ بدون حادثه عمده ای سپری شد.

قرارگاه قدس در اجرای دستور جزء به جزء شماره ۶ مبنی بر تحویل گرفتن منطقه مسئولیت قرارگاه فتح به قدس‌های ۱ و ۲ دستور داده بود که به ترتیب فتح‌های ۱ و ۳ را تعویض و عهده دار پدافنداز مناطق آنها شوند و برای پوشاندن منطقه جدید مسئولیت خود، قدس‌های ۴ و ۵ را هر چه بیشتر در عرض گسترش داد.

روز ۶۱/۲/۲۴ قدس ۲ فتح ۱ را تعویض و منطقه مربوطه را تحویل گرفت و قدس ۱ در منطقه گرم‌دشت آماده تعویض فتح ۳ شد. قدس ۴ در منطقه مربوطه مشغول پیشروی به سوی خط مرز و قدس ۵ آماده هجوم به دشمن برای تأمین خط مرز در منطقه مربوط به خود بود. قدس ۳ در جنوب غربی جفیر گسترش یافته و در جناح راست آن گروه رزمی محمدی متشکل از گردانهای ۲۳۴ سوار زرهی اردبیل و عناصری از ژاندارمری در پاسگاه ژاندارمری شهابی (شمال طلایه قدیم) مستقر و مشغول انجام شناسایی برای ادامه مأموریت بودند.

از یگانهای دشمن که در شمال مرز کوشک-طلایه به عنوان نیروی پوششی مستقر شده بودند گردان شناسایی ولید از لشکر ۶ زرهی و پشت آن گردانهای تانک شرحیل (از تیپ ۳۰) و خذیفه (از تیپ ۱۶) شناخته شده بودند.

حدود ساعت ۳ بعدازظهر آتش توپخانه دشمن در جناح راست قدس ۳ بسیار شدید شده و ناگهان یگانهایی از دشمن به مواضع گروه رزمی محمدی حمله ور شدند. گروه رزمی در اثر مداومت فشار دشمن نتوانست مقاومت کرده و تا ۳ کیلومتری شمال پاسگاه شهابی عقب رانده شد.

در این عملیات گروه رزمی محمدی تلفاتی در حدود ۶ شهید، ۲۸ مجروح و ۲۹ نفر اسیر را تحمل کرده و اکثر تجهیزات خود را از جمله ۷ دستگاه نفربر را از دست داد و خاکریز گردان سوار زرهی و پاسگاه ژاندارمری شهابی به تصرف دشمن درآمد.

متجاوز در این عملیات از کاربرد یگانهای زرهی و مانور احاطه ای بر علیه مواضع گروه رزمی محمدی استفاده نمود.

عملیات آفندی دشمن در پهلوی راست قرارگاه قدس اگر چه محدود بود اما به مثابه یک زنگ خطر در گوش قرارگاه صدا کرد و به پاره ای از خوش باوریها در مورد زوال و ناتوانی قطعی ارتش عراق خاتمه داد و معلوم شد که بر خلاف خوش خیالی های خیلی ها ماشین جنگی دشمن هنوز سرحال و حاضر به کار است. (نقشه شماره ۱۹ / صفحه ۲۲۴)

در تجزیه و تحلیل این اقدام، پاره ای از کارشناسان اطلاعاتی و عملیاتی را عقیده بر آن بود که متجاوز پس از عقب کشیدن نیروهای خود از جبهه کرخه کور و غرب اهواز که به علت ترس از محاصره شدن و همچنین تقویت پدافند شرق بصره انجام داده است و پس از اینکه در دفع تهدید، در مرز و منطقه شرق بصره و منطقه شلمچه یک موفقیت نسبی به دست آورده و دور تک را از نیروهای ما سلب و آنان را در مواضع خود تثبیت نموده است با احتمال بسیار اکنون قصد دارد به منظور به دست گرفتن ابتکار عمل و کشاندن نیروهای ما به طرف منطقه جفیر و کاهش تهدید و خطر در منطقه شلمچه و خرمشهر، مبادرت به عملیات آفندی در جنوب غربی جفیر نموده تا ضمن دستیابی به هدفهای یادشده منطقه جفیر را مجدداً اشغال کرده و با استفاده از موفقیت جاده اهواز-خرمشهر را در منطقه ایستگاه حمید قطع نماید.

تمرکز سنگین و فشرده نیروی دشمن در منطقه عملیاتی بیت المقدس، امکان اجرای چنین عملی را برای او میسر می ساخت و اگر چه دشمن در حوالی پاسگاه شهابی متوقف گردیده بود ولی از نظر کارشناسان عملیاتی و اطلاعاتی فوق الذکر این احتمال وجود داشت که دشمن از تصمیم احتمالی برای تصرف جفیر منصرف نشده باشد و تلاش نماید که عملیات خود را تا حصول به نتیجه گفته شده ادامه دهد. از نقطه نظر این کارشناسان دلیل موجهی برای قائل شدن به اینکه دشمن دیگر هیچ گونه قصدی برای ادامه عملیات نداشته و صرفاً به یک تک محدود دست یازیده است وجود نداشت؛ اما از نظر تعداد دیگری از کارشناسان نظامی اجرای یک تک محدود می توانست پیشروی قرارگاه قدس را کندتر از آنچه پیش می رفت بنماید و تا حدودی دستپاچگی در قرارگاه سرفرماندهی کربلا به وجود آورد و مکث و وقفه ای را در حرکات قرارگاههای سه گانه و به ویژه قدس سبب گردد که از این اغتنام فرصت بیشتر دشمن برای تکمیل عقب نشینی خود استفاده کرده و ضمناً برای بهبود روانی و ترمیم نیروهای در حال عقب نشینی خود سود می جست. کارشناسان ستاد مشترک جزو گروه اول بودند و کارشناسان قرارگاه کربلا جزو گروه دوم. کارشناسان ستاد مشترک معتقد بودند که قرارگاه قدس که در منطقه بسیار وسیعی از سواحل هورالعظیم تا ایستگاه حسینی در زمین باز گسترش یافته است و به نظر می رسد که دشمن با برخورداری از یک سیستم مؤثر و مداوم دیده بانی زمینی و هوایی توانسته است گسترش وسیع قرارگاه قدس و نقاط ضعف و خلأهای موجود بین یگانهای آنها را شناسایی نموده و در صدد استفاده از آن برآمده باشد. به هر حال ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی پیامی که ذیلاً درج می گردد نظر خود را پیرامون تهدیدات دشمن، به این شرح به قرارگاه کربلا اعلام نمود:

۱. وضعیت

- الف. در حال حاضر دشمن نیروهای خود را در منطقه عمومی طلایه قدیم کوشک-شلمچه-نهر ختین و خرمشهر متمرکز ساخت.
- ب. پس از انجام مراحل اول و دوم عملیات بیت المقدس جبهه وسیع پدافندی دشمن کاهش یافته و خطوط مواصلاتی و تدارکاتی او کوتاه تر شده است.
- پ. دشمن تلاش می نماید ضمن پدافند از منطقه عمومی خرمشهر، از طریق منطقه طلایه کوشک یگانهای خودی را دور زده و جاده اهواز-خرمشهر را قطع نماید.
- ت. تا کنون دشمن با گشت زنی مداوم توانسته است ضرباتی به یگانهای خودی مستقر در منطقه طلایه وارد سازد.
- ث. در صورتی که دشمن موفق به قطع جاده اهواز-خرمشهر گشته و خود را بساحل غربی کارون نزدیک نماید نیروهای خودی از سه طرف در محاصره دشمن قرار گرفته و از طرف چهارم نیز مانع رودخانه ای کارون آزادی حرکات را

از ما سلب می نماید. در این موقعیت دشمن می تواند با تخریب پلهای موجود و با اجرای مانور احاطه ای و یا دورانی مضاعف حاشیه غربی کارون را در کنترل گرفته و نیروهای ما را در منطقه به دام اندازد در صورتی که خدای نکرده این امکان از طرف دشمن تحقق پذیرد فاجعه عظیمی به بار می آید که محتملاً آتش آن خوزستان را در بر می گیرد. خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به موارد فوق تدابیر لازم جهت مقابله با امکان احتمالی مزبور اتخاذ گردد.

اما فرماندهی قرارگاه کربلا بدون آنکه احتمال چنین کاری را نفی کند و بدون اینکه صراحتاً این موضوع را هم ابراز نماید چندان اعتقادی به این نداشت که دشمن به این عمل مبادرت می کند و تقریباً اجرای آفندهای وسیع را از توان و استراتژی نظامی عراق خارج می دانست؛ اما به هر حال با توجه به فعالیت دشمن در پاسگاه شهابی و احتمال تهدیدات بیشتر و وجود نقاط آسیب پذیر در گسترش پدافندی نیروهای خودی، فرماندهان مشترک قرارگاه کربلا به این نتیجه رسیدند که پیشنهادهای ارائه شده در شب ۲۲ اردیبهشت ماه از سوی افسران عملیات را، مبنی بر ضرورت تثبیت و تحکیم خطوط پدافندی فعلی به منظور جلوگیری از تهدیدات و عملیات بازدارنده دشمن در اجرای طرحهای خودی را پذیرفته و از توسعه منطقه پدافندی قرارگاه قدس صرفنظر نموده و تعویضهای انجام شده هم منتفی گردد و منطقه مسئولیت قرارگاههای سه گانه همان مناطق قبلی باشد. خلاصه آنکه دستورهای جزء به جزء شماره ۶ و ۷ بدون اینکه رسماً اعلام شود عملاً کان لم یکن گردید و قرار شد یک طرح پدافندی جامع تهیه و به قرارگاههای سه گانه ابلاغ شود.

حوادث بعدی و اقدامات دشمن نشان داد که قصدی برای تصرف مجدد جفیر یا قطع جاده اهواز-خرمشهر و پیشروی به سوی کارون ندارد و اگر چه به یک سری حملات در این منطقه و به ویژه کوشک دست زد؛ اما قصد وی جلوگیری از پیشروی بیشتر نیروهای ما به طرف مرز و متوقف کردن آنها بود نه تصرف مجدد سرزمینهای آزاد شده و در حقیقت استراتژی عملیاتی دشمن پدافند بود نه آفند؛ البته باید گفت که برآوردهای انجام شده، در مورد راههای کار احتمالی دشمن هیچ یک غیر منطقی و غیر اصولی نبودند و عقل و منطق و احتیاط، لزوم پیشگیری و انجام اقدامات لازم برای مقابله با حرکات احتمالی دشمن را ضروری می شمرد.

نکته دیگر اینکه منطقه مرزی کوشک-طلایه و بالاخص محدوده نقطه مرزی کوشک نه علی رغم تلاشهای قرارگاه قدس در عملیات بیت المقدس و نه با وجود تلاش یگانهای دیگری که بعداً در این منطقه مستقر و درگیر عملیات گردیدند تأمین نشد پدافند سرسختانه دشمن در منطقه فوق که به منظور جلوگیری از پیشروی نیروهای ما به سوی شرق بصره انجام گردید مانع از نزدیک شدن و دستیابی ما به خطوط مرزی یادشده گردید و سپس دشمن با حفر کانالهای مصنوعی و استفاده از آب هورالعظیم آب گرفتگیهای مصنوعی وسیعی در منطقه به وجود آورد که تا ۲-۳ کیلومتری شمال خط مرز کوشک-طلایه و تقریباً در سراسر آن توسعه یافته و بدین ترتیب راه پیشروی و مانور نیروهای ما را به طرف بصره از این مرز مسدود نمود که تا مدت‌های مدید کماکان این وضعیت ادامه داشت.

عملیات روزهای ۱۶ تا ۲۱/اردیبهشت/۶۱ (روزهای شانزدهم تا بیست و یکم نبرد)

قرارگاه کربلا اوایل روز ۲۵/۲/۶۱ با توجه به تهدیدات دشمن در منطقه قرارگاه قدس، دستور داد که قدس ۱ که در حوالی ایستگاه گرمداشت مستقر شده بود به جفیر تغییر مکان داده و در حدفاصل قدس ۳ و قدس ۴ گسترش یابد.

قدس ۵ (تیپ ۳۷ زرهی + تیپ امام رضا(ع)) برابر طرح قبلی در ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه در منطقه مربوطه (مناطق شمال کیلومتر ۲۵) تک نموده و با متلاشی کردن عناصر تأمینی دشمن در شرق خط مرز موفق گردید خط دژها را از دژ شماره ۱۰ تا ۱۴ اشغال نماید.

قدس ۴ (تیپ ۵۸ ذوالفقار + تیپ ثارالله سپاه) به پیشروی در منطقه ادامه داد به کوشک نزدیک گردید. ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه بامداد روز ۶۱/۲/۲۶ متجاوز در منطقه قدس ۴ اقدام به تک نموده و درگیری شدیدی به وجود آمد که تا ساعت ۹ بامداد ادامه یافت و تک دشمن خنثی گردید.

یگانهایی از قرارگاه فجر که بایستی به منطقه عملیاتی بیت المقدس نقل مکان نمایند حرکت خود را آغاز نمودند. یگانهای اعزامی از قرارگاه فجر شامل تیپ ۳ پیاده لشکر ۷۷ و تیپ امام سجاد سپاه بودند که به نام قرارگاه عملیاتی فجر ۳ نامگذاری شده بودند.

مسئولان اطلاعاتی قرارگاه کربلا اعلام نمودند که برابر اطلاعات به دست آمده از آخرین عکس هوایی منطقه، عراق با نصب یک پل شناور طویل روی شط العرب در حوالی جزیره بوارین منطقه خرمشهر و شلمچه را از طریق این پل به کرانه جنوبی رودخانه (خاک عراق) مرتبط نموده است که یک اقدام احتیاطی در مقابله با قطع احتمالی جاده آسفالته شلمچه - پل نو و محاصره خرمشهر می باشد. طول این پل حدود ۱۲۰۰ متر بود که با استفاده از جزایر داخل رودخانه شط العرب در چهارقطعه مجزا زده شده و آخرین قطعه آن از جزیره بوارین به ساحل نهرخین بود.

به عنوان یک تدبیر جدید ، فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا به منظور جبران کاهش توان رزمی و کمبود نیرو و تمرکز هر چه بیشتر قوا در منطقه عملیاتی بیت المقدس ، برای اجرای مراحل سوم و چهارم طرح عملیاتی کربلا ۳ ، تصمیم گرفت که تمامی لشکر ۷۷ پیاده را از منطقه پدافندی فتح المبین به منطقه عملیاتی بیت المقدس نقل مکان داده و به جای آن یک قرارگاه جدید عملیاتی به نام قائم آل محمد(ص) با چند تیپ مستقل تشکیل دهد که پدافند از منطقه آزاد شده فتح المبین را عهده دار شود. این عمل باتوجه به کارایی رزمی لشکر ۷۷ پیاده و به منظور آمادگی برای اجرای سریع تر عملیات بعدی بود. در زمینه تصمیمات یادشده دستورهای لازم صادر و تعدادی از افسران قرارگاه نیروی زمینی در تهران برای تهیه مقدمات تشکیل قرارگاه عملیاتی قائم آل محمد (ص) و تحویل گرفتن منطقه از لشکر ۷۷ ، به قرارگاه این لشکر وارد شدند.^۱

در اوایل روز ۶۱/۲/۲۶ قرارگاه کربلا دستور عملیاتی جزء به جزء شماره ۸ خود را تهیه و جهت اجرا به قرارگاههای تابعه اعلام نمود.

()

()

()

در این دستور قرارگاه کربلا منظور خود را در قالب (آخرین وضعیت) به شرح زیر بیان می نماید:

آخرین وضعیت

تهدیدات متجاوز در منطقه کوشک-طلایه و کوشک-پاسگاه کیلومتر ۲۵ روبه افزایش بوده و یگانهای خودی مستقر در این مناطق هدف تکه‌های محدود و آتش دشمن قرار گرفته و قصد متجاوز برای قطع جاده مواصلاتی اهواز خرمشهر به منظور برهم زدن سازمان و گسترش ما برای تأمین خرمشهر و یا ایجاد تأخیر و توقف در ادامه عملیات کربلای ۳ بسیار محتمل می باشد؛ بنابراین استقرار یک پدافند مطمئن در طول خط مرز در نواحی مذکور و جلوگیری از هر گونه پیشروی مجدد متجاوز در نقاط آزاد شده ضرورت دارد.

در این دستور با توجه با استعداد موجود یگانهای سپاه و مناطق محوله به قرارگاه ها و مأموریت های واگذاری به آنها تغییراتی در سازمان رزمی قرارگاههای سه گانه داده شد که خلاصه آن به شرح زیر است :

قرارگاه قدس: قدسهای ۱،۲،۳،۴،۵ (۴ تیپ زرهی و یک تیپ پیاده ارتش و ۳ تیپ پیاده سپاه)

قرارگاه فتح: فتح های ۱،۳ (۲ تیپ زرهی ارتش و ۴ تیپ پیاده سپاه)

قرارگاه نصر: نصرهای ۱،۲،۳،۴،۷ (۴ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی ارتش و ۴ تیپ سپاه)

قرارگاه فجر ۳: (تیپ ۳ لشکر ۷۷ + تیپ ۳۵ امام سجاد + تیپ ۳۳ المهدی) عهده دار مسئولیت منطقه نصرهای ۵ و ۶.

تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی: در احتیاط قرارگاه کربلا و تیپهای ۴۶ فجر و ۲۲ خرمشهر سپاه برای بازسازی و تجدید

سازمان از خط خارج شدند.

با اینکه دستور جزء بجزء شماره ۸ بیشتر جنبه پدافندی داشته و اکثر دستورهای ابلاغی به قرارگاههای تابعه مربوط به عملیات پدافندی بود ولی قرارگاه کربلا اجرای مأموریتهای آفندی برای تکمیل آزادسازی مناطق اشغالی و به ویژه آزادسازی خرمشهر را از نظر دور نداشته و دستورهای زیر را نیز در دستور جزء به جزء یاد شده به قرارگاههای تابعه ابلاغ نمود.

قرارگاه قدس: تلاش برای تأمین خطوط مرزی در منطقه

قرارگاه فتح: آمادگی برای تأمین شلمچه و قطع راه فرار و تقویت دشمن در منطقه خرمشهر با تیپ های ۱۴ امام حسین(ع) و ۸ نجف اشرف.

قرارگاه نصر: آماده شدن برای احاطه و تأمین و پاکسازی خرمشهر

قرارگاه فجر ۳: آمادگی برای اجرای تک در منطقه نهر عریض و کمک به قرارگاه نصر در تأمین خرمشهر.

مفهوم مأموریت واگذاری در دستور جزء به جزء شماره ۸ به قرارگاه فتح این است که طبق تصمیمات گرفته شده (رأساً توسط فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا) قرار شد که تیپهای ۱۴ امام حسین(ع) و ۸ نجف سپاه با یک مانور احاطه ای آن هم از داخل خاک عراق در حاشیه نوار مرزی ، با یک حرکت شمالی و جنوبی تک نموده و شلمچه را احاطه و تأمین نمایند. گویا این مانور توسط فرماندهان تیپهای ۱۴ امام حسین و ۸ نجف پیشنهاد و اجرای آن را تقبل نموده بودند. فرماندهان دو تیپ مزبور مدّعی شده بودند که با شناسایی های انجام شده این کار را کاملاً مقدور میدانند.

در این هنگام فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا عملیات فتح خرمشهر را مرحله سوم عملیات بیت المقدس و خاتمه این عملیات دانسته و ادامه تک در باختر مرز و تهدید شرق بصره را موکول به توسعه وضعیت و تهیه طرح جداگانه و مشروح دیگری پس از آزادسازی خرمشهر نمود.

لازم به ذکر است که تصمیم در مورد نقل مکان لشکر ۷۷ پیاده از منطقه عملیاتی فتح المبین به منطقه عملیاتی بیت المقدس برای عملیات آینده؛ یعنی ادامه تک در شرق بصره بود که به منظور سرعت عمل از هم اکنون مقدمات اجرای آن فراهم می شد.

در این ایام هیجان افکار عمومی، در مورد آزادسازی خرمشهر به اوج خود رسیده و اعلامیه های ستاد تبلیغات جنگ نیز آنچنان به این هیجان دامن می زد که مردم تصور می کردند ظرف نیم ساعت آینده خرمشهر فتح خواهد شد. بکرات از روزنامه ها به قرارگاه کربلا تلفن می شد و سؤال می کردند که آیا برای درج خبر فتح خرمشهر در روز جاری در صفحات اول خود جای خالی بگذارند یا نه، از طرف دیگر اخباری را که رادیو عراق در مورد دفع حمله های ایران و پیشروی نیروهای عراق منتشر می نمود و همراه با تأخیر در فتح خرمشهر تخم شک و تردیدی را در اذهان عمومی نسبت به فتوحات انجام شده هم می کاشت. خلاصه اینکه قرارگاه کربلا برای فتح هرچه سریع تر خرمشهر از جانب افکار عمومی تحت فشار قرار گرفته و در تلاش بود که عملیات آزادسازی خرمشهر را که به صورت یک هدف و آرزوی ملی درآمده بود هر چه زودتر جامه عمل بپوشاند.

ساعت یک و سی دقیقه بامداد روز ۶۱/۲/۲۷ قدس ۲ در منطقه محوله در جنوب کوشک تک نموده و با انهدام عناصر پوششی دشمن قسمتی از خط دژها را تأمین نمود.

ساعت پنج و نیم دشمن دست به پاتک زد که با تحمل ضایعات و تلفات مجبور به عقب نشینی گردید. به طور کلی یگانهای قرارگاه قدس در مناطق گسترش خود درصدد تهیه مواضع و خاکریزهای پدافندی برآمده بودند زیرا قرارگاه قدس با فاصله از خط مرزی طلایه-کوشک-پاسگاه کیلومتر ۲۵ با عناصر دشمن أخذ تماس نموده و یگانهای این قرارگاه بحالت پدافندی گسترش یافته و برای تأمین خطوط مرزی به شناسایی و طرحریزی عملیات آفندی محدود پرداخته بودند.

تغییر مکان یگانهای فجر ۳ به منطقه عملیاتی نصر ۳ ادامه داشت و در قرارگاههای فتح و نصر ضمن انجام جابه جایی ها و تثبیت و تحکیم مواضع درگیری به صورت تبادل آتش در جریان بود.

روز ۶۱/۲/۲۸ بدون حادثه عمده ای سپری گردید و تغییر مکان فجر ۳ پایان یافت و قرارگاه نصر برای عملیات آزادسازی خرمشهر پدافند از جبهه باختری (خط مرز) خود را به نصر ۱ واگذار نموده و نصر ۲ و ۳ را در جبهه جنوبی یا جبهه خرمشهر مستقر نمود.

برعکس روز قبل که جبهه آرام بود روز ۶۱/۲/۲۹ درگیریها شدت گرفت و در اوایل بامداد دشمن در مناطقی از قرارگاه قدس و فتح دست به حمله زد.

حمله دشمن در منطقه پاسگاه کیلومتر ۲۵ که در ساعت چهار و نیم بامداد آغاز شد که با مقاومت شدید فتح ۱ مواجه و دشمن با تحمل تلفات و ضایعات سنگینی در ساعت ۹ صبح مجبور به عقب نشینی گردید.

ساعت ده صبح دشمن مجدداً تلاش نمود که مواضع مقدم فتح ۱ را تصرف کند که این بار نیز با تلفات و ضایعات مجبور به عقب نشینی گردید.

تلاش سوم متجاوز در منطقه فتح ۱ در ساعت ۵ بعد از ظهر آغاز شد که فعالیت دشمن برای تصرف مواضع فتح ۱ در اثر مقاومت شدید نیروی خودی و پشتیبانی موثر توپخانه خنثی گردید .

همچنین در ساعت پنج بامداد دشمن در مناطق قدسهای ۴، ۵ و ۲ اقدام به تک نموده و درگیری شدیدی ایجاد گردید که تا ساعت یازده صبح ادامه یافته و سرانجام متجاوز با به جا گذاشتن تلفات و ضایعات مجبور به عقب نشینی گردید و پس از آن تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر تبادل آتش شدیدی در جریان بود حدود ساعت چهار بعد از ظهر مجدداً دشمن در منطقه قدس ۵ (یگان شمالی همجوار فتح ۱) دست به حمله زده که با پایداری سرسختانه یگانهای قدس ۵ دشمن با قبول ضایعات و تلفات عقب نشست و تعدادی نیز به اسارت در آمدند.

حملات شدید و متوالی دشمن در روز ۲۹ / ۲ / ۶۱ که در محدوده پاسگاه کیلومتر ۲۵ تا کوشک رخ داد با احتمال بسیار ناشی از برآورد عراق در مورد حمله قریب الوقوع نیروهای ما از این منطقه بشرق بصره بود چرا که عراق احتمالاً نیروهای ما را از پاسگاه کیلومتر ۲۵ به پایین یعنی در شمال شلمچه و منطقه خرمشهر تثبیت شده برآورد کرده بود و با عملیات آفندی قدسهای ۵ و ۲ و ۴ در پیشروی به سوی مرز و تأمین خط دژها به این نتیجه رسیده بود که نیروهای ما از منطقه کوشک - کیلومتر ۲۵ دست به عملیات آفندی در شرق بصره خواهند زد. درحقیقت میتوان گفت که عراق به یک عمل پیشگیرانه ای اقدام کرده بود.

نتیجه ای که از آندهای عراق در روز ۲۹ / ۲ / ۶۱ عاید نیروهای ما گردید اطمینان از کفایت و قدرت پدافندی در مناطق قرارگاههای قدس و فتح و نصر بود و لذا می شد که به عملیات در جبهه خرمشهر پرداخت که افکار عمومی با بی صبری و التهاب در انتظار آن ساعت شماری می کرد .

عملیات روز ۳۰ تا ۳۱ / اردیبهشت / ۶۱ (روز بیست و یکم و بیست و دوم نبرد)

روز سی ام اردیبهشت ماه قرارگاه کربلا سرانجام پس از چند روز مطالعه و بحث و بررسی روی راه کار تهیه شده و انجام تغییرات و اصلاحات در آن و تهیه و تدارک پاره‌ای مقدمات که با صدور دستورهای شفاهی انجام شد، دستور عملیاتی جزء به جزء شماره ۹ را برای احاطه و تأمین خرمشهر صادر کرد.

مانور طرح ریزی شده برای احاطه خرمشهر یک مانور بسیار ساده و عبارت بود از یک حمله جبهه ای به مواضع دشمن و پیشروی مستقیم به سمت جنوب تا کرانه ارون رود در حد فاصل غرب جاده اهواز - خرمشهر تا خط مرز یعنی جبهه ای به عرض ۱۶-۱۷ کیلومتر که باحاطه خرمشهر منجر می گردید .

در واقع این مانور تکرار همان مانور های دو حمله پیشین قرارگاه نصر در منطقه خرمشهر بود که اینک با آمادگی بیشتری چه از نقطه نظر شناساییهای انجام شده و چه از نظر تجدید قوای نسبی نیروهای تک ور و این بار به جای قرارگاه نصر مستقیماً تحت فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا انجام می گرفت.^۱

اجرای مانور جبهه‌ای امری اجتناب ناپذیر بود زیرا که امکان احاطه نیروهای دشمن در منطقه خرمشهر وجود نداشت و تیپهای ۱۴ امام حسین و ۸ نجف سپاه که قرار بود با یک مانور احاطه ای از باختر مرز، شلمچه را تصرف نمایند با تمرکزات نیروی دشمن در منطقه اجرای آن را مقدور ندیدند و این مسئله منتفی گردید. همچنین در حد فاصل رودخانه

کارون تا جاده اهواز-خرمشهر هم به علت وجود مواضع و خاکریزهای پدافندی در عمق و موانع و میادین مین عمیق و وسیع اجرای گسترش و مانور بسیار مشکل و احتمال پیروزی بعید بود و چون راههای ورودی و خروجی شهر از سمت غرب باز بود؛ لذا تصرف و پاکسازی آن بسیار مشکل و احتمالاً نیاز به جنگ کوچه به کوچه در شهر داشت آن هم شهری که یکسره به موضع و میدان مین و سنگر تبدیل شده بود.

بنابراین تنها معبر مناسب برای حمله به شهر، حدفاصل جاده تا مرز بود یعنی منطقه غرب خرمشهر که نه دشمن فرصت یافته بود در آن مانند شرق جاده خاکریز زده و ایجاد موضع و مانع نماید و هم اینکه با وصول نیروها به نهر عریض و جاده آسفالت خرمشهر-شلمچه و پس از آن یکی دو کیلومتر دورتر، با رسیدن به کرانه اروندرود تمامی راههای ارتباطی زمینی خرمشهر با عراق قطع گردیده و خرمشهر به طور کامل محاصره می گردید. نیروهای متجاوز در شهر از شرق و جنوب توسط رودخانه های کارون و اروندرود محدود گردیده و در منطقه شمالی شهر نیز نیروهای ما مستقر بودند و لذا با تصرف منطقه غرب شهر و سد راههای تقویت یا فرار دشمن از این سمت، محاصره خرمشهر تکمیل و نیروهای متجاوز در شهر چاره ای جز تسلیم یا انهدام نداشتند و بدیهی است که در صورت محاصره شدن شهر، نیروهای مدافع دچار آنچنان تزلزلی می شدند که بفرض مبادرت به دفاع و جنگ داخل شهر، قاعدتاً از روحیه رزمندگی تهی گردیده و بعید بود قادر باشند با یک پایداری قطعی و سرسختانه، نیروهای ما را در تصرف و پاکسازی شهر دچار مشکلات آنچنانی نمایند.

برای اجرای این مانور جبهه ای در غرب خرمشهر، قرارگاه کربلا نیرویی با استعداد ۱۰ تیپ اختصاص داد که می توان گفت با توجه به عرض جبهه که ۱۶-۱۷ کیلومتر بود این حداکثر نیرویی بود که می شد در این جبهه وارد عمل کرد و یا به بیانی دیگر بیش از این گنجایش نداشت. این ۱۰ تیپ عبارت بودند از: یک تیپ زرهی و ۳ تیپ پیاده ارتش و ۶ تیپ پیاده سپاه پاسداران؛ البته اختصاص این نیرو با توجه به استعداد و تمرکز قوای دشمن در این جبهه بود که حداکثر یک برتری توان رزمی به نسبت ۲ به ۱ را برای ما فراهم میکرد.

قرارگاه کربلا نیروهای مأمور عملیات احاطه و فتح خرمشهر را به شرح زیر برای رزم سازمان داد:

۱. قرارگاه نصر ۳ (تیپ ۳ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۷ ولیعصر)
- نصر ۲ (تیپ ۲ پیاده لشکر ۲۱ + تیپ ۲۷ محمدرسول الله «ص»)
۲. قرارگاه فجر ۳ (تیپ ۳ پیاده لشکر ۷۷ + تیپ ۳۳ المهدی + تیپ ۳۵ امام سجاد «ع»)
۳. قرارگاه فتح تیپ ۱۴ امام حسین «ع» + تیپ ۸ نجف اشرف)
۴. تیپ ۲ لشکر ۹۲ احتیاط قرارگاه کربلا

این نکته را متذکر شدیم که قرارگاههای نصر و فتح فوق الذکر یگانهایی از قرارگاههای اصلی نصر و فتح بودند که به طور موقت برای عملیات فتح خرمشهر در فرماندهی و کنترل قرارگاه کربلا عمل می نمودند.

نکته دیگر اینکه در طرح مزبور قرارگاه کربلا از تأمین شلمچه به علت شدت استحکام مواضع و تمرکز نیروی دشمن صرفنظر و تمام تلاش خود را معطوف به فتح خرمشهر نموده و تأمین شلمچه به بعد از پایان کار خرمشهر موکول گردیده بود.

قرارگاه کربلا معتقد بود که تلاش برای تأمین شلمچه (که بسیار مشکل و با تلفات زیاد برآورد می گردید) سبب خواهد شد که تلاش برای احاطه خرمشهر به دو قسمت تجزیه گردد یکی در جبهه تأمین شلمچه و دیگری احاطه خرمشهر و در نتیجه میزان فشار و توان برای احاطه خرمشهر تقلیل یابد، لذا به منظور تمرکز قوا و تلاش برای احاطه

قطعی خرمشهر و توفیق در آن ، قرارگاه نصر یگانهای دشمن را در شلمچه در حالت تثبیت نگه داشته و سایر یگانهای قرارگاه کربلا با تصرف جاده آسفالت خرمشهر شلمچه و پیشروی تا کرانه اروندرود خرمشهر را احاطه و پس از آزادسازی خرمشهر به نا به دستور برای تأمین شلمچه اقدام می نمودند.

برابر طرح قرارگاه کربلا ، قرارگاه نصر در پهلوی راست ، فجر ۳ در وسط و قرلرگاه فتح در پهلوی چپ برای تأمین کرانه رودخانه اروندرود در حدفاصل غرب خرمشهر تا خط مرز مانور می نمودند.

نکته سوم اینکه فجر ۳ پس از نقل مکان از چنانه و ورود به منطقه عملیاتی بیت المقدس بنابه دستور قرارگاه کربلا که مشغول طرحریزی عملیات فتح خرمشهر بود یگانهای جناح چپ قرارگاه نصر را تعویض نموده و به جای آنها مستقر گردید و در ابتدا قرار بود که از همین منطقه یعنی در جناح چپ برای احاطه خرمشهر وارد عمل شود ولی در روز ۲۳۰/۶۱ سپاه اصرار ورزید که قرارگاه فتح یعنی تیپهای ۱۴ امام حسین و ۸ نجف اشرف که قبلاً می بایستی در جناح راست عمل نمایند حتماً بایستی در جناح چپ یعنی در سمت خرمشهر قرار گیرند و در نتیجه پافشاری سپاه قرارگاه فتح فجر ۳ را روز ۶۱/۲/۳۱ تعویض در محل نموده و نهایتاً یگانها به شرحی که فوقاً آمد گسترش یافتند؛ یعنی نصر در جناح راست، فجر ۳ در مرکز و فتح در جناح چپ.*

* در مورد جریانات بالا، امیر شهید سپهد صیاد شیرازی در خاطرات خود چنین می گویند (به نقل از کتاب ناگفته های جنگ - تدوین احمد دهقان - نشر سازمان تبلیغات اسلامی صص ۲۹۹ تا ۳۰۸) :

چندین شور عملیاتی با فرماندهان و اعضای ستادمان انجام دادیم . قرارگاه کربلا اداره کننده منطقه بود. نتیجه که نگرفته بودیم هیچ ، مطالبی که فرماندهان از وضع یگانهایشان می گفتند ، نمایان می ساخت که باید به سرعت نیروها را بازسازی کنیم؛ یعنی باید عملیات را متوقف می کردیم و می رفتیم بازسازی کنیم. چون توان و رمقی برای واحدها باقی نمانده بود .

رفتیم به اتاق جنگ، اعضای ستادمان رفتند و من و فرمانده سپاه تنها شدیم. دو تایی حالت عجیبی پیدا کرده بودیم از بس فشار روحی و روانی به ما وارد شده بود. لشکریایی که در اختیار داشتیم ، اسمشان لشکر بود ولی از رمق افتاده بودند.

در اینجا ، خداوند یک امداد عظیم نصیب ما دو نفر کرد. برای من، این امداد از عظیم ترین امدادهایی است که در سراسر مدتی که در جبهه بودم ، از آن بالاتر را احساس نکردم. در این امداد، به یک طرح رسیدیم . وقتی که با هم در میان گذاشتیم ، بین ما یک ذره بحث در نگرفت که نقطه نظر مختلفی داشته باشیم. اصلاً دو تا مسئولی بودیم که یک فکر و یک طرح را داشتیم. صحبت که می کردیم، نشان می داد این یاری خداوند نصیبمان شده است. البته به برکت سعی و اخلاص رزمندگان اسلام، چون ما پشت سر آنها بودیم و جلویشان نبودیم.

چشمه ایمان از خوشحالی درخشید؛ مثل اینکه کار تمام شده بود حالت جالبی است که فرماندهی مطمئن باشد طرحی که می خواهد به اجرا در بیاورد . در این طرح اطمینان پیروزی هست ؛ یعنی ما پیروزی را در آن جرقه ذهنی که به وجود آمد ، دیدیم .



اینک قسمتهایی از دستور جزء به جزء شماره ۹ قرارگاه کربلا مورخه ۶۱/۲/۳۰ عیناً درج می گردد

۳. مأموریت

در ادامه مرحله سوم عملیات بیت المقدس قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب در ساعت (س) روز(ر) با بکاربردن قرارگاه فتح در خاور(چپ) و قرارگاه فجر۳ در وسط و قرارگاه نصر در باختر(راست) تک نموده و نیروهای دشمن را در منطقه منهدم و خرمشهر را تأمین و در سایر مناطق به پدافند خود ادامه داده با اجرای تکهای محدود دشمن را درگیر می نماید.

نقشه شماره ۲۰/صفحه ۲۲۶ طرح نهایی قرارگاه کربلا را برای احاطه خرمشهر از غرب به طور شماتیک نشان می دهد. در ساعات اولیه روز ۶۱/۲/۳۱ دشمن در منطقه قدس ۲ (حوالی جنوب کوشک) دست به حمله زد که با هوشیاری یگانها، حمله دشمن دفع گردید. در سایر مناطق درگیری به صورت تبادل آتش بود و در جبهه خرمشهر یگانها برای عملیات آماده شده و به تکمیل شناسایی های خود پرداختند. برابر اطلاعات به دست آمده از طریق ایستگاههای استراق سمع اتومبیل حامل سرهنگ ستاد احمد زیدان فرمانده تیپ ۱۱۳ پیاده عراق که ضمناً فرماندهی نیروهای مستقر در شهر خرمشهر را نیز به عهده داشت در اثر برخورد با مین در میدان مین داخل شهر منهدم و فرمانده مزبور کشته شده و به جای وی سرهنگ ستاد خمیس مخلیف فرمانده تیپ ۳۴ پیاده بفرماندهی نیروهای خرمشهر منصوب گردیده بود.

دو تایی با هم صحبت کردیم . مشکل کار در این بود که این طرح را چطور به فرماندهان ابلاغ کنیم . با آنان بحثهای دیگر کرده بودیم و حالا یکدفعه این طرح را مطرح می کردیم . در ذهن مان بود که می گویند مشورتهایمان چطور شد ؟ مخصوصاً بچه های سپاه ، اهل بحث ومشورت و این چیزها بودند و فکر میکردیم اگر یک موقع چیزی را فی البداهه بگوییم، ممکن است برایشان سنگین باشد . خداوند یاری کرد و گفتم : من این را ابلاغ می کنم . یعنی مسئولیت ابلاغش را به عهده گرفتم . آقای محسن رضایی هم قبول کرد و گفت : اشکالی ندارد . از طرف من هم شما به سپاه و ارتش ابلاغ کنید . از قرارگاهمان که در شرق کارون بود ، آمدیم به طرف غرب کارون و خودمان را رساندیم به قرارگاه جلویی که نزدیکیهای خرمشهر بود . قرارگاه موقتی بود . به فرماندهان ابلاغ کردیم که سریع بیایند و جمع شوند. آمدند و جمع شدند. این جلسه، از تاریخی ترین جلسات است . از نظر نظامی، چون آشنا بودیم، می دانستم که برای ارتشی ها مشکل نیست؛ منتها بچه های سپاه ، چون نظامیهای انقلابی جدید بودند ، باید ملاحظه می شدند . برای اینکه آنها هم کنترل شوند ، مقدمه را طوری گفتم که احساس کنند فرصتی برای بحث نیست و به عبارت دیگر ، دستور ابلاغ می شود و باید فقط برای اجرا بروند چون وقت کم بود و اگر می خواست فاصله بین عملیات بیفتد این طرح خراب می شد گفتم: من مأموریت دارم - این طور گفتم که خودم را به عنوان مأمور قلمداد کنم - که تصمیم فرماندهی قرارگاه کربلا را به شما ابلاغ کنم . خواهش می کنم خوب گوش کنید و اگر سوال داشتید بپرسید تا روشن تر توضیح بدهم مأموریت بگیریید و سریع بروید برای اجرا .

←

همچنین از نیروهای دشمن مستقر در حد فاصل غرب خرمشهر تا شلمچه یگانهای زیر شناخته شده بودند:

تیپ ۲۲ پیاده لشکر ۱۱ پشت خاکریز اول

تیپ ۹ گارد مرزی پشت خاکریز دوم

تیپ ۱۰ گارد مرزی در نهر عرایض

تیپ ۲۳ نیروی مخصوص در پل نو

تیپ ۳۰ زرهی (احتیاط لشکر ۱۱) در شلمچه

گردان تانک قعقاع در عرایض

در این روز (۶۱/۲/۳۱) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی ارسال پیامی به قرارگاه کربلا به بیان نقاط ضعف و اشکالات موجود در دستور جز بجز شماره ۹ پرداخته و تاکید نمود که آزاد کردن خرمشهر به تنهایی، در وضعیت حکومت صدام محتملاً تغییری را به وجود نخواهد آورد، زیرا هنوز تغییراتی در خط مرز بین المللی عراق ایجاد نکرده است. تهدید بصره با دستیابی به تنومه علاوه بر آنکه سبب احاطه خرمشهر میگردد قسمتی از خاک دشمن را نیز بتصرف خودی درآورده و استان بصره در محاصره جدی قرار خواهد گرفت که احتمالاً سبب سرنگونی حکومت صدام حسین خواهد گردید.

لحظه همه به هم نگاه کردند و آن حالتی که فکر می کردیم پیش آمد. اولین کسی که صحبت کرد برادر شهیدمان- که ان شاءالله جزو ذخیره ها مانده باشد- احمد متوسلیان بود. فرمانده تیپ ۲۷ حضرت رسول(ص) بود. ایشان در این چیزها خیلی جسور بوده، گفت: چه جوری شد؟! نفهمیدیم این طرح از کجا آمد؟ منظورش این بود که اصلاً بحثی نشده یکدفعه شما تصمیم گرفتید و طرح را ابلاغ کردید. من گفتم: همین طور که عرض کردم، این دستور است و جای بحث ندارد.

تا آمدیم از ایشان فارغ شویم، شهید خرازی صحبت کرد، احتمالاً احمد کاظمی هم صحبت کرد- من یک خرده تندتر شدم و گفتم: مثل آنکه متوجه نیستید. ما دستور را ابلاغ کردیم، نه بحث را. از آن ته دیدم آقای رحیم صفوی با علامت دارد حرف می زند. توصیه به آرامش می کرد. خودش هم لبخندی بر لب داشت و به اصطلاح می گفت مسئله ای نیست. او هم متوجه بود که این طور باید گفت و هم متوجه بود که این طبیعی است، باید تحملش کرد.

آنچه مرا بیشتر ناراحت کرد، گفته های یک سرهنگ ارتشی بود. از عناصر ستاد خودمان هم بود، از استادان دانشکده فرماندهی و ستاد، استاد خوبی هم بود، ایشان گفت: ببخشید جناب سرهنگ، ما راه کار برای عملیات دادیم. این جزو هیچکدام از راه کارها نبود.

فی البداهه خداوند به زبانم چیزی آورد که به درد این ارتشی بخورد و به زبانی باشد که او بفهمد. گفتم: من از شما تعجب می کنم که استاد دانشکده فرماندهی و ستاد هستید و چنین سوالی می کنید. مگر نمی دانید تصمیم فرمانده در مقابل راه کارهایی که ستادش به او می دهد، از سه حالت خارج نیست. یا یکی از راه کارها را قبول می کند و دستور صادر می کند. یا تلفیقی از راه کارها را به دست می آورد و آن را ابلاغ می کند. یا هیچ کدام از آنها را انتخاب نمی کند و خودش تصمیم می گیرد. چون او بایستی به مسئولان بالا و خدا

جواب بدهد. فرمانده ملزم به تصمیم گیری و اتخاذ تدبیری است که پیش خدا جوابگو باشد، نه به



انسانهای دیگر. این حالت سوم است.

در این پیام همچنین ستاد مشترک در مورد خطر تهدیدات دشمن در منطقه قرارگاه قدس و شمال منطقه فتح (مرزطلایه-کوشک-پاسگاه زید) و قصد احتمالی متجاوز در مورد دستیابی مجدد به جاده اهواز- خرمشهر در این قسمت را یادآور شده و هشدار داد که در این صورت قرارگاههای قدس و نصر و فتح در محاصره عظیم و حتی نابودی قرار خواهند گرفت و لذا ترجیح دارد که قبل از حمله به خرمشهر این جناح ۵۵ کیلومتری (طلایه- کوشک- پاسگاه زید) بحداقل تنزل داده شود یعنی با حمله بشرق بصره و رسیدن نیروهای ما حداقل به ۱۰ کیلومتری شمال بصره توموه ، دشمن مجبور خواهد شد برای دفاع از استان بصره، خرمشهر را تخلیه نماید و با تهدید جدی بصره صدام حسین و حزب بعث عراق مورد استیضاح مردم عراق از هر طبقه قرار خواهد گرفت.

من که غافل شده بودم، در اثر برخورد روانی برادر رحیم صفوی، یک خرده تحمل خودم را بیشتر کردم. داشتم نا امید می‌شدم و فکر می‌کردم این جلسه به کجا می‌انجامد. به خودم گفتم: در نهایت، به تندی دستور را ابلاغ می‌کنم. بالاخره باید اجرا شود. میدان جنگ است و بایستی یک خرده روح و روان هم آمده باشد. خداوند متعال می‌فرماید: فان مع العسر يسرا. (سوره الانشراح-آیه ۴) او ما را کشاند تا نقطه اوج سختی و یکدفعه آسانی را نازل کرد، بدون اینکه خودمان نقش زیادی داشته باشیم. جریان جلسه یکدفعه برگشت. برادر احمد متوسلیان گفت: من خیلی عذر می‌خواهم که این مطلب را بیان کردم. ما تابع دستور هستیم و الان می‌رویم به دنبال اجرا، هیچ نگران نباشید.

برادر خرازی هم همین طور، همه شان با هم هماهنگ کردند و شروع کردند به تقویت فرماندهی برای اجرای دستور، اینطور که شد، گفتم: بسیار خوب اینقدر هم وقت دارید. سریع بروید برای عملیات آماده شوید و اعلام آمادگی کنید.

اینها که رفتند، یکدفعه غبار غمی دل مرا گرفت. خدایا، با این قاطعیتی که در ابلاغ دستور نشان دادم، با این شرایطی که توی جلسه به وجود آمد و بعد هم خودت حلتش کردی، حالا اگر این طرح نگرفت، آن وقت چکار کنیم؟ دفعه بعد، توی اتاقهای جنگ، نمی‌شود اینطور دستور داد، چون یاد صحنه های قبلی می‌کنند. به آخر خاطرات این عملیات که برسیم، می‌بینید خداوند متعال چطور یاری و نصرتش را بر ما وارد کرد و از شکرگزاری به درگاه خدا، برای نعمتهایی که به ما داده، غافلیم.

طرح چه بود؟ آن طرحی که به عنوان جرعه امید و امداد الهی در ذهن خود احساس کردیم، این بود که گفتیم درست است ما ۲۵ روز است در حال جنگیم و فرماندهان می‌گویند که بریده‌ایم و نیروهایمان باید بازسازی شوند ولی این را نمی‌توانیم نادیده بگیریم که

قرار است خونین شهر آزاد شود. این را هم می‌دانیم که نیرویش را نداریم که آزادش کنیم ولی حداقل می‌توانیم خونین شهر را محاصره کنیم یعنی از یک جایی برویم بین خونین شهر و شلمچه. آن دفعه که نتوانستیم از شلمچه برویم، حالا از یک جای دیگر می‌رویم که آسانتر باشد و اعلام کنیم خونین شهر را محاصره کرده ایم. همین باعث می‌شود که نیروها بیشتر و زودتر به جبهه بیایند و ما تقویت شویم. این طور توی ذهن ما بود. آنچه به ذهن آمده این بود. تصویری از آزادسازی نبود. بلکه محاصره خونین شهر بود تا در قدم بعدی شهر آزاد شود.



در این پیام همچنین ستاد مشترک مطالبی را به فرماندهی مشترک قرارگاه کربلا پیرامون کاربرد صحیح نیروها و اتخاذ تدابیر منطقی و مانورهای مناسب و بستگی تام و مطلق رزم پرسنل فداکار و ایثارگر را با مانور و تدابیر انتخاب شده برای دستیابی به پیروزی در نبرد، متذکر گردیده و با جملات زیر آن را خاتمه می داد:

محور را انتخاب کردیم. بهترین و سهل الوصول ترین محور برای چنین حرکتی، جاده خرمشهر به اهواز و شرق آن یعنی رودخانه عرایض بود. باید از رودخانه هم رد می شدیم. عمق عملیات چهار پنج کیلومتر بیشتر نبود. نیروها باید عبور می کردند و خودشان را به اروند می رساندند و ما اعلام می کردیم که خونین شهر را محاصره کرده ایم. در حالی که این محاصره کامل نبود. یک بخش از خونین شهر - جنوب شهر - را اروند رود تشکیل میداد که آن طرفش دشمن بود. دشمن میتوانست به راحتی، با توپخانه، از اطراف آن بکوبد. همه آتشها هم می رسید. از خمپاره گرفته تا توپخانه. یعنی نیازی نداشت توپخانه اش را ببرد آن طرف. با داشتن جزایر ام الرصاص و سهیل، خیلی راحت می توانست پشتیبانی هایش را هم انجام دهد. ولی ما همین را هم پیروزی می دانستیم.

باید کدام نیروها را انتخاب می کردیم؟ گفتیم از بین لشکرهای ارتش و سپاه، نیروهایی که توانشان بالاتر است، انتخاب می کنیم. دیگر نمی گوییم قرارگاه فلان بجنگد. ببینیم توی لشکرها، کدام واحدها وضعیتش بهتر است، آن را که سالم تر است به کار می گیریم.

اگر اشتباه نکرده باشم - چون مساله خیلی مهم بود، هنوز توی ذهن مانده - از سپاه تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص) بود. تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۸ نجف و احتمالاً تیپ فجر (احتمالاً، یعنی یک تیپ دیگر هم بود). از ارتش: تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه به فرماندهی سرتیپ شاهین راد و تیپ ۳ از لشکر ۷۷ خراسان و تیپ ۳ لشکر ۲۱. اینها با هم سه محور را تشکیل دادند. محور غربی، یعنی سمت راست را حضرت رسول (ص) با تیپ های ۳ و ۲ از لشکر ۲۱، محور وسطی را تیپ ۳ لشکر ۷۷ و یک تیپ از سپاه (احتمالاً همان فجر است). محور سمت چپ که به خونین شهر وصل می شد، تیپ ۸ نجف. البته محور سمت راست و چپ اصلی بودند. محور وسط فقط یک مقدار تعرض می کرد. سمت راست و سمت چپ با دشمن تماس داشتند ولی وسطی فقط از جلو با دشمن تماس داشت و به آب می خورد.

قرار شد با هم تک کنند و این کار را انجام دهند. شب، عملیات شروع شد. از همان اول شب، محور سمت راست به سرعت برید و رفت جلو. شکاف را ایجاد کرد و رفت جلو ولی آنقدر جلو رفت که دادش درآمد. می گفت: هنوز سمت چپ من آزاد است. من دارم، هم از راست می خورم و هم از سمت چپ.

برادر احمد متوسلیمان داد و بیداد می کرد. دو محور دیگر جلو نمی رفتند. ما داشتیم ناامید می شدیم. تا صبح هر چه راهنمایی و هدایت شدند پیش نرفتند. حدود نماز صبح بود. یادم هست که بچه ها همه از حال رفته بودند و از خستگی افتاده بودند. تعداد خیلی توی اتاق جنگ بودیم نماز را خواندم. دیدم حالم گرفته شده. چشمهایم باز نمی شدند. گفتم بخوابم. ولی دلم نمی آمد از کنار بیسیم کنار بروم. در همان اتاق جنگ، زیر نورافکن، ملحفه ای پهن کردم. گفتم دراز بکشم، یک مقدار آرامش پیدا بکنم.



اجرا و هدایت نبرد بیت المقدس/۱۴۷

بخدا سوگند می خورم این تاکیدات فقط بخاطر پیروزی رزمندگان اسلام و شما برای نجات انقلاب اسلامی و میهن عزیز و برای جلوگیری از ناکامیها و خدای نکرده شکستهای احتمالی ، اگر قبول نکردید و بکار نبستید باز از خداوند بزرگ پیروزی برای شما رزمندگان اسلام آرزو می کنم. من از راه دور صحبت می کنم چه می توان کرد. این شرایط این را به وجود آورده که وجود من برای شما و قرارگاه شما ضرورتی نداشته باشد.

سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد

مانور پیشنهادی ستاد مشترک در این پیام اصولی و منطبق با روشهای تاکتیکی و ارزشهای استراتژیکی بود ولی واقعیات موجود در میدان نبرد که یکی از آنها عدم توانایی نیروهای خودی از لحاظ توان رزمی برای اجرای چنین مانوری بود در آن کاملاً ملحوظ نگردیده بود.

از حوادث جالب روزگار اینکه این پیام رییس ستاد مشترک زمانی به قرارگاه کربلا واصل گردید که خرمشهر آزاد شده و قرارگاه کربلا در صدد بود که با پایان گرفتن کار خرمشهر برای ادامه تک و تهدید شرق بصره اقدام نماید.

بلافاصله خواب سید عالیقدری را دیدم که با عمامه مشکی آمد داخل قرارگاه ما. صورتش را گرفته بود. چهره اش گرفته و غمناک بود. آمد و نگاهی به همه مان کرد. همه به احترام بلند شدیم و یکپارچه احترام مان برانگیخته شد. ایشان مثل اینکه کارش را انجام داده باشد و کار دیگری نداشته باشد- برای من هم طبیعی بود- گفت: می خواهم بروم، کسی نیست مرا راهنمایی کند. بلافاصله دویدم جلو و گفتم : من آمادگی دارم.

آمدم ایشان را راهنمایی کردم تا از قرارگاه بیرون بروند. از آنجا هم خارج شدیم. یکدفعه به نظرم آمد که حیف است این سید عالیقدر راه برود، بهتر است که ایشان را بغل کنم و روی دست خودم بگیرم. همان کار را کردم و ایشان را روی دست گرفتم راه نرود. همان طوری که روی دستهای من بودند، با حالت تبسم، به من نگاه کردند. اظهار محبت کردند. این اظهار محبت، خیلی من را متأثر کرد و به گریه افتادم. گریه ام آنقدر شدت داشت که از خواب پریدم.

بیست دقیقه از زمانی که خوابیده بودم، گذشته بود ولی انگار اصلاً خوابم نمی آمد. حالت خاصی را احساس کردم. همان موقع، توی بیسیم داشتند تکبیر می گفتند. تکبیر چه بود؟ دو محور که گیر کرده بود، باز شده و رسیده بودند به اروند. یعنی سه محور با هم رسیده بودند به اروند. تمام مشکلات ما در پیشروی حل شده بود.

بخش هفتم

خرمشهر ما می آییم

یکی از تابلوهای تبلیغاتی کنار جاده خرمشهر

عملیات ۱ تا ۴۱ خرداد ماه ۶۱ (روزهای ۲۳ تا ۲۶ نبرد)

روز ۶۲/۳/۱ درگیری کماکان به صورت تبادل آتش ادامه داشته و یگانهای قرارگاههای فجر و فتح و نصر که بایستی در عملیات فتح خرمشهر شرکت نمایند به تکمیل تغییر گسترش، شناسایی ها و سایر اقدامات لازم برای کسب آمادگی مشغول بودند. ساعت پنج و پنجاه دقیقه بامداد مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن در ماهشهر توسط چهار فروند هواپیمای عراقی مورد هجوم هوایی قرار گرفت و خسارات سنگینی ببار آمد و بیش از ۳۰ نفر مجروح شدند. پس از ده روز که از تلاش نیروهای ما برای آمادگی فتح خرمشهر میگذشت بالاخره با یکساعت تأخیر نسبت به ساعت تعیین شده در ساعت بیست و دو و سی دقیقه (۶۱/۲/۱) سومین تلاش آفندی قرارگاه کربلا به منظور آزادسازی خرمشهر بر اساس دستور جزء به جزء شماره ۹ با رمز بسم الله قاصم الجبارین یا محمد بن عبدالله (ص) آغاز گردید. دشمن در مقابل تک غافلگیر کننده نیروهای خودی در منطقه خرمشهر و پل نو مجبور به ترک خاکریزهای دفاعی خود یکی پس از دیگری شده و ساعت چهار و سی دقیقه بامداد ۶۱/۳/۲ جاده آسفالت شلمچه - خرمشهر (جاده پل نو) در محدوده منطقه قرارگاه های نصر ۳، فجر ۳ و فتح آزاد گردیده و نیروهای دشمن تحت فشار شدید یگانهای خودی به پشت نهر عریض و نهر ختین عقب رانده شدند با تصرف جاده مرزی پاسگاه خین و پاسگاه مرزی حدود ارتباط زمینی دشمن با خرمشهر قطع شد و شهر عملاً به محاصره درآمد. ساعت ۲ بعد از ظهر فجر ۳ و فتح به رودخانه اروند رسیده و در حاشیه شمالی آن گسترش یافتند و به این ترتیب قرارگاههای فجر ۳ و فتح مأموریت واگذاری در دستور جزء به جز شماره ۹ را با موفقیت کامل انجام دادند. در برابر تک سریع و غافلگیرانه نیروهای ما دشمن دچار وحشت و سرگردانی شدید شده نتوانست عکس العمل مناسبی نشان دهد. ارتباط یگانهای دشمن با یکدیگر قطع بود و فرار افسران، و درجه داران و سربازان از منطقه خرمشهر گویای از هم پاشیدگی سازمان یگانهای دشمن در خرمشهر بود.^۱

۱. خاطرات امیر شهید سپهد صیاد شیرازی به نقل از کتاب ناگفته های جنگ صص ۳۰۸ تا ۳۱۰ :

گفتند : ما زدیم ، خوب هم گرفت. عراقیها جلوی ما دستها را بالا برده اند ولی تعداد آنها مشخص نیست. باید احتیاط می کردند و کند به طرفشان می رفتند. یک هلی کوپتر ۲۱۴ به آسمان فرستادیم بالا که ببینیم وضعیت چه جور است. خلبان فریاد زد : تا چشمم کار می کند، درخیا بانها و کوچه های خرمشهر، عراقیها صف بسته اند و دستها را بالا برده اند. یعنی قابل شمارش نبودند. واقعاً صحنه عجیبی بود. نمی شد به عراقیها بگوییم شما بروید در سنگر ، ما نیرو نداشتیم! بالاخره باید کارشان را تمام می کردیم. باز خداوند یاری کرد و تدابیری اتخاذ شد که جالب هم بود. به نیروهایی که در خط داشتیم ، گفتیم:



نصر ۲ و نصر ۳ با مقاومت شدید دشمن در منطقه شلمچه مواجه و با میادین مین متوالی مواجه گردیده و پیشروی آنها کند گردید نصر ۳ با ادامه تلاش سرانجام موفق به تامین خط دژها در منطقه محوله شد و نصر ۲ که در نخلستانها درگیر پیکاری سخت و سنگین با دشمن بود خود را تا حدود ۱/۵ کیلومتری ارونند جلو کشیده و تلاش می کرد با تصرف منطقه سرپل دشمن در شمال نهر خین پل شناور عراق روی ارونند رود را به دست آورده و ارتباط عراق را با منطقه خرمشهر از این طریق قطع کند. نیروهای متجاوز در تلاش برای برقراری ارتباط مجدد با نیروهای محاصره شده در خرمشهر بوده و نمی خواستند این آخرین برگ خود را از دست بدهند در این عملیات رزمندگان ما بیش از ۱۵۶۳ نفر را اسیر، تعدادی تانک را منهدم و یک فروند هلی کوپتر دشمن را که به علت نقص فنی فرود آمده به غنیمت درآوردند. در دستور جزء به جزء شماره ۹ به قرارگاه قدس دستور داده شده بود که ضمن درگیر کردن دشمن با انجام تکه‌های محدود تلاش نماید، که در صورت امکان خط دژها را در منطقه محوله یا قسمتهایی از آن را تأمین نماید. در اجرای این دستور قدس ۱ و قدس ۴ در مناطق مربوطه دست به حمله زدند قدس ۱ پس از مدتی پیشروی به علت عدم برخورد با دشمن و طولانی شدن مسیر با تصویب فرماندهی مشترک به مواضع اولیه مراجعت نمود اما قدس ۴ با دشمن درگیر شده و گزارش نمود که پس از ۲/۵ ساعت درگیری موفق به انهدام ۱۸ دستگاه تانک و به اسارت درآوردن ۸ نفر و به غنیمت گرفتن یک دستگاه تانک سالم و وارد آوردن تلفات زیاد به دشمن شده است. قدس ۴ نیز ساعت سه و نیم بامداد به علت نداشتن مواضع مناسب و باز بودن جناحین بمواضع اولیه خود مراجعت نمود.

به صورت دشتبان، به صورت صف، در یک طرفشان-یعنی طرف غرب- بایستید. منظور ما این بود که نیروها را هدایت کنیم بیایند روی جاده از طریق جاده به طرف اهواز بروند. گفتم: فعلاً پیاده به طرف اهواز بروند! تا اهواز ۱۶۵ کیلومتر راه بود. ماشین هم نداشتیم که آنها را سوار کنیم. نیروها با دست اشاره می کردند که بروید توی جاده. اینها هم پشت سر هم آمدند و در جاده رفتند. مگر تمام می شدند! آمدن آنها تا بعد از ظهر طول کشید. هر چه می رفتند، تمام نمی شدند. عصر بود. پرسیدم: بالاخره این اسرا چه شدند؟ گفتند: دیگر نمی آیند.

به خرمشهر رفتیم و آن را پس گرفتیم. آماری به ما دادند. حدود چهارده هزار و پانصد نفر در شهر اسیر شده بودند. جالب در این سنگرها، چقدر امکانات و مهمات و وسایل و تجهیزات و غذا بود. خداوند متعال، در این نمایش قدرت، نشان داد که چه وحشت و رعبی در دل دشمن انداخت. آنها با اینکه هنوز عقبه شان قطع نشده بود و با وجود اینکه در سنگرهای مستحکم بودند و با این وجود اگر باز امکانات به آنها نمی رسید، اقلاً ده الی پانزده روز دیگر می توانستند مقاومت کنند، ولی خداوند رعبی به دل آنها انداخت که حتی یک ساعت هم مقاومت نکردند.

چهارده هزار و پانصد نفر اسیر اینجا داشتیم و حدود پنج هزار هم قبلاً داشتیم. اسرای بیت المقدس نوزده هزار و سیصد و هفتاد نفر شدند. حدود یکماه طول کشید تا تک تک سنگرها از فشنگ و مهمات و وسائل و خواربار خالی شد.

بگذریم که در همان فاصله ای که ارتباط شلمچه را با خرمشهر قطع کرده بودیم، دشمن مانورهای زیادی در بیسیم میداد. مرتب می گفتند واحد فلان می آید، مقاومت کنید و هیچ کس حق ندارد عقب بیاید. از طرف دیگر، متوجه شدیم که تعدادی از سربازهای عراقی می خواستند از طریق رودخانه فرار کنند. در قایق جایشان نمی شود و با هم درگیر می شوند. دستور از بالا می آید هیچ کس حق ندارد عقب بیاید که ارتباط قطع می شود و همه شان اسیر می شوند.

گزارشهای اطلاعاتی حاکی از این بود که دشمن اقدام به برداشتن بخشی از نیروهای خود در مقابل قرارگاه قدس و اعزام آنان به منطقه خرمشهر نموده و لذا قوای عمده متجاوز در مناطق مرزی طلایه، کوشک احتمالاً به پشت خط دژها عقب نشینی نموده اند لذا ساعت بیست و یک و سی دقیقه روز (۶۱/۳/۲) قرارگاه قدس به قدسهای ۴ و ۱ دستور داد که در مناطق محوله مجدداً پیشروی نمایند. قدس ۱ بدون برخورد با دشمن ۶ کیلومتر پیشروی و در خاکریزهای پشت پاسگاه شهابی مستقر گردید و مناطق از دست داده شده در اثر هجوم دشمن، به تصرف گروه رزمی محمدی در مورخه ۶۱/۲/۲۴ در آمد.

قدس ۴ با عقب نشینی دشمن از تپه کوشک (واقع در شمالغربی پاسگاه کوشک) تپه مذکور را تصرف و قسمتی از خط دژها در منطقه قدس ۴ تأمین گردید.

نتیجه عملیات روز ۶۱/۳/۲ بسیار درخشان بود و میتوان گفت که قرارگاه کربلا به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود رسیده و این شهر بدون تردید در آستانه سقوط قطعی قرار گرفته بود.

اسرای دشمن در این روز در حدود ۲۸۳۰ نفر بالغ گردید که در میان آنها ۵۶ نفر افسر دیده می شد. یگانهایی از دشمن که در منطقه بین نهر عرایض و شلمچه مستقر بوده و به میزان زیاد منهدم شده و اسیر داده بودند به این شرح بود:

تیپ ۲۲ پیاده لشکر ۸ - تیپ ۳۳ نیروی مخصوص - گردان تانک قعتاع - تیپ ۹ گارد مرزی - تیپ ۱۳ گارد مرزی - تیپ ۴۸ پیاده لشکر ۱۱ - گردان ۳ تیپ ۳۷ پیاده لشکر ۷ - گردان تانک شرحیل - تیپ ۱۰ گارد مرزی - یگانهای ارتش خلقی.

برآورد می شود که علت شکست دشمن در این عملیات با وجود دارا بودن کلیه امکانات پدافندی و خاکریزهای مستحکم، نداشتن یک سیستم موثر دیدبانی و مراقبت بود که سبب نزدیکی و هجوم غافلگیرانه نیروهای خودی به مواضع آنان گردید.

برابر پیامهای استراق سمع شده از دشمن، اندکی پس از آغاز این عملیات، فرماندهان اغلب یگانها در پیامهای خود درخواست عقب نشینی کردند. پرسنل یگانهای درگیر اکثراً مبادرت بفرار نموده یا با تسلیم خود تن به اسارت سپردند بعضی از افراد دشمن که فرار کرده بودند از نیمه راه برگشتند و در سایر مناطق خود را تسلیم کردند.

علی‌رغم فعالیت شدید نیروی هوایی عراق در بمباران مناطق درگیر عملیات، نیروی هوایی خودی نیز تلاش فراوان در پشتیبانی هوایی در این عملیات را برحسب مقدمات به عمل آورد. هواپیماهاییکه مأموریت بمباران و انهدام پل شناور صدام روی اروندرود را داشتند چون در هدف گیری پل دچار مشکلاتی شده بودند مناطق تجمع دشمن را در آنسوی اروند رود مورد اصابت قرار دادند. بنا به اظهار پاره ای از مقامات نیروی هوایی برابر اطلاعاتی که بعداً به دست آمده معلوم شد که در این بمباران یکی از پاسگاه فرماندهی دشمن در حوالی شلمچه به طور اتفاقی هدف قرار گرفته و صدام حسین که در این پاسگاه حضور داشته مجروح گردیده بود.

در اواخر روز ۶۱/۳/۲ قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضعیت و موفقیت قرارگاههای فجر ۳ و فتح در احاطه کامل خرمشهر مصمم به وارد کردن نیروهای خود به شهر و پاکسازی آن از وجود دشمن گردید و با صدور دستور جزء به جزء شماره ۱۰ دستور اجرای آن را به یگانها صادر نمود.

در این دستور به فجر ۳ دستور داده شد تیپ ۳۳ المهدی را که در شکستن خاکریزهای پدافندی دشمن در نهر عرایض و پل نو کفایت فراوان از خود نشان داده بود در اختیار قرارگاه فتح (تیپ ۱۴ امام حسین + تیپ ۸ نجف اشرف) قرار داده و خود به پدافند از منطقه محوله در کرانه اروند ادامه دهد.

و به قرارگاه فتح مأموریت ورود به خرمشهر و پاکسازی شهر از نیروهای دشمن داده شد.

قرارگاه نصر مأموریت یافت که به پدافند در سمت باختر و شلمچه ادامه داده ضمن انهدام سرپل موجود دشمن در شمال نهرخین (منطقه ای که قسمت انتهایی پل شناور عراق روی اروند در آن قرار داشت) پاتکهای دشمن را از سمت منطقه شلمچه و از شمال نهرخین به سمت خرمشهر برای شکستن حلقه محاصره و الحاق با نیروهای محاصره شده دفع نموده و هر گونه، پیشروی دشمن را از غرب به شرق سد نماید.

لازم به توضیح است که به علت اینکه نصر ۳ نتوانسته بود خود را بحاشیه شمالی اروند برساند و به فاصله ۱/۵ کیلومتری آن متوقف گردیده بود لذا پیش بینی میشد که احتمال دارد دشمن برای شکستن حلقه محاصره خرمشهر از غرب به شرق تک نموده و با وارد کردن نیروهای تازه نفس به شمال نهرخین با استفاده از پل شناور روی اروند رود به اینکار مبادرت ورزد.

همچنین دستور داده شد که سه دستگاه از پلهای شناور موجود به روی رودخانه کارون جمع آوری و در منطقه شرق خرمشهر در مناطق حفار، مارد و شیر پاستوریزه نصب گردیده و نیروهای تیپ ۲۳ نهد و تکاوران دریایی با عبور از کارون در این نقاط از شرق هم شهر خرمشهر را مورد تهدید قرار دهند و علاوه بر آن امکان برقراری و نصب یک پل روی رودخانه اروند در مجاورت پل بزرگ منهدم شده خرمشهر برای ورود به شهر از جنوب نیز مورد بررسی قرار گیرد.

افسران مهندسی قرارگاه کربلا در انتخاب مارد و حفار برای نصب پل شناور می گفتند که چون عراق در تجاوز مهرماه سال ۵۹ خود بشرق کارون و محاصره آبادان از این نقاط برای عبور از رودخانه استفاده نموده لذا اینک به منظور یک جوابگویی تاریخی پلهای شناور ما نیز در همان نقاط نصب گردد البته نکته اصلی این بود که نقاط مزبور در ساحل سازی آماده بود و لذا استقرار پلهای شناور در آنجا نیاز به فعالیت زیاد مهندسی نداشت.

ساعت ۳ بامداد روز ۶۱/۳/۳ یک دستگاه پل شناور پی.ام پی در منطقه مارد روانه گردید و عناصری از تیپ ۲۳ نهد به بخش شرقی خرمشهر وارد شدند.

در تاریکی شب قبل ، تعدادی از افراد دشمن در خرمشهر با استفاده از قایق و عبور از اروند رود اقدام به فرار نمودند که تعدادی از این قایقها توسط تکاوران نیروی دریایی از منطقه جنوبی رودخانه اروند هدف قرار گرفتند.

درحالی که نیروهای متجاوز در خرمشهر در محاصره کامل قرار گرفته و دست به فرار و تسلیم زده بودند رادیو عراق در برنامه اخبار فارسی خود مدعی مقاومت شدید نیروهای خود در خرمشهر گردید :

نیروهای (امام) خمینی(ره) تلاش نمودند که با حمله شب گذشته، خود را به محمره (خرمشهر) نزدیک نمایند که با مقاومت شدید نیروهای ما مواجه شدند و در حال حاضر تلاش می نمایند که از دو طرف ، شمال شرقی کارون و شمال غربی محمره در دو ستون به شهر نزدیک شوند ولی بدانند که نیروهای ما مستقر در شهر کاملاً مقاومت کرده ضمن اینکه نیروهای المنصور در حال حرکت و کمک به آنها می باشند.

دشمن در ساعت سه و پنجاه دقیقه و یازده صبح و یک و نیم بعداز ظهر روز ۶۱/۳/۳ از سمت شلمچه به یگانهای نصر ۲ و نصر ۳ ، حمله کرد و تلاش می کرد که از طریق جاده پل نو حلقه محاصره خرمشهر را بشکند ولی یگانهای نصر ۳ دلاورانه پایداری نموده و حمله دشمن را با وارد کردن تلفات و ضایعات دفع نمودند.

یگانهای نصر ۲ تلاش کردند که مواضع عناصر دشمن در ۱/۵ کیلومتری شمال نهرخین در هم شکسته و خود را به رودخانه اروند برسانند اما مقاومت شدید دشمن در نخلستانهای موجود در این منطقه تلفات سنگینی بر نصر ۲ به ویژه تیپ ۲۷ محمد رسول الله(ص) وارد نموده و دشمن موفق گردید منطقه مزبور را که به صورت یک سرپل درآمده بود حفظ نماید.

نیروهای قرارگاه فتح برای ورود به خرمشهر و پاکسازی آن آماده میشدند و نه تنها هیچ گونه قرآنی از پدافند و مقاومت شدید نیروهای محاصره شده دیده نمیشد بلکه دسته دسته نیروهای دشمن یا در حاشیه غربی شهر خود را تسلیم کرده و یا در شرق خرمشهر با عبور از پل ماردتن به اسارت می دادند.

ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه دشمن با نیروهای موجود خود در شمال نهرخین و یگانهای تقویتی که با استفاده از پل شناور روی اروند به این منطقه وارد کرده بود به سمت شمال و به منظور تصرف و آزادسازی جاده مرزی خرمشهر- خین- حدود(جاده خاکی مرزی در جنوب جاده خرمشهر- شلمچه و موازی بآن) دست به حمله شدید زد تا بتواند نیروهای محاصره شده در خرمشهر را نجات دهد. موج حملات دشمن که هر بار با تحمل تلفات و ضایعات همراه بود چندین بار با شدت تکرار گردید و سرانجام در ساعت ۶ بعد از ظهر دشمن که از این عملیات نتیجه ای به دست نیاورده بود یگانهای درگیر خود در این حملات (تیپ ۳۰ و ۳۶ زرهی و تیپ ۲۵ مکانیزه و چند تیپ پیاده دیگر) را به مواضع دفاعی عقب کشید. در پیامهایی که از دشمن در این عملیات استراق سمع گردید وحشت، اضطراب، ناامیدی و عدم تمایل به جنگ در بین یگانها قابل ملاحظه بود.

یگانهای نصر ۲ و فجر ۳ در مقابل حملات ذکر شده دشمن، پایداری بسیار مردانه و دلاورانه ای از خود به نمایش گذاشتند. ساعت یازده صبح در حالی که درگیری شدید مزبور بین نیروهای قرارگاه نصر و دشمن در شمال نهرخین جریان داشت یگانهای قرارگاه فتح از سمت غرب و خیابان کشتارگاه به سهولت وارد شهر شدند. مقاومت دشمن بسیار ضعیف و تقریباً هیچ بود. در ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند مقاومت اندکی وجود داشت که به سرعت منهدم گردید. ساعت ۱۲ نیروهای ما از سه طرف شمال، شرق و غرب وارد شهر شدند، دشمن که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشت راهی جز تسلیم یا اسارت نداشت و گروه گروه باسیری تن میدادند. نیروهای موجود در شهر به طور کلی عناصری از ۱۴ تیپ و تعدادی گردان مستقل و نیروهای جیش الشعبی بودند، ساعت ۲ بعد از ظهر خرمشهر به طور کامل تصرف و پرچم جمهوری اسلامی ایران بر فراز مسجد جامع و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد و این شهر که ساعت چهار بعد از ظهر روز ۴ آبانماه سال ۱۳۵۹، پس از سی و پنج روز پایداری باشغال دشمن درآمده بود سرانجام ساعت دو و بیست دقیقه بعد از ظهر سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ پس از نوزده ماه اسارت (۵۷۸ روز) به دست فرزندان غیور این مرز و بوم که برای رهایی این شهر از چنگال متجاوز سر از پا نشناخته و خون پاک خویش را بیدریغ ایثار نموده بودند آزاد گردید.

خبر رعد آسای فتح خرمشهر به سرعت برق همه جا پیچیده و موج عظیمی از هیجان و خوشحالی سراسر کشور را فرا گرفت. مردم در خیابانها با روشن کردن چراغها و بصدا درآوردن بوق اتومبیلهای خود بانتشار این خبر پرداخته و به جشن و پایکوبی پرداختند و غرور این ملت بزرگ که با تجاوز بعثیون عراق و اشغال خرمشهر، جریحه دار شده بود با همت و غیرت فرزندان فداکار این کشور اعم از ارتشی، بسیجی، سپاهی و جهادگر و همه و همه التیام یافته و شعار (خرمشهر ما می آییم) واقعیت یافت و خرمشهر که در دوران اشغال (خونین شهر) شده بود با خون جوانان وطن از آن لاله برآمد و دوباره خرمشهر نامیده شد.

تعداد اسرای تخلیه شده از خرمشهر به بیش از چهارده هزار تن بالغ گردید که در میان آنها ۲۶۸ نفر افسر وجود داشت. پایین بودن روحیه و فقدان شایستگی رزمی افراد دشمن و ضعف فرماندهان عراقی در هدایت یگانها برای یک دفاع مؤثر سبب گردید که نیروهای متجاوز در خرمشهر علی رغم برتری مطلق عددی پرسنل و تجهیزات و دارا بودن مواضع بسیار مستحکم و سازمان یافته پدافندی هیچ گونه مقاومتی از خود نشان نداده و با خفت و خواری بسیار تسلیم شوند.

قرارگاه کربلا برای انهدام عناصر دشمن در شمال نهرخین و انهدام پل شناور اروندرود به قرارگاه فجر ۳ دستور داد تا قبل از ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۶۱/۳/۳ یک گردان از نیروهای خود را در اختیار قرارگاه نصر ۲ قرار دهد. پانزده دقیقه بعد از نیمه شب نصر ۲ که در عملیات روز جاری خود به ۵۰۰ متری اروندرود رسیده بود با در اختیار گرفتن یک گردان از فجر ۳ و یک گردان دیگر از نصر ۷ به منظور دستیابی به پل روی نهرخین (آخرین قطعه از پل ۴ قسمتی شناور روی اروند) بان نزدیک شد. ده دقیقه بعد قسمت انتهایی پل به تصرف درآمده و یگانهایی از نصر ۲ با عبور از این پل وارد جزیره بوارین (متعلق به عراق در اروندرود) شدند آتش دشمن روی جزیره بوارین بسیار شدید بود به طوریکه در ساعت هفت بامداد به نصر ۲ دستور داده شد به منظور اجتناب از تلفات بیشتر جزیره بوارین را تخلیه نماید. همزمان با تخلیه جزیره بوارین دشمن در منطقه دژهای جنوب شلمچه به طرف شرق تک نمود که با فداکاری و پایداری دلاورانه یگان نصر ۲ در این خط (گردان ۱۶۹ پیاده) دشمن با تحمل تلفات و خسارات سنگین مجبور به عقب نشینی گردید. تلفات وارده به نصر ۲ در عملیات نهرخین و جزیره بوارین قابل ملاحظه بود. در شب ۶۱/۳/۴ قدس ۵ در منطقه شمال پاسگاه زید تلاش نمود خود را به خط مرز برساند اما پس از یک درگیری شدید با دشمن پس از ۱/۵ کیلومتر پیشروی متوقف گردیده و نتوانست به هدفهای خود دست یابد. در سایر نقاط قرارگاه قدس و همچنین قرارگاه فتح (لشکر ۹۲ زرهی) درگیری به صورت تبادل آتش ادامه داشت. با فتح خرمشهر و وصول نصر ۲ به خط دژها در جنوب شلمچه و به کرانه نهرخین، قرارگاه کربلا در ۶۱/۳/۴ با در نظر گرفتن وضعیت و توان نیروی خودی اتمام مرحله سوم و به طور کلی پایان عملیات بیت المقدس را اعلام و تکمیل مأموریت و تامین کلیه هدفهای طرح عملیاتی کربلا ۳ را به پس از بازسازی و تجدید سازمان و تغییر گسترش نیروهای خود موکول نمود. و در اجرای این منظور آخرین دستور جزء جزء خود را در عملیات بیت المقدس به شماره ۱۱ در تاریخ ۵/۶۱/۳ صادر نمود. در بخشی از این دستور عملیاتی که عیناً نقل می شود منظورهای یادشده ملاحظه می گردد :

۲. آخرین وضعیت

قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب، در اجرای طرح کربلا ۳، با عبور موفقیت آمیز و تاریخی خود از رودخانه کارون که به عنوان یک حرکت تاکتیکی - استراتژیکی برجسته و غرورآفرین نیروهای نظامی ما برای همیشه ثبت گردیده است به انهدام نیروهای عمده دشمن در غرب کارون و تامین و پاکسازی خرمشهر توفیق یافت و بیش از ۵۴۰۰ کیلومتر مربع دیگر از سرزمینهای اشغال شده میهن، از لوٹ وجود متجاوزان عراقی پاک گردید و با تامین اهداف یاد شده ، اینک به منظور ادامه و تکمیل طرح کربلا ۳ و مأموریت واگذاری به طور کامل ، تغییر در گسترش و بازسازی نیروهای ما برای حصول آمادگی هر چه بیشتر ضرورت دارد.

۳- مأموریت :

قرارگاه عملیاتی کربلا از رودخانه کرخه در شمال تا سواحل اروند رود و ادامه آن تا دهانه فاو در جنوب ، پدافند نموده و پس از کسب آمادگی های لازم آماده می شود بنا به دستور در سراسر منطقه و یا قسمتی از آن به سمت باختر تک نماید.

برای پدافند از مناطق آزاد شده در عملیات بیت المقدس و همچنین آماده شدن برای ادامه عملیات، تغییراتی در سازمان رزمی قرارگاههای تابعه داده شد که به طور کلی عبارت بودند از رها ساختن تیپهای مستقل مانند تیپ ۵۵ هواپرد،

تیپ ۳۷ زرهی، تیپ ۴۰ پیاده سراب و تعدادی یگانهای توپخانه برای تشکیل قرارگاه عملیاتی قائم آل محمد (ص)، در مناطق پدافندی شرق فکه به جای قرارگاه فجر و نقل مکان قرارگاه اخیر الذکر به منطقه عملیات بیت المقدس. منظور اساسی از جابه‌جایی فوق تسهیل فرماندهی و کنترل در عملیات آفندی آتی بود به این معنا که به جای تعدادی تیپ مستقل و مجزا یک لشکر پیاده قرار می‌گرفت که دارای توان رزمی و کفایت رزمی نسبتاً بالا بود و تا حدودی هم در مأموریت پدافندی منطقه فتح المبین تجدید سازمان و نیرو کرده بود.

بر حسب دستور فرمانده نیروی زمینی قرار شد که تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار برای شرکت در عملیات آفندی قرارگاه غرب (باختران) به آن منطقه نقل مکان نماید.

لازم به توضیح است که تیپهای ۵۵ هوابرد، ۵۸ پیاده ذوالفقار، و تیپ ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس صدمات زیادی را متحمل شده و نیاز به تجدید سازمان داشتند و واگذاری مأموریت‌های یاد شده در حقیقت نوعی دادن زمان بآنها برای استراحت و تجدید قوا بود، زیرا در طول جنگ ایران و عراق وسعت و گستردگی مناطق عملیاتی، کمبود نیرو و تراکم مأموریت‌ها سبب گردیده بود که عقب کشیدن یگانهای ارتشی برای استراحت و به ویژه تجدید سازمان عملاً غیرمقدور گردد و تلاش بر این بود که این منظور با دادن مأموریت‌های سبک‌تر حاصل آید و به بیان واضح‌تر واحدهای نظامی همیشه در جبهه قرار داشتند و زمان استراحت و تجدید سازمان آنها مثلاً موقعی بود که یک مأموریت پدافندی بآنها ارجاع شود. (البته اگر در زیر باران گلوله‌های دشمن که به نام تبادل آتش توپخانه معروف شده است و تک‌های گاه و بیگاه دشمن استراحت و تجدید سازمان مفهوم واقعی خود را داشته باشد).

پس از پایان عملیات بیت المقدس یگانهای ما در این منطقه تا شروع عملیات آفندی آتی به حال پدافند درآمدند. استعداد یگانهای بسیج مردمی سپاه پاسداران نیز کاملاً تقلیل یافته و بار سنگین پدافند از مناطق آزاد شده را تقریباً به طور کامل یگانهای ارتش به عهده گرفتند.

لشکر ۷۷ پیاده خراسان و عناصر سپاه پاسداران به نام قرارگاه فجر در حد فاصل قرارگاههای فتح و قدس یعنی در منطقه پاسگاه کیلومتر ۲۵ (پاسگاه زید) تا کوشک مستقر و پدافند از آن را عهده دار گردیدند و به این ترتیب منطقه واگذاری به قرارگاه قدس کوچکتر شد.

به منظور روشن تر شدن وضعیت دشمن پس از محاصره خرمشهر ذیلاً چند پیام مبادله شده بین فرمانده منطقه خرمشهر و فرمانده لشکر ۱۱ پیاده و یگانهای دیگر عراقی را که توسط پستهای استراق سمع خودی دریافت و کشف گردید عیناً درج می شود :

(۱)

از: لشکر ۱۱ پیاده
به: فرماندهی منطقه خرمشهر
موضوع: دستورالعمل تخلیه خرمشهر در آخرین لحظات
تاریخ: ۸۲/۵/۲۳ (مطابق با ۶۱/۳/۲)

کلیه واحدهای زیر امر را جمع آوری کنید. کلیه نیروهای باقیمانده در خرمشهر اعم از نظامی ، پلیس ، مأموریت ویژه، جیش الشعبی را جهت شکستن محاصره جمع آوری کرده و در یک یا دو منطقه با دشمن جنگیده و محاصره را شکافته واحدهای فوق را آزاد کنید این عمل با تماس با ستون های پیاده ای که از طریق دهکده ولی عصر پیشروی می نمایند انجام خواهد پذیرفت.

فرمانده منطقه خرمشهر مسئول عقب نشینی کلیه واحدهای زیر امر بوده و در صورتیکه کسی از آنها باقی بماند مسئولیت آن را فرمانده منطقه خرمشهر متحمل می گردد. فرمانده منطقه خرمشهر بایستی این مأموریت را انجام دهد.

سرهنگ ستاد خمیس مخیلف به جای سرهنگ احمد زیدان که کشته شده است فرمانده منطقه خرمشهر می باشد.

تخلیه جسد سرهنگ زیدان به هر صورت که باشد و نیز شکستن حلقه محاصره بعهدہ فرمانده جدید می باشد این مأموریت فردا صبح انجام می پذیرد.

فرمانده لشکر ۱۱

(۲)

از: فرماندهی منطقه خرمشهر
به: فرمانده لشکر ۱۱
تاریخ: ۸۲/۵/۲۳

در پاسخ به پیام شما اعلام می داریم که واحدها ۱ ساعت شانزده امروز ۸۲/۵/۲۳ (برابر با ۶۱/۳/۲) از طریق آب شروع به تخلیه خرمشهر کرده اند. به جز با قایق نمی شود واحدها را نجات داد. جسد سرهنگ احمد زیدان در منطقه مین گذاری قرار گرفته. واحدها مهمات ندارند. جنگیدن و شکستن محاصره عملیاتی بسیار مشکل است، انجام این عملیات بدلیل عدم وجود رزمنده و مهمات غیرممکن است، ما را مطلع سازید.

فرمانده منطقه خرمشهر - سرهنگ ستاد خمیس

(۳)

از: فرماندهی منطقه خرمشهر
به : تیپ ۹ گارد مرزی / تیپ ۱۱۳ گردان ۹ نیروی مخصوص / گردان ۲ تیپ ۴۸ تیپ شرطه (پلیس)

جهت اطلاع: فرماندهی لشکر ۱۱

کلیه واحدهای زیر امر خود را اعم از نظامی - جیش الشعبی ، شرطه ، مأموریت ویژه جمع آوری کرده و هیچیک از آنها را ترک نکنید.

حلقه محاصره را شکسته و با ستون پیاده که در حال پیشروی از طریق دهکده ولی عصر می باشد الحاق کنید. شکستن محاصره از سمت چپ جاده خرمشهر - شلمچه صورت می گیرد و واحدهای عمل کننده گردان ۹ نیروی مخصوص و تیپ شرطه و در جناح راست گردان ۲ تیپ ۴۸ و تیپ ۱۱۳ و باقیمانده تیپ ۹ گارد مرزی خواهند بود.

زمان شروع عملیات و اجرای مأموریت ساعت ۶ صبح خواهد بود.

فرمانده منطقه خرمشهر ، سرهنگ ستاد خمیس

(۴)

از: فرماندهی منطقه خرمشهر

به: فرمانده لشکر ۱

موضوع: گزارش وضعیت تا ساعت ۱۰۳۰

تاریخ: ۸۲/۵/۲۴ (برابر با ۶۱/۳/۳)

۱. وضعیت هر لحظه بدتر می شود. عده ای از پرسنل، جیش الشعبی و نیروی مخصوص بدشمن تسلیم شدند.
۲. دشمن هر یکبار حمله می کند.
۳. مهمات حتی برای یکساعت دیگر کفایت نمی کند.
۴. تصمیمات فوری خود را ابلاغ کنید.

فرمانده منطقه خرمشهر ، سرهنگ ستاد خمیس

لازم به توضیح است سرهنگ ستاد خمیس فرماندهی نیروهای خرمشهر را بعهدہ داشت پس از ورود نیروهای ما به خرمشهر به همراه تعدادی دیگر از فرماندهان دشمن باسارت درآمدند. عمل الحاق نیروهای دشمن از طریق دهکده ولی عصر با محاصره شدگان خرمشهر بعلت مقاومت نیروهای ما در مقابل حملات دشمن که برای این منظور از منطقه نهرخین صورت می گرفت مقدور نگردیده و کلیه نیروهای باقیمانده در خرمشهر تسلیم و به اسارت درآمدند.

فصل پنجم

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر

بخش یکم

رخدادهای سیاسی - نظامی

کلیات

پس از صدور دستور جزء به جزء شماره ۱۱ که در ۶۱/۳/۵ به یگانها ابلاغ گردید قرارگاههای قدس، فجر، فتح و نصر ضمن پدافند در مناطق محوله، به اجرای تغییرات ابلاغی در سازمان رزمی خود و گسترشهای جدید مشغول شدند، درگیری در تمامی جبهه‌ها به صورت تبادل سبک آتش جریان داشت که اگر چه در نقاط مرزی کوشک و شلمچه از شدت بیشتری برخوردار بود ولی روی هم رفته جبهه ساکت بود و شاید به توان گفت که طرفین فرسوده از ۲۶ روز پیکار سخت اینک با فراغت حاصل از خاتمه یافتن این عملیات در مواضع خود آرام گرفته بودند.

انعکاس جهانی عملیات بیت المقدس و بویژه فتح خرمشهر بسیار زیاد و در صدر اخبار و گزارشهای و تفسیرهای سیاسی و نظامی رسانه های گروهی جهان قرار گرفته و این عملیات پیروزمندانه به عنوان نقطه عطفی در جنگ ایران و عراق قلمداد گردید. مفسران نظامی جهان قرار گرفتن ایران را در موضع قدرت نسبت به عراق مورد تأیید قرار دادند. بحث درباره تعبیرها و تفسیرها و گزارشهایی که از رسانه‌های گروهی جهان از بدو شروع عملیات بیت المقدس تا فتح خرمشهر و نتایج آن منتشر گردیده است از حوصله این گفتار خارج و فقط به همان چند سطر ذکر شده بسنده می کنیم.

پس از فتح خرمشهر، این شایعه به شدت قوت گرفته بود که عراق شرایط جمهوری اسلامی ایران را برای خاتمه دادن به جنگ و استقرار صلح به استثنای آنچه که مربوط به صدام حسین و مجازات اوست پذیرفته و گفته می‌شد که عراق پرداخت خسارت را به جای مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار مورد ادعای ایران، تا حدود ۹۰-۸۰ میلیارد دلار قبول کرده و کشورهای عربستان سعودی و کویت و پاره‌ای دیگر از کشورهای ثروتمند نفت خیز عرب حوزه خلیج فارس پرداخت قسمتی از این غرامت را تقبل کرده‌اند.

درباره صحت و سقم این شایعات ما اطلاعی نداریم. اما دراینکه عراق در تلاش افتاده بود که به هرنحو خود را از گردابی که به پا کرده و مخمسه‌ای که در آن گرفتار شده نجات بخشد و کوشش مجامع بین المللی و کشورها برای کشاندن ایران به پای میز مذاکره و اعلام آتش بس شکی نبود.

خارج از آنچه در دنیای سیاست و فعالیتهای دیپلماتیک می‌گذشت، قرارگاه کربلا به تهیه طرح خود برای عملیات آینده پرداخته بود که در حقیقت همان مرحله سوم طرح کربلا ۳ یعنی تک درمنطقه عمومی شرق بصره و رسیدن به ساحل شط العرب در حد فاصل نشوه تا بصره و تهدید و تأمین این شهر برای به زانو درآوردن عراق به عنوان در دست داشتن یک برگ بزرگ برنده بود. طرح عملیات آتی که به نام عملیات کربلا ۴ نامگذاری شده بود بر مبنای وضعیت جدید دشمن در این منطقه از نظر نیرو و توسعه مواضع مستحکم پدافندی و موانعی که به وجود آورده و یا در حال ساختمان و تکمیل شدن بود در دست تهیه بود. اخبار و اطلاعات؛ حکایت از تقویت نیروی دشمن در شرق بصره و تهیه نوعی مواضع پدافندی مثلی شکل در طول خط مرز از طلایه تا کوشک و از کوشک تا شلمچه داشت و حفر کانالهای آب عریض و

عمیق در شرق بصره و در طول خط مرز نشان می داد که دشمن بسرعت یک سیستم پدافندی مطمئن از بصره را آماده می کند. فعالیتهای پدافندی دشمن در سه نقطه طلایه قدیم، کوشک و شلمچه شدیدتر بود.

خلاصه کلام اینکه قرارگاه کربلا در پی یافتن این بود که از کجا و چطور عملیات آفندی در شرق بصره را اجرا کند (انتخاب بهترین راه کار). یگانهای مستقر در منطقه در حال تغییر گسترش و سازمان رزمی خود بودند و سپاه پاسداران نیز در تلاش جمع آوری نیروهای بسیجی تازه نفس و سازمان دادن آنها بود.

روز پانزدهم خردادماه (دوازده روز پس از فتح خرمشهر) پس از چند روز سکوت و سکون در جبهه ها ناگهان نیروی هوایی عراق فعالیت شدید خود را از سر گرفته و مناطق مسکونی چند شهر را هدف قرار داد. در شهر ایلام که به مناسبت سالروز پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ مردم دست به راهپیمایی در خیابانها زده بودند بمباران دشمن تلفات سنگینی را به بار آورد. همزمان با حملات هوایی عراق در این روز، ارتش اسرائیل نیز تجاوزات گسترده ای را از زمین و هوا در جنوب لبنان و بویژه اردوگاههای آوارگان فلسطینی آغاز کرد و روز شانزدهم خردادماه جنوب لبنان توسط نیروهای اسرائیلی اشغال گردید.

تجاوز اسرائیل به لبنان و اشغال مناطق جنوبی این کشور که طبق یک نقشه از پیش طرح ریزی شده سیاسی، نظامی و استراتژیک و برای پشبرد مقاصد تجاوزکارانه خاص خود در منطقه حساس خاورمیانه بود بدون تردید نمی توانست آثار و بازتابهای بزرگ و عمیق سیاسی نظامی فرمانطقه ای نداشته باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله اقدام اسرائیل را در تجاوز به لبنان بشدت محکوم کرده، و آن را توطئه ای از جانب آمریکا و استکبار جهانی به دست اسرائیل برای اجرای نیت تجاوزکارانه خویش و سرکوب رژیمهای مترقی و ضد امپریالیستی در منطقه خواند.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی حمایت خود را از مردم لبنان و مبارزان فلسطینی و مقابله نظامی با این تجاوز اسرائیل اعلام نموده و رئیس جمهوری اسلامی ایران طی پیامی آمادگی ایران را برای همکاری نظامی با سوریه در دفع تجاوز اسرائیل به رئیس جمهور این کشور اطلاع داد.

بحث در مورد علل و انگیزه های تجاوز اسرائیل به لبنان و آثار آن در تحولات سیاسی منطقه نیز از موضوع این کتاب خارج و بحث جداگانه دیگری است و ما در این باب فقط بازتاب های مهم و تعیین کننده احتمالی آن را در رابطه با جنگ تحمیلی مورد نظر قرار می دهیم.

عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر نشان از قرار گرفتن جمهوری اسلامی در یک موضع برتر قدرت نظامی نسبت به عراق و به دست آوردن ابتکار عمل در جبهه ها داشت و سیر نزولی رژیم عراق و ارتش آن کشور را به سوی موضع سیاسی - نظامی انفعالی که از شکستهای پی در پی سنگین یکساله اخیر ناشی میشد سوق بیشتری می داد.

از آنجایی که توانایی و خواسته های جمهوری اسلامی ادامه عملیات و کشاندن جنگ به داخل خاک عراق را بسیار محتمل به نظر می رساند و با توجه به چندین نبرد بزرگ پیاپی که پیروزیهای عظیمی را نصیب ایران کرده بودند؛ لذا موفقیت در عملیات آینده هم دارای چشم انداز روشنی دیده می شد و رژیم عراق و نیروهای نظامی آن در مقابله با تهدید ایران ناتوان به نظر می رسیدند، لذا اقدام تجاوزکارانه اسرائیل در اشغال جنوب لبنان در چنین موقعیتی مستقیم و یا غیرمستقیم نمی توانست بی ارتباط با سرنوشت جنگ ایران و عراق و بدون تأثیر در آن باشد و بی تردید چنین مسئله ای در ارزیابیها و محاسبات طراحان تجاوز اسرائیل به لبنان در مد نظر قرار گرفته بوده است. چرا که با تجاوز اسرائیل به لبنان

جمهوری اسلامی در پی نقطه نظرهای انقلابی خود مبنی بر مبارزه قطعی با اسرائیل تا انهدام آن و حمایت از مسلمانان لبنان و مبارزان فلسطین، به احتمال بسیار ناگزیر بود به عنوان خروج از مرحله حرف و شعار و ورود به مرحله اقدام و عمل، تمام یا قسمتی از توان نظامی خود را در مقابله با اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل اختصاص داده و ضرورت مبارزه با اسرائیل را بر رژیم عراق به عنوان یک کشور مسلمان مقدم شمارد و سرکوبی تجاوز رژیم صدام حسین را به بعد از دفع تجاوز اسرائیل به لبنان موکول نماید. حتی ممکن بود ایران برای نشان دادن حمایت خود از لبنان به یک آتش بس موقتی تن داده و بدین وسیله آمادگی نظامی خود را برای مقابله با اسرائیل اعلام نماید. بدیهی بود که هر گونه حرکتی در این راستا، تأثیر چشمگیری در کاهش یا حتی توقف فشار نظامی ایران به عراق داشت و به رژیم بغداد فرصت و امکان مناسبی می داد که از مهلکه ای که خود را در آن گرفتار کرده بود نجات دهد.

اما از سوی دیگر اگر ایران به جنگ با عراق ادامه می داد در این صورت متهم بهمدستی با اسرائیل گردیده و مواضع سیاسی و حیثیت انقلابی ایران در جهان اسلام و دنیای عرب تضعیف گردیده و این گونه تبلیغ می گردید که جمهوری اسلامی بر خلاف ادعاهای خود در زمینه مبارزه با اسرائیل حتی با درگیر نگاه داشتن عراق مانع از این می شود که عراق به کمک سایر برادران عرب خود در مبارزه با صهیونیست ها برخیزد. چرا که عراق مدعی بود که آماده مقابله نظامی با تجاوز اسرائیل به لبنان است اما ادامه جنگ ایران علیه عراق مانع از اینکار است و لذا عراق به این بهانه خود را از درگیری با اسرائیل معاف می کرد بدون آنکه از جانب سایر کشورهای عربی تحت شماتت قرار گیرد. تجاوز اسرائیل به لبنان، ایران را در فشار کشورهای همسایه و دوست خود قرار می داد که برای مبارزه با تجاوز اسرائیل در منطقه در این موقعیت خطیر به جنگ خود با عراق خاتمه داده و ظاهراً همه کشورهای مسلمان و عرب به مبارزه با دشمن مشترک برخیزند.

مشخص بود در وضعیتی که ایران خود را برای حمله به عراق و کشاندن جنگ به داخل خاک آن کشور آماده نموده و رژیم بغداد در مقابله با آن ناتوان به نظر می رسید. توقف جنگ و آتش بس بیشتر به سود عراق تمام می شد و از تنگناهای گرفتار شده خلاصی می یافت.

مختصر اینکه بازتاب نظامی حمله اسرائیل به لبنان در جنگ تحمیلی این بود که می توانست به ایجاد راه فراری برای عراق و در فشار قرار دادن ایران برای قبول آتش بس منجر گردد.

در تاریخ ۷/ خردادماه/۶۱ (روز بعد از تجاوز اسرائیل به لبنان) فرمانده نیروی زمینی دستور داد به تیپ ۵۸ پیاده تگاور که یکی از زبده ترین یگان های نیروی زمینی بود از خط مقدم جبهه تعویض گردیده و در پادگان دزفول مستقر و آماده حرکت به سوریه باشد. یک گردان از این تیپ به فرماندهی سرهنگ دوم رحیم رحمانی پس از دریافت تجهیزات انفرادی نو با هواپیماهای ترابری نظامی نیروی هوایی به سوریه اعزام و مابقی تیپ جهت بازسازی و آمادگی عزیمت به سوریه، به تهران حرکت کردند.

سپاه پاسداران نیز تیپ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی برادر پاسدار حاج احمد متوسلیان خود را برای این مأموریت اختصاص داد. یگانهای ارتشی و سپاهی که برای اعزام به سوریه در نظر گرفته شدند نیروی قدس نامگذاری شدند.

فرمانده نیروی زمینی و فرمانده کل سپاه پاسداران و تنی چند از افسران اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا نیز برای هماهنگیهای نظامی سفر کوتاهی به سوریه نموده و پس از انجام مذاکراتی با مقامات مسئول این کشور از جمله حافظ اسد به کشور بازگشتند.

پس از مراجعت، فرمانده نیروی زمینی در یک توجیه خصوصی برای افسران عملیات اظهار داشت که:^۱ به نظر نمی‌رسد سوریه حاضر به یک درگیری جدی نظامی با اسرائیل باشد و اصولاً برای اینکار آمادگی ندارد. سایر کشورهای عربی نیز به یک مخالفت ظاهری و لفظی با تجاوز اسرائیل به لبنان اکتفاء کرده و عملاً هیچ‌گونه اقدام نظامی به عمل نخواهند آورد و از میان کشورهای مسلمان تنها جمهوری اسلامی است که همه‌گونه اعلام آمادگی کرده است و امام خمینی(ره) به این قضیه توجه خاص نموده و هشدار داده‌اند که مبدا بخواهند با بازی دادن ما در مسئله لبنان، عراق را از تنگنای فعلی نجات داده و مانع از پیروزی ما به عراق شوند و لذا بایستی توجه داشت که مسئله لبنان در موضوع جنگ ایران و عراق تأثیری نداشته باشد.

جریانات لبنان برای خیلی‌ها این تصور را پیش آورده بود که دیگر جبهه‌های جنگ ایران و عراق از فعالیت افتاده و احتمالاً به آتش بس یا حداقل به وقفه و رکود کشیده شده و مسئله لبنان و تجاوز اسرائیل در صدر قرار خواهد گرفت. و لذا طرح ریزی و اجرای عملیات کربلا ۴ ممکن است دیگر ضرورت نداشته باشد. فرمانده نیروی زمینی در این زمینه اضافه نمود در پی رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره)، ما ضمن اعزام نیرو به سوریه و همگام با این کشور بر علیه تجاوز اسرائیل به لبنان، اقدام خواهیم کرد، اما از سوی دیگر، جنگ با عراق را هم با سرعت و جدیت دنبال نموده و تا موقعی که عراق به شرایط ایران گردن ننهد در تصمیم ما برای ادامه جنگ تغییری رخ نخواهد داد و این موضوع که عراق عنوان نموده که به قصد جنگ با اسرائیل با ایران آتش بس اعلام نماید در نظر ما چیزی نیست جز یک عمل فریبه کارانه و از سر موضع ضعف، و اینکه خود را به شکست قطعی نزدیک می‌بیند و در واقع نوعی اغتنام فرصت و گریختن از مهلکه است. لذا ما ضمن پرداختن به مسئله لبنان و اعزام دو تیپ به سوریه مسئله اصلی را که جنگ با عراق است فراموش نکرده و آماده شدن ما برای عملیات بدون هیچ‌گونه وقفه و تردیدی باید ادامه یابد.

قرارگاه کربلا طرح ریزی عملیات کربلا ۴ را در دست اقدام قرار داد. دو سه روزی بود که در جبهه‌ها فعالیتی جز تبادل آتش دیده نمی‌شد. و در ساعت یک بامداد روز بیستم خردادماه ۱۳۶۱ رادیو و تلویزیون عراق خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه مجلس شورای انقلاب عراق تصویب نموده است که نیروهای عراقی بدون هیچ‌گونه قید و شرطی ظرف دو هفته از ایران خارج شوند و به طور یکطرفه اعلام آتش بس کرده و از هم‌اکنون به نیروهای عراقی دستور آتش بس داده می‌شود.

در این خبر علت این اقدام، فراخواندن نیروهای عراق برای جنگ با اسرائیل ذکر شده بود. گزارشهایی که از طریق پستهای استراق سمع و سایر منابع اطلاعاتی پس انتشار این خبر دریافت گردید حاکی از آماده باش صد درصد نیروهای عراقی در جبهه‌ها بود.

قرارگاه کربلا به منظور جلوگیری از هرگونه غافلگیری به یگانهای خود در سراسر جبهه دستور داد کاملاً مراقب و هوشیار بوده و هرگونه فرائنی دال بر آتش بس در منطقه، یا عقب نشینی نیروهای عراقی مشاهده نمودند سریعاً گزارش نمایند.

بنا به گزارشهای دریافتی از یگانها، از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه بامداد روز بیستم خرداد آتش توپخانه دشمن قطع گردید.

فردای آن روز نیروی زمینی طی دستورالعملی که ذیلاً درج می شود در زمینه مقاصد اصلی عراق از اعلان آتش بس یکطرفه به کلیه یگانها هشدار داد این پیام برای پایان دادن به ابهامات و شایعات و تصوراتی بود که در زمینه آتش بس و ختم احتمالی جنگ در پرسنل خودی به وجود آمده بود.

از بررسی مسایل سیاسی چنین استنباط می گردد که آمریکا و حکومت‌های ارتجاعی منطقه برای نجات صدام نقشه حيله گرانه ای طرح نموده و مرتباً خروج نیروهای عراقی را از مرزهای ایران عنوان می نمایند. و اسرائیل نیز به منظور همکاری با آنان اقدام به حمله به لبنان را نموده و با این عمل می خواهند میلیونها دلار خسارات وارده به کشور جمهوری اسلامی ایران و خون هزاران شهید را پایمال نمایند. ولی غافل از این امر هستند که ایثارگران ایرانی نه تنها فریب این گونه دسیسه کاریها را نخورده اند بلکه ضمن آزادی مناطق تحت اشغال ارتش متجاوز عراق برای آزادی فلسطین نیز پیش قدم خواهند بود. علی هذا ضمن ابلاغ مراتب فوق به فرد فرد پرسنل و اعلام اینکه هنوز جنگ پایان نگرفته است ، یگانها با آمادگی کامل موارد زیر را مورد توجه خاص قرار داده و اخبار و اطلاعات غلط و فریبنده بیگانه در آمادگی رزمی آنان تأثیری نگذارد.

۱- یگانهای مستقر در مناطق عملیاتی قرارگاه کر بلا ، قرارگاه قائم آل محمد «ص» و قرارگاه جنوب ضمن پدافند از مواضع متصرفی، آمادگی اجرای تک برای تأمین خط مرز در منطقه کوشک ، طلایه ، شلمچه و فکه را داشته باشند.
۲- یگانهای مستقر در منطقه غرب ضمن گزارش هرگونه جا به جایی ، آمادگی اجرای طرحهای پیش بینی شده و بنابه دستور داشته باشد و از فعالیت ضدانقلاب در منطقه جلوگیری نموده و طرحهای پاکسازی مناطق مربوطه را به مورد اجرا قرار دهند.

فرمانده نیروی زمینی سرهنگ علی صیاد شیرازی

روز بیست و دوم خردادماه اولین گردان تیپ ۵۸ تکاور ذوالفقار و عناصری از سپاه پاسداران از پایگاه هوایی دزفول به سوریه عزیمت نمودند.

در این روز وضعیت جبهه ها کاملاً آرام بود و جز پاره‌ای تیراندازیهای کاملاً سبک و پراکنده فعالیت دیگری گزارش نگردید.

روز بیست و سوم خردادماه قرارگاه قائم گزارش نمود که چون دشمن در ارتفاعات حمربین پرچم سفید برافراشته بود، اقدام به اعزام گشتی گردید و ملاحظه شد که دشمن شهر موسیان را تخلیه و به پشت خطوط مرزی و ارتفاعات حمربین عقب نشینی نموده است.

همچنین قرارگاه مزبور گزارش نمود قرائنی دال بر عقب نشینی دشمن در منطقه چزابه نیز مشاهده گردیده سپاه پاسداران باختران نیز اعلام نمود که نیروهای عراقی از منطقه دشت ذهاب تا پشت میله‌های مرزی منطقه بیشگان عقب نشسته اند.

نیروی زمینی به کلیه یگانهای مستقر در جبهه ها دستور داد با مراقبت دائم از منطقه فعالیت‌های دشمن را زیر نظر قرار داده و مناطق تخلیه شده را سریعاً اشغال و ضمن حفظ تماس خود با دشمن از عقب نشینی آزادانه آنها جلوگیری نمایند.

از روز بیست و سوم تا سی خردادماه هیچ گونه درگیری و فعالیتی در جبهه‌ها جز تبادل سبک و پراکنده آتش آن هم در بعضی از نقاط گزارش نگردید. هرچند که در مقام مقایسه ، جبهه قرارگاه نصر (شلمچه) از شدت آتش بیشتری برخوردار بود. گزارشهای اطلاعاتی و تفسیر آخرین عکسهای هوایی حاکی از تقویت نیروهای دشمن در شلمچه ، پاسگاه کیلومتر ۲۵ (پاسگاه زید) ، کوشک ، طلایه قدیم (مبدأ کلیه معابر وصولی مناسب عملیاتی بشرق بصره) بود تجزیه و

تحلیل فعالیتهای دشمن در این منطقه نشان از تقویت و تحکیم هر چه بیشتر پدافند در شرق بصره چه از نظر نیرو و چه از نظر برقراری موانع و توسعه مواضع پدافندی را می داد.

روز بیست و نهم خردادماه به قرارگاه کربلا ابلاغ گردید که مأموریت تیپ ۵۸ ذوالفقار لغو شده و لذا به استثنای یک گردانی که قبلاً به سوریه عزیمت کرده است از اعزام سایر یگانهای تیپ خودداری گردد. لغو مأموریت و عدم اعزام نیروهای بیشتر به سوریه احتمالاً در رابطه با خط مشی سیاسی و نظامی این کشور در مقابله با بحران لبنان بود.

به این ترتیب یگانهای اعزامی ایران به سوریه که نیروهای قدس نامیده میشدند از یک گردان تیپ ۵۸ ذوالفقار و تیپ محمد رسول الله «ص» سپاه پاسداران تجاوز نکرد.

گردان پیاده تیپ ۵۸ به فرماندهی سرگرد پیاده رحیم رحمانی پس از چند ماه مراجعت کرد. اما تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) پیاده به فرماندهی حاج احمد متوسلیمان کماکان در سوریه باقی ماند. تیپ محمد رسول الله «ص» یکی از یگانهای زنده و ورزیده سپاه بود که در عملیات متعددی شرکت و متحمل تلفات زیاد شده بود که آخرین آنها حمله در منطقه خرمشهر و انهدام مواضع دشمن در شمال نهرخین و ورود به جزایر بوارین بود. ساعت بیست روز ۳۰/خردادماه/۶۱ صدام حسین در یک سخنرانی طولانی رادیو تلویزیونی در بغداد اعلام نمود که رژیم این کشور در آستانه تشکیل اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد، به منظور نشان دادن حسن نیت خود در خاتمه دادن به جنگ با ایران و همچنین آمادگی برای مبارزه با اسرائیل اعلام آتش بس نموده و از تاریخ ۳۱/خردادماه/۶۱ ظرف مدت ده روز نیروهای خود را از خاک ایران خارج خواهد کرد.

صدام حسین در سخنان خود به قصد فریب مردم عراق و افکار عربی جهان از واقعیت تلخ جنگ تجاوزکارانه ای که او و رژیم حاکم بر بغداد آتش آن را برافروخته بودند ریا کارانه به تحریف حقایق پراخت و تلاش نمود که شکستهایی را که در میدانهای جنگ تحمل کرده و انهدام و عقب رانده شدن نیروهایش را در خوزستان به عنوان یک عقب نشینی تاکتیکی و نشان دادن حسن نیت برای آتش بس و مقاصد صلح طلبانه توجیه کند. پس از پایان سخنرانی صدام حسین که از رادیو و تلویزیون عراق پخش می شد نیروهای عراقی در سراسر جبهه شروع به تیراندازی هوایی با سلاحهای سبک و شلیک گلوله های منور کردند تا بدین وسیله شادی خود را از اعلام آتش بس دروغین نشان دهند.

روز بعد فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک جلسه توجیهی که برای فرماندهان یگانها در قرارگاه کربلا تشکیل شد ضمن اعلام این مطلب که جنگ هنوز پایان نگرفته است دستور داد در صورت عقب نشینی دشمن به پشت خطوط مرزی و تا زمانی که اقدام خصمانه ای از طرف نیروهای عراقی به عمل نیامده است از اجرای آتش در گذار خط مرز خودداری گردد. اما فعالیتهای دشمن در داخل خط مرز و مناطق اشغالی باقیمانده بایستی کماکان تحت مراقبت دشمن قرار داشته و این فعالیتهای شدت سرکوب شوند و یگانها ضمن حفظ تماس خود با دشمن مواضع تخلیه شده را سریعاً اشغال نمایند.

عقب نشینی عمومی یگانهای دشمن که ظرف ده روز گذشته مقدمات آن فراهم شده بود از روز ۳۱ خرداد آغاز شد و اکثر مناطق اشغالی تخلیه گردید. عقب نشینی عراق یک عقب نشینی کامل و در حقیقت به پشت خط مرز نبود بلکه نیروهای دشمن علی رغم تبلیغات و سر و صدای بسیار در این مورد نه تنها پاره ای از مناطق اشغالی را کماکان حفظ نمودند بلکه در سایر نقاط، هم روی خط مرز و یا اندکی جلوتر مستقر شده و مناطق وسیع مرزی را به این ترتیب با آتش و دیده بانی تحت کنترل قرار دادند که این عمل با عقب نشینی به مفهوم واقعی آن مغایرت داشت. مناطق عمده ای که

عراق در این عقب نشینی کماکان در اشغال خود ننگه داشت در جبهه غرب عبارت بودند از ارتفاعات آهنگران، خسروی، نفت شهر، منطقه مهران و در جبهه جنوب فکه و شلمچه.

عقب نشینی تقریباً عمومی عراق از مناطق اشغالی خود در ایران، نه به منظور آماده کردن نیروهایش برای جنگ با اسرائیل و دفاع از لبنان بود و نه برای ابراز حسن نیت در آستانه اجلاس سران کشورهای غیر متعهد، بلکه علت واقعی آن بود که متجاوز برآورد نموده بود که ادامه توقف نیروهایش در خاک ایران دیر یا زود به انهدام آنها منجر خواهد گردید و این درسی بود که از نحوه عملکرد نیروهای عراقی در نبردهای ثامن الائمه، طریق القدس و فتح المبین آموخته و در نبرد بیت المقدس با تلخی بسیار به آن پی برده بود؛ در واقع عراق با عقب نشینی و امید به آتش بس درصدد برآمده بود که از انهدام بیشتر نیروهای خود در این جنگ جلوگیری نماید.

با عدم قبول شرایط جمهوری اسلامی از سوی عراق برای خاتمه دادن به جنگ، تبادل آتش و درگیریها که فروکش کرده بود مجدداً شدت یافت.

روز ۲۲ تیرماه سال ۱۳۶۱ و درست دو ماه بعد از نبرد بیت المقدس، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، عملیات طرح ریزی شده کربلا ۴ را با نام نبرد رمضان در شرق بصره آغاز کردند.

بخش دوم

متن پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت فتح عظیم خرمشهر

بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به اینجانب شده است ، سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود و اینجانب با یقین به آنکه «ما النصر الا من عند الله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم «ارواحنا لمقدمه الفدا» را از چنگ گرگان آدمخوار که آلهتایی در دست ابرقدرتان خصوصاً آمریکای جهانخوارند ، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لاله الا الله را بر فراز آن شهر خرم که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال من هستند .

آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و بر پا کننده عدل الهی در سراسر گیتی ، روحی لتراب مقدمه الفداء می باشند . آنان به آرم «ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» مفتخرند . مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی این ابر جنایتکار دهر به تباهی کشیده شدند، سرفرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره درخشنده پیروزیهای آنان بر تارک تاریخ تا نفع صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران این چنین فرزندان سلحشور جان بر کفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعی که در دو جبهه جنگ با دشمنان باطنی و دشمن ظاهری پیروزمندانه و سرفراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرفرازی آفریدند و هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتشی، سپاهی، بسیج، ژاندارمری، شهربانی و کمیته ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هشیار باشید که پیروزی هر چند عظیم و حیرت انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح که دست اوست غافل نکند و غرور فتح شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می آید و برای اولاد آدم تباهی می آورد و من با آنکه به همه شما اطمینان تعهد به اسلام دارم ، از تذکری که برای مؤمنان نفع دارد باید غفلت نکنم ، چنانچه از نصیحت به حکومتهای همجوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می گویند . و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید ، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید و شما بدانید آن قدر که ابرقدرتها از صدام این نوکر چشم و گوش بسته پشتیبانی کردند، از شماها که قدرتهای کوچک و حکومتهای ضعیف هستید پشتیبانی نمی کنند و شما عاقبت این جنایتکار و همقطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید . قدرتهای بزرگ پیش از آنکه از شما استفاده نمایند ، از شما طرفداری نمی کنند و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و من نصیحت برادرانه به شما می کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم و یقین

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۶۷

بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر جنایتکاران هم برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می کنند و اگر با نشستهای خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را که مرده اند زنده کنید - که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می دانیم . اسلام به ما اجازه سکوت نمی دهد و اینجانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم . اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می کنم و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم . سلام و درود بی پایان بر فرماندهان قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادیهها .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

سوم خرداد ماه ۱۳۶۱

گفته‌های صدام حسین پس از شکست در عملیات بیت المقدس

همان‌طور که قبلاً گفته شد صدام حسین در یک سخنرانی طولانی رادیو و تلویزیونی در ساعت ۲۰ روز ۶۱/۳/۳۰ به قصد فریب افکار عمومی مردم عراق از واقعیت جنگی که او و رژیم حاکم بر عراق آنها را درگیر آن نموده بود ریاکارانه به تحریف حقایق پراخت و تلاش نمود که شکستهایی را که در میدانهای جنگ تحمّل کرده و انهدام و عقب رانده شدن نیروهایش را در خوزستان به عنوان یک عقب نشینی تاکتیکی و نشان دادن حسن نیت خود برای آتش بس و مقاصد صلح طلبانه در آستانه اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در بغداد قلمداد نماید.

به منظور آگاهی و ملاحظه رجزخوانیها رییس حکومت عراق برای توجیه گرفتاریهای عظیمی که بر اثر اشتباهات و خودکامگیهای خود برای مردم مسلمان و مظلوم این کشور به وجود آورده بود، متن کامل سخنرانی یاد شده ذیلأ درج می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

دولت ایران کشور عراق را دشمن شماره یک خود می‌شناسد و نظر به اینکه هر دو ملت ایران و عراق مسلمان هستند از ابتدا ما خواهان جنگ نبودیم لیکن کشور ایران طمع زیادی نسبت به عراق و سایر دول خاورمیانه داشت. رؤسای دولت جمهوری در ایران پس از تسلط به حکومت، قرارداد سال ۱۹۷۵ زمان شاه را لغو کردند و رسماً با عراق اعلام دشمنی نمودند. لیکن ما مدت زیادی صبر کردیم در همین احوال خرابکاران و عوامل ایران تأسیسات نظامی و اقتصادی عراق را هدف قرار دادند و در سال ۱۹۸۰ نیز با تصرف زین القوس و منطقه سیف سعد عملاً زمینهای ما را اشغال کردند. متعاقب این عمل شط العرب را بر روی کشتیهای ما بستند و تنها آبراه حیاتی مان را قطع نمودند. در این وضع ما چاره جز دفاع از کشور عزیزمان نداشته و باید از آن دفاع می کردیم و جلوی دشمن را سد می نمودیم و از حقوق آبی و خاکی خود دفاع می کردیم.^۱

در ابتدای جنگ نیروهای عراقی در مدت بسیار کم، کیلومترها متر مربع از سرزمینهای ایران را در اشغال خود درآوردند و با اینکه توانایی و قدرت پیشروی داشتیم در همانجا متوقف شدیم و سپس اعلام آتش بس نمودیم. اما مقامات ایرانی به این خواسته جواب ندادند و پس از مدتی که از جنگ گذشت به نیروهایمان دستور دادیم که عقب نشینی تاکتیکی نمایند تا ایران بداند که عراق کشورگشا نیست و نظر طمعی نیز به خاک ایران ندارد و این اقدام به خاطر این بود که مقامات ایرانی را وادار نماید تا قرارداد اصلی را بپذیرد و به حقوق حقّه ما اعتراف کنند. هدف ملت عراق اینست که بین کشورهای عراق و ایران حسن همجواری رعایت شود.

ارتش ظفرمند ما نیروهای ارتش ایران را از کشور عراق دور ساخت تا دشمن نتواند تأسیسات کشور و منازل مردم بی گناه را زیر آتش گلوله های توپخانه قرار دهد. شورای ملی انقلاب عراق چندین بار از رؤسای حسن نیت کشورهای اسلامی خواست بین ایران و عراق میانجی گری کند و این به دلیل ضعف ما نبود بلکه ما خواهان صلح هستیم.

مقامات ایرانی تا کنون هیچ بیانیه رسمی دال بر نظراتشان را اعلام نکردند و اخیراً شرایط بسیار سنگینی را برای صلح پیشنهاد کردند که این شرایط را هیچ کس نمی‌تواند ادا نماید و این، زمینه مطالع ایران را نسبت به عراق روشن می ساخت. مرز ایران و عراق تاکنون به حالت ابهام درآمده و حدودی بر آن تعیین نشده است جنگ به غیر از ویرانی دو کشور چیزی نخواهد داد.

۱. ز آنجایی که در این قسمت صدام حسین به طور کامل به تحریف و وارونه کردن حقایق پرداخته است به منظور اطلاع از واقعیات و حقیقت امر به مطالب مندرج در جلد اول کتاب تاریخ جنگ تحت عنوان «مقدمت جنگ تحمیلی عراق به ایران» فصول چهارم و ششم چاپ سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه فرمایید.

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۶۹

زمانی که رژیم ایران با کمک کشورهای غربی با ما سر جنگ داشت و اسلحه های غرب روانه ایران می شد و پل هوایی بین کره شمالی و ایران برقرار بود درست در همان زمان بود که دو کشور عربی را می توان نام برد که با تمام امکانات سیاسی و نظامی ایران را پشتیبانی کردند.^۱

کشورهای بزرگ ناظر بر جنگ بودند و هیچ اقدامی را برای متوقف کردن آن نکردند.

ما می دانیم که ایران از نظر مساحت از عراق بزرگتر و جمعیت آن نیز بیشتر است و از نظر نظامی پیشرفته تر از عراق می باشد با وجود این امتیازات دلاوری رزمندگان عراقی و آنچه انقلاب ما ایجاد می کرد باعث کسب پیروزیهای بزرگی برای ما شد.

ای عراقیهای غیور، شما با دشمنی بزرگتر از خود جنگیدید که از طرف کشورهای زیادی پشتیبانی می شد مدت ۲۱ ماه در خاک دشمن با او جنگیدید و تا آنجا پیش رفتید که بر جاده های دزفول، شوش و اهواز مسلط شدید و مهران را گرفتید و بر سومار و قصر شیرین تسلط پیدا کردید، خرمشهر را فتح نمودید و در سوسنگرد و بستان ، هویزه و سرپل ذهاب و گیلانغرب داخل شدید و بر بیش از ۲۰ هزار کیلومتر مربع از خاک دشمن مسلط شدید و این دو برابر تمامی خاک لبنان بود و در این جنگ تنها بودید ، البته برادران عرب کمک اقتصادی می کردند ولی شما در میدان جنگ تنها جنگیدید که پس از مدتی غیرت بعضی از برادران عرب به جوش آمد و داوطلبانه به جنگ با ایران آمدند.

ایران به این دلیل توانست قسمتی از خاکش را در این ۲۱ ماهه آزاد کند چون از پشتیبانی و کمک کشورها برخوردار بود و الا به تنهایی خود هیچ نبود و کوچکتر از آنست که به تواند همان طور که در طی یکسال اول جنگ تمام حمله ها و نقشه های جنگی اش نابود شد و هیچ موفقیتی به دست نیاورد در نبرد با ما کاری از پیش ببرد.

ای برادران غیور عراقی همان کشورهایی که بر علیه شما به کمک ایران شتافتند برغم خواسته ها و هدفهای متناقض و متضادشان با ایران، از اول جنگ تا به امروز کمک می کنند تا ایران از بین رفته و زوار در رفته ، روی پای خود بایستد و به تواند با شما به جنگد و یک مرکز ترس و وحشت در منطقه به وجود آید.

همین کشورها هستند که جنگ را طوری نمایش می دهند که عراق شکست خورده و ایران پیروز شده اینها که حقایق را وارونه می کنند و بر علیه ما و جهت تضعیف ما و ملت عرب تبلیغات می کنند حقیقت اصلی را فراموش کرده و می کنند که ایران تجاوز جنگی را بر علیه عراق شروع کرد و ایران بود که عراق را تهدید به تصرف کامل آن می کرد و می خواست که نظام انقلابی عراق را دگرگون کند و این کشورها فراموش می کنند که عراق از اول خواستار روابط معمولی با ایران بود ولی تصور می کردند که عراق توسعه طلب بوده و چشم طمع به خاک ایران داشته ولی در این امر موفق نشده است می دانند که این رژیم ایران است که توسعه طلب و خواستار حاکمیت بر عراق و کشورهای منطقه است و این ایران است که موفق به این امر نشد و با شکست روبرو گردید. ارتش دلاور عراق طی ۲۱ ماه جنگ پیروزیهای بزرگی را نصیب ما کرد ولی کشورهای مذکور هر حرکت کوچکی را از طرف ایران یک پیروزی میدانند و حقایق نظامی را کتمان می کنند.

همان طوری که می بینید ایران طی این ۲۱ ماه هنوز نتوانسته است تمام سرزمینهایش را آزاد کند و در هر درگیری تلفات زیادی میداد اعم از جوان ، پیرو کودک که مقابل گلوله های ارتش دلاور ما می فرستاد که هیچ دولت متعهد و مسئول در مقابل کشورش و دلسوز به ملت ، این تلفات را تحمل نمی کند.

بسیاری از نیروهای ما تا آخرین فشنگ و آخرین مهماتش جنگیدند. همان طوری که هر نظامی جنگ کرده و دوره دیده ای می داند که جنگ یک درگیری استراتژیکی است و عراق در این درگیری پیروز شد زیرا توانست از خود دفاع کند در حالی که رژیم ایران فرار کرد. فراری تاریخی و سیاسی و نظامی زیرا که در اهداف توسعه طلبانه خود شکست خورد و عراق توانست در طی ده ماه از خاک کشورش در مقابل تجاوز ایران دفاع کند و جنگ را به داخل ایران منتقل کند و علی رغم اینکه ایران توانست بخش مهمی از سرزمینهای خود را پس بگیرد ولی این چیزی از حقیقت پیروزی ما را کم نکرده و یا تغییر نمی دهد با توجه به اینکه از نظر وسعت و تعداد افراد ، ایران از عراق بزرگتر است و یک سرباز ایرانی در داخل خاک خود و یک سرباز عراقی در داخل خاک دیگری می جنگد.

کسانی که واقعتاً را وارونه جلوه می دهند تمام این حقایق را می دانند ولی نمی خواهند بگویند که عراق موفق به کسب این پیروزی شده و قادر بوده که ۲۱ ماه جنگ را در شرایط بسیار بد دیپلماسی و سیاسی تحمل کند. این پیروزیها، تغییراتی اساسی در معنویات ملت عرب و در کشورهای غربی و صهیونیستی ایجاد کرد. دشمنان ما روی اصولی در جنگ تکیه می کنند و بیشترین تأکید آنها روی اسرای ماست که عمده آنها در خرمشهر صورت گرفت ولی آنها اسارات ایرانیها را در نظر نمی گیرند ما می دانیم که تعداد زیادی اسیر در درگیری خرمشهر شوش و دزفول دادیم ولی تعداد اسرا نیست که سرنوشت جنگ را تأمین می کند. چنانکه در جنگ دوم جهانی میلیونها اسیر هر دو طرف وجود داشت. آنها نمی خواهند اعتراف کنند که عراق در اول جنگ هزاران اسیر گرفت و عراق تا به حال در این جنگ پیروز بوده و ان شاء الله پیروز هم خواهد بود. این درگیریها و عقب نشینی ها استراتژی جنگ است.

این جنگ امتحان دشواری برای استقلال و آزادی بود همان طوری که این طور هم شد. چراکه عراق افتخار می کند که کشوری آزاد و مستقل و دور از وابستگی است و در حالی که از مبانی و سیاستهای غیر متعهدانه تبعیت می کند و این سیاستها و مبانی را با کمال اخلاص پذیرفته و گردن نهاده است و به همین دلیل باعث شد که ما را به میزبانی از کشورهای غیر متعهد انتخاب کنند.^۱

جنگ نمی تواند ما را از سیاستها و مبانی خود باز دارد ما صبر نموده تحمل می کنیم و از امتحان بیرون می آییم و این پیروزی بزرگی است که کمتر از پیروزی قبلی نیست.

ای عراقیهای غیور، ای فرزندان بابل و آشور و دولت بزرگ عباسی، شما مجد و عظمت تاریخی خود را حفظ کردید. سیاست ما مبتنی بر دشمنی و خصومت بر دیگر کشورها نیست ما خواستار روابط دوستانه بر اساس حفظ بر عربیت و تمامیت خود، با تمام کشورها هستیم مگر با کسانی که بر علیه ما توطئه می کنند و با ما دشمنی دارند. ملت ما باید همه چیز را بداند. دشمنان عربیت فتنه لبنان را شعله ور کردند چون می دانند که قوی و متحد و آزاد ماندن عراق، باعث سرکوبی و در نطفه خفه کردن این فتنه می شود لذا خیلی وقتهاست که تصمیم به تضعیف و تجزیه عراق گرفته اند از سالهای ۷۰-۷۵ با برانگیختن بارزانی مزدور و تصمیم به ایجاد آشوب و تجزیه در عراق.

همکاری بین بارزانی و صهیونیست ها واضح و مانند همکاری کنونی بین رژیم ایران و صهیونیستهاست ولی اراده خلل ناپذیر و بیداری ملت عراق جلوی تمامی این فتنه ها را گرفت و تمامی توطئه ها را به گورستان فرستاد و توانست مجد و عظمت و آقایی عراق را حفظ کند. توطئه های زیادی برای نابودی عراق طرح ریزی شد. حتی در داخل خود حزب بعث نیز تصمیم به نابودی انقلاب گرفتند لیکن همه با نابودی و شکست مواجه شد و اخیراً جریانهای سیاسی جدیدی روی کار آوردند که از جمله روی کار آوردن رژیم جدید در ایران جهت انجام کاری است که دیگران از انجام آن عاجز مانده بودند.

همان طوری که اجداد ما در مقابله حمله های ایرانیان و تاتارها مقاومت کردند ما نیز قادریم که در این جنگ پیروز شویم و ان شاء الله پیروز خواهیم بود اگر چه بهترین فرزندان خود را از دست داده ایم. ما تلفات زیادی دادیم، رنج و مشقات زیادی را تحمل نمودیم لیکن جهت تحقق این پیروزیها، ارزش داشت. اگر خدای ناکرده رژیم امام خمینی (ره) موفق می شد که در عراق اتفاقی مانند آنچه در لبنان افتاده به وجود آورد می خواستند مردم را بکشند می خواستند پیرو جوان ما را قتل عام کنند می خواستند عراق را تجزیه کنند و این بود آنچه که آنها می خواستند بکنند ولی شما پیروز شدید و شهدای زیادی دادید ولی این

۱. نظر به اینکه ایران با میزبانی عراق برای اجلاس سران کشورهای غیرمتعددها در بغداد مخالفت میکرد و این کشور را بخاطر شروع جنگ و تجاوز، صالح برای چنین کاری نمی دانست نهایتاً برای نشان دادن اینکه بغداد قادر به برقراری امنیت برای اجلاس نیست، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران دو فروند هواپیمای F۴ را قبل از تشکیل اجلاس برای بمباران اهداف نظامی در بغداد اعزام نمود. عبور هواپیماهای شکاری بمب افکن ایران از شبکه عظیم پیچیده پدافند هوایی پایتخت عراق و ورود آنها به آسمان بغداد طوفانی از وحشت در سران رژیم عراق ایجاد کرد. بهمین علت علی رغم تلاش عراق محل اجلاس از بغداد به دهلی نو انتقال یافت. در این عملیات قهرمانانه خلبانان اعزامی ایران، سرهنگ عباس دوران خلبان یکی از هواپیماها که هواپیمایش در آسمان بغداد مورد اصابت قرار گرفته بود با رشادتی کم نظیر هواپیما را به هتل الرشید بغداد که محل تشکیل اجلاس بود کوبید و خود بشهادت رسید. روانش شاد باد.

شهدا را در راه دفاع از عراق ، استقلال عراق ، نهضت عراق و مردم عراق دادید ولی این را هم بدانید که آنها بیشتر از ما تلفات داشتند. شما این را بدانید که جنگ شما یک جنگ ناسیونالیستی نیست بلکه شما در راه آرمان ملت عرب می جنگید. دلایلی که برشمردیم دلایلی بودند که ما را به جنگ با ایران وا داشت و ما را در تمامی موقیتهای از موضع مسئولیت و قدرت و موضع منطق و دلیل مواضع صلح آمیزی را اتخاذ کردیم.

به خاطر مسئولیتی که در قبال عربیت و مردم داشتیم و به خاطر مسئولیتی که در قبال کشورهای غیر متعهد داشته ایم در کمال اخلاص آماده ایم که در اجلاس آینده مسئولیت اداره کردن آن بر عهده ما باشد.

به خاطر شروع جنگ در جنوب لبنان به دست صهیونیستها ، هیئت صلح اسلامی خواستار توافق جنگ ایران و عراق شد ما به این ندا پاسخ مثبت دادیم و اطلاعیه مجلس شورای انقلاب عراق در دهم حزیران (برابر بیستم خرداد) مبنی بر آتش بس و عقب نشینی نیروهای ما به پشت مرزهای بین المللی گواه آنست.

ای برادران عراقی ما خودمان را مسئول دیدیم که این اطلاعیه را بدهیم و فرصتی به دشمن داده باشیم و جلوی بهانه گیریهای او را گرفته باشیم توطئه علیه عراق را خنثی کنیم که یکی از بزرگترین آنها حمله صهیونیستها به لبنان است در زمانی که ما مشغول جنگ می باشیم.

خواست رژیم ایران این است که عراق را در جنگ نگهدارد تا نقشه های اسرائیل عملی شود. مسئولیت ما در قبال توطئه هایی که علیه عراق و ملت عرب با همدستی ایران و اسرائیل و بعضی دیگر از عربها ، در این موقعیت خطرناک صورت می گیرد ما را به اتخاذ این تصمیم وا می داشت و علی رغم اینکه ایران بیانیه مجلس شورای انقلاب را رد کرد با این حال باز هم مجلس شورای انقلاب اجرای مفاد بیانیه خود را مقرر کرد و لذا ما نیروهایمان را در کوتاهترین مدت از خاک ایران بیرون خواهیم کشید یعنی ظرف ده روز آینده که از امروز آغاز می شود.^۱

ما با هیئتهای صلح همکاری خواهیم کرد و این بیانیه را به این خاطر اعلام می کنیم تا بهانه های بزرگ ایران را پاسخگو باشیم. ما می دانیم که بین رژیم ایران و بعضی از دولتهای عربی و اسرائیل در مسئله اشغال لبنان رابطه ای وجود دارد پس بر ماست که این توطئه را ناپود کنیم یکی از بهانه هایی که حامیان ایران و یا کشورهایی که در کمک بما تردید داشتند این بود که عراق به قسمتهایی از خاک ایران تجاوز کرده است و ما این بیانیه را جهت از بین بردن این بهانه ها و بخاطر مسئولیتی که در قبال کشورهای غیر متعهد و در رابطه با اجلاس آینده آن و نقش عراق در این رابطه داریم صادر نمودیم.

ای مردم رزمنده عراق و ملت عرب آنچه را که باید در نظر داشته باشیم و مورد توجه قرار دهیم این است که رژیم ایران رژیمی توسعه طلب و متجاوز است و ما باید منتظر این باشیم که ایران وارد خاک ما خواهد شد و برای اینکه طمعکاران را بیاری خداوند برای همیشه دفن کنیم نیاز به صبر و فداکاری زیاد داریم.

همان گونه که تاریخ قدیم و جدید شاهد بوده است مردم عراق قادرند که از وطن خود دفاع کرده و در این ۲۱ ماهه جنگ ارتش در داخل خاک ایران از عراق دفاع کرد و هدف اصلی ما تصرف زمین نبود بلکه از بین بردن و نابودی گزینه توسعه طلبی بوده است.

اما از حالا به بعد نیروهای ما در مرزها باید بدانند که کوچکترین عقب نشینی باعث ورود نیروهای دشمن بخاک عزیز عراق می باشد.

از یاد نبریم که شهرهای ما مانند نیریز ، بصره ، خانقین ، پنجوین چند کیلومتر بیشتر با مرز فاصله ندارد و خدای ناکرده هر حمله ایران آنها را به شدت تهدید خواهد کرد.

بخش سوم

خرمشهر در اسناد ارتش عراق

مقدمه^۱

ماجرای هجوم و تجاوز عراق به حریم زمینی ایران در غرب و در طول مرزهای مشترک می باید که از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. در مجموعه مدارک و منابع مورد نظر برای تحقق این مهم، باز یافت و پژوهش اسناد و مدارک برجای مانده و به غنیمت گرفته شده از دشمن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این گونه اسناد که در نتیجه شکست و هزیمت نیروهای عراقی و تصرف مقرها و مراکز فرماندهی دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی به دست آمده است گویای بسیاری از وقایع نا گفته می‌تواند بود. در این بخش ترجمه اسنادی از دشمن گزینش و ارائه گردیده است که در آنها چگونگی هجوم و اشغال خرمشهر تا آزادسازی آن در عملیات بیت المقدس در شش عنوان زیر بررسی شده است:

۱. آغاز تجاوز
 ۲. اشغال خرمشهر
 ۳. تبلیغات
 ۴. کشتار و غارت
 ۵. تخریب
 ۶. آزادسازی خرمشهر
-

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۷۳

سند شماره (۱)

سری / فوری

۱۹۸۰/۹/۲۵^۱

از : توپخانه صحرایی لشکر ۵

به: گردان ۷ توپخانه - گردان ۱۲ توپخانه نیمه سنگین - گردان ۳۶ توپخانه صحرایی - گردان ۲۰ توپخانه نیمه

سنگین - گردان ۱۳۸ توپخانه

شماره ۲۱۹۲

قادسیه صدام . نامه سری و فوری لشکر ۵ به شماره ۱۲۴۵۸ مورخ ۹/۲۵ عطف به نامه سری و فوری مدیریت عملیات

نظامی به شماره ۹۷۵۷ در تاریخ ۹/۲۲ بدین شرح است .

به عملیات جاری که از ساعت ۱۲ روز ۹/۲۲^۲ شروع شده است ، نام قادسیه صدام اطلاق شود.

سرهنگ دوم طارق عبدعمر

از طرف توپخانه صحرایی لشکر ۵

سری / فوری

سند شماره (۲)

سری / فوری

۱۰/۱^۱

از : توپخانه صحرایی لشکر سوم زرهی

به : گردان ۱۵ توپخانه میانبرد - گردان ۲۰ توپخانه میانبرد - گردان ۲۱ توپخانه - گردان ۱۱۰ توپخانه میانبرد

شماره : ح/۱۶۲۱/۲/قادسیه صدام

بشارت :

نامه سری و فوری به شماره ۵۸۲۳ مورخ ۹/۳۰^۲ به این شرح است . نیروهای ظفرمند ما صبح امروز وارد شهر

محمیره(خرمشهر)^۳ عربی شدند . هزاران درود بر آن بازوان سبزه ؛ بازوانی که سرزمین عربی را از دست ایرانیان بیگانه

آزاد ساخت.

سروان محمود یاسین خنفر

از طرف فرمانده توپخانه صحرایی لشکر سوم زرهی

// .

// .

// .

// .

« » .

سند شماره (۳)

سری / فوری

۱۰/۲۶^۱

از : تیپ ۴۴ پیاده

به : پایگاه «آ» گردان ۴۰ مهندسی صحرائی

شماره : ح/۸۳۷/قادیسیه صدام

براساس نامه سری به شماره ۴۳۵۳ مورخ ۱۰/۲۴^۲ که به ضمیمه نامه سری و فوری اصلی لشکر سوم زرهی به شماره ۶۳۸۹ مورخ ۱۰/۲۶ به ما ابلاغ شده است ، متن نامه نیروهای آزادی بخش محمره (خرمشهر)^۳ که در روز ۲۴/۱۰ صادر شده است بدین شرح است :

شروع . بسم الله الرحمن الرحيم . و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی . پل استراتژیک شهر در کنترل کامل ما در آمد . تانک ها و سربازان قهرمانان بر تمام راه های منتهی به پل و شهر و همچنین بر تمامی ساختمانهای مشرف بر پل تسلط کامل دارند . ساختمان فرمانداری محمره به تصرف کامل در آمد . پرچم ایران از فراز آن پایین کشیده شد و پرچم عراق بزرگ بر بالای ساختمان آن نصب شد . به همین مناسبت جشن بزرگی از سوی نیروهای قهرمان آزادی بخش محمره برپا شد . مقاومت دشمن به طور کلی در هم کوبیده شده است . تلفات و خسارات به جای مانده از دشمن در ساختمان ها و خیابان ها ، بر صدها تن بالغ می شود . نیروها از روحیه بسیار عالی برخوردار هستند . شور این پیروزی بزرگ در چشمان قهرمانان می درخشد . تمامی رزمندگان این پیروزی را که با دادن خون و جان خود به دست آورده اند ، به فرمانده خود ، بزرگ ارتشداران ، صدام حسین فرماندهی کل نیروهای مسلح - بشارت می دهند . از درگاه خداوند قادر متعال می خواهیم که به شهدایمان بهشت و به خانوادههایشان صبر و بردباری ارزانی دارد . و ما النصر من عندالله . تمام . خواهشمند است به کلیه نیروهای تحت امر خود ابلاغ نمایید .

سرهنگ دوم ستاد

از طرف فرمانده تیپ ۲۶ زرهی

سری / فوری

// .

// .

.

سند شماره (۴)

سری / فوری

۱۰/۲۶^۱

از: تیپ زرهی ابن ولید

به: پایگاه «ج» و روزنامه جنگ

شماره: ت س/ قادیسیه صدام/۵۴۶

براساس نامه سری و فوری سپاه سوم به شماره ۴۴۴۳ مورخ ۱۰/۲۵^۲، نامه وزیر دفاع و جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح بدین شرح است.

شروع . بسم الله الرحمن الرحيم . ان ینصر کم الله فلا غالب لکم . صدق الله العظیم . ای رزمندگان شجاع و ای قهرمانان آزادکننده محمره {خرمشهر} و ای ظفرمندان ! بر شما باد درود فراوان و تقدیر و ستایش راهبر پیروزتان و قهرمانان آزادکننده امتان ، رفیق و رهبرمان ، رفیق مبارز ، صدام حسین ، رییس و فرمانده کل نیروهای مسلح . به راستی که شما مأموریت را به خوبی انجام داده ، امانت را پس گرفتید و از شرف امت دفاع کردید . ای نور چشمان شهداء ، این پیروزی بزرگ بر شما مبارک باد . سلام و درود بزرگان ، مادران و همسران شهداء روسفیدمان بر شما باد . خداوند ، خاک شهدای ما را مبارک کند . جاودان باد ملت شما . مبارک باد این پیروزی بزرگ بر ملت شما و فرماندهی امینتان . بر شما باد از جانب ما درود و تحیات وافر به خاطر جانفشانی های عظیمتان . به راستی که شما سرزمین نیاکانتان را با خون پاک و مطهرتان شستید . زنده باد ارتش قهرمان ، این مدافع امین شرف امت . زنده باد ملت مبارز ، مؤمن و صادق که راه خیر و شرف را برگزیدند . شما بهترین نمونه فداکاری و قهرمانی هستید . شما رزمندگانی از ارتش و جیش الشعبی و نیروهای امنیت داخلی دارید و همچنین شما مبارزانی دارید که با راستی باعث بالا رفتن روحیه و تلاش شما در خط مقدم جبهه می شوند . به راستی که ارواح خوله و خنساء و فریال نیز با شماست . از ما بر شما تحتیت و مجد و عظمت . به پیش ای فرزندان خالد و سعد و صلاح الدین ، ای مردان قادیسیه صدام . به پیش برای پاکسازی تمامی سرزمین قصب شده و جدا شده از وطن بزرگ عربی مان . زنده باد امت عرب بزرگوارمان . زنده باد مردم قهرمانمان . درود بر رهبر مبارز و قهرمان امت ، پهلوان شجاع و آزادی بخش، صدام حسین . مجد و عظمت و جاودانگی بر شهدای نیکوی مان .
والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته .
خواهشمند است برای کلیه افراد قرائت شود . تمام .

سرهنگ دوم ستاد خطاب عمر نجم

از طرف فرمانده تیپ زرهی ابن ولید

سری / فوری

سند شماره (۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

به کلی سری

کسی که برای شرفش می جنگد ، مجد و عظمت سزاوار اوست

وزارت دفاع

اداره سازماندهی

مدیریت مهندسی نظامی

شماره : ش ۱/ق ۱/ح ۱/۴۹۹

تاریخ : ۱۹۸۱/۳/۱^۱

به : ریاست ستاد ارتش

موضوع : تحقیق

- ۱- عطف به نامه سری و فوری شما به شماره ۴۲ مورخ ۱۹۸۱/۲/۱۸ : ۲
 - ۲- یک نسخه تحقیق درخواست شده طی نامه فوق الذکر به پیوست است .
 - ۳- قبلاً فرمانده گروهان سی مهندسی صحرائی سفارش ها و دستورها ویژه ای درباره سنگر بندی و استحکام بندی در شهرها به تیپ ۳۳ نیروهای ویژه که در شهر محمره (خرمشهر) حضور دارد ، ارائه کرده است . تصویر به پیوست است .
 - ۴- قسمت عمده ای از آنچه که در گزارش در خواست شده به پیوست است ، در فصل چهارم جزوه شماره ۳۳۷ پدافند صحرائی تمام رسته ها وجود دارد .
- مستدعی است با توجه به اهمیت موضوع ابلاغ نموده ، فرماندهان محترم سپاه ها نیز ضمن اشاره به آیین نامه مذکور ، لشکرها را در جریان قرار دهند.

پیوست ها

۱. آیین نامه

۲. دستورالعمل ها

سرتیپ ستاد احسان اکرم زینل

مدیر مهندسی نظامی

رو نوشت به : فرماندهی سپاه سوم، به انضمام یک نسخه از گزارش تحقیقی جهت اطلاع .

بکلی سری

موضوع - گزارش

۱. در تاریخ ۱۹۸۱/۲/۲۴^۱ کمیته از شهر محمره(خرمشهر) دیدن کرد و ضمن ملاقات با فرمانده تیپ ۱۱۳ پیاده ، اقدام به گردش در شهر نمود تا به واحدهای خط مقدم که مواجه با دشمن هستند ، رسید . در طول این بازدید ، موقعیت شهر به شرح زیر برآورد شد :

./ ./ .
./ ./ .
./ ./ .

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۷۷

الف. خانه‌های مسکونی و تأسیسات شهر محمره (خرمشهر) به سه دسته تقسیم می‌شوند :

اول : منازل دو طبقه

دوم : خانه های یک طبقه

سوم : خانه های مسکونی کاه گلی

ب. سقف منازل فوق الذکر از تیر آهن و آجر ساخته شده است .

۲. به منظور استحکام بیشتر خانه های دو طبقه و قابل استفاده ساختن آنها برای دفاع و دیده بانی ، اقدامات ذیل ضروری است :

الف. مسدود کردن تمامی منافذ (درب ها و پنجره ها) با کیسه های شنی به شکل مطلوب ؛ بویژه خانه هایی که هم اکنون در موضع مقابل دشمن واقع شده اند .

ب. تقویت دیوارها با کیسه های شنی ، بویژه برای رویارویی با دشمن و ازدیاد مقاومت آن در برابر گلوله باران و به خصوص تیرهای مستقیم .

(بخش ۳۴ از آیین نامه ۳۳۷ - دفاع صحرایی برای تمامی رسته ها)

ج. باقی گذاردن سوراخهایی مخروطی شکل جهت دیده بانی که طرف کوچک شکاف به سمت خودمان و طرف عریض آن به طرف دشمن باشد تا اینکه فرصت بیشتر و آزادی عمل بهتری برای استفاده از اسلحه بدهد و هم اینکه احتمال اصابت گوله به آن از سوی دیده بان دشمن را کمتر کند .

د. برای امنیت و حفاظت بیشتر دیده بان ها ، سنگرهای دیده بانی یک متر در یک متر و به ارتفاع ۱/۸۰ متر در طبقات بالای ساختمان ها ساخته شود و سقف آن با سیمان و یا یک ردیف کیسه شن که ارتفاع آن از ۴۵ سانتی متر کمتر نباشد ، پوشیده شود .

هـ. بر روی بام خانه ها ، ردیفی از کیسه های شن قرار داده شود .

و کلیه درجه دارها باید در طبقات پایین اسکان داده شده ، به منظور کاهش تلفات ، در اتاقهای مختلف پخش شوند .

۳. به منظور بالا بردن استحکام خانه های یک طبقه ، اقدامات ذیل با ید انجام گیرد:

الف. چنانچه اتاقها بزرگ هستند ساختن اتاقهایی با چیدن کیسه های شن داخل هر خانه و پوشاندن سقف آنها با تیرآهن و قرار دان کیسه های شن بر روی آن ؛ به نحوی که ارتفاع آن از ۴۵ سانتی متر کمتر نباشد . بدین ترتیب ، ما یک سقف اضافی ایجاد کرده ایم .

(بخش ۳۴ از آیین نامه ۳۳۷ - دفاع صحرایی برای تمامی رسته ها)

ب . بهتر است ابعاد هر اتاق ۳×۳ و ارتفاع آن ۲ متر باشد.

ج. چنانچه اتاق های ساختمان کوچک است ، امکان ساختن دیوارهای اضافی با کیسه های شن حداقل به ارتفاع ۶۰ سانتی متر بر بالای سقف ساختمان و پوشاندن آن به وسیله تیرآهن وجود دارد.

د . ساختن سنگرهای دیده بانی در چنین ساختمانی ، به همان شیوه ای است که در تبصره « د » بند « ۲ » آمده است .

۴. برای تأمین و حفاظت مناسب از نیروهایی که داخل خانه های گلی فعالیت دارند، اقدامات ذیل ضروری است :

الف. ترک چنین خانه هایی استفاده از سنگرهای صحرایی از نوع « ۳ » جهت امنیت و حفاظت بیشتر از افراد و همچنین استفاده از ساختمانهای موجود برای استقرار آنها .

ب . در مقابل سنگرهای مذکور ، کانالهایی به منظور دیده بانی و دفاع حفر شود و توسط کانالهایی سرپوشیده به سنگرها مرتبط گردد .

۵. ضروری است ساختمانهای جایگزینی نیز در نظر گرفته شود (ساختمانها و منازل همجوار) تا در صورت اصابت ساختمانهای فعلی و تخریب بیش از حد آنها ، از این ساختمانها استفاده شود.

۶. باید به صورت مستمر در فکر مهیا نمودن ساختمان های جایگزین بود(از منازل مسکونی و ساختمان های شهر) جهت استفاده به عنوان مقر و ستادها و استفاده گاه به گاه از آنها برای مقابله با شناسایی دشمن .
۷. حتی الامکان از موارد و امکانات از مواد و امکانات موجود(مثل تیر آهن ، سنگ، آجر و چوب) که به طور وافر در شهر موجود است ، استفاده شود .
۸. نیاز کلیه واحدها به کیسه های شن برای انجام موارد مذکور باید به سرعت برآورده شود .
۹. به منظور تقویت استحکامات دفاعی از شهر محمره(خرمشهر) ضرورت دارد کار مین گذاری فواصل بین ساختمان های خط مقدم (خیابان موزی رودخانه) و کناره رود کامل شود و با ایجاد موانعی از سیم خاردار ، استحکامات تشدید شود.
۱۰. لازم است به آنچه که در آیین نامه دفاع صحرائی برای همه واحدها به شماره ۳۳۷ آمده ، عمل شود و از جانب کلیه واحدها به بخش ۳۳ و ۳۴ آیین نامه مذکور به صورت خاص توجه شود ، چرا که کار استحکام بندی ، وظیفه کلیه رسته ها بوده، در صورت لزوم، از نظرات مهندسی اسفاده می شود . با اطلاع از اینکه گروهان ۳۰ مهندسی صحرائی قبلاً طی نامه سری به شماره ۱۰۲۳ مورخ ۵/ تشرین الثانی / ۱۹۸۰ دستورالعمل را به کلیه واحدهای موجود در شهر محمره(خرمشهر) ابلاغ کرده و دستورالعمل مذکور طی نامه سری تیپ ۳۳ پیاده به شماره ۲۷۷۱ مورخ ۱۹۸۰/۱۱/۱۴ به کلیه واحدها تعمیم داده شد ، با این وجود ، کار به شکل مطلوب انجام نپذیرفته است.
۱۱. تمامی واحدها یا امکانات موجود ، به ایجاد استحکامات اقدام نموده اند ؛ ولی با این حال، تشدید و تقویت استحکامات و انطباق کلیه اقدامات با دستورالعمل فوق الذکر ضروری است .
۱۲. در خلال گفتگو با رییس ستاد لشکر سوم زرهی ، برای اعضای کمیته این نکته روشن شد که لشکر در فکر ایجاد موانع بتونی در خط تماس با دشمن یعنی منطقه ما بین ساختمان ها و کناره رودخانه است . باید توجه داشت که اجرای چنین طرحی ، به دلیل عدم امکان کار در زیر آتش مستقیم دشمن که به طور مستمر از آن سوی رود کارون شلیک می شود ، عملاً شدنی نیست ؛ در حالی که انجام آنچه در ماده چهارم گزارش آمده است ، در ایمنی کامل قابل اجراء است و افراد را از آتش توپخانه دشمن در امان می دارد ؛ همچنان که ایجاد موانعی از کیسه های شن به جای موانع بتونی ، مقصود را بر آورده می سازد .

سرگرد	سرهنگ دوم	سرهنگ دوم	سرهنگ ستاد
حسن سید خضر	نظام الدین محمود	عمران محمد حمزه	علی حسین سابط
عضو	عضو	عضو	رییس کمیته

بکلی سری

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۷۹

سند شماره (۶)

سری / فوری

۱۹۸۰/۱۱/۵^۱

از : تیپ زرهی تقویت شده ابن ولید - توجیه سیاسی
به : پایگاه «ج» به جز گردان ۳ پیاده ۰۰۰۰ ابن ولید و روز نامه جنگ
شماره : توجیه سیاسی/۱۲/ق ص / ۱۱۸۹

نامه سری و فوری ۲۲۶ مورخ ۱۹۸۰/۱۱/۱۶^۲ تأکید می شود. لطفاً مشتکی از گرد و خاک و غبار لباسهای رزمندگان
افسر و درجه دار و سرباز را برایمان ارسال دارید. ما را مطلع سازید.

سرهنگ دوم خطاب عمر نجم
فرمانده تیپ تقویت شده ابن ولید

سری / فوری

سند شماره (۷)

سری / فوری

۱۹۸۱/۱/۲۶^۱

از : لشکر سوم زرهی
به : تیپ (۰۰۰) ۳۳^۲ - تیپ ۴۴ - تیپ ۱۱۳
شماره : ت س/ق ۱/ه/ق ص/۷۹۸

خواهشمند است کلیه عکسها و شعارهای فارسی نوشته شده بر روی دیوارها و تابلوهای موجود در خیابان ها و محله
های اصلی شهر محمره (خرمشهر) را پاک کرده و به جای آن ، گفته های رییس جمهور مبارز، صدام حسین و شعار
حزب و انقلاب را ترسیم کنید . ما را با خبر سازید .

سرهنگ دوم عبدالمنعم عبدالطیف حسن
از طرف فرمانده لشکر سوم زرهی

سری / فوری

|| .
|| .
|| .
|| .

سند شماره (۸)

سری / فوری

۱۹۸۱/۶/۰^۱

از : لشکر سوم زرهی

به : پایگاه «آ»

شماره نامه : سررشته داری/ ق ص/ ۴۹۴۴/۷

در نامه به کلی سری ۴۸ مورخ ۵/۱۶^۲ فرماندهی کل نیروهای مسلح که طی نامه سری و فوری ۱۱۹۰۲ مورخ ۶/۲^۳ به ما ابلاغ گردیده است ، مقرر گردید که تعداد سه کیسه خاک از خاک منطقه استقرار تشکیلات نیروهای شما ارسال شود. نیروهای شما آنچه از واحدها (دسته ها) (گردانها) ارسال می شود ، جمع آوری نموده ، شماره رمز واحدها و نیروها و نام منطقه استقرار آنها بر روی آنها نوشته شود و توسط یک مأمور در اسرع وقت به فرماندهی موقعیت بغداد ارسال شود.

سرهنگ دوم سعود عبدالعزیز علی

از طرف فرمانده لشکر سوم زرهی

سری / فوری

سند شماره (۹)

سری / فوری

۱۹۸۱/۱۰/۲۲^۱

از : تیپ ۲۶ زرهی

به : پایگاه «آ» گردان ۲۰ توپخانه صحرائی

شماره : ۶۰۶/ق ص

نامه سری سپاه سوم به شماره ۳۹۰۵ مورخ ۱۰/۱۰^۲ که به ضمیمه نامه سری پنجم به شماره ۱۳۱۱ مورخ ۱۰/۲۱^۳ به ما ابلاغ شده است ، به شرح ذیل است.

خواهشمند است به کلیه واحدهایتان ابلاغ نمایید در صورت دستیابی به هر سند و نقشه‌ای که متعلق به چاه‌های نفتی دشمن در سرزمین های آزاد شده است ، به منظور به هره برداری مؤسسه‌ها و تأسیسات نفتی میهنمان از آن چاه‌ها، آنان را همراه با پیکری به وزارت نفت ارسال دارید . ما راز نتیجه مطلع سازید .

سرهنگ دوم ستاد

از طرف فرمانده تیپ ۲۶ زرهی

سری / فوری

/ / .
/ / .
/ / .
/ .
/ .
/ .

سند شماره (۱۰)

حزب بعث عربی سوسیالیستی امت عرب، یگانه است و رسالتی جاودان دارد.

موضوع : گزارش

رفیق مسئول محترم دفتر

مایل هستیم تا فعالیت خود در امروز دوشنبه برابر با ۱۹۸۰/۱۱/۱۰ از ساعت شش تا ساعت پنج بعدازظهر را به استحضار برسانیم :

مقداری مواد غذایی طی چهار مرحله به شرح ذیل از مغازه های شهر محمره (شهر) آورده شده است :

۱. برنج ، پانزده کیسه پنجاه کیلویی و سی و یک کیسه پانزده کیلویی

۲. شکر، بیست و سه کیسه پنجاه کیلویی

۳. چای، نه کیسه سی کیلویی

۴. نمک ، هفت کیسه

مسئول کمیته ارزاق

مجید عساف

۱۹۸۰/۱۱/۱۰

سند شماره (۱۱)

سری / فوری

شماره : اس / ۱۴۸۳/۱۷

تاریخ : ۱۹۸۰/۱۱/۱۱^۱

از: سپاه سوم

به : لشکرها و تیپ زرهی ابن ولید و لشکر ۳ و روزنامه جنگ

۸۰۴۹/ق ص

نامه سری عملیات به شماره ۱۲۳۸۳ مورخ ۱۱/۹^۲

با کوچ دادن اهالی روستاهای آزاد شده و قتل کسانی که دوباره باز می گردند ، موافقت به عمل آمده است . رونوشت

به لشکر ۳ پیرونامه سری و فوری به شماره ۷۴۲۵ مورخ ۱۱/۶^۳ جهت در نظر گرفتن منظور فوق و آنچه که مربوط

به روستاها است . ما را مطلع سازید.

(...)^۴

سری / فوری

// .
// .
// .
.

سند شماره (۱۲)

سری

قرارگاه فرماندهی سپاه سوم

شعبه ستاد عمومی

استخبارات

شماره: اس/ق/ص ۱۵۲۸/

تاریخ: ۱۷/۲/۱۹۸۰^۱

به: تیپ زرهی ابن ولید

موضوع: پدیده زشت

اخیراً مشاهده شده است که برخی از افراد ارتش به گله‌ها احشام هموطنان عربستانی (خوزستانی) که گله‌هایشان را در نزدیکی مناطق استقرار واحدهای ما می‌چرانند، تجاوز کرده، آنها را سربریده، گوشت‌هایشان را می‌خورند. بدون شک، مادامی که فرماندهی مابا بذل هرگونه امکانات مادی درصدد تامین بهترین مواد غذایی برای افراد نیروهای مسلح ما است، چنین پدیده زشتی آثار بسیار بدی برحسب شهرت ارتش ما دارد. لذا امیدواریم فرماندهان واحدها از چنین پدیده نادرستی جلوگیری کنند و افسران توجیه سیاسی نیز افراد را به نتایج این پدیده بد تحریک کنند.

سر لشکر ستاد اسماعیل تایه ذیاب

فرمانده سپاه سوم

سند شماره (۱۳)

سری

فرماندهی نیروی پلیس محمره (خرمشهر)

به: کلیه واحدها

شماره: ۴۵۰/قادیسیه صدام

موضوع: قاچاق

تاریخ: ۱۹۸۰/۱۲/۹^۱

نامه قرارگاه تیپ نیروهای ویژه ۳۳ به شماره ۷۰۳ مورخ ۱۹۸۰/۱۲/۸^۲ و نامه سری فرماندهی لشکر سوم زرهی به شماره ۱۸۴۰ مورخ ۱۹۸۰/۱۲/۶ بدین شرح است:

اخیراً پدیده قاچاق اموال به دست آمده از دشمن ایرانی، از سوی برخی از افراد لشکر ما بسیار زیاد دیده شده است. لازم است در صورت تکرار چنین پدیده ای در آینده فوراً اقدامات قاطع و شدیدی از جانب ما علیه متخلفان اعمال شود.

سرهنگ دوم ناصر محمد سلطان

فرمانده نیروی پلیس در محمره (خرمشهر)

رونوشت به:

مقر تیپ ۳۳/ پاسخ نامه شما جهت اطلاع

// .
// .
// .

سند شماره (۱۴)

سری و شخصی

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهوری عراق وزارت دفاع ریاست ستاد ارتش

اداره مدیریت

شماره : ت ح ۶۴/۲/

تاریخ : ۱۹۸۱/۲/۱۸^۱

به: فرماندهی سپاه یکم ، فرماندهی سپاه دوم، فرماندهی سپاه سوم

موضوع: پدیده تصرف اجناس

۱. پدیده تصرف اجناس از شهرهای آزاد شده، به صورت تدریجی، از آغاز پیشروی به داخل سرزمین های ایران ظاهر شد، به گونه ای که این اعمال از هر حیث به تاراج و غارت انجامید . در آغاز ، کنترل آن با استفاده از تعداد کمی از افراد مرزی و نیروهای ارتش میسر بود. پس از تخلیه شهرهای آزاد شده از ساکنانش، این گونه اعمال رو به فزونی رفت . علی رغم صدور فرمانهای متعدد و اقدامات انضباطی و به کارگیری افراد اطلاعات و امنیت برای کنترل این گونه اعمال، اثاثیه و اموال ساکنان این شهرها همچنان در معرض سرقت قرار دارد . نه تنها در محدود کردن وضعیت غارت ها موفقیتی حاصل نشده است . بلکه دامنه این کار به افراد دیگری چون غیر نظامی ها و سایر افراد جیش الشعبی نیز سرایت پیدا کرده است .

۲. برای کنترل این اعمال که شایسته رزمندگان قهرمان مانیتست ، خواهشمند است موارد ذیل به اجرا درآید :

الف. جلوگیری از ورود هر شخص نظامی یا غیرنظامی، چه کارش در مناطق آزاد شده باشد (بانباشد) به استثنای گروه هایی که مکلف به انجام ماموریت های معینی هستند (مثل گروه های اشغال) به شرط آنکه فرمانده گروه ، مسئولیت عدم انجام هرگونه غارت را بپذیرد.

ب. ضرورت دارد راه های (...)^۱ مناطق، تحت کنترل تشکیلات و واحدهایی که مسئولیت آن منطقه را دارند ، قرار گیرند و لازم است پست های ایست-بازرسی در سر خروجی راه های ایجاد شود

ج. در صورت وجود شهر، روستا یا تأسیسات در منطقه، فرمانده تشکیلات یا واحدی که مسئولیت آن منطقه را برعهده دارد، شخصاً مسئول حفاظت تأسیسات و اموال در برابر غارت و تخریب است.

هـ. دژبان ارتش موظف به ایجاد پست های ایست - بازرسی در خارج از شهر و در خود بغداد و پست های دیگری در پشت مناطق عقبه سپاه ها است.

و. در صورت وجود هر نیروی شبه نظامی (مثل جیش الشعبی) در منطقه، از لحاظ رفتار و انضباط ، تابع تشکیلات همان منطقه بوده، مسئولیت غارت ها برگردن فرمانده آن تشکیلات خواهد بود

۳. خواهشمند است این فرامین را با ضرورت پایبندی به توجیهات فرماندهی مان، به کلیه واحدها و تشکیلات تحت امرتان و تمامی دست اندرکاران در جبهه - نظامی ها و غیر نظامی ها - ابلاغ نمایید.

سرلشکر ستاد عبدالله عبداللطیف

معاون رییس ستاد ارتش

سند شماره (۱۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

سری فرماندهی لشکر سوم زرهی ستاد عمومی

اطلاعات و امنیت

شماره: ک ق ص / ۱۸۴۰

تاریخ: ۶/۱/۱۹۸۱^۱

به : پایگاه (آ) تیپ ۴۴

موضوع: قاچاق

اخیراً پدیده قاچاق اموال به دست آمده از دشمن ایرانی ، از سوی برخی از افراد لشکر ما بسیار زیاد دیده شده است . لازم است در صورت تکرار چنین پدیده ای در آینده فوراً اقدامات قاطع و شدیدی از جانب ما علیه متخلفان اعمال شود.

سرتیپ دوم ستاد قدوری جابر محمود

فرمانده لشکر سوم زرهی

سری

سند شماره (۱۶)

سری / فوری

۱۹۸۰/۱۰/۱۰^۱

از: تیپ ۲۶ زرهی

به: پایگاه «آ» ، گردان ۴۰۱ توپخانه صحرائی

شماره منشی : ح/۲۶۲

قادسیه صدام

نامه سری ۱۶۴۷ مورخ ۱۰/۶^۲ سپاه سوم که طی نامه سری ۶۰۰۸ مورخ ۱۰/۹ به ما ابلاغ شده. لطفاً در کار انهدام تاسیسات ولوله های نفت، هریک در محور مسئولیت خود در اسرع وقت ممکن اقدام نمایید . ما را مطلع سازید.

سرهنگ دوم ستاد

از طرف فرمانده تیپ تقویت شده ۲۶ زرهی

سری / فوری

// .
// .
// .

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۸۵

سند شماره (۱۷)

سری / فوری

۱ ۳/۳۱

از: تیپ ۴۴ پیاده

به: پایگاه «آ» گروهان قرارگاه

شماره: ح/۲۳۱۵/ق ص

بنابر نامه سری و فوری لشکر سوم زرهی به شماره ۲۴۰۲ مورخ ۳/۲۸^۲ تعداد زیادی چوب راه آهن که از خط آهن محمره - احواز (خرمشهر - اهواز) جدا شده است، موجود است. در صورت نیاز برای استحکامات خواهشمند است آنها را بردارید.

سرگرد ستاد

از طرف فرمانده تیپ ۴۴ پیاده

سری / فوری

سند شماره (۱۸)

سری / فوری

۱ ۱۹۸۱/۷/۱۹

از: گردان سوم مهندسی

به: گروهان شش مهندسی - گروهان هفده مهندسی

جهت اطلاع: لشکر سوم زرهی، تیپ ششم و تیپ هشتم

شماره: ۵۹۶۸/ق ص

مقتضی است گروهانهای شما نسبت به انهدام دکل های برق فشار قوی که در مناطق تحت امر ما وجود دارد، به شرح ذیل اقدام کنند.

گروهان ششم مهندسی، تمام دکل های موجود در طرف راست جاده عبادان (آبادن) - شیخ بدیر امید می رود اقدامات لازم برای امنیت آن به کار بسته می شود. ما را در جریان قرار دهید.

سرهنگ اکرم صالح الاسعد

فرمانده گردان ۳ مهندسی

سری / فوری

// .

// .

/ .

سند شماره (۱۹)

سری / فوری

۱۹۸۱/۸/۱۵^۱

از: هنگ سوم چهل و چهار پیاده

به: تیپ ۴۴ پیاده

۱۲۵۷/ق ص

مقداری مواد منفجره برای منفجر کردن خانه های موجود در مقابل مواضع گروهان سوم هنگ و گروهان چهارم هنگ یکم تحویل داده شده است . در صورت انجام یا عدم انجام مأموریت ، به منظور برگردان مواد منفجره مذکور، مارا مطلع سازید.

سری / فوری

سند شماره (۲۰)

سری / فوری

۱۱/۲۷^۱

از : تیپ ۴۴

به: لشکر سوم زرهی

توپخانه صحرائی لشکر سوم زرهی-گردان سوم مهندسی

شماره : ح/۳۲۸/۱۴/ق ص

نامه سری وفوری شما به شماره ۷۱۸۳ مورخ ۱۱/۲۴^۲، ما هم اکنون به طور ضروری جهت قطع نخلهای موجود در کناره رودخانه کارون نزدیک معبر، به لودر نیازمندیم. ما را خبر سازید.

سرهنگ دوم

جانشین فرمانده تیپ ۴۴

سری / فوری

سند شماره (۲۱)

سری / فوری

۳/۲۵^۱

از: هنگ دوم تیپ چهل و چهار

به: کلیه گروهان ها

شماره: ۶۷۷/ح/۲/ق ص

نامه سری وفوری لشکر دهم زرهی به شماره ۳۳۵۵ مورخ ۳/۱۸ که به پیوست نامه سری وفوری تیپ ۲۴ پیاده مکانیزه به شماره ۲۴۸ مورخ ۳/۱۸ به ما ابلاغ شده است، بدین شرح است:
شروع براساس نامه سری و فوری فرماندهی کل نیروهای مسلح مطلع شدیم که: نیروهای ایرانی به زودی در دمنطقه محمره (خرمشهر) و خفاجیه (سوسنگرد) به حمله گسترده ای دست خواهند زد. در این حمله، جنگنده های هوایی، تانک و همچنین نیروهای پیاده شرکت خواهند داشت. خواهشمند است اقدامات مقتضی برای خنثی کردن تلاشهای دشمن معمول گردد. تدابیر لازم جهت درهم کوبیدن سعی و تلاش آنان اتخاذ شود. تمام.
خواهشمند است ضمن اتخاذ تدابیر لازم، از هم اکنون برای انجام مأموریتی که در پیش روی قرار دارد، آمادگی وجود داشته باشد. تمام.

ستوان یکم

از طرف فرمانده هنگ دوم تیپ ۴۴ پیاده

سری / فوری

سند شماره (۲۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

بکلی سری و شخصی

قرارگاه

تیپ ۴۴ پیاده

عملیات

شماره: ح/۱/ق ص ۲۳۲/

تاریخ: ۱۳ نیسان ۱۹۸۲^۱

به: پایگاه «ب»

موضوع: دفاع از شهر بصره

نامه به کلی سری و شخصی فرماندهی سپاه سوم به شماره ۲۱۴۱ مورخ ۲۸^۲ پیرو نامه به کلی سری و شخصی فرماندهی کل نیروهای مسلح به شماره ۸۱۳ مورخ ۵ نیسان ۸۲ که به ضمیمه نامه به کلی سری و شخصی فرماندهی لشکر یازدهم به شماره ۱۴۱ مورخ ۱۱ نیسان ۸۲^۳ به ما ابلاغ شده است، به شرح ذیل است. با استناد به دستورهای رییس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح که محمره (خرمشهر) نقطه اتکای مهمی

// .
// .
// .
// .

برای دفاع از شهر بصره به شمار می رود و اکنون به شکل غیر مستقیم از سوی مناطق تحت امر لشکرهای پنجم مکلزیه و ششم زرهی مورد تهاجم قرار گرفته است. دشمن بعبور از رودخانه کارون و تسلط یافتن بر شهر، امکان چنین تهاجمی را یافته است. اکنون همکاری دو لشکر مذکور برای دفاع از شهر ضروری است.

اتخاذ تمامی اقدامات جدی پدافندی و بررسی و هماهنگی پدافند در مناطق عملیاتی تحت مسئولیت شما برای تحقق موارد مذکور در رهنمودهای فوق و عنایت موارد ذکر شده در نامه به کلی سری و شخصی ما به شماره ۵۸۹ مورخ ۸ نisan ۱۹۸۲ در خصوص گردهمایی فرماندان تیپ ها در مقر لشکر در تاریخ ۳ آذر ۱۹۸۲ مورد درخواست است.

سرهنگ ستاد محمد حسن و توت

فرمانده تیپ ۴۴ پیاده

بکلی سری و شخصی

سند شماره (۲۳)

سری / فوری

شماره: ح/۳۰۲۸۶/۶/۱/ق ص

۸۲/۵/۸^۱

از: لشکر ۱۱

به: تیپ ۹ مرزی - تیپ ۱۰ مرزی - تیپ ۲۰۲ - تیپ ۳۰ زرهی - تیپ ۴۴ - تیپ ۴۸ - تیپ ۵۳ زرهی - تیپ ۹۰ تیپ ۱۰۶ - تیپ ۱۰۹ - تیپ ۱۱۳ - تیپ ۶۰۲ - نیروهای کماندویی مقداد - نیروهای کماندویی لشکر ۲ گردان تانک القعقاع - گردان ۱۴۴ ضد هوایی سبک

بنابر نامه سری و فوری قرارگاه تاکتیکی سپاه سوم به شماره ۱۵۲۲۷ مورخ ۵/۸ متن نامه سری و فوری فرماندهی کل نیروهای مسلح به شماره ۳ مورخ ۵/۸ به این شرح است: جناب فرماندهی کل نیروهای مسلح دستور دادند که (۱) محمره (خرمشهر) یک منطقه استراتژیکی و حیاتی است و دفاع از این منطقه به منزله اهمیت دفاع از بصره و بغداد است. (۲) فرماندهان سپاهها و لشکرها و فرماندهی یگانها و واحدها و افسران و درجه داران و سربازان و کلیه رزمندگان می بایستی از شهر محمره (خرمشهر) دفاع کنند و تا آخرین فشنگ و تا آخرین سرباز در شهر و ساختمانهای شهر مقاومت کنند. کلیه اقدامات لازم برای دفاع از شهر اتخاذ شود. تمام مراتب فوق به کلیه افسران، درجه داران و فرماندهان و افسران توجیه سیاسی ابلاغ شود تا مفاد نامه برای همه پرسنل توضیح داده شود.

سرتیپ ستاد

از طرف فرماندهی لشکر ۱۱

سری / فوری

سند شماره (۲۴)

به : همه رزمندگان مستقر در محمره(خرمشهر)
برای شهری که هم اینک از آن در مقابل حملات دشمن وحشی دفاع می‌کنید، ارزش والا در جان همه عراقی های بزرگوار و همه اعراب وجود دارد.

پس برای این آزادسازی شما از دست نژادپرستان مجوس^۱ نقطه عطفی تاریخی در حیات این شهر وساکنان آن است همان قهرمانیهایی که شما و برادران هم‌رزم شما بدان دست یافته‌اید ناشی از اصرار و پایداری شما در حفظ هدفها است هرچند که قربانیها در این راه زیاد باشند . همانا زمین محمره {خرمشهر} آغشته به خون شهدای پاک و عزیز ما به جهت شستن لکه‌های ننگی است که دشمن در این شهر برجای نهاده است .

امروز ارواح و خون شهیدان پاکبازی که به جهت راندن دشمن قالب تهی کرده اند ، شما را به خود می‌خواند که به عهدی که با خویشتن وشهیدانتان بسته‌اید پایدار بمانید که چون کوه بلند در حفظ شهر از باد زردی که منطقه را قبل از آزادسازی شما آلوده می‌ساخت باقی بمانید و بدانید که دفاع از محمره (خرمشهر) وحومه آن مانند دفاع از بغداد و حومه آن و دفاع از همه شهرهای عزیز عراق است و برای این . اعتبار سیاسی و روحی و نظامی است و این رمز قهرمانیها و شجاعتها و فداکاریها است و برای آن حالتی پیش آمده است که در جان همه رزمندگان و سایر عراقیها عزیز گشته است و این شهر، حکم بالشی را دارد که بصره بر آن آرمیده است ، همانگونه که رییس فرمانده صدام حسین در نامه اش به فرمانده سپاه چهارم گفته است که همانا بصره بدون محمره(خرمشهر) امنیت واستقرارش مورد تهدید است. پس بدانید که لب خندان عراقی قهرمان ، مورد هدف همه گونه آتش توپخانه دشمن واقع خواهد شد و او درصدد انتقام از آنچه ، برخوردار آمد که به دستان شریف شما و با ضربات قاطع وکوبنده تان کسب شده است و خدا نکند که دشمن به نیت خود دست یابد که در این صورت ، دروازه های نکبت بر روی عراق نه تنها به سبب بازگیری محمره(خرمشهر)به وسیله دشمن ، بلکه بخاطر انعکاس آن در میان ملتمان وامتمان باز خواهد شد محمره(خرمشهر) برای شما در حکم مردمک چشم است . پاسدار آن باشید واین شعار رانصب العین خود قرار دهید که دشمن از محمره(خرمشهر)عبور نخواهد کرد مگر اینکه از روی اجساد ما بگذرند.

خدا نکند و این وفا به عهدی است که با شهدای بزرگوار بسته‌اید شهدایی که چشمشان آرام برهم نهاده شده ، با این امید که شما فرزندان صالح ، از پس آنها بید.

و اینک که دشمن درصدد اجرای نیات پلید خویش است ، باید درس خوبی به اوداد زیرا او اینک تنها محمره(خرمشهر) را مطمع نظر ندارد ، بلکه می‌خواهد پیروزی های بزرگ مارا از بین ببرد و باید خسارات جانی هرچه بیشتر به او وارد کنیم. باید محمره (خرمشهر) را اسباب فرسایش تدریجی نیروهای دشمن قرار دهیم و باید اطراف وحومه آن را مقبره ستیزه جویان کنیم ... و باید پرچم پیروزی همیشه برافراشته باشد وبه شهدا تهنیت گفت که ما در حفظ امانت ، حریص وکوشا هستیم . زنده باد فرمانده شجاع ارتش، صدام حسین

توجیه سیاسی

فرمانده نیروهای قادسیه

۱۹۸۲/۳/۱۱

سری / فوری

سند شماره (۲۵)

۱ ۱۹۸۲/۵/۱۸

از : تیپ ۹۱ پیاده

به: پایگاه «ب»

شماره : ت س / ۳۷۷۰/۷

بر اساس نامه سری و فوری سپاه یکم به شماره ۱۵۱۴ مورخ ۵/۱۱^۲ که به پیوست نامه سری و فوری فرماندهی منطقه اردبیل به شماره ۵۶۱۷ مورخ ۱۹۸۲/۵/۱۴^۳ به ما ابلاغ شده است ، متن نامه سری و فوری فرماندهی کل نیروهای مسلح ، به شماره ۳۳۵ مورخ ۸۰/۵/۱۰^۴ بدین شرح است :

جناب آقای رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح، اوامری به شرح ذیل صادر کرد :

۱- اعطای نشان رافدین دو به تیپ نوزدهم، به خاطر قهرمانی و رشادتی که در طول نبردهای ۴/۳۰^۵ در منطقه جنوب علیه دشمن ایرانی از خود نشان داده است .

۲- اعطای مدال شجاعت به سرهنگ ستاد عصمت صابر عمر، فرمانده تیپ نوزدهم

۳- خواهشمند است ابلاغ نمایید.

سرگرد ستاد

از طرف فرمانده تیپ ۹۱ پیاده

سند شماره (۲۶)

تاریخ : ۱۹۸۲/۵/۲۳^۱

از : فرماندهی منطقه محمره (خرمشهر)

به : تیپ ۹ گارد تیپ پلیس - {...}^۲

شماره : ۲

کلیه واحدهای زیر امر خود را اعم از (ارتش، ارتش خلقی، پلیس مهمات خاصه) جمع آوری کرده ، هیچ یک از آنان را رها نکنید.

// .
// .
// .
// .
// .
// .
// .
.

وضعیت پس از آزادسازی خرمشهر/۱۹۱

محاصره را شکسته ، دست به دست ستون پیاده در حال پیشروی از طریق دهکده ولی عصر بدهید شکستن محاصره، از سمت چپ جاده محمره- الشلامجه (خرمشهر شلمچه) صورت می گیرد.
واحدهای عمل کننده، کد ۹ م و تیپ پلیس خواهند بود
جناح راست: کد ۲ تیپ ۴۸ و تیپ ۱۱۳ و باقیمانده تیپ ۹ گارد
زمان شروع عملیات و اجرای {...} ۳ ساعت ۶ خواهد بود.
مارا مطلع سازید.

سرهنگ ستادخمیس مخیلف
فرمانده محور محمره (خرمشهر)

سند شماره (۲۷)

سری

فرماندهی کل نیروهای مسلح

راز، امانت توست

شماره : ۱۳۱/۴/آ/۱

تاریخ: ۱۹۸۲/۵/۲۴^۱

به : فرماندهی سپاه یکم

فرماندهی سپاه دوم

فرماندهی سپاه سوم

فرماندهی سپاه چهارم

موضوع: اجرای حکم

۱- حکم اعدام (تیر باران) مجرمان ذیل، در سحرگاه روز ۱۹۸۲/۵/۲۴^۲ به اجرا درآمده:

الف- سرهنگ ستاد جواد اسعد شیتنه فرمانده سابق لشکر سوم زرهی

ب- سرهنگ دوم ستاد محسن عبدالله فرمانده تیپ زرهی ابن ولید

اتهامات وارد شده به هر یک به شرح ذیل است:

۲- سرهنگ ستاد جواد اسعد شیتنه

الف- تردید در انجام مأموریت ضدحمله توسط لشکر سوم زرهی وعدم اجرای فرامین روشن و صریحی که به همین منظور صادر شده است . این در حالی است که یک دیگر هنگام عبور دشمن به سوی غرب کارون ، این لشکر، مکلف به انجام ضدحمله شده بود . قبل از هجوم دشمن در شبهای ۲۹ و ۳۰ نisan ۱۹۸۲^۱ نیز علی رغم فرامین صریح و روشنی که از همان شب تا حمله پیش بینی شده فعلی دشمن صادر گشته بود، از انجام مأموریت محول شده خودداری کرده بود .

./
//
//
/ /

ب- عدم برخورد مناسب برای ایجاد ترس در میان نیروهای تحت امر که در انجام مأموریتها کوتاهی کرده‌اند .
براساس اختیارات محول شده از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به فرمانده و براساس قانون ، همچنان که مؤکداً
آمده است این افسر که به رتبه فرماندهی در ارتش قهرمانان رسیده است ، مرتکب خیانت به رسالت فرماندهی
و مسئولیت میهنی در مورد مردمش و ارتش آن شده ، با این مجازات ، او را به حق خود رسانده است و او را مستحق
چنین مجازات سنگینی قرار دارد

سری

۳- سرهنگ دوم ستاد محسن عبدالله
حکم اعدام در مورد او به مرحله اجرا درآمد. با اتهام ترس و تردید و عدم اجرای دستور های رؤسایش - سلسله مراتب
فرماندهی - هنگام رویارویی با نیروهای دشمن پس از عبور دشمن به سوی غرب کارون.
خواهشمند است حکم به کلیه تیپها اعلام و بخشنامه شود .

سرتیپ ستاد

رونوشت به:

دفتر نظامی

دیوان وزارت دفاع

ریاست ستاد ارتش

اداره کل اطلاعات ارتش

قدوری جابر محمود

دبیر فرماندهی کل نیروهای مسلح

((مطابق اصل))

فصل ششم

تجزیه و تحلیل اجمالی عملیات بیت المقدس از دیدگاه اصول جنگ

بخش اول

عملیات بیت‌المقدس از دیدگاه اصول نه‌گانه جنگ^۱

اصل هدف

دارا بودن هدف منطقی و متناسب با تواناییها و امکانات در عملیات نظامی، یک واقعیت غیرقابل انکار و الزامی است، اصولاً عملیات بدون هدف امری بدون مفهوم است منتهی هدف تعیین شده در هر رده فرماندهی مفهوم و معنا و شکلی متناسب با آن رده دارد که باید با توانایی آن رده، منطقه و وضعیت متناسب بوده و ارزش درخور خود را دارا باشد. اگر چه مفهوم هدف در یک عملیات، برای رده های مختلف فرق می کند ولی تمام تلاشها در یک راستای کلی قرار دارند و آن تأمین اهداف و تدابیر رده بالاتر و نهایتاً بالاترین رده فرماندهی و عالی کشور است که در راستای تأمین منافع ملی است.

رعایت اصل هدف، در نبرد بیت المقدس بوضوح قابل لمس است که با توجه به نتایج و بازتابهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آن می‌توان گفت که این عملیات دارای هدفهای تاکتیکی و هم استراتژیکی منطقی و حساب شده ای بوده است.

هدف استراتژیکی جمهوری اسلامی (هدف بالاترین رده) عبارت بود از با شکست مواجه کردن استراتژی عراق در تهاجم نظامی به ایران و توسل به زور و خشونت برای کسب کنترل کامل آبراه اروندرود و سیاستهای توسعه طلبانه رژیم بعثی، ارائه قدرت و توانمندی نظام انقلابی ایران در سرکوب هر گونه تجاوز و میل جنگجویی دشمنان و همچنین تثبیت حاکمیت حقّه و غیر قابل انکار ایران بر رودخانه اروند و شمال خلیج فارس.

این هدف استراتژیکی با آزادسازی مقتدرانه مناطق اشغالی و بیرون راندن نیروهای متجاوز به پشت خط مرز و تأمین کرانه شمالی اروند به دست می آمد و ملاحظه می شود که چگونه بعد از شکست در این نبرد؛ عراق توقف در سایر مناطق اشغالی را هم جایز ندانسته و از ترس انهدام بیشتر، در اکثر نقاط جبهه نیروهای خود را به خط مرز عقب کشیده و از وصول به هدفهای استراتژیکی خود از طریق جنگ و کاربرد خشونت و زور مأیوس و ناکام گردید.

اما هدفهای تاکتیکی عملیات بیت المقدس عبارت بودند از :

اول انهدام نیروهای متجاوز در این منطقه نبرد، در تشریح اصل هدف گفته می شود که هدف در هر جنگی انهدام نیروهای نظامی دشمن است، با توجه به اینکه عراق قریب به ۵ لشکر خود را در این منطقه متمرکز کرده بود در صورتی که قسمت عمده این نیروها متلاشی می‌گردید توان رزمی ارتش متجاوز شدیداً کاهش می یافت و با توجه به تلفاتی که در عملیات فتح المبین تحمل کرده بود (دو لشکر) لذا با توان باقیمانده بعید بود که به تواند به عملیات آفندی پرداخته و علاوه بر آن امکانات پدافندی او هم به مقدار قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یافت و این امکان به وجود می آمد که نیروهای ما به توانند به هدفهای استراتژیکی مهمی در داخل خاک عراق دست یابند.

دومین هدف تاکتیکی ، تصرف و تأمین خط مرز بود که این هدف از لحاظ تاکتیکی یک هدف مشخص ، قاطع و درخور توانایی نیروها بود.

منطقه عملیات بیت المقدس با عرض بیش از ۱۵۰ کیلومتر ، یک زمین تقریباً هموار و بیابانی بوده و از دیدگاه نظامی ، نقاط حساسی که خاصیت کلیدی و کنترل کننده در منطقه داشته باشند وجود نداشت. ولی خاکریزهای تهیه شده به وسیله دشمن که به صورت مواضع بسیار مستحکم برای حفاظت نیروها و کنترل منطقه به وجود آورده بود به نوعی هدفهای تاکتیکی برای نیروهای ما محسوب می‌شدند به طوری که تصرف این خاکریزها خود به خود انهدام دشمن و آزادسازی زمینهای اشغالی را نیز دربرداشت (مفهوم هدف برای یگانهای تک و تارده لشکرها).

سومین هدف تاکتیکی که می توان گفت به علت ارزش بالای آن، هدفی استراتژیک نیز محسوب می گردید آزادسازی خرمشهر بود که به علت استحکامات فوق العاده ، تمرکز نیروهای دشمن در آن و اعلام صریح این مطلب از سوی رژیم عراق که به هر قیمت خرمشهر را نگهداری کرده و آن را واگذار نخواهد کرد، بویژه شور، التهاب و خواست مردم کشورمان برای آزادسازی خرمشهر، الزاماً تصرف و تأمین خرمشهر در این عملیات خود به صورت یک هدف اساسی درآمد چنانچه در عمل هم همین طور شد و آزادسازی خرمشهر و یا نگهداری آن به صورت نقطه عطف حساس و سرنوشت سازی در عملیات دو طرف متخاصم به حساب آمد و لذا نیروهای متجاوز روزها برای نگهداری خرمشهر تلاش کردند و نیروهای خودی نیز برای فتح خرمشهر عزم خود را سخت جزم کرده بودند.

جزیره آبادان و بندر خرمشهر که در کناره شمالی آبراه اروند واقع شده اند ، کنترل و حاکمیت ما را در کرانه شمالی این رودخانه تثبیت می کنند و با توجه به این ادعای صدام حسین که تمامی آبراه اروند رود متعلق به عراق است و ایران دارای هیچ گونه حاکمیت و حقوقی در این رودخانه نیست بر ما واجب می‌کرد که در مقابل افکار توسعه طلبانه عراق به هر وسیله ممکن مبارزه کرده و حقوق قانونی و مشروع و تاریخی ایران را در این آبراه حفظ نمود . بنابراین این هدف، هم از لحاظ تاکتیکی (در هم شکستن نیروهای متجاوز و آزادسازی مناطق اشغالی) و هم از نظر استراتژیکی(انهدام طرحهای توسعه طلبانه دشمن) یکی از مهمترین هدفهای نیروهای مسلح ما در عملیات بیت المقدس بود.

چهارمین هدف تاکتیکی نبرد بیت المقدس ، خارج کردن شهرها و مناطق مسکونی واقع در این منطقه از برد توپخانه سنگین دشمن بود. نظر به اینکه نیروهای متجاوز عراقی به طرز وحشیانه‌ای مناطق مسکونی و غیرنظامی ما را در این منطقه عملیات بدون رعایت هیچ گونه اصول انسانی و موازین بین المللی مورد حملات توپخانه و موشک قرار می دادند لذا تنها راه قطع گلوله بارانها در این منطقه آن بود که نیروهای متجاوز تا آن مقدار از مرزهای بین المللی به عقب رانده شوند که حداقل شهرها و مناطق مسکونی نزدیک به مرز از برد توپخانه های عراقی خارج شود و بنابراین هدف تعیین شده برای وصول به این منظور نیز یک هدف اصولی قاطع و مشخص بود.

با توجه به نکات یاد شده، هدف در عملیات بیت المقدس به خوبی تجزیه و تحلیل و ارزیابی گردیده و هدفهای انتخاب شده اصولی ، قاطع و مشخص بودند.

اصل تعرض (آفند)

بعد از تجاوز نیروهای عراق به حریم جمهوری اسلامی ایران و طرح ادعاهای ارضی بی اساس توسط مقامات رسمی عراق مسلم بود که نیروهای متجاوز را فقط با اعمال قدرت نظامی و از راه جنگ می‌توان از سرزمینهای اشغالی بیرون

انداخت. و گرنه با دشمنی که با طرح دعاوی پوچ و تجاوزکارانه ارضی چشم طمع به حق حاکمیت مشروع و قانونی ما دوخته و جنگ و اعمال قدرت نظامی را، وسیله کسب امتیاز و باج‌گیری قرار داده و موفق گردیده بود که اراضی وسیعی را به اشغال خود درآورد تا زمانی که در موضع برتری قدرت قرار داشت، مذاکره برای بازپس‌گیری و تخلیه مناطق اشغالی و حل اختلافات از طریق گفتگو، نتیجه‌ای جز اتلاف زمان و حرف زدن از موضع انفعالی نداشت و در نهایت جز گردن نهادن به شرایط تحمیلی متجاوز راه کار و چاره‌ای نبود. در مواردی از این قبیل بدیهی است که تنها راه دفع تجاوز و احقاق کامل حقوق قانونی و جبران خسارتهای ناشی از تجاوز، برای کشوری که مورد هجوم و اشغال قرار گرفته است، عقب راندن و انهدام نیروهای مهاجم و اشغالگر است تا به تواند برای مذاکره با متجاوز، از موضع ضعف به موضع قدرت و یا حداقل به شرایط برابر تغییر مکان دهد. لذا با توجه به نکات یاد شده ملاحظه می‌گردد که عملیات بیت المقدس نمونه بارز رعایت (اصل تعرض) برای وصول به هدفهای تعیین شده و انهدام توان رزمی و میل جنگجویی دشمن و تحمیل اراده به او بوده است و گرنه بدون درهم شکستن ماشین جنگی وی، چگونه ممکن بود هدفهای یاد شده در این طرح را تأمین کرد.

لازم به ذکر است که در به کار بردن اصل آفند یکی از مهمترین عوامل، داشتن روحیه تهاجمی و انگیزه است. در عملیات بیت المقدس روحیه سلحشوری و تهاجمی در عالی ترین درجه در رزمندگان به وجود آمده و اعتقاد و ایمان به اصالت نبرد بر علیه متجاوز به میهن، میل به جنگیدن و تاختن بر نیروهای دشمن و منهدم کردن آنان را در سطح عالی در رزمندگان غیور ما به وجود آورده بود.

عامل اساسی دیگر در اجرای اصل آفند و حصول به موفقیت در آن، داشتن و ایجاد توان رزمی برتر نسبت به دشمن است که در این عملیات برای حصول به این مقصود اقدامات مقدور و مؤثر برای جبران کمبودهای کمی و کیفی در نیرو و تجهیزات نسبت به دشمن، با عوامل برترساز توان رزمی به عمل آمد که می‌توان آنها را در برتری کمی و کیفی پیاده نظام خودی، روحیه و انگیزه، کاربرد سرعت و غافلگیری خلاصه نمود که در صحبت نکات برجسته از مقدمات نیروی خودی نسبت به دشمن در صفحه ۷۹ به آن اشاره شده است.

اصل مانور

با تعیین و مشخص شدن اهداف استراتژیک و تاکتیکی (اصل هدف) متناسب با رده فرماندهی، حال باید طراحان عملیات و فرماندهان در چگونگی گسترش عده‌ها و آتشها در منطقه نبرد به منظور قرار دادن آنها در موقعیتی برتر نسبت به دشمن در زمان و مکان مورد نظر و یا به زبان ساده‌تر بهترین راه کار عملیاتی برای تأمین هدفها اتخاذ تصمیم کنند.

در طرح عملیاتی کربلا ۳ تدبیر کلی مانور، اجرای یک مانور احاطه ای یکطرفه از جنوب بود، به این ترتیب که یک نیروی فشار مستقیم در جناح شمالی، دشمن را در منطقه کرخه کور درگیر می‌کرد (قرارگاه قدس) و همزمان عمده قوا (تلاش اصلی شامل قرارگاههای نصر و فتح) در منطقه بین اهواز- خرمشهر با عبور از رودخانه کارون بر علیه جناح شرقی دشمن وارد عمل میشدند (نیروی احاطه) و با پیشروی سریع به سوی باختر و تصرف اهدافی در عقبه متجاوز (شرق بصره- شلمچه) نیروهای متجاوز را در منطقه عمومی کرخه کور جفیر و همچنین منطقه خرمشهر احاطه می‌کردند.

اگر چه متجاوز در حین عملیات، با اجرای یک عقب نشینی ماهرانه در منطقه عمومی جفیر، موفق شد دو لشکر خود را بسادگی از مهلکه نجات داده و ادامه مانور احاطه ای نیروهای ما به سوی کرانه شرقی اروند را خنثی سازد، اما به

هرحال تدبیر کلی عملیات توانست نتیجه سرنوشت سازی را در این نبرد به وجود آورد که منجر به آزادسازی بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمینهای اشغالی و تصرف خرمشهر و انهدام نیروهای عمده ای از دشمن گردد. شاید به توان گفت که بهترین و بزرگترین مانور نیروهای ما در طول جنگ تحمیلی در عملیات بیت المقدس طرح ریزی گردیده است. نیروهای شرکت کننده خودی در این نبرد بلافاصله پس از عملیات فتح المبین از منطقه غرب دزفول با سرعت به جنوب در فاصله ۲۰۰ کیلومتری تغییر مکان دادند که این حرکت در نوع خود بسیار خوب انجام گرفت و دشمن از کم شدن نیروهای ما در منطقه فتح المبین و تمرکز آنها در جنوب اهواز به سرعت آگاه نگردید. در حین اجرای عملیات نیز نیروهای مسلح ما، متناسب با وضعیت و عکس العملهای دشمن مانورهای مناسبی را با تغییر در سازمان رزمی، گسترش و مأموریت نیروهای خودی به مرحله اجرا درآوردند و در این رابطه از روز آغاز تا ۵ خرداد قرارگاه اصلی هدایت کننده عملیات (قرارگاه کربلا) ۱۱ دستور جزء به جزء صادر نمود.

اصل تمرکز

پس از انتخاب مانور و برآورد نیروی لازم و مشخص شدن مأموریت هر یک از قرارگاههای شرکت کننده در عملیات، لازم بود که قدرت رزمی برتر را نسبت به دشمن در زمان و مکان قطعی متمرکز نمود (اصل تمرکز). همانگونه که قبلاً اشاره شد عمده قوای نیروهای مسلح ما که در منطقه عملیات فتح المبین مستقر شده بودند پس از پایان عملیات یاد شده به منظور تمرکز قوا در منطقه عملیات بیت المقدس لازم بود که به جنوب اهواز تغییر مکان داده شوند لذا با اتخاذ وضعیت پدافندی در منطقه فتح المبین و به کار بردن لشکر ۷۷ پیاده خراسان و تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد از فکّه تا موسیان، سایر نیروها از این منطقه حرکت نموده و در منطقه عملیات بیت المقدس متمرکز شدند. این نیروها با اضافه نیروهایی که از قبل در منطقه مستقر بودند به طور خلاصه عبارت بودند از :

۱. لشکر ۱۶ زرهی قزوین (سه تیپ زرهی)
۲. تیپ ۵۸ پیاده تکاور
۳. لشکر قدس سپاه پاسداران (پنج تیپ پیاده بسیجی بنابر اعلام سپاه)
۴. لشکر ۹۲ زرهی (سه تیپ زرهی)
۵. تیپ ۵۵ هوایرد
۶. تیپ ۳۷ زرهی
۷. لشکر فتح سپاه پاسداران (دو تیپ پیاده بسیجی بنابر اعلام سپاه)
۸. تیپ ۲۳ نیروی مخصوص ارتش
۹. لشکر نصر سپاه پاسداران (چهار تیپ پیاده بسیجی بنابر اعلام سپاه)
۱۰. تیپ ۳۰ زرهی سپاه پاسداران (بنابر اعلام سپاه)
۱۱. دو گروه توپخانه از نیروی زمینی ارتش هر یک با استعداد پنج گردان.
۱۲. گروههای رزمی هوانیروز (با حداکثر توانایی)
۱۳. گروه ۰۱ مخابرات ارتش
۱۴. گروه مهندسی رزمی ارتش

۱۵. یگانهای پشتیبانی خدمات رزمی ارتش

۱۶. یگانهای جهاد سازندگی

۱۷. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با واگذاری تقدم پشتیبانی هوایی با حداکثر توانایی به منطقه عملیاتی خوزستان.

بنابراین ملاحظه می گردد که حداکثر مقدرات و توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در منطقه عملیات بیت المقدس متمرکز گردیده و اصل تمرکز قوا از نظر کمی و کیفی در حد توانایی رعایت گردید علاوه بر آن واگذاری تقدم انواع پشتیبانیهای مختلف مانند اعزام حداکثر نیروهای بسیجی به این منطقه، تمرکز تلاش فرماندهی و ستاد قرارگاه کربلا روی طرح ریزی، اجرا و هدایت این عملیات، نیز بخشی از تمرکز قوا محسوب میگردد.

اصل صرفه جویی در قوا

برای نیل به تمرکز قدرت رزمی برتر در زمان و مکان مناسب لازم است که نیروی کمتری در آن قسمت از جبهه که حساسیت کمی دارد قرار داده شود.

پس از عملیات طریق القدس و فتح المبین، عملیات بیت المقدس تلاش اصلی نیروهای ما در منطقه خوزستان بود و بنابراین بایستی تقدم همه تلاشها به این عملیات واگذار شده و در سایر مناطق عملیاتی حداکثر صرفه جویی در کاربرد یگانها به عمل می آمد. پس با قبول پاره ای خطرات احتمالی پدافند از منطقه عین خوش، فکّه به لشکر ۷۷ و تیپ ۸۴ پیاده و پدافند در منطقه بستان به تیپ ۴۰ سراب واگذار گردیده و سایر نیروهای مستقر در خوزستان در عملیات بیت المقدس شرکت داده شدند.

اصل غافلگیری

در بخش بررسی و تجزیه و تحلیل برآورد، تدبیر متجاوز گفته شد که به احتمال قریب به یقین دشمن می دانست که بعد از عملیات بستان و منطقه شوش-دزفول عملیات بعدی ما در صحنه عملیاتی خوزستان در منطقه جنوب غرب اهواز و برای آزادسازی خرمشهر خواهد بود لذا طراحان عملیات بیت المقدس سه تدبیر را برای غافلگیر کردن متجاوز در مد نظر قرار دادند:

اول: انجام تلاش اصلی در محوری برخلاف تصور و برآورد متجاوز (عبور از کارون و تک به جناح شرقی)
دوم: آماده شدن نیروهای مسلح ما برای این عملیات در مدت زمانی بسیار کوتاهتر از آنچه که دشمن برای آمادگی مجدد نیروهای ما محاسبه می کرد.

سوم: اجرای عملیات در یک منطقه وسیع و حفظ و مداومت آن.

پس باید گفت که اصل غافلگیری با غافلگیر نمودن دشمن از نظر زمان و مکان توسط نیروهای مسلح ما به نحو مطلوب رعایت گردیده و بدین ترتیب توانستند پیش بینیها و طرحهای متجاوز را در انجام عکس العملهای مناسب و بموقع تا حدود بسیار زیاد و تعیین کننده ای خنثی سازند.

اصل تأمین

تأمین به کلیه اقداماتی گفته می شود که غافلگیر نشدن را تضمین و آزادی عمل را برای فرمانده حفظ می کند. بدیهی است که تنها با رعایت اصل تأمین نمی توان جنگ را برد، بلکه باید دانست که با عدم رعایت آن و استفاده بموقع دشمن از عدم تأمین ما، امکان پیروزی در نبرد در معرض مخاطره جدی قرار گرفته و احتمال باخت و شکست بشدت افزایش می یابد.

انجام اقداماتی از قبیل به کار بردن عناصر تأمینی مانند جلودار، پهلودار، شناسایی و ضد شناسایی، تأمین ارتباط و مخابرات، اختفاء و استتار، حفاظت اطلاعات، تفرقه، سرعت در حرکات و جلوگیری از فاش شدن طرحها و دستورات، تأمین عملیات را برقرار می نماید.

در عملیات بیت المقدس به عنوان بیان یک واقعیت باید گفت که اقدامات تأمینی به صورت مطلوب به عمل نیامد، البته در مواردی پاره ای مشکلات و محدودیتها و یا وضعیت، برقراری تأمین را غیر مقدور می کرد ولی این موارد نمی بایست که ما را از تلاش برای رعایت اصل تأمین غافل کند.

علی رغم دستور و تذکر و راهنماییهای لازم، اکثر یگانها و قرارگاهها بخاطر نقص آموزشهای حفاظتی کامل و دقیق اصل تأمین توجه چندانی میدول نمی داشتند.

عدم رعایت اصول تأمینی و نتیجه موفقیت آمیز این عملیات به هیچ وجه نایستی ما را فریب دهد که اصول تأمینی چندان ضرورت و اهمیتی ندارند، اگر دشمن در این عملیات موفق به بهره برداری از اشتباهات تأمینی ما نگردیده است نباید خبط او را به حساب خود گذاشته و به کار بردن اصول تأمین در عملیات را دارای ارزش و اهمیت حیاتی ندانست.

اصل سادگی

این اصل توصیه می کند که طرحها و عملیات بایستی به همان اندازه که قابل اجرا هستند ساده باشند و عبارت دیگر موفقیت یک عملیات بستگی زیادی به این دارد که تا چه اندازه زیردستان مأموریتهای تاکتیکی را درک نموده و اجرا می نمایند و روی همین اصل فرماندهان بایستی از به کار بردن تاکتیکهای پیچیده و مبهم خودداری نمایند.

طرح عملیاتی کربلا ۳، با وجود اینکه توأم با عملیات عبور از رودخانه بود و با وجود وسعت منطقه عملیات اساساً یک طرح بسیار ساده بود. به طور کلی طرح شامل یک مرحله عبور از رودخانه و تصرف و تأمین سرپل و یک مرحله پیشروی به سوی باختر بود، برای اجرای این طرح تدابیر ویژه و یا نکات بغرنجی وجود نداشت، وسائل لازم و تقریباً کافی برای عبور از رودخانه تدارک شده و بعلاوه ساحل دور نیز در دست نیروهای خودی بود و بنابراین در مورد عبور از رودخانه هم مشکل عمده ای وجود نداشت.

در رده قرارگاه کربلا، یک مانور احاطه ای یکطرفه از جنوب برای به خطر انداختن عقبه نیروهای متجاوز و انهدام آنها در نظر گرفته شده بود، ولی در رده های لشکر به پایین عملیات عموماً به صورت حمله جبهه ای بود و هدفهای زمینی یگانها عموماً خاکریزهای دشمن بود و هر یگان تک ور بایستی پس از تصرف خاکریز اول به سوی خاکریز دوم پیشروی کند. حتی طرح آزادسازی خرمشهر نیز یک طرح بسیار ساده بود. بدین نحو که نیروهای قرارگاه نصر (سپس قرارگاه کربلا

در یک طرح تجدید نظر شده) با یک حرکت احاطه‌ای از غرب، جاده شلمچه خرمشهر را قطع و نیروهای متجاوز را در خرمشهر محاصره می‌نمودند که بدین ترتیب از حمله مستقیم به شهر خودداری شده و دشمن در بند محاصره قرار گرفته و جز تسلیم چاره‌ای نداشت. و تا آخر هم همین طرح ادامه یافت منتها در سازمان یگانهای مأمور به این عملیات تغییراتی لازم و متناسب به وجود آمد.

همچنین طرح عملیات قرارگاه قدس در مراحل اول و دوم بسیار ساده و فقط اجرای چند مانور رخنه‌ای در سراسر جبهه کرخه کور و تصرف چند هدف کم عمق به منظور درگیر نگه داشتن دشمن در جناح شمالی بود. با توجه به این موارد، نکته بغرنج یا مانور پیچیده‌ای در طرح عملیات وجود نداشت و در نوع خود یک طرح بسیار ساده‌ای بود که شاید یکی از علل موفقیت آن، همین سادگی بوده باشد.

اصل وحدت فرماندهی

همان گونه که در بحث سیستم فرماندهی عملیات بیان گردید، در نبرد بیت المقدس نیز مانند فتح المبین از سیستم (دو فرماندهی بر عملیات) استفاده گردید و بنابراین از نظر شکل ظاهری، وحدت فرماندهی به مفهوم کلاسیک آن رعایت نمی‌شد. اما وحدت فکری و تفاهم و توافق کامل موجود بین فرمانده نیروی زمینی و فرمانده کل سپاه پاسداران تا حدودی در رده‌های پایین‌تر نیز سبب شد که دوگانگی ظاهری فرماندهی، اختلال بازدارنده‌ای در هدایت عملیات ایجاد ننموده و نتایج مثبت عملیات فتح المبین و بیت المقدس نیز اثر وحدت و تفاهم کامل این دو فرمانده بود.

بدیهی است در روش فرماندهی دوگانه، توافق و تفاهم و هماهنگی واقعی، عمیق و مداوم بین دو فرمانده در مواقع خود نوعی رعایت اصل وحدت فرماندهی بوده و اصالت و ضرورت حیاتی این اصل را کماکان معتبر و مرعی می‌دارد.

لازم به تذکر است که در سیستم فرماندهی دوگانه بر نیروهای شرکت کننده در عملیات، ستاد هر یک از دو فرمانده نیز که در قرارگاه مشترک کار می‌کنند می‌بایستی کلیه اطلاعات و اخبار و گزارشهای به دست آمده از یگانهای نیروهای مربوطه را مبادله کرده و کلیه فعالیتهای اطلاعاتی و عملیاتی دو نیرو در یک کانال قرار گیرد تا پرسنل ستاد به توانند با اطلاع کامل وضعیت هر یک از دو نیرو بویژه در حین هدایت عملیات پیشنهادات لازم را به فرماندهی ارائه داده و آن دو را در اخذ تصمیم یاری نمایند. می‌توان گفت در مورد اخیر چنین امری مصداق ضعیف‌تری داشته و ستادهای ارتشی و سپاهی توسط فرماندهان مربوطه در جریان حوادث و کوران عملیات نیروی دیگر قرار می‌گرفتند که بدین ترتیب به اصل وحدت فرماندهی خدشه وارد می‌شد.

انگیزه ایمان - اعتقاد

رعایت اصول جنگ، تنها عامل موثر پیروزی در عملیات نیست، بلکه عواملی مانند ملاحظات سیاسی، افکار عمومی، مشروعیت و مقبولیت نظام و فرماندهی عالی، حمایت مسئولان بلند پایه نظام و نخبگان حاکم و میزان قدرت روحی رزمندگان نیز از عواملی هستند که بایستی دقیقاً مورد توجه و نظر قرار گیرند.

بحث درباره آثار ایمان و اعتقاد رزمندگان ما در نبرد بیت المقدس آنچنان وسیع و آنچنان عمیق است که از توان این گفتار خارج است.

ایمان به پیروزی و اصالت و حقانیت نبردی که بر علیه متجاوز در جریان بود آنچنان قدرت و توانایی به رزمندگان ما داده بود که در صحنه نبرد بیت المقدس نیز مانند عملیات قبل از آن تا سر حد شهادت قبول خطر کرده و با اتکاء به عنایات خداوند بر مواضع مستحکم دشمن یورش آورده و با ایثار خون پاک خود ، سرزمینهای اشغالی را از لوث وجود متجاوز پاک نموده و درسی از شهامت و رشادت و از خود گذشتگی که از ایمان و اعتقاد آنها به جهاد بر ضد تجاوز و ظلم و ویرانگری سرچشمه می گرفت برای همیشه تاریخ از خود به یادگار گذاردند. نقش تبلیغات مذهبی و تهییج روان پرسنل و رزمندگان بویژه اندکی قبل از آغاز و در آغاز عملیات نبایستی در تقویت روانی و ایجاد تحرک و انگیزه، در رزمندگان ما نادیده انگاشته شوند.

بخش دوم

دستاوردهای آموزشی^۱

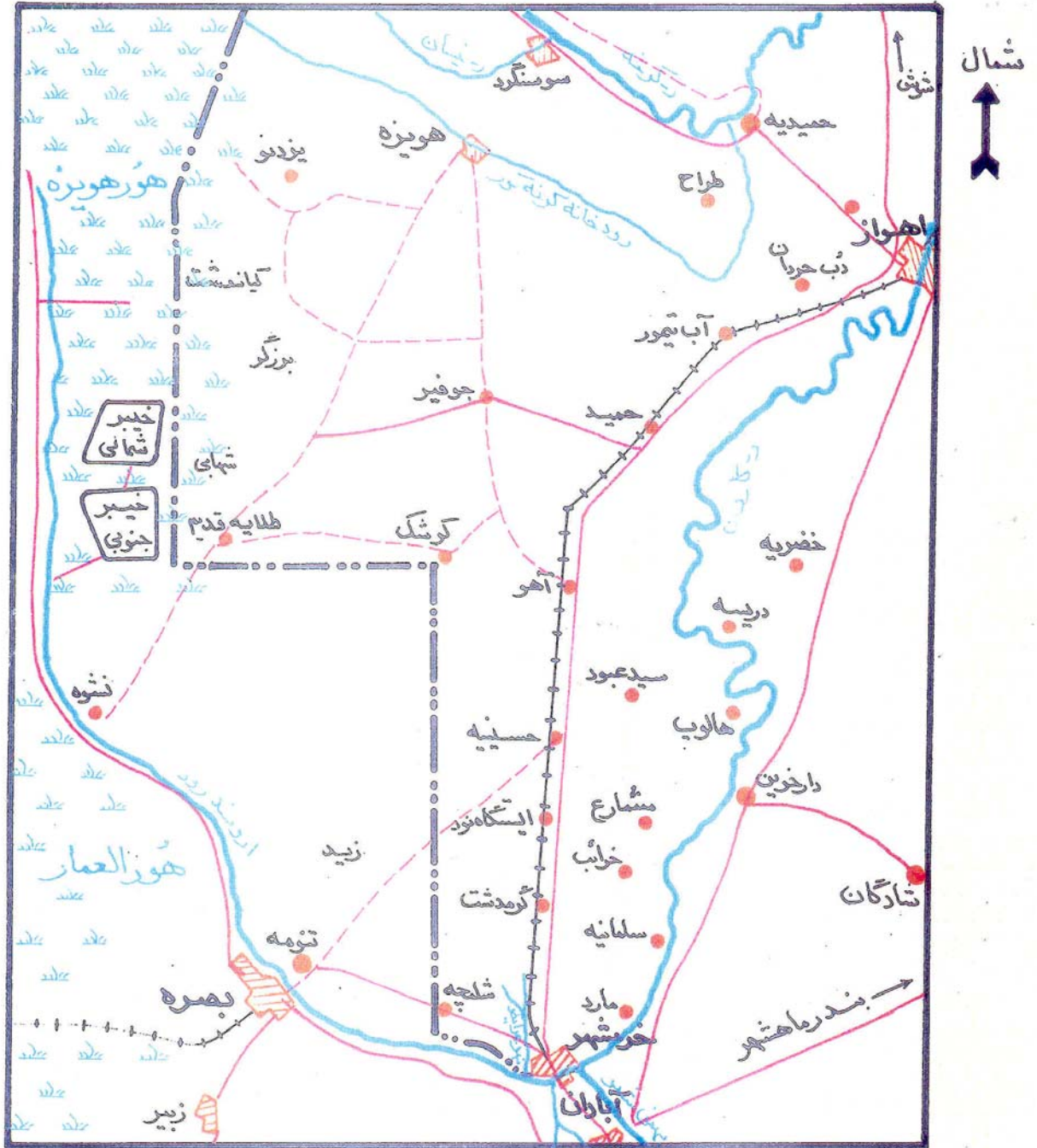
موانع طبیعی و مصنوعی (سیستم سد و موانع) در صورتی که با آتش و دیده‌بانی مداوم مراقبت نگردند از نظر تأمین و تاکتیک فاقد ارزش لازم هستند.

اهمیت مانور احاطه‌ای و دورانی در از هم پاشیدن سیستم فرماندهی و روانی دشمن
اهمیت رزم شبانه بخصوص در موارد برتری آتش زمینی و هوایی دشمن و سیستمهای سد موانع گسترده
اهمیت پیاده نظام در عملیات شبانه
اهمیت جاده و حفظ سمت در بیابان برای پیشروی سریع و دقیق به سوی اهداف
اهمیت حفاظت تانک به وسیله یگانهای پیاده
اهمیت انضباط عملیاتی در میدان رزم در شرایط موفقیت غیر منتظره یا شکست
اهمیت عملیات عقب نشینی برای حفظ تمامیت نیرو
اهمیت پوشش و فریب تاکتیکی در اجرای ماهرانه عقب نشینی و یا پوشش در تشخیص عمل تک اصلی و واکنش بموقع
اهمیت قبول خطر (حساب شده)
اهمیت تجارب بدست آمده از عملیاتیهای قبلی در احصاء و برآورد و پیش بینی رفتار دشمن
ارزش و اهمیت یگانهای زرهی ورزیده و مجهز برای عملیات استفاده از موفقیت، تعاقب و اشغال هدفهای حساس در عمق منطقه به منظور انهدام کامل دشمن
اهمیت میل جنگجویی، ایمان، انگیزه رزمندگان به خصوص در شرایط محدودیت و مقدرات کم
اهمیت استفاده از نیروهای مردمی و حمایت فعال مردم از جنگ و قرار داشتن در کنار نیروهای مسلح
اهمیت حجم آتش توپخانه، پشتیبانی گسترده نیروی هوایی، هوانیروز از عملیات زمینی در کاهش توان رزمی فیزیکی و روحیه دشمن

اهمیت آموزشهای تخصصی و رزم انفرادی
اهمیت آمادگی جسمانی رزمندگان بویژه در عملیات طولانی مدت و شرایط اقلیمی دشوار
نقش و اهمیت ستاد در یاری رساندن به فرماندهان برای اخذ تصمیم و همچنین استفاده صحیح و به موقع فرمانده از ستاد خود
اهمیت و ارزش همدلی و همکاری صمیمانه و برادرانه رزمندگان نیروهای مختلف (همکاری رسته ها و نیروها)
اهمیت شناسایی دقیق از زمین و داشتن اطلاعات لازم از دشمن
اهمیت سرعت عمل در عملیات تاکتیکی و تصمیم گیریهای سریع
اهمیت تحرک برای نشان دادن واکنشهای بموقع
اهمیت داشتن و حفظ برتری هوایی تاکتیکی در صحنه رزم

نقشه ها و تصاویر

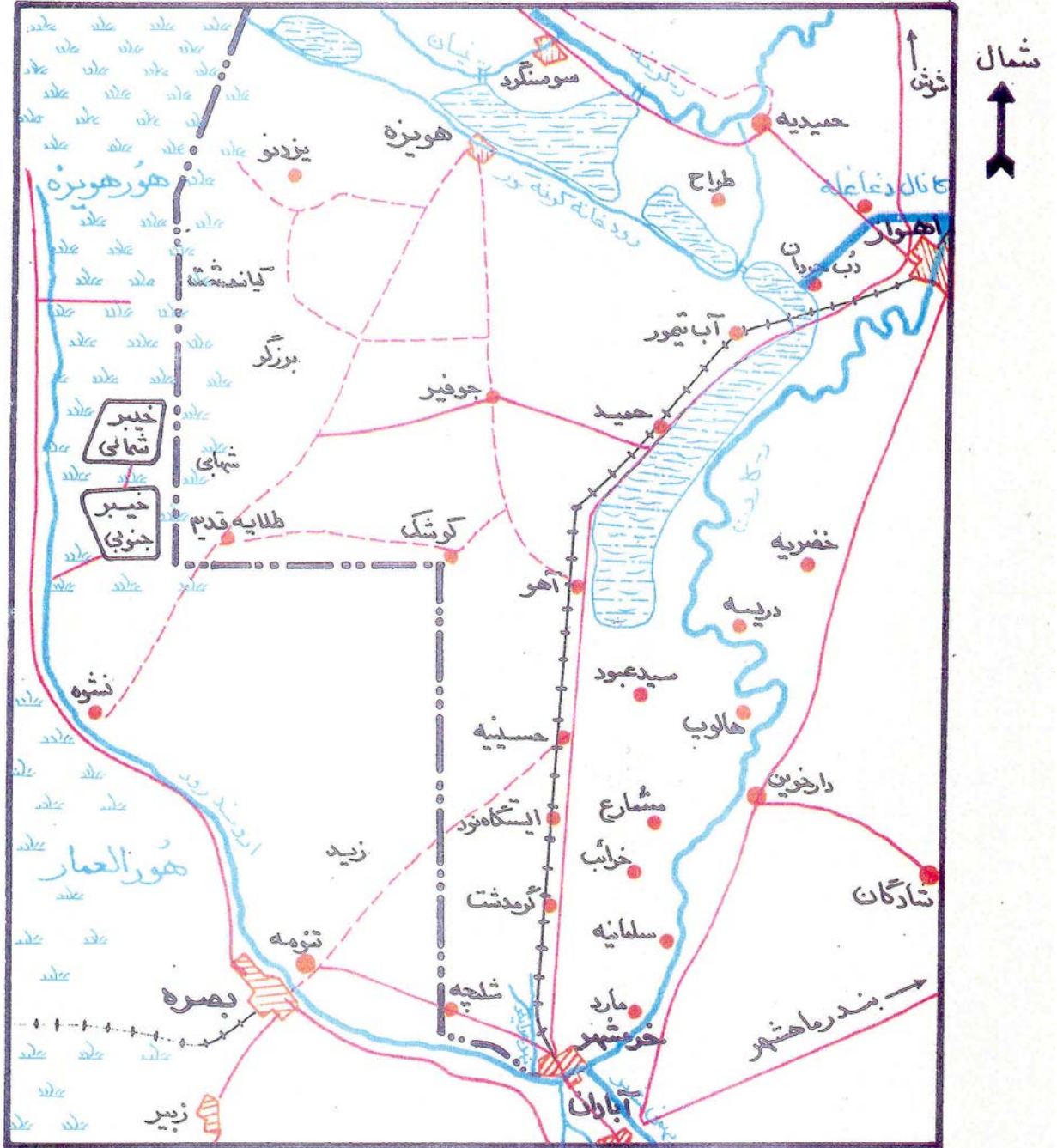
نقشه شماره ۱



منطقه عمومی جنوب غربی اهواز / خوشهر

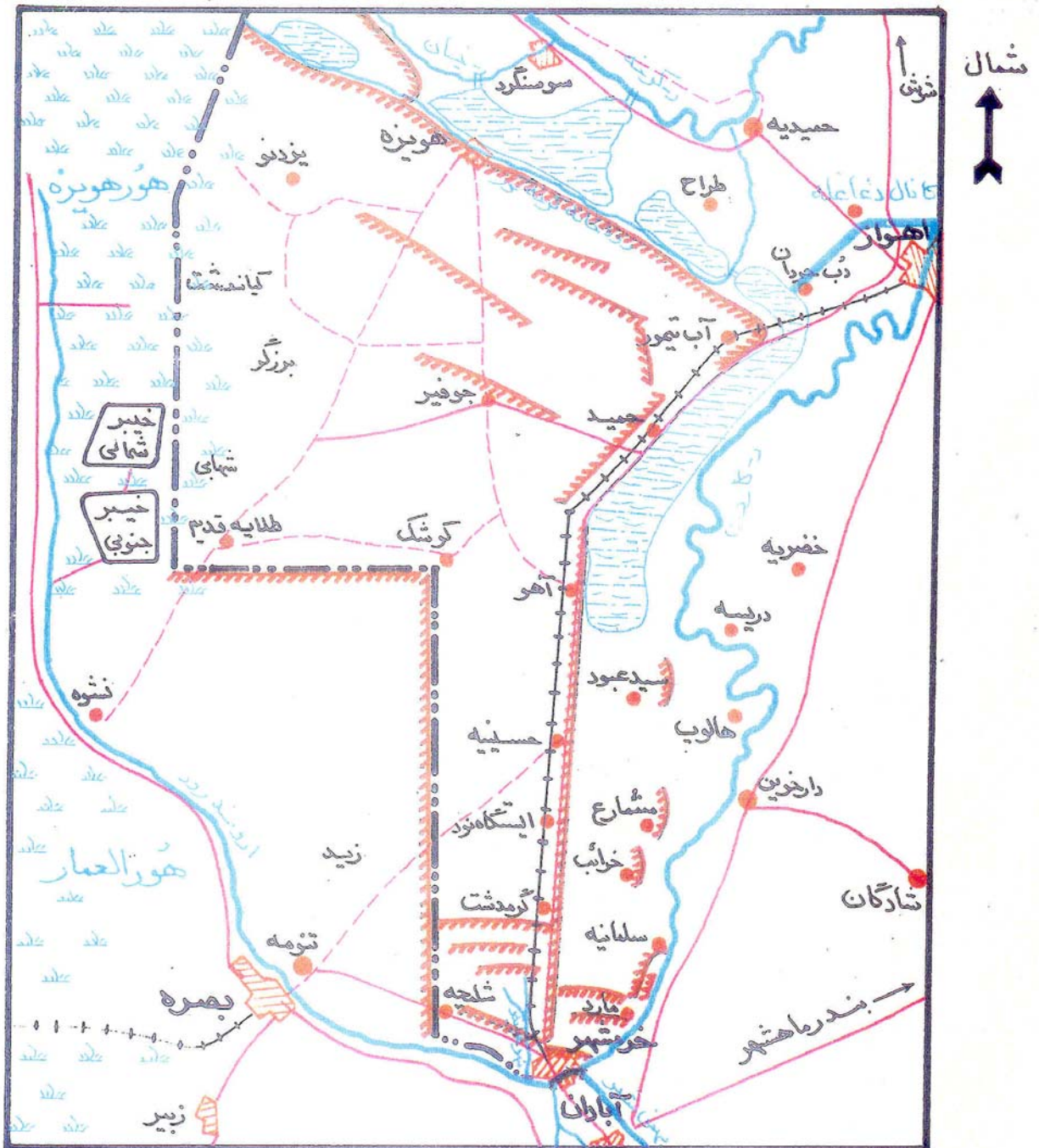
مربوط به صفحه ۲۱

نقشه شماره ۲



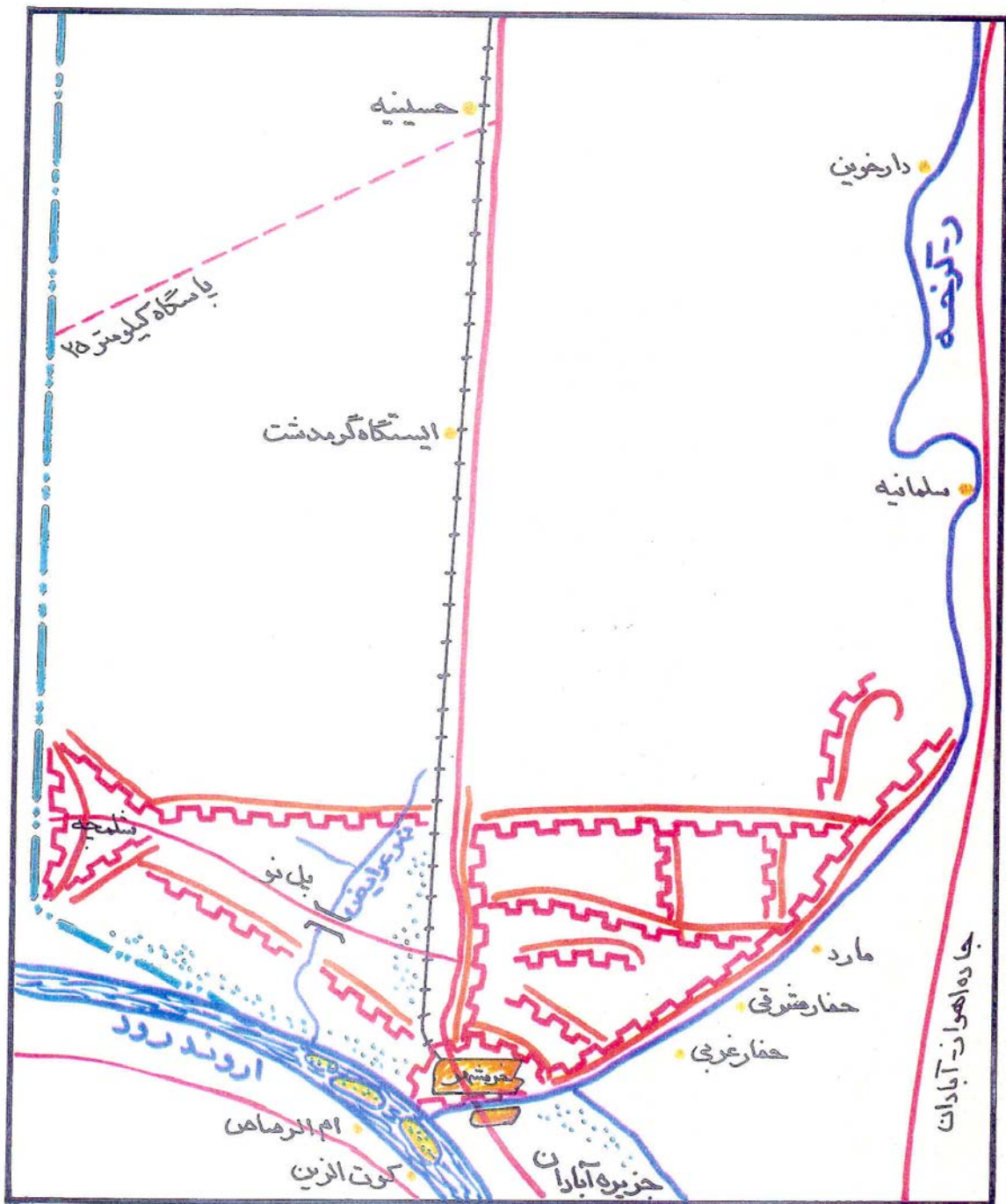
مناطق آب گرفته در غرب و جنوب غرب اهواز

مربوط به صفحه ۲۲



خاکریزهای عمده دشمن (مواضع پدافندی) در منطقه عملیاتی بیت المقدس

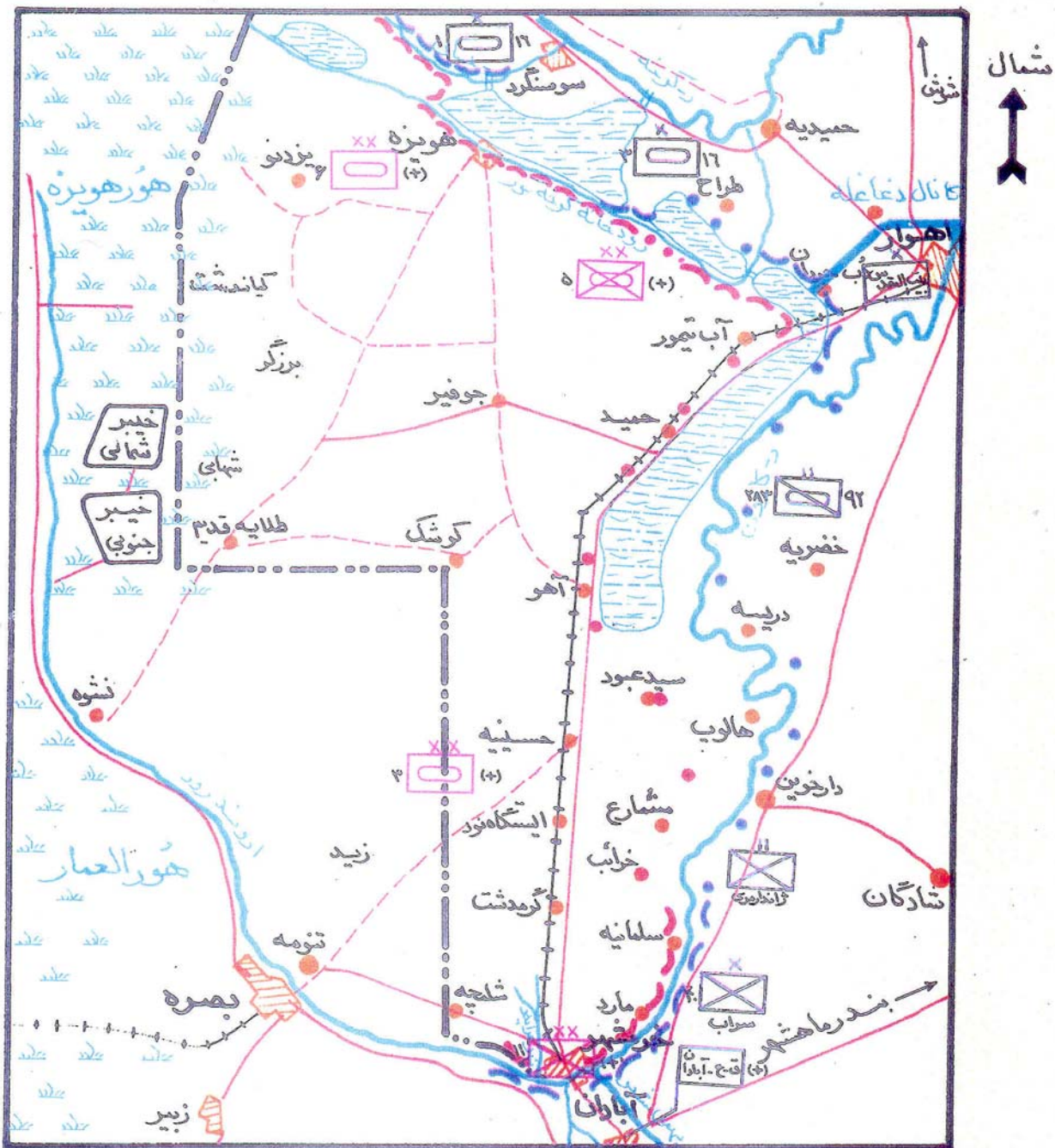
نقشه شماره ۴



خاکریزها و موانع دشمن در محدوده خارجی غرمشهر برای پدافند از این شهر

مربوط به صفحه ۲۴

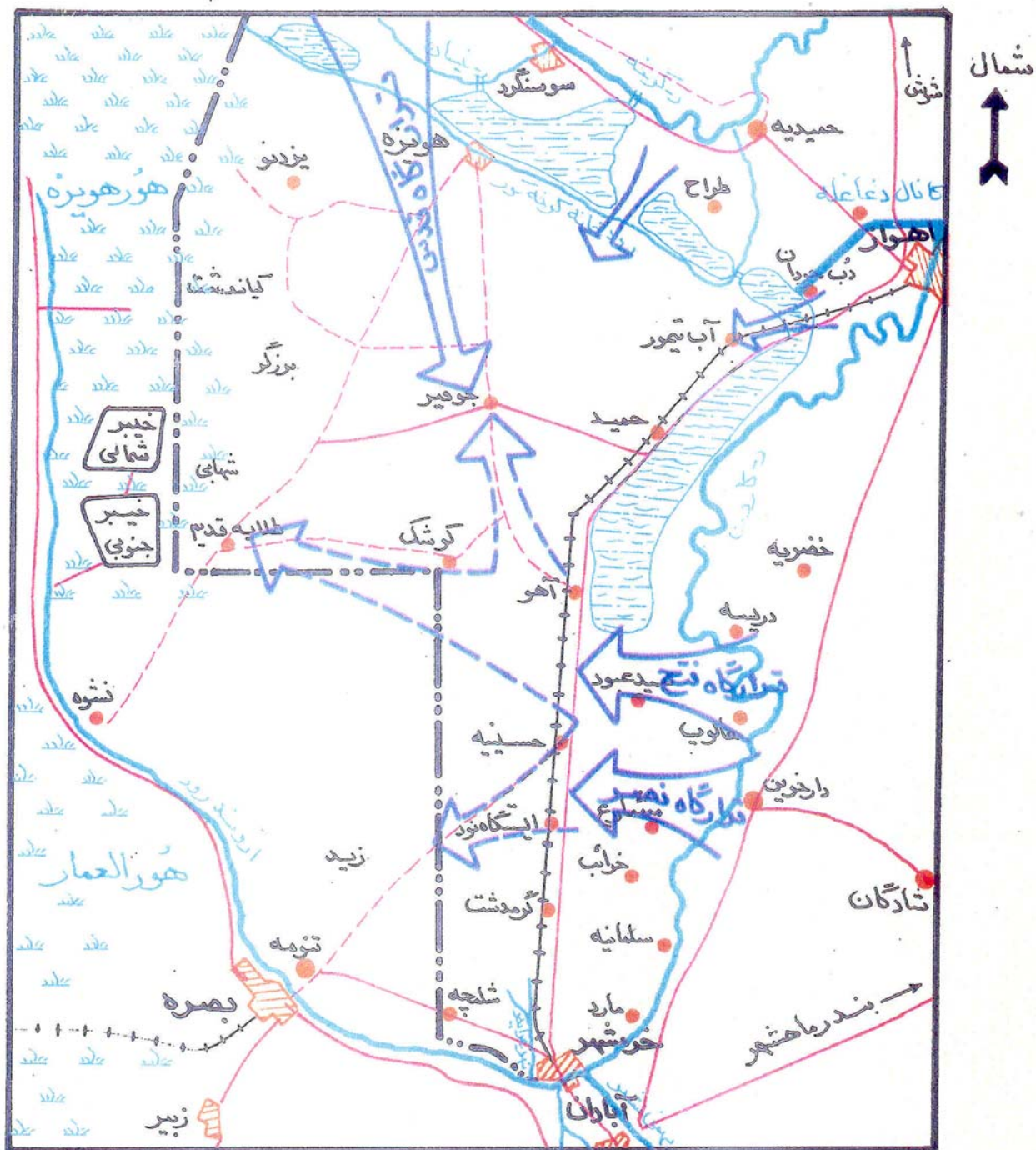
نقشه شماره ۵



گسترش کلی نیروهای خودی و متجا وزدر منطقه قبل از طرح ریزی عملیات بیت المقدس

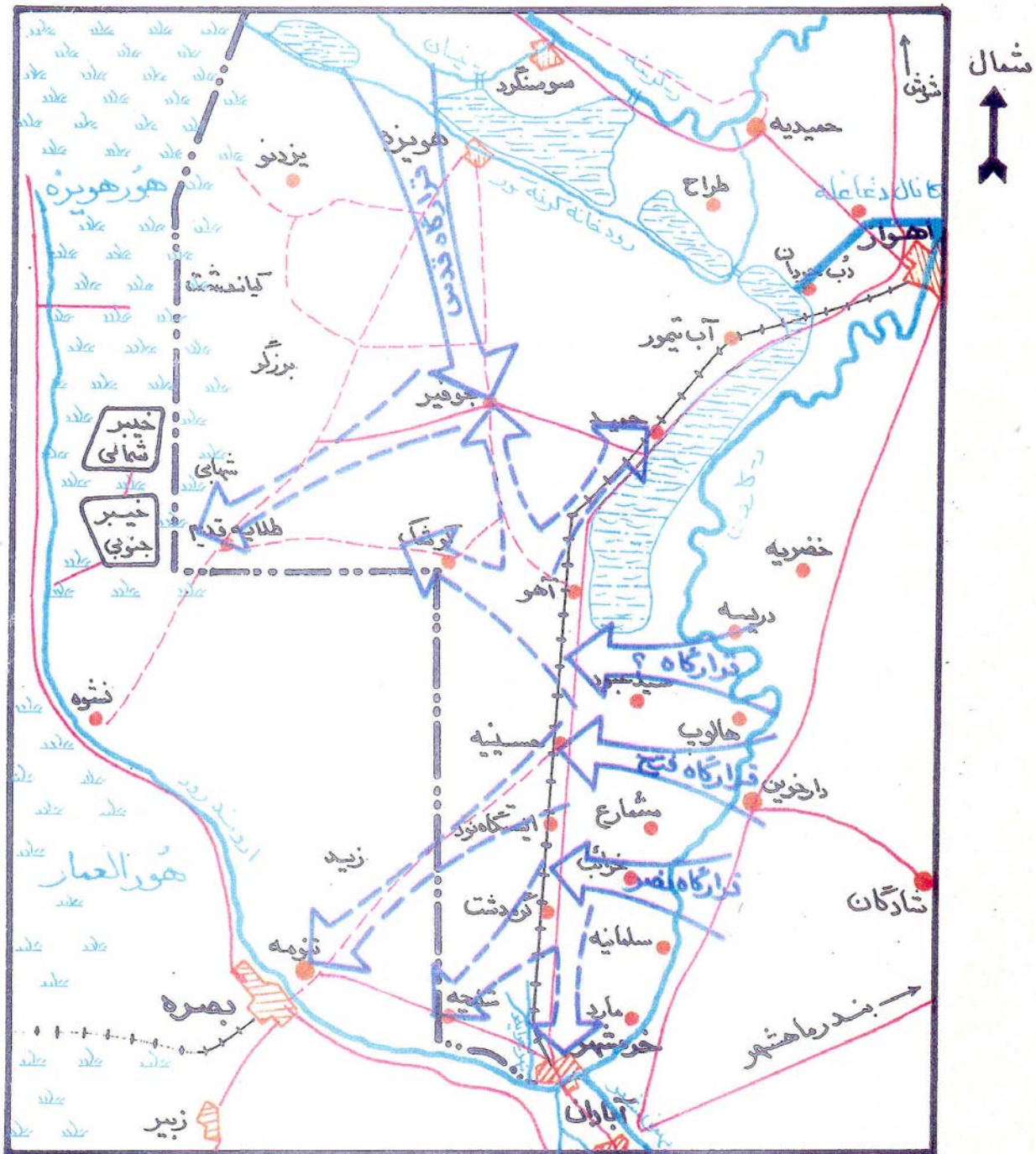
مربوط به صفحه ۲۶

نقشه شماره ۶



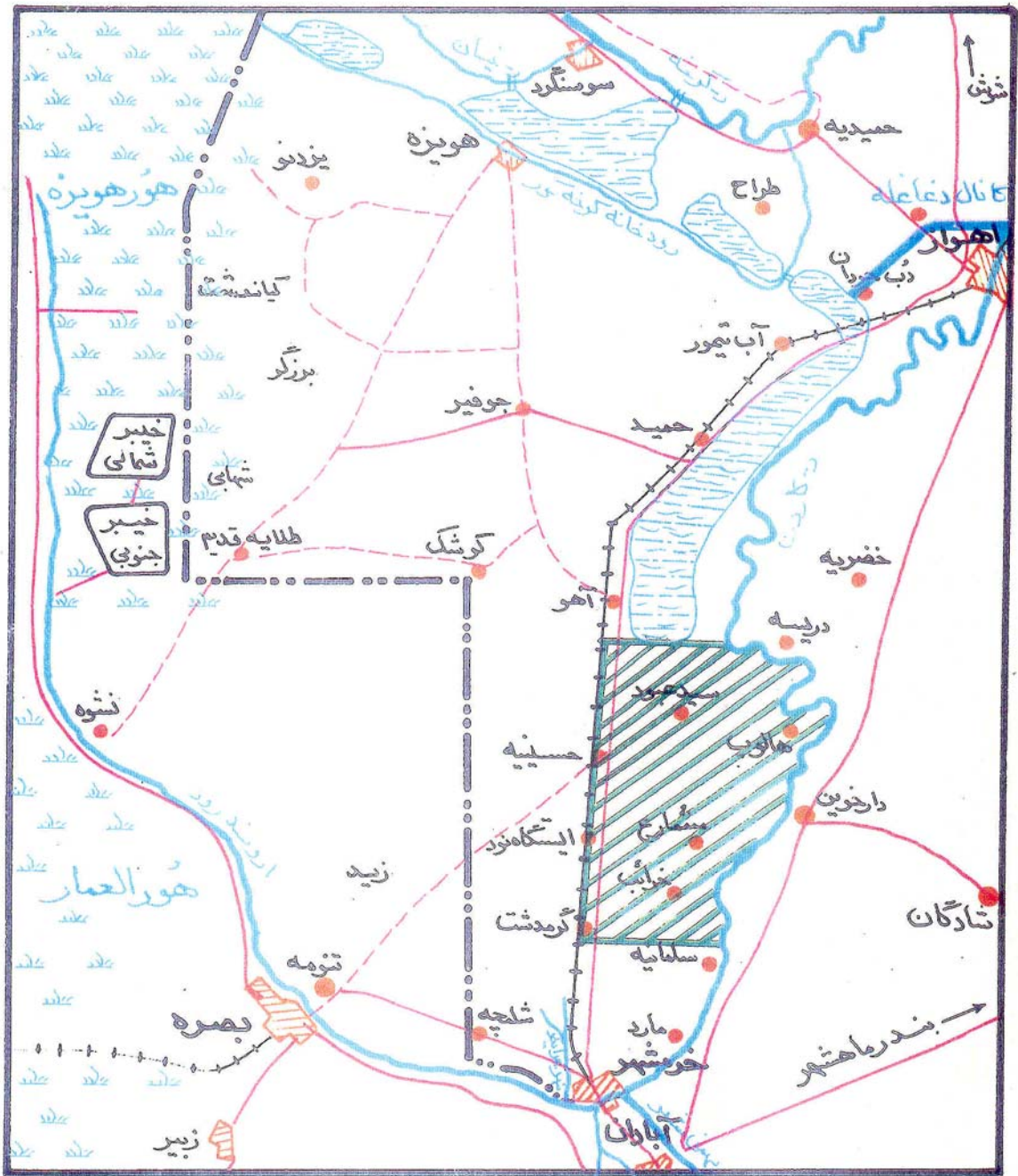
یکی از راههای کارپیشنهادهای برای عملیات بیت المقدس (تصویب نشد)

نقشه شماره ۷



یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی برای اجرای عملیات بیت المقدسی (تصویب نشد)

نقشه شماره ۸

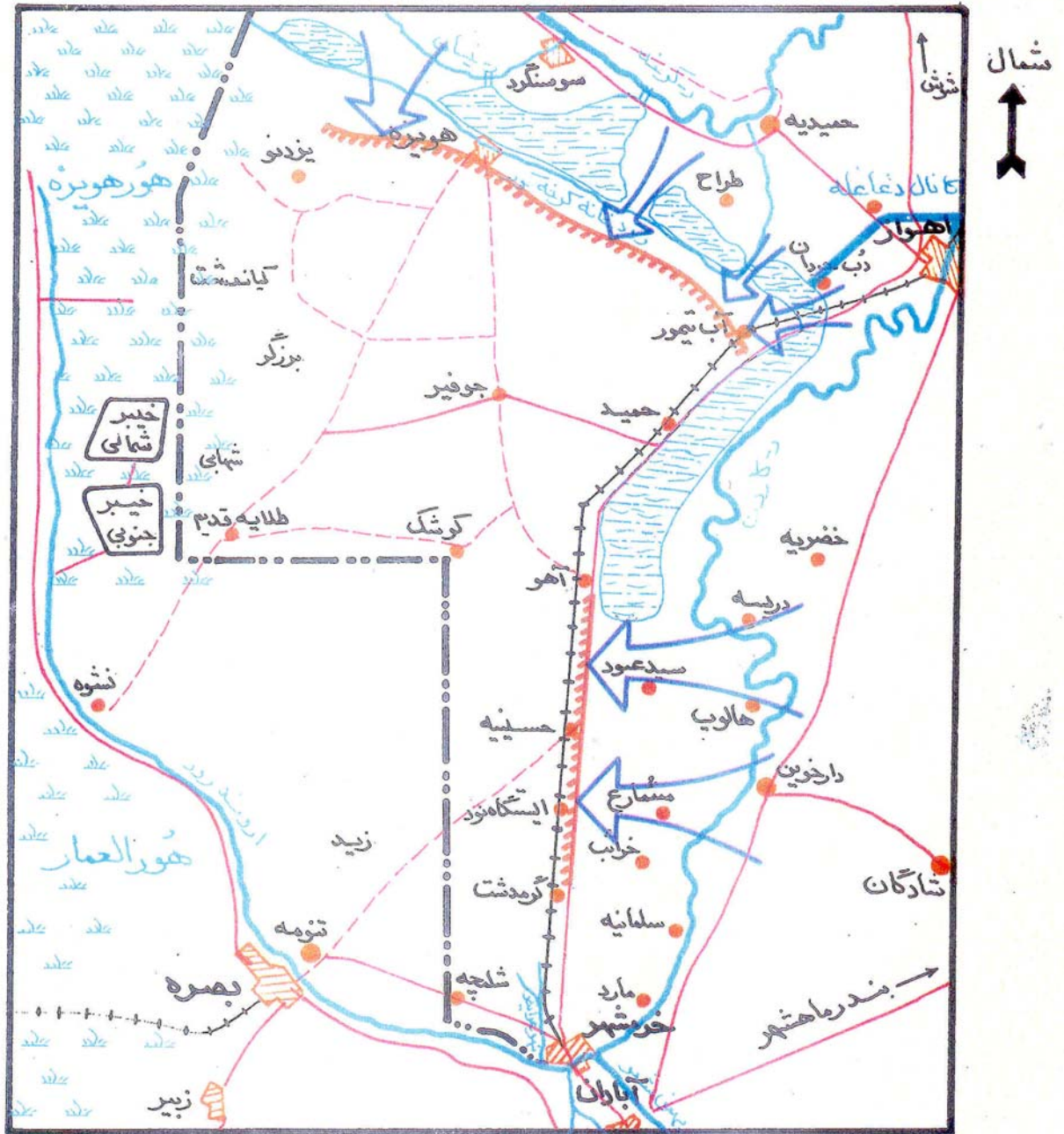


موقعیت منطقه سوسل انتخاب شده در غرب کارون

عرض ۲۰ کیلومتر عمق ۱۲ تا ۲۱ کیلومتر

مربوط به صفحه ۳۷

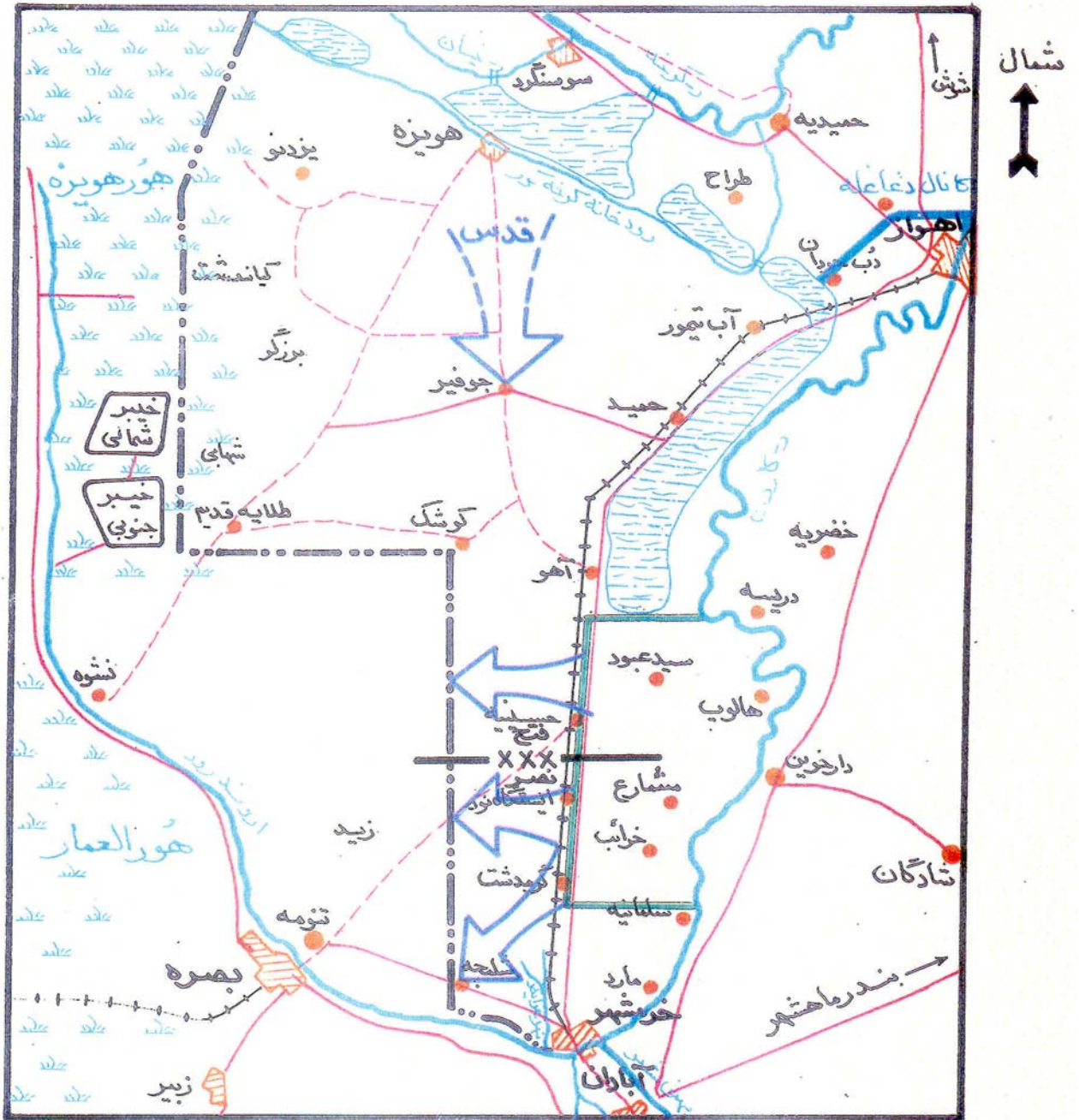
نقشه شماره ۹



مرحله یکم ما نور طرح ریزی شده نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس

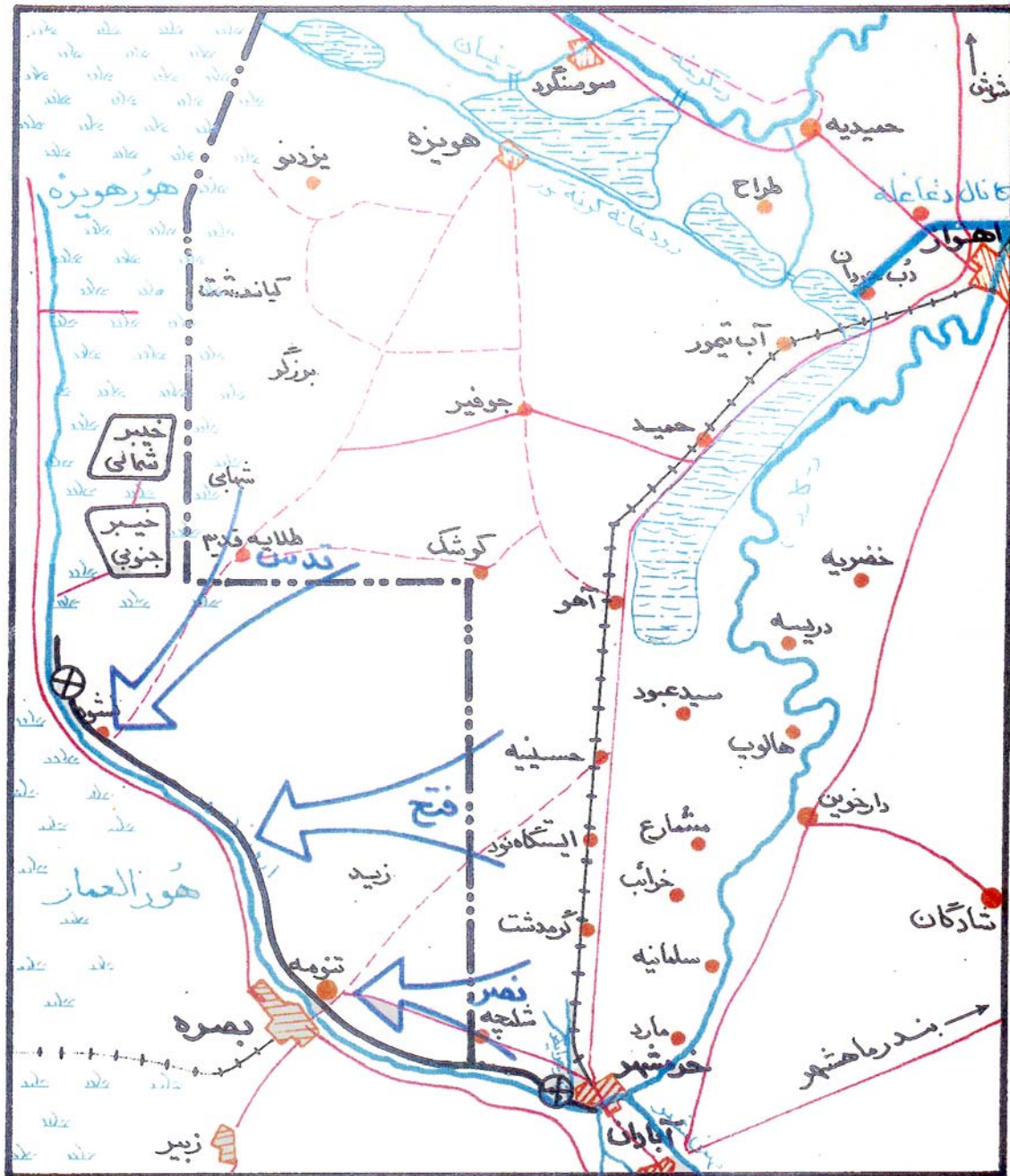
عبور از رودخانه کارون و تصرف سرپل با دو تاورنگاه (تک اصلی) و تحسین دشمن درجهه گور با یک قرارگاه

نقشه شماره ۱۰



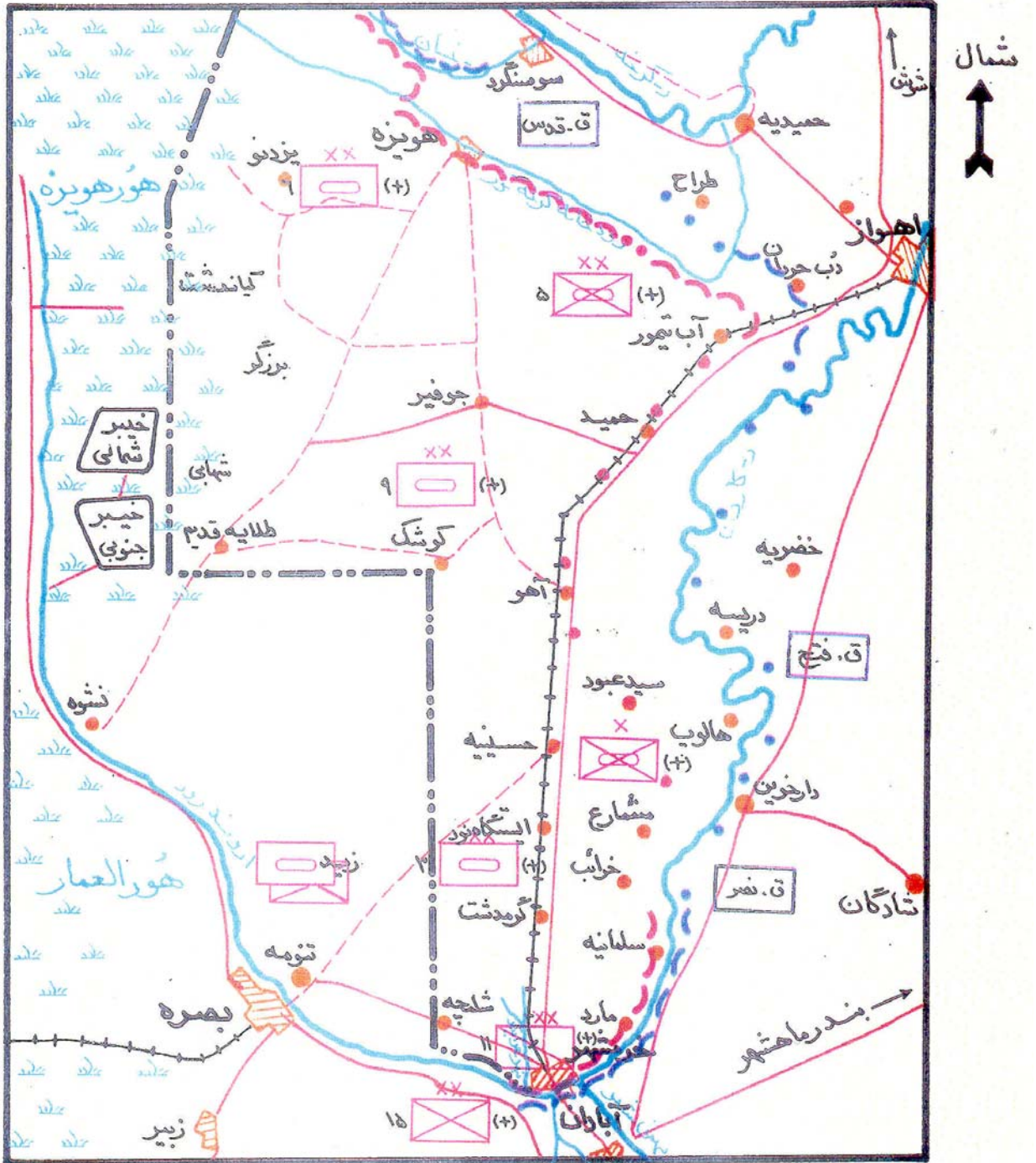
مرحله دوم مانور طرح ریزی شده نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس
 (تأمین خط مرز و احاطه همزمان خرمشهر با دورقرا رگا و تثبیت دشمن در شمال منطقه و وصول به
 جبهه در صورت اسکان بایک قرا رگا ه)

نقشه شماره ۱۱



مرحله سوم و چهارم ما نور طرح ریزی شده نیروهای خودی در عملیات بیت المقدس
(ادامه تک دریا خرمز و شهدید شرق بصره و سپس پدافند در کرانه خاوری خط الحرب از نشاوه

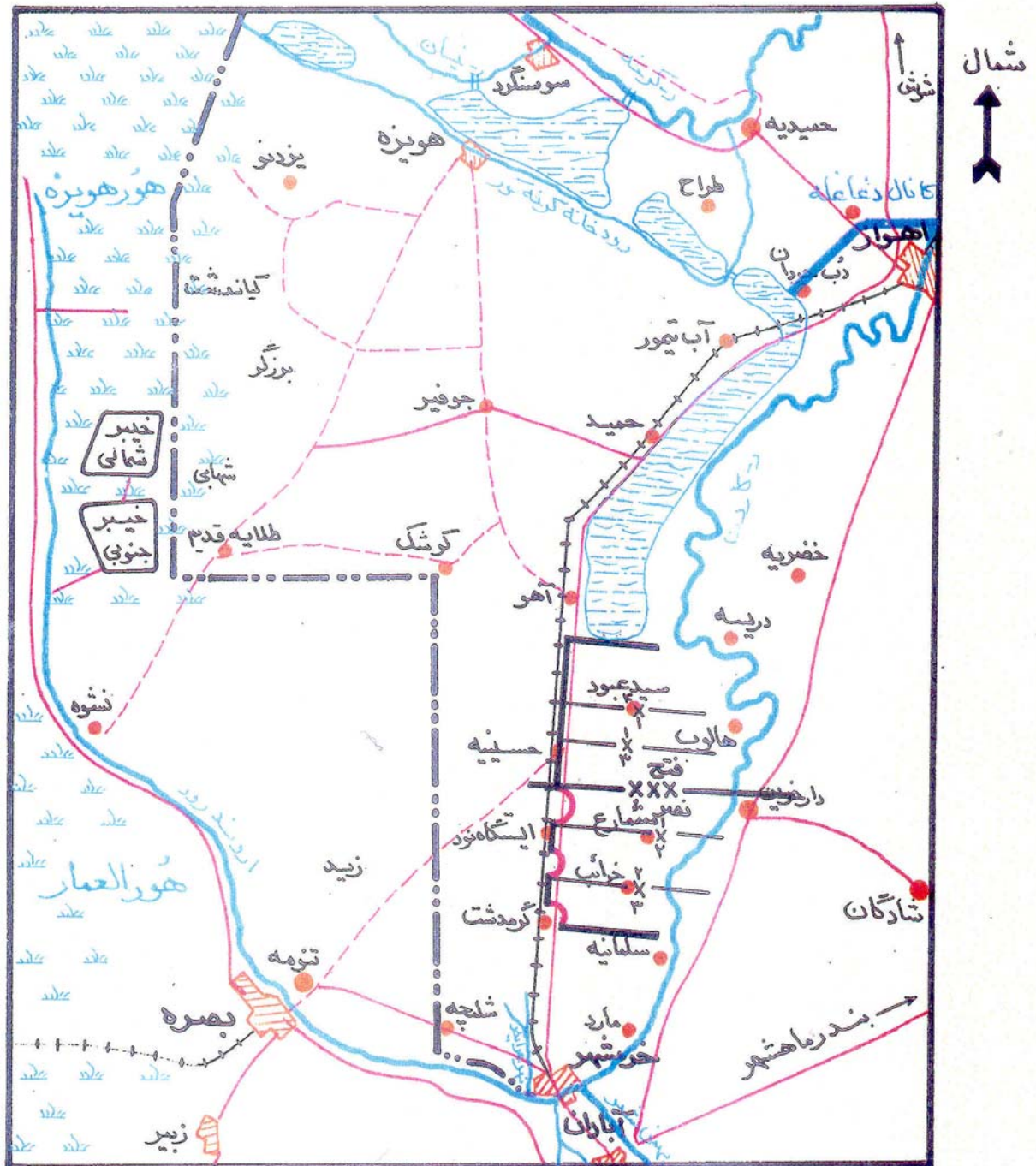
نقشه شماره ۱۲



آخرین گسترش یگانهای عمده خودی و متجاوز در منطقه عملیات بیت المقدس

مربوط به صفحه ۷۰

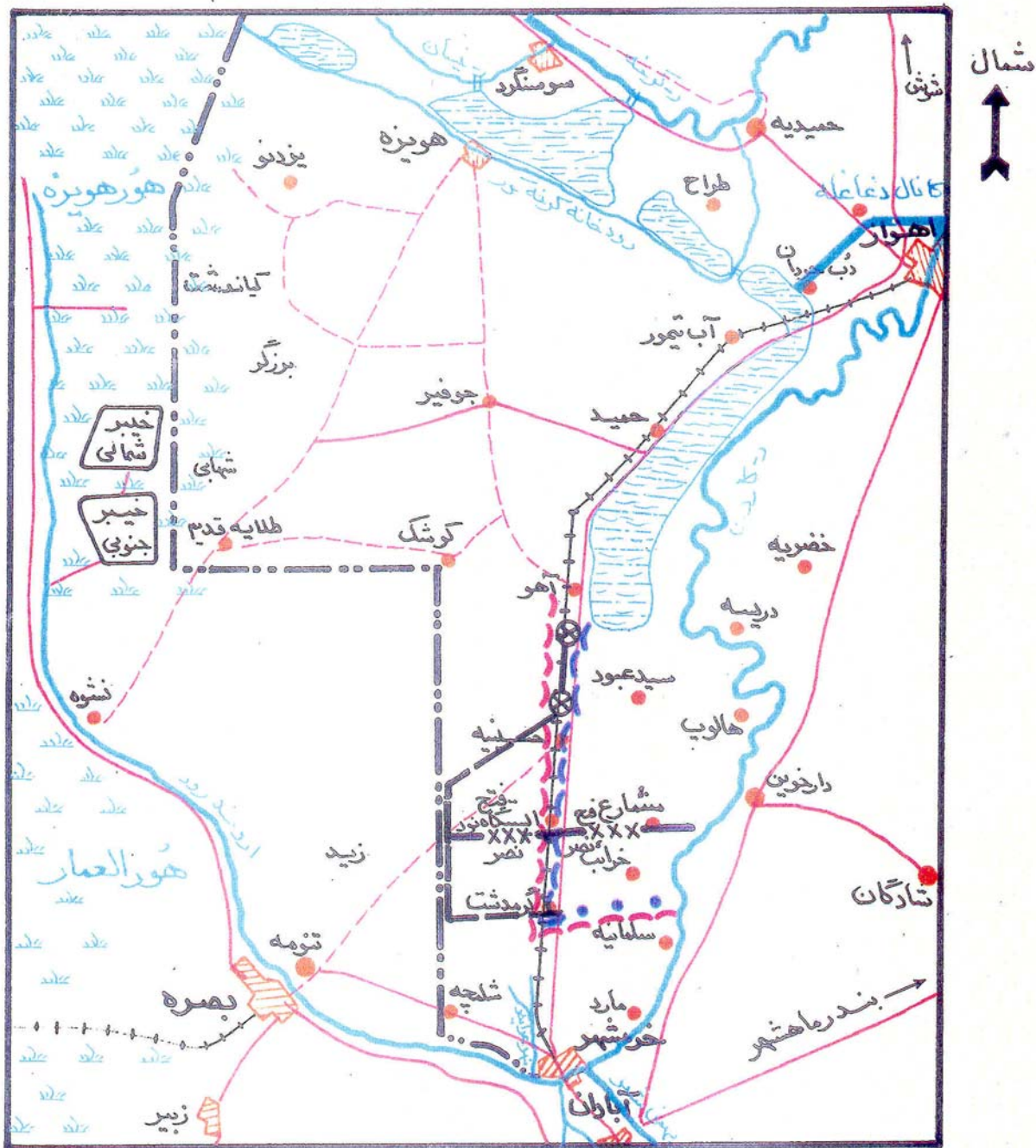
نقشه شماره ۱۴



رغنه و شکاف های موجود در منطقه سرپل تراگانه نصر در پایان اولین روز عملیات (۶۱/۷/۱۰)

مربوط به صفحه ۱۰۱

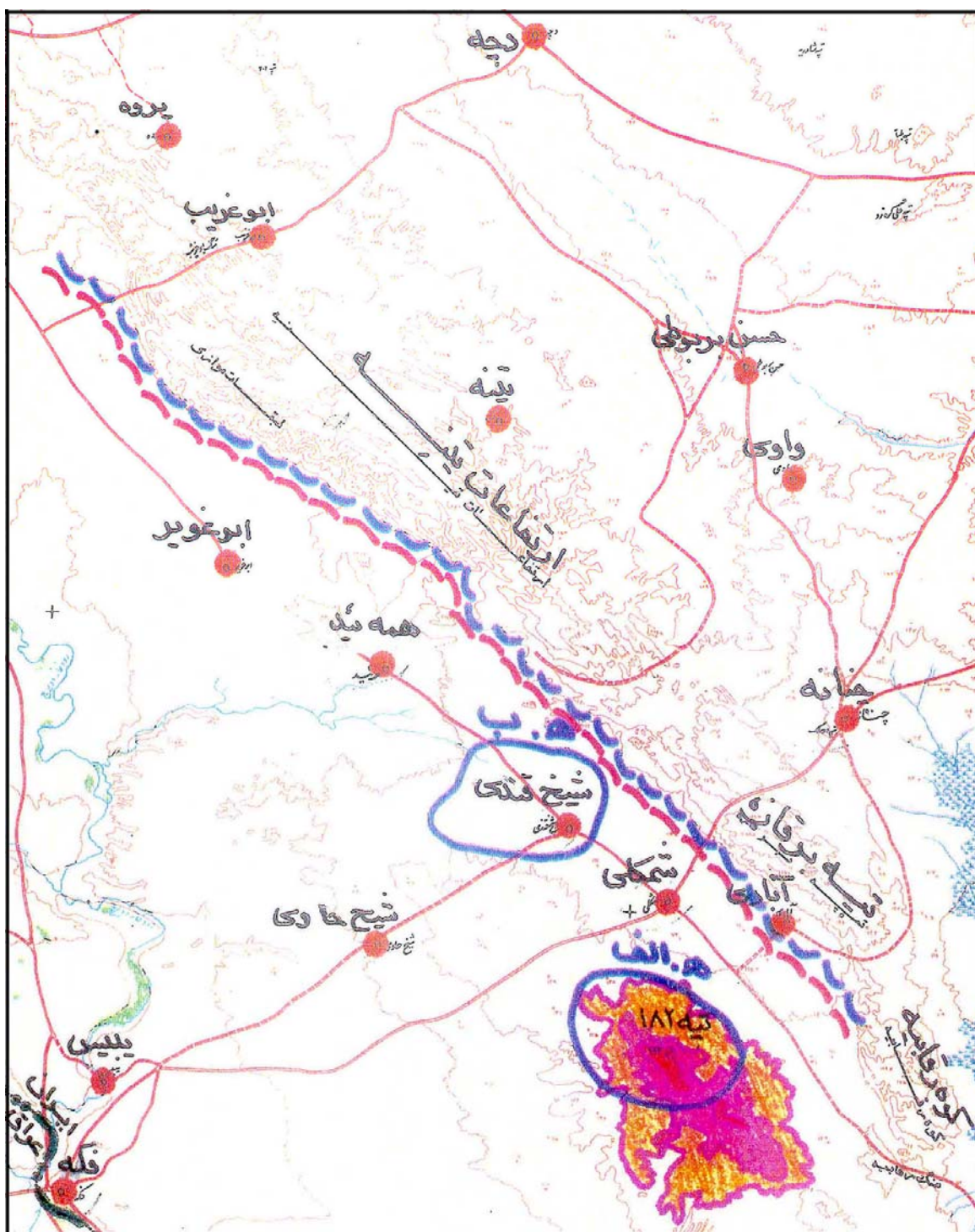
نقشه شماره ۱۴



منطقه طرح ریزی شده در حین هدایت عملیات، برای اجرای عملیات مرحله دوم عملیات بیت المقدس

(تغییر در ماه نور طرح ریزی شده اولیه)

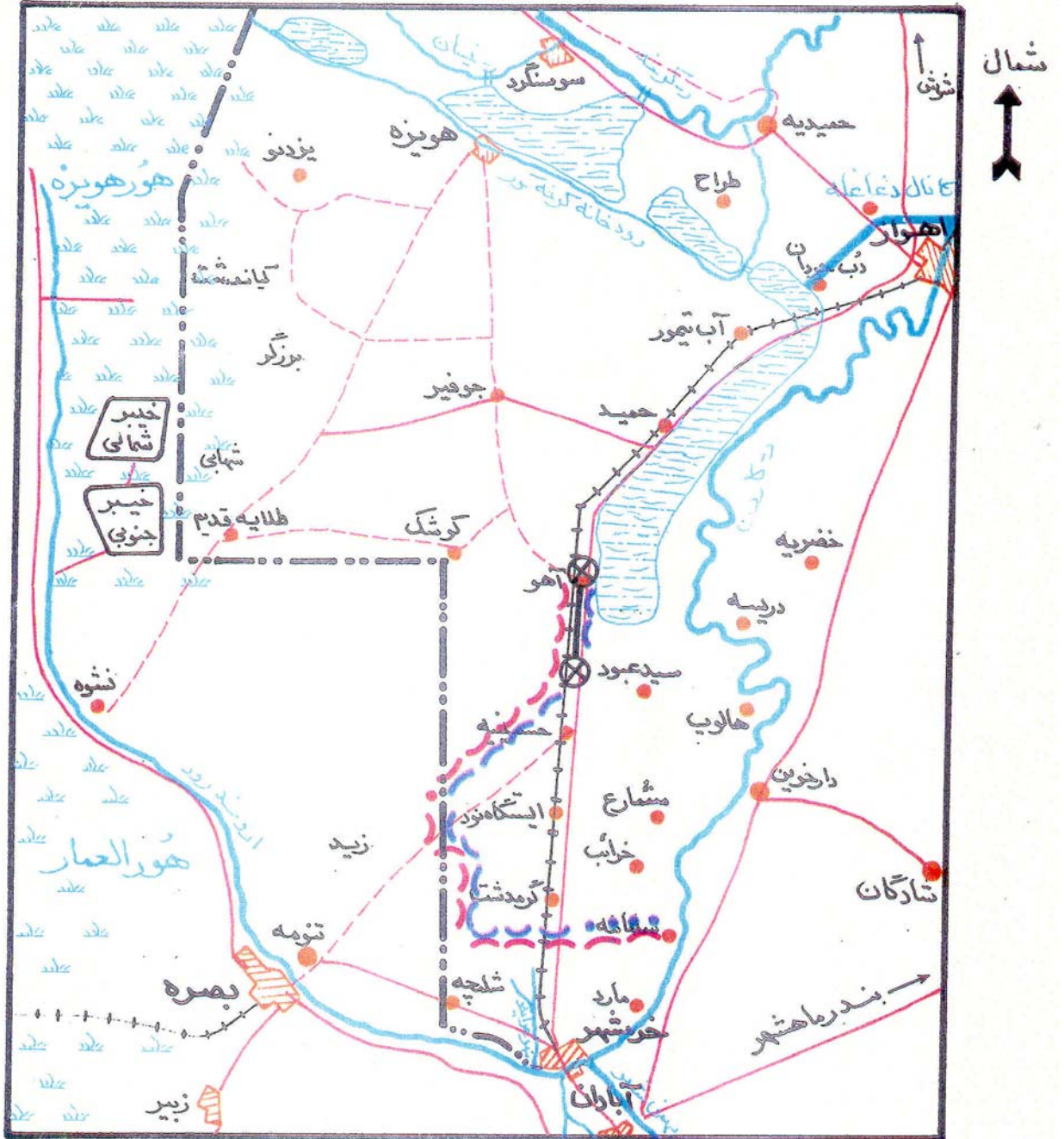
مربوط به صفحه ۱۰۸



هدف‌های طرح‌ریزی شده عملیات امیرالمومنین (ع) در منطقه
عمومی فکه که توسط لشکر ۷۷ خراسان و پیگان‌هایی از سپاه
پاسداران اجراء گردید

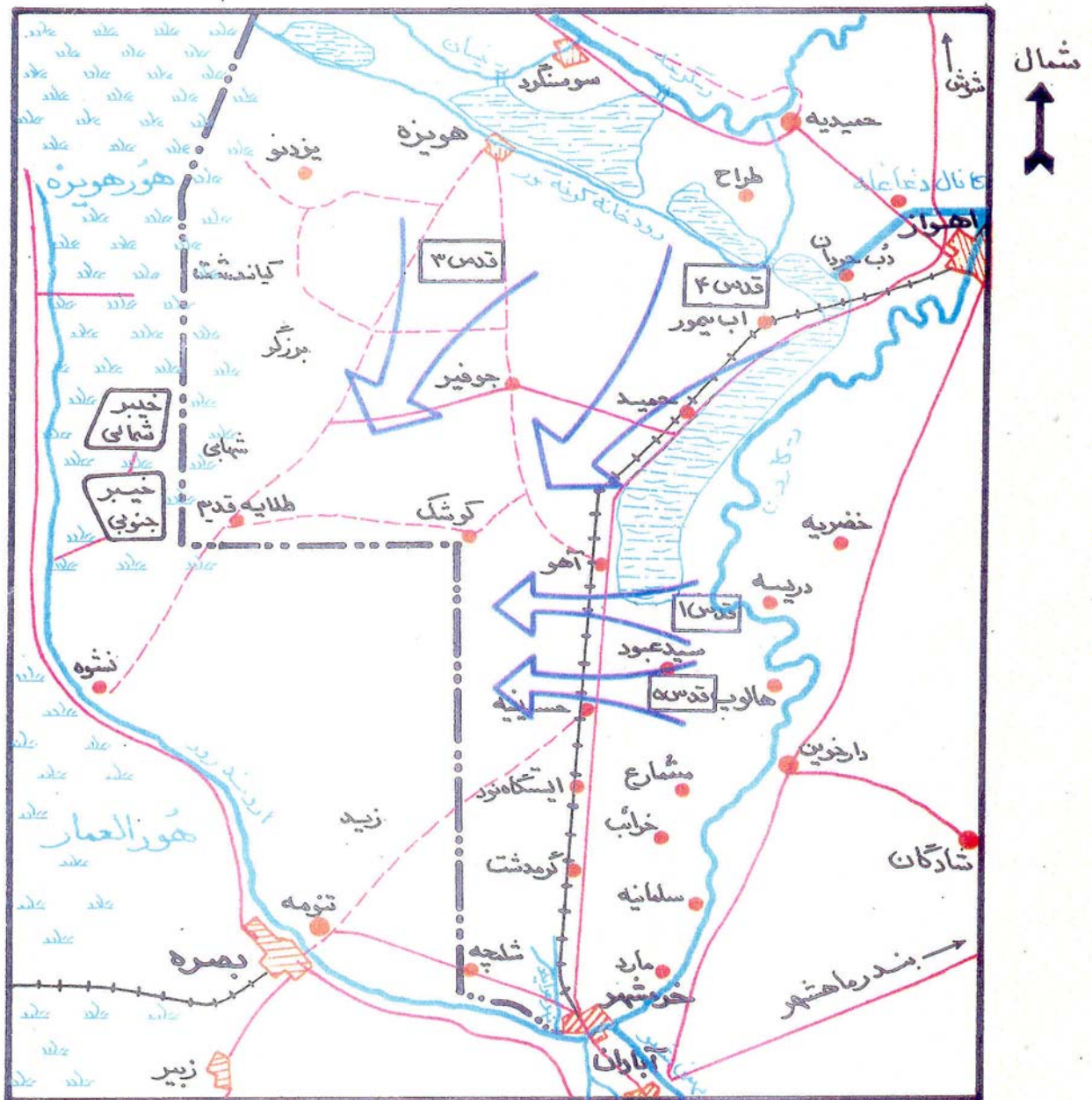
مربوط به صفحه ۱۱۰

نقشه شماره ۱۶

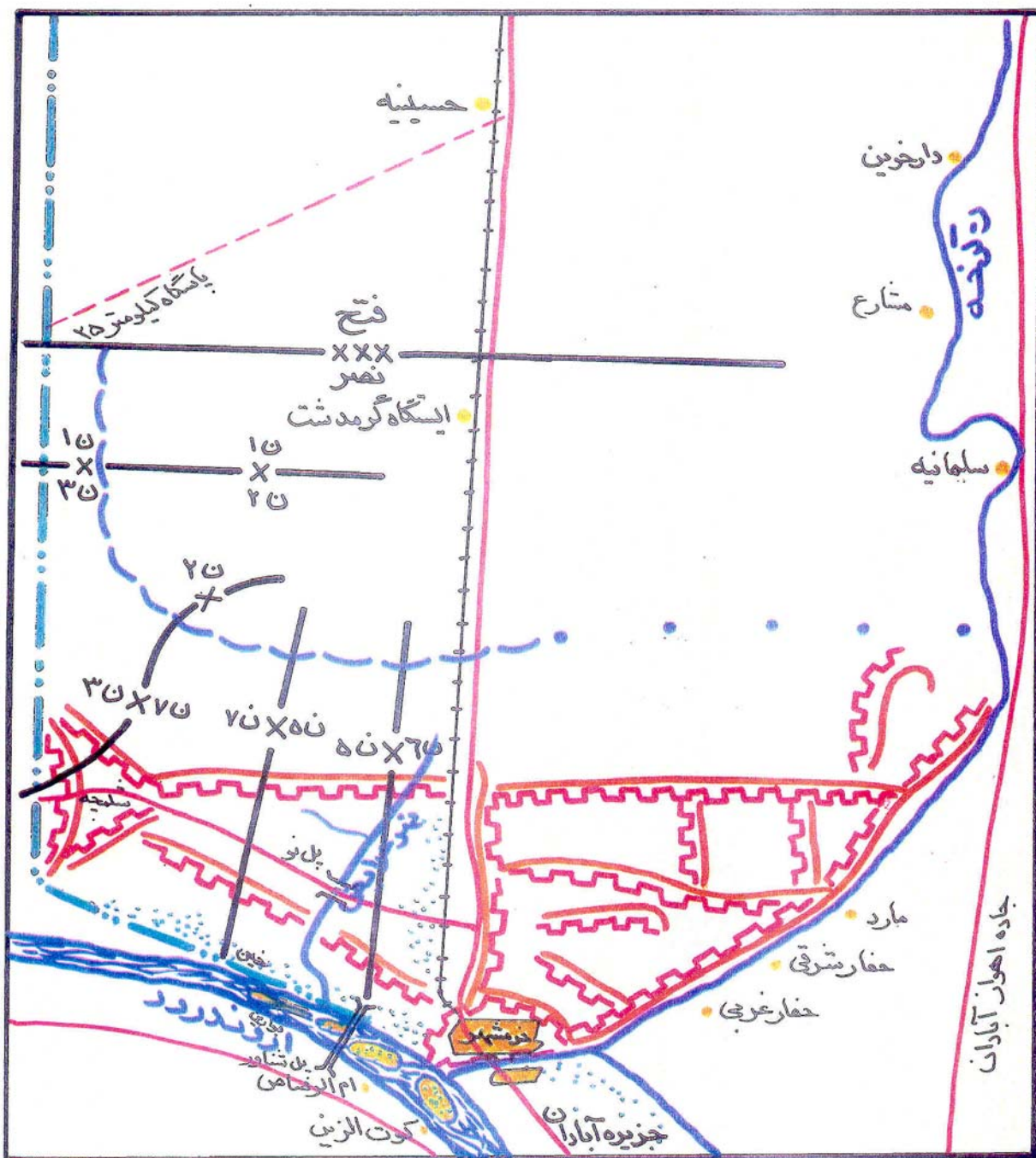


منطقه آزاد شده در عملیات مرحله دوم عملیات بیت المقدس (۶۱/۲۹۱۷)

(فاصله قرا رکا ه نصر از خط مرز ۳ و تا خرمشهر حدود ۱۲ کیلومتر)

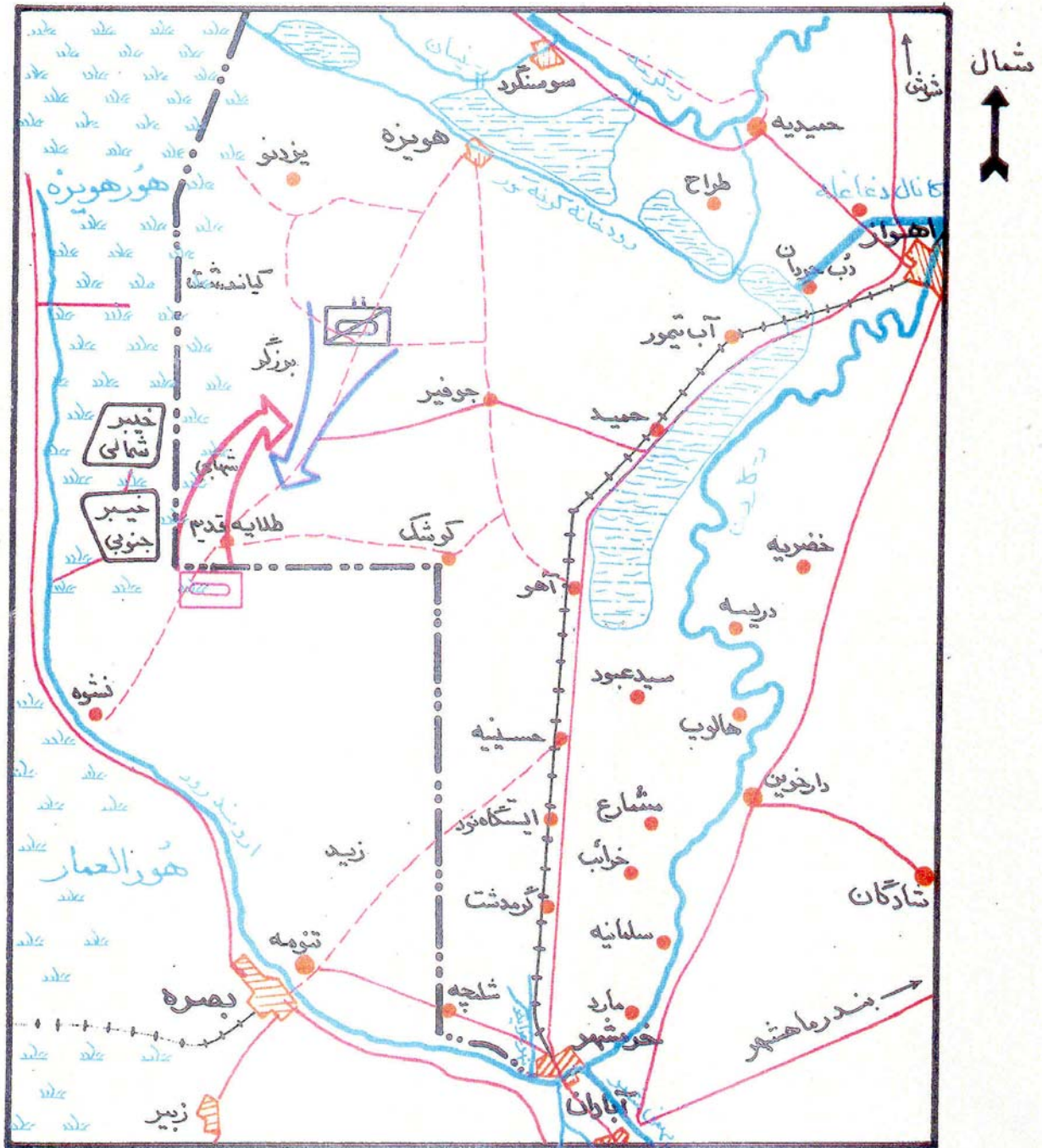


ما نورقرا رگا ه قدس در حرکت برای اخذ تماس با متجا وز پس از عقب نشینی نیروهای دشمن در ۶۱/۲/۱۸ از منطقه عمومی جفیر



ما نورمراگه نصر برای احاطه خرمشهر و تا مین مرز و شلمچه در عملیات شب بیستم و بیست و یکم و اردیبهشت ماه ۶۱ و آخرین حد پیشروی بشهر خرمشهر تا تاریخ ۶۱/۲/۲۱ (فاصله تا خرمشهر ۹ کیلومتر)

نقشه شماره ۱۹

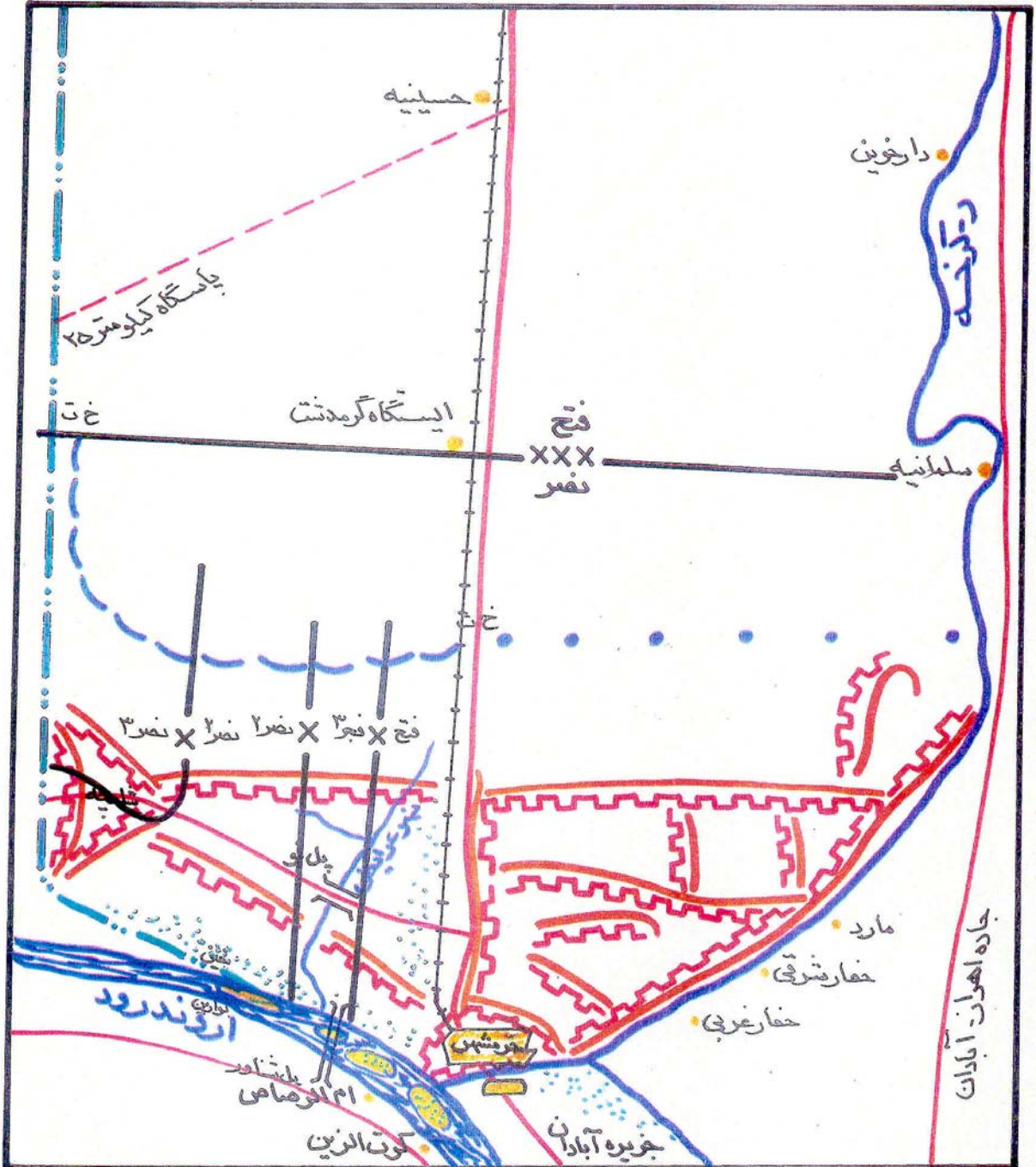


تک معدوده ششم به یگان پهلو و ارتیب ۳ رومی لشکر در منطقه با سکا و زاده رومی شاه پرسی در

۵۱/۲/۴۲

مربوط به صفحه ۱۳۴

نقشه شماره ۲۰



آخرین طرح قرارگاه کربلا برای احاطه خرمشهر از غرب و تا صین خط مرز در منطقه قرارگاه نصر (دستور جزء بجزء شماره ۹) عملیات ۶۱/۳/۱

تصاویر



از خون جوانان وطن لاله دمیدست



نمایی از موانع پدافندی نیروهای دشمن در حومه خرمشهر در مقابل تهاجم احتمالی نیروهای هوای ارتش جمهوری اسلامی



نمایی از عبور یگان‌ها از یکی از پل‌های شناور روی رودخانه کارون



نمایی از یکی دیگر از پل‌های شناور نظامی PMP نصب شده در روی رودخانه کارون



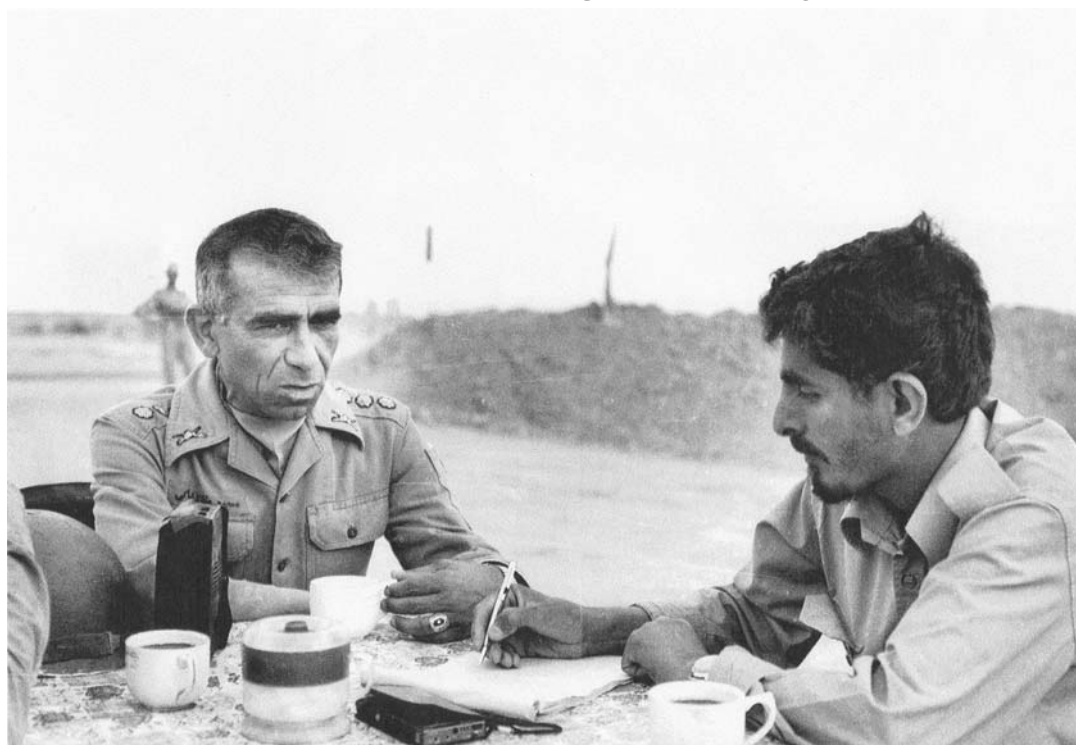
نمایی از یکی از مواضع پدافندی ساقط شده دشمن



نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از عملیات بیت‌المقدس



خلبانان شجاع هوانیروز در پشتیبانی از عملیات بیت المقدس حماسه‌ها آفریدند



شهید سرهنگ مسعود منفرد نیای فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و قرارگاه فتح



نمایی از خرمشهر در نخستین روزهای آزادی پس از ۱۹ ماه اشغال



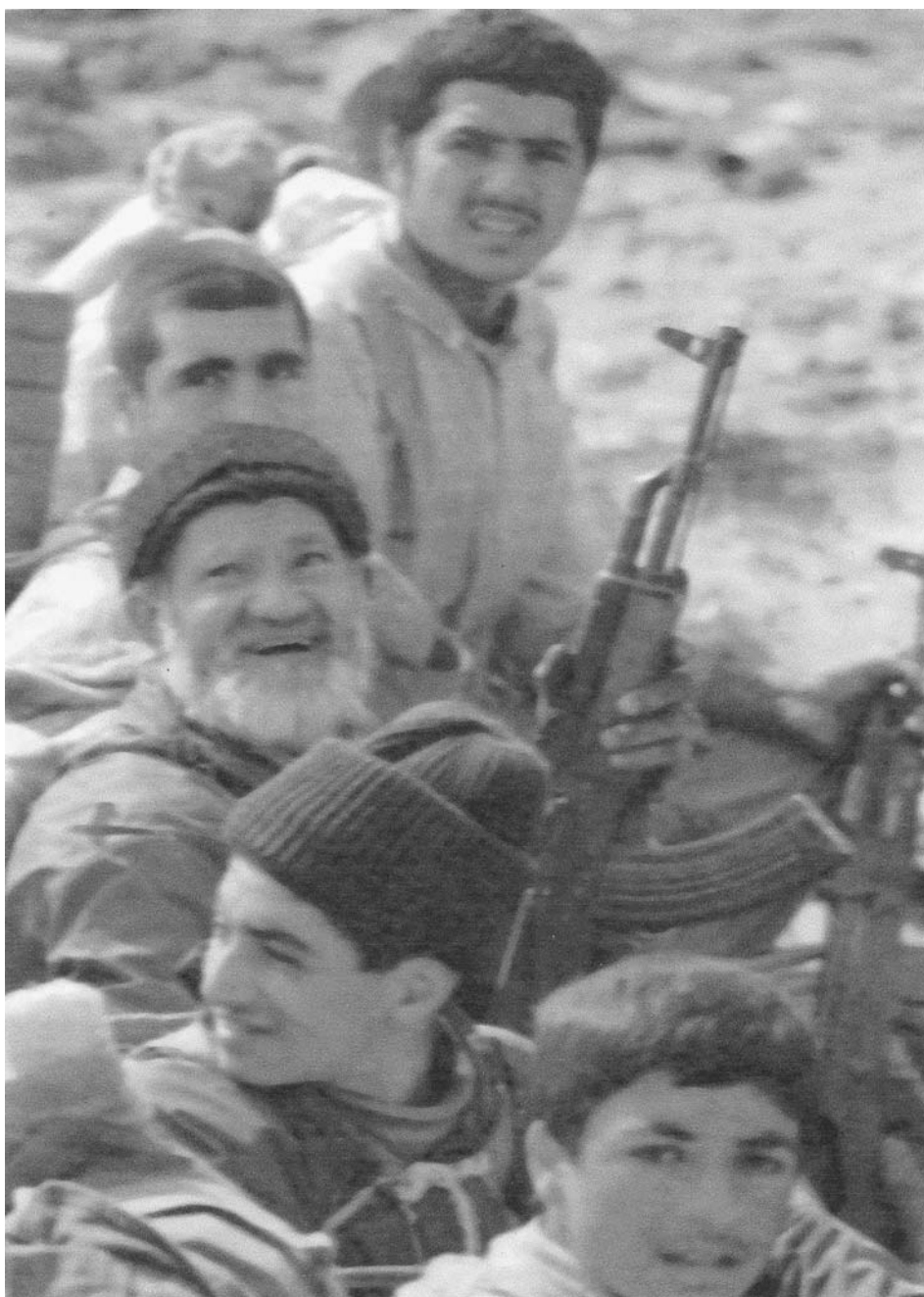
نمایی از تخریب خرمشهر توسط متجاوز



مسجد جامع خرمشهر پس از ۱۹ ماه اشغال و تجاوز، اندکی پس از آزادسازی خرمشهر، زیارتگاه رزمندگان دلیر ایران شد



یکی از تانک‌های سنگین چيفتن يگان‌های زرهی ارتش در موضع



نیروهای مردمی سرشار از شادمانی آزاد سازی خرمشهر

تصاویری از فرماندهان شرکت کننده در عملیات بیت المقدس در بازدید از منطقه و ثبت و ضبط خاطرات خود به همراه گروهی از دانشجویان دانشکده افسری نیروی زمینی



جلسه بحث و بررسی پیرامون عملیات بیت المقدس با شرکت از چپ به راست: امیر سرتیپ سید حسام هاشمی، شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، ریاست عقیدتی سیاسی قرارگاه جنوب، امیر سرتیپ ۲ عبدالحسین مفید، امیر سرتیپ ۲ محسن شاهان، امیر سرتیپ ۲ مسعود بختیاری، امیر سرتیپ فرض اله شاهین راد



توجیه فرماندهان عملیات بیت المقدس روی جعبه شنی در لشکر ۹۲ زرهی اهواز



توجیه روی نقشه با حضور تعدادی از فرماندهان



امیر سرتیپ ۲ ایرج جمشیدی فرمانده تیپ یکم زرهی لشکر ۱۶ به همراه تعدادی از فرماندهان آن لشکر



امیر سرتیپ کریم عبادت همراه با تعدادی از فرماندهان لشکر ۹۲ زرهی



شهید سپهبد علی صیاد شیرازی به همراه تعدادی از افسران قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب



پل احدائی بر روی رودخانه کارون (محل عبور قرارگاه فتح)



تعدادی از فرماندهان قرارگاه فتح در عملیات بیت المقدس در کنار رودخانه کارون



جلسه توجیهی فرماندهان قرارگاه نصر توسط امیر سرتیپ حسین حسینی سعدی فرمانده لشکر ۲۱ پیاده قرارگاه نصر



شهید سپهبد علی صیاد شیرازی و حاج آقا موسوی نوری نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهرستان خرمشهر



امیر سرتیپ ۲ مسعود بختیاری هنگام توجیه فرماندهان در عملیات بیت المقدس



عبور نیرو با طرادہ جی اس پی از روی رودخانہ کارون

فهرست اسناد در لوح فشرده همراه این کتاب

فهرست اسناد

فصل اول

اسناد قرارگاه کربلا

صفحه	عنوان سند
۱۲	دستور جزء به جزء شماره ۴ کربلا ۲ در تاریخ ۶۱/۱/۹
۱۵	برآورد اطلاعاتی شماره ۱۰ ق کربلا ۶۱/۱/۲۳
۳۱	دستور العمل تشکیل قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب در تاریخ ۶۱/۱/۳۱
۳۳	طرح عملیاتی کربلا ۳ در فروردین ماه به شماره اعلام وصول ص ۸
۴۵	پیرو طرح عملیاتی کربلا ۳ به شماره ۵۲-۱۳-۳۰۰۱-۶۱/۲/۵ (تدبیر عملیات در مورد مرحله بندی)
۴۷	طرح عملیاتی کربلا ۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۶۱/۱/۲۰
۵۰	فعال شدن قرارگاه گروه ۳۳ توپخانه در صنایع فولاد اهواز در ۶۱/۲/۲ و اعلام هوشیاری و آمادگی به یگان‌ها در تاریخ ۶۱/۲/۱
۵۱	پیوست ت (طرح پشتیبانی آتش) به طرح عملیاتی کربلا ۳
۵۵	ضمیمه ۱ (آتش پشتیبانی هوایی) به پیوست ت (طرح پشتیبانی آتش)
۶۰	پیوست ث (پشتیبانی هوانیروز) به طرح عملیاتی کربلا ۳
۶۴	پیوست ج (مهندسی) به طرح عملیاتی کربلا ۳، ضمیمه ۱ (طرح عبور) به پیوست ج
۷۲	بررسی در مورد ابعاد ۱- ابعاد سرپل در غرب کارون ۲- زمان شروع تک ۳- راههای کار ۴- امکانات و مقدمات مهندسی از نظر عبور از رودخانه
۸۲	نامه سماجا (اعتقادات سماجا در رابطه با طرح کربلا ۳ در اردیبهشت ماه ۶۱
۸۵	پلسخ قرارگاه عملیاتی کربلا در جنوب به سماجا در تاریخ ۶۱/۲/۹
۸۶	اعلام رمز عملیات بیت‌المقدس در ۶۱/۲/۹
۸۷	گزارشات نوبه‌ای برای عملیاتی شماره ۷،۶،۵،۴،۳،۲،۱ در تاریخ ۶۱/۲/۱۰
۹۲	دستور جزء به جزء شماره ۱ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۱۱
۹۴	در مورد چگونگی پشتیبانی نهاجا طی شماره ۱۵۰-۱۳-۳۰۰۱-۶۱/۲/۱۱
۹۵	گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۱۰،۹،۸ در تاریخ ۶۱/۲/۱۱
۹۸	گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۱۲،۱۱ در تاریخ ۶۱/۲/۱۲
۱۰۰	دستور جزء به جزء شماره ۲ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۱۳
۱۰۴	گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۱۶،۱۵،۱۴،۱۳ در ۶۱/۲/۱۳
۱۰۷	گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۱۸،۱۷ در ۶۱/۲/۱۴

- ۱۰۹ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۲۱،۲۰،۱۹ در ۶۱/۲/۱۵
- ۱۱۲ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۲۳،۲۲ در ۶۱/۲/۱۶
- ۱۱۵ دستورات هوشیاری در رابطه با تحکیم مواضع و آماده مقابله با پاتک‌های دشمن در ۶۱/۲/۱۷
- ۱۱۷ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۲۷،۲۶،۲۵،۲۴ در ۶۱/۲/۱۷
- ۱۲۱ گزارشات نوبه‌ای شماره‌های ۳۰،۲۹،۲۸ در تاریخ ۶۱/۲/۱۸
- ۱۲۴ دستور جزء به جزء شماره ۳ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۱۹
- ۱۲۷ دستور جزء به جزء شماره ۴ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۱۹
- ۱۲۸ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۳۳،۳۲،۳۱ در ۶۱/۲/۱۹
- ۱۳۰ دستور جزء به جزء شماره ۵ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۲۰
- ۱۳۲ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره‌های ۳۴ در ۶۱/۲/۲۰
- ۱۳۴ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۵ در ۶۱/۲/۲۱
- ۱۳۶ دستور جزء به جزء شماره ۶ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۲۲
- ۱۳۷ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۷،۳۶ در ۶۱/۲/۲۲
- ۱۳۹ دستور جزء به جزء شماره ۷ در ۶۱/۲/۲۲
- ۱۴۱ بررسی دستورات جزء به جزء توسط مد عملیات در لویزان در ۶۱/۲/۲۳
- ۱۴۳ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۰ در ۶۱/۲/۲۵
- ۱۴۵ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۲،۴۱ در ۶۱/۲/۲۶
- ۱۵۰ دستور جزء به جزء شماره ۸ در ۶۱/۲/۲۶ و پیرو آن در ۶۱/۲/۲۷
- ۱۵۷ نامه ۵۵-۰۶-۲۰۱-۲س مورخ ۶۱/۲/۲۶ سماجا در مورد تهدیدات در جبهه عمومی اهواز، خرمشهر
- ۱۵۸ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۳ در ۶۲/۲/۲۷
- ۱۵۹ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۴ در ۶۱/۲/۲۸
- ۱۶۲ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۵ در ۶۱/۲/۲۹
- ۱۶۴ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۶ در ۶۱/۲/۳۰
- ۱۶۵ دستور جزء به جزء شماره ۹ کربلا ۳ در ۶۱/۲/۳۰
- ۱۶۷ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۷ در ۶۱/۲/۳۱
- ۱۶۸ نامه ۵۹-۰۶-۲۰۱-۲س مورخ ۶۱/۲/۳۱
- ۱۷۱ اعلان تک به منظور تأمین خرمشهر در ساعت ۲۳۳۰ روز ۶۱/۳/۱
- ۱۷۴ گزارشات نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۸ در ۶۱/۳/۲
- ۱۷۵ نامه ۶۳-۱۰-۱۳-۳۰۰۱ در ۶۱/۳/۲
- ۱۷۶ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۴۹ در ۶۱/۳/۳
- ۱۷۸ دستور جزء به جزء شماره ۱۰ کربلا ۳ در ۶۱/۳/۳
- ۱۸۰ گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۰ در ۶۱/۳/۴

۱۸۲	شرکت پرسنل منتخب گردانها در نماز شکرگذاری در ۶۱/۳/۴
۱۸۳	تقدیر و تشکر از فداکاری پرسنل نیروی هوایی در ۶۱/۳/۵
۱۸۴	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۱ در ۶۱/۳/۵
۱۸۵	دستور جزء به جزء شماره ۱ کربلا در ۶۱/۳/۵
۱۹۴	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۲ در ۶۱/۳/۶
۱۹۵	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۳ در ۶۱/۳/۷
۱۹۶	پیام تبریک سماجا در ۶۱/۳/۸
۱۹۷	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۴ در ۶۱/۳/۸
۱۹۸	دستور جزء به جزء شماره ۸ هواپرد در ۶۱/۳/۸
۲۰۲	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۵ در ۶۱/۳/۹
۲۰۳	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۶ در ۶۱/۳/۱۰
۲۰۴	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۷ در ۶۱/۳/۱۱
۲۰۵	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۸ در ۶۱/۳/۱۲
۲۰۶	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۵۹ در ۶۱/۳/۱۳
۲۰۷	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۰ در ۶۱/۳/۱۴
۲۰۸	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۱ در ۶۱/۳/۱۵
۲۰۹	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۲ در ۶۱/۳/۱۶
۲۱۰	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۳ در ۶۱/۳/۱۷
۲۱۱	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۶۴ در ۶۱/۳/۱۸
۲۱۲	گزارش نوبه‌ای عملیاتی سمان ۶۵ در ۶۱/۳/۱۹
۲۱۳	گزارش نوبه‌ای عملیاتی سمان ۶۶ در ۶۱/۳/۲۰
۲۱۴	نامه به سماجا ۴ در مورد ترابری تی ۵۸ به سوریه در ۶۵۱/۳/۲۰
۲۱۵	نامه ۱۵۸۶-۱۳-۳۰۰۱-۶۱/۳/۲۰ در مورد تصویب خروج از ایران در مجلس عراق
۲۱۶	نامه ۱۷-۰۸-۲۰۱-۳۵ به سماجا در مورد اولین گردان تی ۵۸ و نامه ۱۸۹-۱۳-۳۰۰۱-۶۱/۳/۱۷ ق م نزاجا در جنوب
۲۱۷	پیام ۳۴۵-۲۰۱/۰۸- مورخ ۶۱/۳/۲۲ مد عملیات نزاجا
۲۱۸	گزارش عقب نشینی دشمن از حمزین ، موسیان و چزابه در ۶۱/۳/۲۳
۲۱۹	گزارش اعزام اولین گردان تی ۵۸ در ۶۱/۳/۲۲ به سوریه و اینکه تی ۵۸ در کنترل نزاجا قرار می‌گیرد.
۲۲۰	گزارش ۱۰-۰۳-۳۰۰۱-۶۱/۳/۲۴ مرکز فرماندهی نزاجا در مورد عقب نشینی عراق
۲۲۱	نامه ۴۹-۱۴-۳۰۰۱-۶۱/۳/۲۷ به قرارگاه قائم در مورد تأمین مناطق نزدیک شده
۲۲۲	تعمیر ماموریت تی ۵۸ در ۶۱/۳/۲۹
۲۲۴	برنامه باز سازی تی ۵۸ در ۶۱/۳/۳۰

۲۲۵	دستورات به قرارگاه های تابعه در ۶۱/۳/۳۱ پیرو جلسه توجیهی ۶۱/۳/۳۱
۲۲۶	جدول تلفات خودی در عملیات بیت المقدس
۲۲۸	دستور جزء به جزء شماره ۱۲ در ۶۱/۳/۳۱ صادره از قرارگاه کربلا
۲۲۹	دستور جزء به جزء شماره ۱۲ در تیر ماه ۶۱

فصل دوم

اسناد قرارگاه قدس

عنوان سند

صفحه

۲۳۲	آغاز به کار قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۲
۲۳۳	طرح عملیاتی قرارگاه قدس در اردیبهشت ماه ۶۱
۲۴۶	تغییرات طرح عملیاتی در تاریخ ۶۱/۲/۷
۲۴۶	رها نمودن گد ۲۲۱ سوار زرهی در تاریخ ۶۱/۲/۷
۲۴۸	تصویب سرریل پیشنهادی قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۹
۲۴۹	تأکید ق کربلا بر مداومت حفظ فشار بر دشمن در تاریخ ۶۱/۲/۹
۲۵۰	گزارش وضعیت و گزارش نوبه‌ای شماره ۴۲ قدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۱
۲۵۴	دستور جزء به جزء شمار ۲ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۲
۲۵۷	گزارش نوبه‌ای تاریخ ۶۱/۲/۱۳
۲۵۸	دستور جزء به جزء شماره ۴ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۸
۲۶۱	گزارش وضعیت یگانهای قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۹
۲۶۲	خلاصه اطلاعاتی شماره ۵۳۹ در تاریخ ۶۱/۲/۱۸
۲۶۳	دستور توقف یگانها روی خط خیز قرمز، رها نمودن گردان ۵۰۷ و یگان فارسیات ژاجا در تاریخ ۶۱/۲/۱۹
۲۶۴	دستور جزء به جزء شماره ۵ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۱۹
۲۶۷	گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۸۲ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۲۲ و درگیری قدس ۳ در جنوب پاسگاه شهابی
۲۶۸	دستور جزء به جزء شماره ۶ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۲/۲۲
۲۷۱	دستورات قرارگاه قدس به یگانهای تابعه در رابطه با تکمیل خط پدافندی
۲۷۲	خلاصه گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۸۷ و گزارش تغییر مکان قدس ۱ در ۶۱/۲/۲۵
۲۷۳	خلاصه گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۹۹ و شماره ۱۰۱ در مورخه ۶۱/۳/۲
۲۷۴	دستور جزء به جزء شماره ۹ قرارگاه قدس در تاریخ ۶۱/۳/۷
۲۷۸	تعویض تیپ ۳۷ با تیپ ۳ لشکر ۷۷ و خلاص گزارش نوبه‌ای عملیاتی ۱۱۷ در مورخه ۶۱/۳/۱۱

فصل سوم

اسناد قرارگاه فتح

عنوان سند

صفحه

۲۸۰	استقرار پاسگاه فرماندهی ل ۹۲ در ۶۱/۱/۲۳ در منطقه مورد نظر (درپسه)
۲۸۰	استقرار تی ۳۷ در خضریه در ۶۱/۱/۳۱
۲۸۲	استقرار تی ۵۵ هوابرد در منطقه درپسه - رمانی گد ۲۲۱ س ز توسط ل ۱۶ الحاقی به ق فتح گد ۲۳۸ بلال از تاریخ ۶۱/۲/۳ زیر امر ل ۹۲ (امر به کورخه ۶۱/۱/۳۱)
۲۸۳	استقرار تیپ ۲ زرهی ل ۹۲ در منطقه جدید ۶۱/۲/۶
۲۸۳	دستورهای تیپ ۳ ل ۹۲ از منطقه فتح‌المبین توسط ل ۷۷ از ۱۵ اردیبهشت ماه ۶۱
۲۸۴	طرح عملیاتی ذوالفقار اردیبهشت ۶۱
۲۹۳	اعزام و استقرار یگانی به استعداد مناسب در حدود ۳ کیلومتری جلوی خط سرپل ۶۱/۲/۱۱
۲۹۴	نامه ق فتح به فتح ۴ جهت استقرار یگان مناسب در حدود ۳ کیلومتری جلوی خط سرپل ۶۱/۲/۱۱
۲۹۶	قدس ۱ از تاریخ ۶۱/۲/۱۴ در کنترل قرارگاه فتح که فتح ۴ را تعویض نمود (فتح ۵)
۲۹۷	گزارش نوبه‌ای ۳۶۲ ل ۹۲ در ۶۱/۲/۱۵
۲۹۹	شناسایی منطقه بین آبگرفتگی و حفاظت جناح راست - گزارش نوبه‌ای ۳۶۳ در تاریخ ۶۱/۲/۱۶
۳۰۱	استقرار فتح ۵ در منطقه در تاریخ ۶۱/۲/۱۶، در تاریخ ۶۱/۲/۱۶
۳۰۲	گزارش نوبه‌ای ۳۶۴ در ۶۱/۲/۱۷
۳۰۵	گزارش نوبه‌ای ۴۸۱ در ۶۱/۲/۱۷
۳۰۶	گزارش نوبه‌ای ۴۸۲ در ۶۱/۲/۱۷
۳۰۷	به کار گیری تیپ ۲ (فتح ۲) در جناح جنوبی قرارگاه فتح در ۶۱/۲/۱۷
۳۰۸	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۱۸ و ۶۱/۲/۱۹
۳۰۸	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۱۹
۳۱۱	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۴
	تعویض تیپ ۲ ل ۹۲ با تیپ ۲ ل ۱۶ ، استقرار تیپ ۳ از دژ ۶، دژ ۸، پوشاندن منطقه جنوب آبگرفتگی (شمال تیپ ۳۷) توسط گد ۲۸۳ و دو گد از تیپ ۵۸
۳۱۶	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۶، تعویض قدس ۲ توسط فتح ۱
۳۱۵	استقرار مجدد ق فتح در منطقه مربوط در ۶۱/۲/۲۶
۳۱۴	اشکالات دستور جزء به جزء ق فتح در ۶۱/۲/۲۷

۳۱۶	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۷
۳۱۷	دستور جزء به جزء شماره ۶ ق فتح در مورخه ۶۱/۲/۲۷
۳۲۰	اختصاص گد ۳۲۰ در کنترل عملیاتی تی ۲ هنگام درگیری در ۶۱/۲/۲۹، اعزام یک گروه گردان به منطقه ایستگاه حسینیه توسط تی ۲ ل ۹۲
۳۲۱	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۹، خنثی نمودن پاتک دشمن در ۶۱/۲/۲۹ و گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۹
۳۲۵	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۲۹ الی ۶۱/۲/۳۰
۳۲۵	اختصاص یک گد توپخانه برای تیپ‌های امام حسین نجف توسط ل ۹۲ در ۶۱/۲/۳۰ و گزارش نوبه‌ای ۶۱/۲/۳۱
۳۲۶	دستور جزء به جزء شماره ۷
۳۲۹	دستور جزء به جزء شماره ۸ ق فتح در ۶۱/۳/۳
۳۳۲	پیرو دستور جزء به جزء شماره ۱۰ (تشکیل فتح ۴ به فرماندهی ف تیپ ۲۳ نوه‌د) در ۶۱/۳/۳
۳۳۳	دستور آگهی به ف تی ۲ ل ۹۲ جهت آمادگی بکار هر کدام از قرارگاه (۶۱/۳/۳)
۳۳۳	تشکر از گد ۴۲۹ در ۶۱/۳/۵
۳۳۴	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۳/۵ الی ۶۱/۳/۶
۳۳۵	دستور جزء به جزء شماره ۹ ق فتح در ۶۱/۳/۶
۳۳۹	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۳/۸
۳۴۰	پروژه‌های بدر - تعویض تیپ ۱۴ امام حسین با گدا ۱۲ در ۶۱/۳/۱۲
۳۴۱	گد ۱۵۱ از تاریخ ۶۱/۳/۱۰ از زیر امر ل ۲۱ (تی) ۵۵ هوا برد که یکی از یگانهای عمده تحت کنترل عملیاتها ل ۲۱ بوده) رها شد
۳۴۲	رها نمودن عناصر بسیج منطقه استانی ۶۱/۳/۱۶
۳۴۳	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۳/۱۶ و ۶۱/۳/۱۷
۳۴۴	گزارش نوبه‌ای ۶۱/۳/۱۷، ترک منطقه توسط تیپ بیت المقدس ۶۱/۳/۱۹

فصل چهارم

اسناد قرارگاه نصر

صفحه	عنوان سند
۳۴۶	دستور العمل تعویض تی ۴۰ سراب ۶۱/۱/۱۵
۳۵۰	دستور العمل تعویض تیپ ۲ با تیپ ۴۰ سراب ۶۱/۱/۱۷
۳۵۸	دستور العمل تعویض تیپ ۲ بوسیله گروه رزمی حر از تاریخ ۶۱/۱/۲۱ به مدت دو روز
۳۵۸	قراردادن گد ۲۷۵- زیر امر تیپ ۲ و گروهان سوم زیرار گروه رزمی حر
۳۵۹	دستور جزء به جزء شماره ۸
۳۶۳	طرح عملیات نصرت اردیبهشت ۶۱
۳۷۴	سازمان برای رزم و سازمان برای رزم سپاه

۳۸۰	واگذاری مأموریت بی ۲۳ به یگان تکاور دریایی نداجا ورهائی گد ۸۰۳ توسط ۱۰۷۶ ژاندارمری ۶۱/۲/۱۳
۳۸۰	تک نصر در ۲/۱۱ به منظور تأمین جاده اهواز خرمشهر و تأمین خط ریل در ۲/۱۲ والحاق با ق فتح
۳۸۱	رهایی گد ۸۰۳ توسط ۲۰۳ ژاندارمری مارد
۳۸۲	دستور جزء به جزء شماره ۲ (تیپ و تحکیم خط سرپل قرارگاه نصر و طرح تک به سمت مرز
۳۸۶	تک در ۲۱۳۰ روز ۶۱/۲/۱۶ با رمز یا علی ابن ابی طالب (گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۸۹)
۳۸۷	دستور جزء به جزء شماره ۳ (۶۱/۲/۱۹) تک به منظور تأمین خط رمز
۳۹۱	گزارش نوبه ای ۲/۱۹ الی ۶۱/۲/۲۰
۳۹۳	گزارش نوبه ای شماره ۳۴ در تاریخ ۶۱/۲/۲۰
۳۹۵	گزارش نوبه ای ۲/۲۰ الی ۶۱/۲/۲۱ قرارگاه نصر
۳۹۷	گزارش نوبه ای ۳/۱ الی ۳/۳
۳۹۸	گزارش نوبه ای ۴۹ قرارگاه کربلا
۴۰۰	گزارش پیرو ۱۱۱۰-۱۳-۳۰۰۱ مورخه ۶۱/۳/۴ قرارگاه کربلا
۴۰۱	شرکت پرسنل در نماز شکر گذاری
۴۰۴	گزارش نوبه ای ۳/۳ الی ۳/۴ قرارگاه نصر
۴۰۹	تک نصر ۲ جهت تأمین پل اروند ۶۱/۳/۴

فصل پنجم

اسناد قرارگاه فجر

عنوان سند

صفحه

۴۱۲	دستور پدافندی قادر پدافند لشگر در منطقه فتح‌المبین فروردین ماه ۶۱
۴۲۳	دستور جزء به جزء شماره ۱ ۶۱/۲/۶۱ (رها نمودن تی ۳ ل ۹۲)
۴۲۶	دستور رهایی تیپ ۳ ل ۹۲ - وبقیه نظرات سماجا در رابطه با دستور عملیاتی قادر در ۶۱/۲/۹
۴۲۷	دستور آفندی در منطقه فتح‌المبین ۶۱/۲/۸
۴۳۴	تک فجر در ۶۱/۲/۱۱ و وضعیت فجر در ۶۱/۲/۱۱ (مرحله یکم عملیات امیر المومنین)
۴۳۵	خلاصه گردان نوبه ای ۶۱/۲/۱۱ ق فجر
۴۳۵	مرحله دوم عملیات امیر المومنین ۶۱/۲/۱۲
۴۳۶	وضعیت ق فجر تا ساعت ۱۸۰۰ ۶۱/۲/۱۲
۴۳۸	گزارش وضعیت ق فجر ۶۱/۲/۱۶ و (نصرت هدف های ب و پ) در ۶۱/۲/۱۶
۴۳۸	گزارش وضعیت ق فجر ۶۱/۲/۱۶ و خلاصه ۶۱/۲/۱۷
۴۳۹	امر به ق کربلا در تاریخ ۲۶۱/۲۳ در رابطه با اعزام یک تیپ (تیپ ۲) به منطقه خرمشهر جهت تعویض
۴۴۸	گزارش نوبه ای فجر ۳ در ۶۱/۳/۲
۴۵۰	گزارش اعزام تی ۳ به منطقه خرمشهر از ۶۱/۲/۲۸

۴۵۰	دستور جزء به جزء ق فجر ۳ در ۶۱/۳/۲
۴۵۰	دستور جزء به جزء به دستور ق فجر ۳ در ۶۱/۳/۳
۴۵۱	دستور عملیاتی فجر ۳ (در منطقه خرمشهر) (اواخر اردیبهشت)
۴۵۱	دستور واگذاری یک گد به قرارگاه نصر در ۶۱/۳/۳
۴۵۱	دستور جزء به جزء شماره ۲ ق فجر ۳ در ۶۱/۳/۸
۴۵۵	دستور عملیاتی شماره ۲ ق فجر
۴۶۱	دستور پدافندی قائم ل ۷۷ در خرداد ماه ۶۱
۴۶۵	تقدیر ف نزاجا در ۶۱/۳/۵

منابع

- ۱- پرونده عملیاتی طرح کربلا ۳:
بایگانی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۲- نبردهای عمده جنگ تحمیلی در خوزستان:
سرتیپ ۲ مسعود بختیاری- انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران- ۱۳۷۹
- ۳- خاطرات ثبت و ضبط شده فرماندهان یگان‌ها در عملیات بیت‌المقدس:
آرشیو هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»
- ۴- ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس:
انتشارات دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم-۱۳۷۳
- ۵- دفاع مقدس - نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال جنگ:
سرتیپ ۲ ستاد سید علی اشکان‌فر، سرتیپ ۲ ستاد عبدالله هادیان - معاونت طرح و برنامه نزا-۱۳۷۱
- ۶- ناگفته‌های جنگ - خاطرات شهید سپهبد صیاد شیرازی:
احمد دهقان، دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۸
- ۷- خرمشهر در اسناد ارتش عراق:
اصغر کاظمی - انتشارات دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۵
- ۸- از خونین شهر تا خرمشهر:
محمد درودیان - انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران - چاپ دوم ۱۳۷۳

نمایه

- آ
- آب تیمور: ۲۱، ۲۳
آبادان: ۱۳، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۳، ۵۴، ۵۹، ۶۱، ۹۴، ۱۵۱، ۱۹۶
آبیک: ۵۶، ۸۳
آیت الله مشکینی: ۹۲
- ا
- احمد زیدان، عراقی، سرهنگ: ۱۴۳، ۱۵۵
ارتفاعات آهنگران: ۱۶۵
اروندروند: ۱۳، ۲۱، ۲۶، ۳۳، ۴۰، ۴۳، ۷۵، ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۹۵
اژرک و چهار طاق؛ نام محل: ۲۲
اسلوبی، اصغر، سرهنگ: ۱۳۲
اشکان: پاسگاه ژاندارمری: ۱۲۲
افضلی، مهندس، ناخدا یکم: ۴۹
امام خمینی (ره): ۱۶۲، ۱۷۰
امیدیه: ۴۷، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۱۲۲
ایستگاه آهو: ۲۵، ۳۶، ۱۰۶، ۱۱۹
ایستگاه حسینیه: ۲۳، ۶۹، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۳۵، ۲۴۶
ایستگاه حمید: ۲۳، ۱۳۵
- ب
- باقری، حسن، پاسدار: ۵۰، ۵۱، ۵۲
برزگر، پاسگاه ژاندارمری: ۱۲۲
برقازه، ارتفاعات: ۸۳، ۸۴
بستان، شهر: ۳۱، ۸۱، ۱۶۹، ۱۹۹
بغداد، شهر: ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۹
بنی صدر: ۶۳
بهرامی، هوشنگ، سرهنگ زرهی: ۴۹
- بهمن شیر، رودخانه: ۲۶
بوارین، جزیره: ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۴
بیشگان: ۱۶۳
- پ
- پاسگاه زید: ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۳
پنجوبین: ۱۷۱
پورداراب، سعید، سرهنگ پیاده: ۴۹
پورمهران، ابراهیم، سرهنگ توپخانه: ۵۲
- ت
- تپه های رقابیه: ۸۳
تفرشی، علی عیسی، سرهنگ: ۴۹
تنگه چزابه: ۸۱
تنگه زلیجان: ۳۱
تنومه، شهرعراقی: ۲۳، ۲۹، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۱۱۶، ۱۴۴، ۱۴۵
تهران: ۹، ۵۷، ۶۱، ۸۵، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۶۱، ۱۹۵
- ج
- جابری پور، محمد، سرهنگ ۲ زرهی: ۴۹
جانگداز، علی، سرگرد مهندس: ۵۷
جرگه سید علی، جعفری، نام محل: ۲۲
جعفری، فتح الله، پاسدار: ۵۰
جمشیدی، ایرج، سرهنگ زرهی: ۴۹
جوادی، محمد، سرهنگ زرهی: ۴۹
- چ
- چنانه، نام محل: ۵۴، ۱۰۶، ۱۳۷، ۱۴۲

ح	ز
حافظ اسد: ۱۶۱	زمان فر، حسین، سرهنگ: ۴۹
حسنى سعدى، حسين، سرهنگ پياده: ۴۹	
حسنى مبارك: ۱۶۷	س
حسين اردنى: ۱۶۷	ساسان، پاسگاه ژاندارمرى: ۱۲۲
حمرين، ارتفاعات: ۱۶۳، ۲۴۳	سعدى نام، على، سرهنگ خلبان: ۴۹
	سلمانيه: ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۹۱، ۹۸، ۱۰۶، ۱۲۵
خ	
خاتمي، پاسگاه ژاندارمرى: ۱۲۲	سليماني، پاسدار: ۵۰
خادم الشريعه، پاسدار: ۵۰	سوسنگرد: ۲۲، ۳۳، ۵۴، ۱۶۹، ۱۸۷
خانقين: ۱۷۱	سيد جابر، نام محل: ۹۳، ۹۵، ۱۱۵
خرازى، حسين، پاسدار: ۵۰، ۱۴۴، ۱۴۵	سيد عبود، نام محل: ۳۶، ۶۸، ۹۵
خسروى، شهر مرزى: ۱۶۵	ش
خضريه، نام محل: ۸۵، ۹۲، ۲۴۵	شاهين راد، فرض اله، سرهنگ: ۴۹
خميس مخليف، سرهنگ عراقى: ۱۴۳	شريعتي، امين، پاسدار: ۵۰
خوش رو، پرويز، سرهنگ شهيد: ۴۹	شط العرب: ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۸۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۶۸
د	شهابى، پاسگاه ژاندارمرى: ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۰، ۲۴۴
دارخوين: ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۸۵	شيخ قندى، منطقه: ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۲
دالپرى، ارتفاعات: ۳۱	ص
دب سليمان، نام محل: ۹۵	صارمى، مجيد، سرهنگ: ۴۹
دب حردان، نام روستا: ۲۲	صدام حسين: ۷، ۳۳، ۵۵، ۱۱۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۹، ۱۹۶
دريسه، نام محل: ۳۶، ۲۴۵	صدرى، مهدى، سرهنگ: ۴۹، ۵۲
دشت آزادگان: ۱۹، ۵۹	صفرى كيا، بهروز، سرهنگ: ۵۲
دشت ذهاب: ۱۶۳	صقارى، پاسدار: ۵۰
دغاغله: ۲۲، ۲۶، ۴۷، ۸۳	صفوى، سيد على، سرهنگ: ۴۹، ۱۴۴، ۱۴۵
دوكوهه: ۵۹	صياد شيرازى، على، سپهيد شهيد: ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۳۹، ۴۶، ۴۹، ۶۲، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۶۳، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷
ر	
رئوفى، پاسدار: ۵۰	
رجبى راد، مسعود، سرهنگ: ۵۷	
رزمى، على، سرهنگ: ۴۹	
رضايى، محسن، فرمانده سپاه پاسداران: ۴۶، ۵۰، ۱۴۳	
رودكى، پاسدار: ۵۰	

کج کلاه، حسین، پاسدار: ۵۰	ط
گرخه، رودخانه: ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۷۵، ۸۲، ۱۵۳	طاهری، نام محل: ۲۳
کیاندشت، پاسگاه ژاندارمری: ۱۱۹، ۱۲۲	طراح، منطقه: ۹۳، ۹۵، ۱۰۲، ۱۱۵
گ	طلایه جدید: ۱۱۹
گرمدهشت: ۲۳، ۳۶، ۶۹، ۹۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹	طلایه قدیم: ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۶۰، ۱۶۳
۱۳۶، ۱۳۴، ۱۲۵، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۰۹	ظ
ل	ظهیرنژاد، قاسم‌علی، سرتیپ: ۲۱، ۴۵، ۱۴۷
لطفی، سیروس، سرهنگ: ۴۹، ۵۱	ع
لهراسبی، محمد جعفر، سرهنگ زرهی: ۴۹	عبادت، کریم، سرهنگ: ۴۹
لویزان: ۸۵، ۲۴۲	عساکره، اسحاق، پاسدار: ۵۰
م	علیاری، یعقوب، سرهنگ: ۴۹
ماهشهر: ۶۰، ۹۴، ۱۴۸	علینور، رشید، پاسدار: ۵۰، ۵۱
متوسلیان، حاج احمد، پاسدار: ۵۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۱	عمار: ۴۳
۱۶۴	عین خوش: ۳۱، ۱۹۹
محمدی، محمد، سرهنگ ۲ پیاده: ۴۹	غ
محمدی فر، ناصر، سرگرد زرهی: ۱۰۹	غلامپور، احمد، پاسدار: ۵۰، ۵۱
مسعودی، نام محل: ۳۶	ف
مشارع، نام محل: ۳۶، ۶۸	فاو: ۲۶، ۴۳، ۷۰، ۱۵۳
مشهد: ۴۷، ۵۴، ۱۲۲	فرحزادی، محمود، سرهنگ ۲: ۴۹
معین‌پور، سرهنگ خلبان، فرمانده وقت نیروی هوایی: ۴۹	فرسیه، نام محل: ۹۳، ۹۵، ۱۱۵
ملیحان، نام محل: ۲۶	فضلی، علی، پاسدار: ۵۰
منفرد نیاکی، مسعود، سرهنگ زرهی: ۴۹، ۵۱	فکه: ۶، ۸۳، ۸۴، ۹۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۵۴، ۱۶۳
مهران: ۱۶۵، ۱۶۹	۱۶۵، ۱۹۸، ۱۹۹
موسیان: ۱۳۷، ۱۶۳، ۱۹۸، ۲۴۳	ق
ن	قربانی، مرتضی، پاسدار: ۵۰
نزیه یونس، سرتیپ عراقی: ۶۸	قیصریه، نام محل: ۲۳، ۹۳، ۹۵، ۱۱۹
نشوه: ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۹، ۱۱۷	ک
۱۵۹، ۱۱۹	کاظمی، احمد، پاسدار: ۵۰
نهر عرایض: ۶۸، ۸۴، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۱	
۱۵۰، ۱۴۸، ۱۴۴	

هورالعظیم: ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۳۱، ۵۶، ۷۶، ۸۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۷،

۱۳۵، ۱۳۶

هوشیار، بهرام، سرهنگ خلبان: ۵۴، ۵۵

هوشیار، کریم، سرهنگ توپخانه: ۵۲

هویزه: ۲۳، ۳۱، ۳۳، ۶۷، ۸۲، ۹۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۶۹

ی

یزدنی، پاسگاه ژاندارمری: ۱۲۲

نورایی، پاسدار: ۵۰

نورد: ۲۶، ۳۲، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۵

۵

هاشمی، علی، پاسدار: ۵۰

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، حجت الاسلام: ۶۴

هالوپ: نام محل، ۲۳، ۳۲، ۵۷، ۷۶

هفت تپه: ۵۹



هیأت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

Beitlmoghadas Offensive Operation
(April 30th 1982)

Brigadier General Masoud Bakhtiari

**War Cognizance Committee Of Martyr Lieutenant
General Ali Sayyad Shirazi**